



## Role of Information Disclosure Quality on the Relationship between Economic Policy Uncertainty and Stock Liquidity

Roya Darabi<sup>1\*</sup>, Sara Naseri Nasab<sup>2</sup>

1. Associate Professor of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran. \*Corresponding Author
2. PhD student of Accounting, Faculty of Economics and Accounting, South Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

Received: 2023/05/19

Accepted: 2023/10/07

### Abstract

Uncertainty of economic policy increases the information friction in the capital market due to disruption in future forecasting. As a result, the increase in information asymmetry reduces the tendency of investors to trade and affects liquidity. In this situation, managers respond to uncertainty shocks related to their company's information environment by providing more transparent information. This effect is especially greater for companies with weak information environments. Increasing the quality of the company's information disclosure helps the informed trading of securities so that the effects of information asymmetry caused by economic policy uncertainty and incorrect stock pricing are reduced. The purpose of this research was to investigate the role of information disclosure quality on the relationship between economic policy uncertainty and stock liquidity. The results of the research hypotheses test showed that there was a negative and significant relationship between economic policy uncertainty and stock liquidity; moreover, information disclosure quality reduced the negative effect of increasing economic policy uncertainty on stock liquidity.

**Keywords:** Information disclosure quality, Economic policy uncertainty, Stock liquidity.



## نقش کیفیت افشای اطلاعات بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام

رویا دارابی<sup>۱</sup>، سارا ناصری نسب<sup>۲</sup>

۱. دانشیار حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکترا حسابداری، دانشکده اقتصاد و حسابداری، واحد تهران جنوب، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۲/۲۹ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۷/۱۵

### چکیده

عدم اطمینان سیاست اقتصادی به دلیل ایجاد اخلال در پیش بینی آینده، اصطکاک اطلاعاتی را در بازار سرمایه افزایش می‌دهد. در نتیجه، افزایش عدم تقارن اطلاعاتی ایجادشده، گرایش سرمایه‌گذاران را برای خرید و فروش کاهش داده و بر نقدشوندگی تأثیر می‌گذارد. در این شرایط، مدیران با ارائه اطلاعات شفاف‌تر به شوک‌های عدم قطعیت مربوط به محیط اطلاعاتی شرکت خود پاسخ می‌دهند. این تأثیر به خصوص برای شرکت‌هایی که محیط‌های اطلاعاتی ضعیفی دارند بیشتر است. افزایش کیفیت افشای اطلاعات شرکت به معامله آگاهانه اوراق بهادار کمک می‌کند تا اثرات عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از نااطمینانی سیاست اقتصادی و قیمت‌گذاری نادرست سهام کاهش یابد. هدف این پژوهش بررسی نقش کیفیت افشای اطلاعات بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد: بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد و همچنین کیفیت افشای اطلاعات، تأثیر منفی افزایش عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را کاهش می‌دهد.

**کلمات کلیدی:** کیفیت افشای اطلاعات، عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام.

## مقدمه

به‌طور کلی نقدشوندگی<sup>۱</sup> توانایی برای تعداد زیاد معامله با سرعت بالا در هزینه پایین و با اثر قیمتی کم توصیف می‌شود. نقدشوندگی سهام، اساس کارکردهای بازار سرمایه مانند کشف قیمت، جریان اطلاعات و تخصیص منابع است (چن و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳)؛ و نشانه کیفیت، کارایی و سرزندگی شرکت‌ها و عاملی حیاتی برای عملکرد خوب بازار است (هندیجانی زاده<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳).

یکی از عوامل مؤثر بر نقدشوندگی سهام، عدم قطعیت سیاست اقتصادی<sup>۴</sup> است که به‌عنوان یکی از نیروهای محرک نوسانات تجاری در نظر گرفته می‌شود و اثرات اقتصادی آن در چند سال اخیر به‌خصوص پس از بحران مالی در سال ۲۰۰۸، توجهات زیادی را به خود جلب کرده است. در این زمینه دولت‌ها به‌منظور توسعه اقتصاد و ثبات جامعه، اصلاحات مالی، نظارتی و سایر سیاست‌های نظارتی خود را تغییر دادند که فشار نزولی بازار را تا حدی کاهش داد، اما نوساناتی را نیز به همراه داشت (ژانگ و وانگ، ۲۰۲۳). نقدشوندگی سهام تا حدی توسط عدم تقارن اطلاعاتی در میان معامله‌گران تعیین می‌شود (ژو و همکاران<sup>۵</sup>، ۲۰۲۳). در نتیجه استدلال می‌شود که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام -از طریق کانال اطلاعات- تأثیر منفی می‌گذارد. افزایش عدم قطعیت سیاست اقتصادی عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه را تشدید می‌کند و در جای خود، کارایی معاملات در بازار اوراق بهادار را مخدوش می‌کند (پاستور و ورونسی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳) تا جایی که تمایل سرمایه‌گذاران را برای تجارت اوراق بهادار کاهش می‌دهد. عدم قطعیت سیاست اقتصادی بالا منجر به افزایش عدم قطعیت ارزش شرکت، خروج معامله‌گران اوراق بهادار از بازار سرمایه و کم شدن نقدشوندگی می‌شود (ناگار و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۱۹). در نتیجه انتظار بر این است که اثرات واقعی عدم اطمینان بالای سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام، برای شرکت‌هایی با محیط‌های اطلاعاتی ضعیف شدیدتر باشد (فنگرانگ و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۲۲).

موضوع دیگری که در این زمینه دارای اهمیت است، مبهم بودن نقش کیفیت افشای اطلاعات<sup>۹</sup> بر رابطه بین عدم قطعیت و نقدشوندگی است. شرکت‌ها ممکن است برای حفظ مزیت‌های رقابتی، شفافیت را کاهش دهند، اطلاعات منفی را سرکوب کنند و صورت‌های مالی را برای اجتناب از الزامات نظارتی در زمان‌های عدم اطمینان بالای سیاست‌های اقتصادی دستکاری کنند. (دسالگان و ژو<sup>۱۰</sup>، ۲۰۲۱). همچنین افزایش در عدم قطعیت سیاست اقتصادی می‌تواند عدم تقارن اطلاعاتی بالا را از طریق کاهش افشای اطلاعات شرکت تشدید کند. هنگامی که عدم اطمینان زیادی وجود دارد، شرکت‌ها در مورد اینکه چه چیزی را افشا کنند و چه چیزی را افشا نکنند، دقت بیشتری می‌کنند. افشای داوطلبانه پرهزینه است به‌خصوص اگر اطلاعات منفی باشد؛ مدیران ممکن است تمایلی به افشای اطلاعات بیشتر به بازار نداشته باشند (چن و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، گزینه انباشت اخبار منفی توسط مدیران ممکن است در صورت عدم قطعیت سیاست اقتصادی بالا افزایش یابد (لو و ژانگ<sup>۱۲</sup>، ۲۰۲۰). علاوه بر این، شرکت‌ها در صورت عدم اطمینان در مورد بازار احتمال کمتری دارند پیش‌بینی‌های سود خود را افشا کنند (کیم و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۱۶) و تنها زمانی پیش‌بینی سود خود را آشکار می‌کنند که پیش‌بینی عملکردشان مثبت باشد (چن و همکاران، ۲۰۱۱)؛ بنابراین، اینکه آیا شرکت‌ها اطلاعات بیشتری را در طول دوره‌های افزایش عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی افشا می‌کنند یا نه هنوز یک سؤال تجربی است که نیاز به بررسی بیشتر دارد.

ادبیات قبلی نشان می‌دهد که افشای اطلاعات، محیط اطلاعاتی شرکت و نقدشوندگی سهام را بهبود می‌بخشد؛ اما این موضوع که آیا افشای اطلاعات می‌تواند اثرات منفی افزایش عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را کاهش دهد یا خیر

1 Stock Liquidity

2 Chen et al

3 Hendijani Zadeh

4 Economic Policy Uncertainty (EPU)

5 Xu et al

6 Pastor and Veronesi

7 Nagar et al

8 Fengrong et al

9 Information Disclosure

10 Desalegn &amp; Zhu

11 Chen et al

12 Luo and Zhang

13 Kim et al

تا اندازه‌ای مبهم است. از نظر تئوری، افزایش شفافیت اطلاعات، قیمت سهام را بهبود می‌بخشد، عدم اطمینان در مورد ارزش ذاتی اوراق بهادار را کاهش می‌دهد و تجارت آگاهانه اوراق بهادار را تشویق می‌کند. با توجه به مشکلی که سرمایه‌گذاران در ارزیابی کیفیت شرکت در محیط‌های نامشخص با آن مواجه هستند، شرکت‌های شفاف احتمالاً ارزش بالایی دارند و در دوره‌های افزایش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، سهام آنها نقدشوندگی بیشتری دارند (شوئنفلد، ۲۰۱۷).

مطابق با فرضیه شناسایی سرمایه‌گذار، با توجه به مشکلی که سرمایه‌گذاران در ارزیابی کیفیت شرکت در محیط‌های نامشخص با آن مواجه هستند، شرکت‌های شفاف احتمالاً ارزش بالایی دارند و در دوره‌های افزایش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، سهام آنها نقدشوندگی بیشتری دارند. همچنین افشای اطلاعات گسترده می‌تواند در زمان‌های نامشخص، اختلاف بین قیمت پیشنهاد فروش و قیمت را کم و حجم گردش اوراق بهادار را افزایش دهد؛ در نتیجه کیفیت افشای بالاتر، عدم قطعیت راجع به ارزش شرکت را کاهش می‌دهد که آن نیز در جای خود، مزیت اطلاعاتی بالقوه یک سرمایه‌گذار آگاه را کاهش می‌دهد. هر دو اثر، میزانی را که سرمایه‌گذاران غیر آگاه در قیمت‌ها نیاز به حمایت و مصونیت دارند، کاهش و بدین ترتیب نقدشوندگی بازار را افزایش می‌دهد (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲). بنابراین، انتظار بر این است که کیفیت افشای اطلاعات شرکت، عدم تقارن اطلاعات ناشی از عدم اطمینان سیاست اقتصادی را کاهش دهد و تأثیر منفی عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را کاهش دهد.

با توجه به اینکه شواهد کمی در ادبیات قبلی در مورد مکانیسم‌های مؤثر برای کاهش اثرات اقتصادی نامطلوب شوک‌های عدم اطمینان برون‌زا وجود دارد، در این پژوهش نظر به این شکاف و اهمیت نقدشوندگی سهام بر عملکرد شرکت، این سؤال مورد بررسی قرار می‌گیرد که آیا کیفیت افشای اطلاعات اثرات منفی عدم اطمینان بالای سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را تحت تأثیر قرار می‌دهد یا خیر؟

## مبانی نظری

### نقدشوندگی سهام

بازار سرمایه از منابع عمده تأمین مالی شرکت‌ها و دولت‌ها است و در تمام کشورهای دنیا به‌عنوان محلی مناسب برای سرمایه‌گذاری شناخته می‌شود. شرط بقا و ادامه حیات بازار، وجود حداقلی از نقدشوندگی است. نقدشوندگی یکی از ابعاد مهم فرآیند تخصیص بهینه منابع تلقی می‌گردد و میزان نزدیکی دارایی مالی به پول نقد را بیان می‌کند. قابلیت نقدشوندگی یک دارایی از طریق قابلیت تبدیل آن دارایی به وجه نقد در هر زمان و بدون تحمل زیان ارزیابی می‌شود. اوراق بهادار قابل معامله را می‌توان از طریق فروش کافی در بازار در هر زمان به وجه نقد تبدیل کرد (آشتاب و همکاران، ۱۴۰۱). همچنین نقدشوندگی بازار سهام را، توانایی بازار برای جذب حجم عظیمی از اوراق بهادار با هزینه اجرایی کمتر در مدتی کوتاه بدون تأثیر قابل توجه بر قیمت اوراق بهادار تعریف کرده‌اند؛ به عبارتی نقدشوندگی بازار را متأثر از حضور خریداران و فروشندگان علاقه‌مندی تلقی می‌کنند که توافق کرده‌اند تا مقدار مشخصی از اوراق بهادار را با قیمت اعلام شده بدون هیچ تأخیر زمانی مبادله کنند. وجود نقدشوندگی در بازار سرمایه برای یک معامله‌گر از اهمیت خاصی برخوردار است؛ زیرا نقدشوندگی سهام میزان بازدهی را تعیین کرده و در نتیجه به ابداع استراتژی‌های معاملاتی مناسب کمک می‌کند (رضایی و همکاران، ۱۴۰۱). به‌خصوص بحران مالی جهانی ۲۰۰۷ تا ۲۰۰۸ این واقعیت را - که نقدشوندگی پایین در بازارهای مالی به‌ویژه در دوره‌های حباب قیمتی و همچنین وجود شرایط نامطمئن در بازار می‌تواند پیامدهای مختلفی برای فعالان بازار و کل اقتصاد داشته باشد - نمایان کرد. با توجه به اهمیت نقدشوندگی برای بازار سرمایه، شناسایی عوامل تأثیرگذار بر نقدشوندگی، به یکی از موضوعات مهم و جالب توجه برای فعالان بازار و تنظیم‌کنندگان بازار تبدیل شده است (آقابابایی و علیان، ۱۴۰۱).

### عدم قطعیت سیاست اقتصادی

در حال حاضر اقتصاد جهان از عدم قطعیت‌های سیاست اقتصادی مداوم ناشی از بلایای طبیعی، سیاست و اخیراً همه‌گیری کرونا

رنج می‌برد. (گودل<sup>۱</sup>، ۲۰۲۰)؛ در پاسخ به این عدم قطعیت‌ها، محققان توجه خود را به مطالعه اثرات اقتصادی واقعی شوک‌های عدم اطمینان بر بازارهای مالی افزایش داده‌اند (یانگ و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰؛ دانگ و نگوین<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). نااطمینانی وضعیتی است که وقایع آینده و یا احتمال رخ دادن آنها پیش بینی نشده است. در دنیای واقعی، اقتصاد سرشار از نااطمینانی عوامل اقتصادی است که به بروز ریسک و مخاطره در فضای تصمیم‌گیری عوامل اقتصادی منجر شده و رفتار آنها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. نااطمینانی وقتی وجود دارد که یا اتفاقات آینده مشخص و معلوم نباشد و یا با وجود مشخص بودن اتفاقات آینده، احتمال آنها قابل پیش‌بینی نیست. به بیان دیگر، علت اصلی نااطمینانی نبود دانش پیش‌بینی است. در چنین وضعیتی تصمیم‌گیری برای آینده پیچیده و مشکل می‌شود (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱).

دو جنبه ادراکی از عدم قطعیت مورد تأکید است؛ نخست ادراک واقع‌گرا و دوم قابلیت پیش‌بینی که هر دو در زمان واکنش در قبال سناریوهای عدم قطعیت جلوه می‌کنند؛ به طور خاص، منظور از نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی، بی‌ثباتی است که غالباً با انحراف معیار معیارهای اقتصادی؛ مانند انحراف معیار تورم، رشد تولید ناخالص ملی، رشد عرضه پول، بسط اعتبارات داخلی و کسری بودجه دولت موردسنجش قرار می‌گیرد. این عدم قطعیت ناشی از قاعده رفتاری حاکم بر ارتباط بین متغیرهای اقتصادی است. در کنار تابع هدف، ساختار و محدودیت‌های مترتب بر آن وجود دارد. سیاست‌گذار در پی خلق شرایط بهینه برای تابع هدف است. هدف می‌تواند بیشینه نمودن رفاه اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی و نظایر آن باشد (مرادی و همکاران، ۱۴۰۱). محققان مختلف تأثیرات عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر توسعه اقتصاد کلان و رفتار عوامل اقتصاد خرد را بررسی کرده‌اند. در سطح کلان، عدم اطمینان بیشتر در سیاست اقتصادی به‌عنوان پیش‌بینی‌کننده قوی رکود اقتصادی در نظر گرفته می‌شود. افزایش عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی - برای توسعه اقتصاد واقع مناسب نیست و منجر به کاهش تولید ناخالص داخلی، سرمایه‌گذاری، مصرف و واردات و صادرات می‌شود. همچنین افزایش عدم قطعیت سیاست اقتصادی تأثیر مهمی بر نرخ وام در بازار مالی دارد (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲). در سطح خرد نیز، عدم اطمینان سیاست اقتصادی تغییراتی را در فعالیت‌های شرکت و تصمیم‌گیری ایجاد می‌کند و منجر به عدم اطمینان در سطح شرکت می‌شود (اشرف<sup>۴</sup>، ۲۰۲۱).

### کیفیت افشای اطلاعات

افشای اطلاعات، یکی از اصول حسابداری است و بر اساس این اصل، باید کلیه اطلاعات مربوط به فعالیت‌های شرکت به نحو مناسب و به‌موقع، در اختیار گروه‌های مختلف استفاده‌کننده قرار گیرد؛ افشای اطلاعات در حسابداری به معنای ارائه اطلاعات مالی است و آن را دربرگیرنده اطلاعاتی می‌دانند که برای سرمایه‌گذار معمولی مفید واقع شود و موجب گمراهی خواننده نگردد (کیقبادی و همکاران، ۱۳۹۷)

تئوری نمایندگی، افشای اطلاعات را به‌عنوان مکانیزمی جهت اطمینان بخشی مدیران نسبت به ایفای وظیفه مباشرت و حمایت از سهامداران مطرح می‌کند. افشای اطلاعات می‌تواند منجر به کاهش رفتار فرصت‌طلبانه مدیران و کاهش عدم تقارن اطلاعاتی شود و همچنین به‌عنوان یکی از مؤثرترین روش‌های علامت‌دهی اطلاعات به شمار می‌آید (عامری و همکاران، ۱۴۰۰) کیفیت افشا، به سهولت مطالعه و تفسیر گزارش‌های مالی اشاره دارد. وقتی حجم اطلاعات، به‌موقع بودن و دقت اطلاعات افشاشده توان آگاهی‌دهندگی ایجاد کند و سرمایه‌گذاران درباره ارزش اوراق بهادار پس از دریافت اطلاعات به باور درستی برسند، اطلاعات افشاشده کیفیت بالایی دارند. ارائه تعریفی از کیفیت افشا که موردقبول همگان قرار گیرد کمی دشوار به نظر می‌رسد. طبق نظر دیاموند و ورشیا<sup>۵</sup> (۱۹۹۱) کیفیت افشا عبارت است از میزان درستی باور سرمایه‌گذاران درباره ارزش اوراق بهادار پس از دریافت اطلاعات افشاشده در چارچوب قضیه بیز؛ به عبارت دیگر افشایی که توزیع پیوسته‌تری برای یک مجموعه احتمال‌های پیشین ایجاد

1 Goodell

2 Yang

3 Dang and Nguyen

4 Ashraf

5 Diamond, D. and Verrecchia,

نماید، از کیفیت بالاتری برخوردار است. کینگ<sup>۱</sup> (۱۹۹۶) هم معتقد است در غیاب مقررات ضد تقلب، کیفیت افشا را می‌توان به‌عنوان درجه‌ای از جانب‌داری مبتنی بر منفعت‌طلبی شخصی مدیران تعریف کرد (کردستانی و حسینی، ۱۳۹۲).

### پیشینه پژوهش

ژانگ و همکاران (۲۰۲۳) در بررسی رابطه عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام نشان می‌دهند که هر چه عدم اطمینان سیاست اقتصادی بیشتر باشد، نقدشوندگی سهام پایین‌تر است که در شرکت‌هایی با محیط اطلاعاتی مبهم، توجه سرمایه‌گذار، کمتر و توانایی مقاومت در برابر ریسک ضعیف‌تر، معنی‌دارتر است. علاوه بر این، تأثیر منفی عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را می‌توان با افزایش افشای داوطلبانه کاهش داد. ژانگ و وانگ<sup>۲</sup> (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان عدم قطعیت سیاست اقتصادی و ثبات بانک: تحلیلی بر اساس اثرات واسطه‌ای شفافیت نشان می‌دهند که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر ثبات بانک‌ها تأثیر منفی دارد. شفافیت نقش واسطه‌ای جزئی بین عدم اطمینان سیاست اقتصادی و ثبات بانک ایفا می‌کند. فنگرانگ و همکاران (۲۰۲۲) در بررسی رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی، افشای اطلاعات و نقدشوندگی سهام نشان دادند که عدم قطعیت سیاست اقتصادی منجر به کاهش نقدشوندگی سهام می‌شود. همچنین مدیران با تولید اطلاعات بیشتر در مورد شوک‌های عدم قطعیت به محیط اطلاعاتی شرکت خود، پاسخ می‌دهند. علاوه بر این، کیفیت افشای اطلاعات بالا تأثیر منفی افزایش عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را کاهش می‌دهد. داش و مایترا<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی بازار سهام: شواهد از کشورهای G7، با آزمون علیت خطی و غیرخطی نشان می‌دهند که یک رابطه علی بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی بازار سهام وجود دارد. علاوه بر این، نقدشوندگی بازار سهام با عدم قطعیت در یک جهت تغییر می‌کند؛ درحالی‌که نقدشوندگی در جهت مخالف حرکت می‌کند. در مواقع آشفتگی یا بحران اقتصادی، رابطه بین عدم قطعیت سیاست و عدم نقدشوندگی قوی‌تر می‌شود و عدم نقدشوندگی منجر به عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی می‌شود. به‌طور کلی، یافته‌های آنها نشان می‌دهد که ویژگی شاخص اصلی (عدم نقدشوندگی) برای ارائه اطلاعات اقتصادی و در نتیجه برای مدیریت شرایط بازار و انتظارات سرمایه‌گذار مفید است. ناگار و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی با عنوان تأثیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذاران و افشای مدیریت نشان دادند: عدم قطعیت با افزایش شکاف پیشنهادی خرید و فروش کاهش واکنش قیمت سهام به غافلگیری سود مرتبط است. مدیران با افزایش افشای اختیاری خود به این عدم قطعیت پاسخ می‌دهند، اما این افشاها تنها تا حدی افزایش شکاف پیشنهاد و تقاضا را کاهش می‌دهند.

بنی مهد، بهمن و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان عدم قطعیت اقتصادی و مدیریت سود: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، نشان دادند: عدم قطعیت اقتصادی، رابطه مثبت و معناداری با مدیریت سود دارد؛ به‌عبارت‌دیگر در زمان افزایش انحراف معیار سود هر سهم، مدیران شرکت‌ها برای کنترل نوسان نامطلوب سود، بیشتر از ابزار مدیریت سود و در زمان کاهش انحراف معیار سود هر سهم، کمتر از ابزار مدیریت سود استفاده می‌کنند. قاسمی و همکاران (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان نقش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی در ارتباط بین افشای داوطلبانه اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی، نشان دادند که رابطه بین افشای داوطلبانه اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی معنی‌دار است و عدم اطمینان سیاست اقتصادی موجب تضعیف رابطه بین افشای داوطلبانه و عدم تقارن اطلاعاتی می‌شود. قاسمی و همکاران (۱۴۰۰) در بررسی نااطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری، نشان دادند که نااطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی سرمایه‌گذار تأثیر مثبت و معنادار دارد. به‌علاوه، نااطمینانی سیاست اقتصادی بر افشای اختیاری تأثیر منفی و معنادار دارد؛ اما شواهد قابل اتکایی مبنی بر تأثیر‌گذاری نااطمینانی سیاست اقتصادی بر واکنش سرمایه‌گذار به شگفتی سود یافت نشد. شاهرادی و طباطبایی نسب (۱۴۰۰) در بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه نااطمینانی اقتصادی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی نشان دادند در شرایط نااطمینانی اقتصادی، استفاده از شرکت‌های بزرگ حسابرسی و افزایش دوره تصدی، کاهش مدیریت

1 King

2 Zhang & Wang

3 Dash & Maitra

سود را به همراه دارد. علاوه بر این، ارائه گزارش حسابرسی غیراستاندارد تأثیر مستقیم نااطمینانی اقتصادی را بر مدیریت سود شرکت‌ها تقویت کرده است.

### چارچوب نظری و ارائه فرضیه‌های پژوهش

#### عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام

مطالعات تجربی نشان داده‌اند که نااطمینانی سیاست اقتصادی بر سیاست تقسیم سود سهام (فاورق و احمد<sup>۱</sup>، ۲۰۱۹)؛ ساختار سرمایه (کولاک<sup>۲</sup> و همکاران، ۲۰۱۷)؛ صدور سهام (جینز<sup>۳</sup>، ۲۰۱۷)؛ ادغام و کسب (بونامی<sup>۴</sup> و همکاران، ۲۰۱۸)؛ نگهداشت وجه نقد (فان<sup>۵</sup> و همکاران، ۲۰۱۹) و سرمایه‌گذاری شرکت‌ها (وانگ<sup>۶</sup> و همکاران، ۲۰۱۷) تأثیر می‌گذارد.

افزایش نااطمینانی سیاست اقتصادی، عدم اطمینان سرمایه‌گذاران را در مورد فرصت‌های سرمایه‌گذاری شرکت افزایش می‌دهد (پاستور و ورونزی<sup>۷</sup>، ۲۰۱۳). تئوری گزینه‌های واقعی<sup>۸</sup> بیان می‌کند که در دوره‌های افزایش عدم اطمینان، شرکت‌ها سرمایه‌گذاری‌های برگشت‌ناپذیر خود را کاهش می‌دهند یا تا زمانی که عدم قطعیت برطرف شود، سرمایه‌گذاری را به تأخیر می‌اندازند (گولن و یون<sup>۹</sup>، ۲۰۱۵). در این شرایط، مدیران منفعت‌طلب ممکن است تمایلی به افشای تصمیمات سرمایه‌گذاری خود در بازار نداشته باشند تا از کاهش قیمت سهام جلوگیری کنند؛ بنابراین، افزایش عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، عدم تقارن اطلاعاتی را در بازار سرمایه تشدید می‌کند (گوش و اولسن، ۲۰۰۹). در مطالعه‌ای بر روی شرکت‌های آمریکایی، ناگار و همکاران (۲۰۱۹) نشان دادند که عدم اطمینان سیاست اقتصادی، اصطکاک اطلاعاتی را در بازار سرمایه افزایش می‌دهد. افزایش عدم تقارن اطلاعاتی گرایش سرمایه‌گذاران را برای تجارت کاهش می‌دهد و بر نقدشوندگی سهام تأثیر منفی می‌گذارد. همچنین مطالعات مربوط به عدم تقارن اطلاعاتی نشان می‌دهد که شکاف‌های اطلاعاتی در بازار سرمایه بر نقدشوندگی سهام شرکت تأثیر منفی می‌گذارد (ایلول و پاناییدس<sup>۱۰</sup>، ۲۰۱۸). علاوه بر این مطالعات، در ایالات متحده (بکر و همکاران<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۶) و در چین (لی و همکاران<sup>۱۲</sup>، ۲۰۱۹) نشان می‌دهند که عدم اطمینان سیاست اقتصادی با افزایش نوسانات سهام مرتبط است. افزایش در نوسانات سهام، پیش‌بینی قیمت سهام را برای سرمایه‌گذاران دشوار می‌کند و سرمایه‌گذاران را از معامله منصرف می‌کند. همچنین، افزایش عدم اطمینان سیاست به کاهش قیمت سهام شرکت کمک می‌کند (پاستور و ورونزی، ۲۰۱۳). این مطالعات نشان می‌دهد که عدم اطمینان سیاست اقتصادی به طرق مختلف بر عملکرد بازار سهام تأثیر منفی می‌گذارد. دوونگ و همکاران<sup>۱۳</sup> (۲۰۱۹) نمونه‌ای از شرکت‌های آمریکایی را مطالعه می‌کنند و شواهدی ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد عدم اطمینان سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام تأثیر منفی می‌گذارد. نتایج مطالعات فنگران و همکاران (۲۰۲۲) نیز بیانگر نتایجی مشابه است؛ بنابراین، فرضیه اول به شرح زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه اول:** بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام رابطه منفی وجود دارد.

- 
1. Farooq & Ahmed
  2. Çolak
  3. Jens
  4. Bonaime
  5. Phan
  6. Wang
  7. Pastor and Veronesi
  8. real options theory
  9. Gulen and Ion
  10. Ellul and Panayides
  11. Baker et al
  12. Li et al
  13. Duong et al

### کیفیت افشای اطلاعات، عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام

فرض می‌شود که مدیران در پاسخ به شوک‌های عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از عدم قطعیت سیاست اقتصادی اطلاعات بیشتری تولید می‌کنند تا شکاف‌های اطلاعاتی بین خودی‌ها و شرکت‌کنندگان بازار را کم کنند. بر اساس تئوری‌های افشای اطلاعات، زمانی که عدم تقارن اطلاعاتی در بازار بین شرکت (معامله‌گران آگاه) و سرمایه‌گذاران بالقوه (معامله‌گران ناآگاه) افزایش می‌یابد، مدیران انگیزه‌های بیشتری برای افشای داوطلبانه بیشتری برای کاهش اصطکاک اطلاعاتی و عدم اطمینان سرمایه‌گذار دارند. سرمایه‌گذاران از شوک‌های عدم قطعیت بیزارند تا جایی که تقاضای آنها برای اطلاعات مالی دقیق با افزایش عدم اطمینان محیطی افزایش می‌یابد؛ بنابراین، افشای اطلاعات احتمالاً برای شرکت در مواقع عدم اطمینان بالای سیاست‌ها سودمندتر است (ناگار و همکاران، ۲۰۱۹). تا جایی که مدیران در پاسخ به افزایش برون‌زا در عدم قطعیت سیاست اقتصادی، اطلاعات بیشتری را در بازار سرمایه برای کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان سرمایه‌گذار تولید می‌کنند.

همچنین اصطکاک بازار مالی باعث افزایش هزینه سرمایه و کاهش عرضه و جوجه سرمایه‌گذاری از سوی سرمایه‌گذاران بالقوه می‌شود (پاستور و ورونسی ۲۰۱۳). عدم تقارن اطلاعات ناشی از عدم قطعیت سیاست اقتصادی، دسترسی به سرمایه خارجی را- که برای تکمیل منابع ناکافی داخلی شرکت مورد نیاز است- کاهش می‌دهد. انتظار می‌رود تقاضای بالاتر برای اطلاعات مالی آینده‌نگرتر از شرکت‌ها، مانند سود مورد انتظار- زمانی که عدم اطمینان در مورد بازده دارایی‌ها افزایش می‌یابد- افزایش یابد؛ بنابراین، سرمایه‌گذاران به گزارش‌های مدیریت قابل اعتماد در مواقع عدم اطمینان سیاست‌های شدید روی می‌آورند؛ زیرا رسانه‌ها و تحلیلگران مالی پیش‌بینی می‌کنند که دقت پیش‌بینی زمانی که عدم قطعیت سیاست اقتصادی بالا باشد کاهش می‌یابد (بالوریا و مامو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷؛ یو و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۰). بنابراین، شرکت‌ها احتمالاً اطلاعات بیشتری در مورد بازار از طریق پیش‌بینی‌های مدیریتی و بیانیه‌های مطبوعاتی ارائه می‌کنند تا عدم تقارن اطلاعات در سطح شرکت را به حداقل برسانند؛ در نتیجه، میزان عدم تقارن اطلاعاتی در بازار، تصمیمات مربوط به کیفیت افشای اطلاعات مدیران را شکل می‌دهد. اگر سطح عدم تقارن اطلاعاتی بالا باشد، مدیران احتمالاً افشای خود را- به عنوان یک استراتژی مدیریت ریسک برای بهبود اطلاعات قیمت سهام- افزایش می‌دهند (بیکر و همکاران ۲۰۱۶). انتخاب افشای اطلاعات بر معامله‌گران ناآگاه و آگاه تأثیر می‌گذارد، زیرا افزایش افشای شرکت، میزان اطلاعات عمومی در بازار را نسبت به اطلاعات خصوصی افزایش می‌دهد. کیفیت افشای بالا، مزیت‌های اطلاعاتی معامله‌گران آگاه را به هزینه معامله‌گران ناآگاه کاهش می‌دهد. انتشار مکرر و به موقع اطلاعات با اهمیت برای عموم، انگیزه‌های جستجوی اطلاعات خصوصی را کاهش می‌دهد و هزینه‌های جستجوی اطلاعات خصوصی را افزایش می‌دهد. افشای باکیفیت بالا هزینه‌های پردازش اطلاعات عمومی را کاهش می‌دهد و در نتیجه تجارت توسط معامله‌گران ناآگاه را افزایش می‌دهد؛ زیرا افشا، فضای بازی یکسانی را بین معامله‌گران ناآگاه و معامله‌گران آگاه ایجاد می‌کند.

همچنین در مورد تأثیر آن بر نقدشوندگی می‌توان گفت: کیفیت افشای بالاتر، عدم قطعیت راجع به ارزش شرکت را کاهش می‌دهد که آن نیز در جای خود، مزیت اطلاعاتی بالقوه یک سرمایه‌گذار آگاه را کاهش می‌دهد. هر دو اثر، میزانی را که سرمایه‌گذاران غیر آگاه در قیمت‌ها نیاز به حمایت و مصونیت دارند، کاهش و بدین ترتیب نقد شوندگی بازار را افزایش می‌دهد (فنگرنگ و همکاران، ۲۰۲۲). هنگامی که عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از عدم قطعیت سیاست اقتصادی وجود دارد، مدیران ممکن است افشای بیشتری را برای کاهش تأثیر منفی عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام ارائه دهند؛ افزایش شفافیت شرکت از طریق افزایش افشای اطلاعات به سرمایه‌گذاران بالقوه کمک می‌کند تا کیفیت اوراق بهادار شرکت را ارزیابی کنند، هزینه‌های مخاطره اخلاقی را کاهش دهند و به طور بالقوه جذابیت اوراق بهادار را در بازار سرمایه افزایش دهند. افزایش افشای شرکت و شفافیت به شرکت‌ها کمک می‌کند تا بر اثرات منفی عدم تقارن اطلاعاتی غلبه کنند و قیمت‌گذاری نادرست سهام را کاهش می‌دهد. همچنین افشای مکرر و با کیفیت اطلاعات، هزینه‌های سرمایه و هزینه‌های تجاری سرمایه‌گذاران بالقوه را کاهش می‌دهد (بالاکریشان و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۴). افزایش افشای اطلاعات، اختلاف بین قیمت پیشنهاد فروش و قیمت را کم و حجم گردش اوراق بهادار را

1 Baloria and Mamo

2 Yu

3 Balakrishnan et al



افزایش می‌دهد و شرکت‌های شفاف ارزش بالایی می‌یابند و دارای سهام نقدشونده بیشتری می‌شوند. چو و کیم<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) نیز در مطالعه‌ای روی شرکت‌های آمریکایی نشان می‌دهند که تأثیر افشای افزایشی بر نقدشوندگی سهام برای شرکت‌هایی با افشای اخبار مثبت بیشتر از شرکت‌هایی با افشای اخبار منفی است.

علاوه بر این موارد، فرضیه شناسایی سرمایه‌گذار<sup>۲</sup> نشان می‌دهد که سرمایه‌گذاران بالقوه ترجیح می‌دهند در سهام شفافی که به راحتی با هزینه‌های محدود قابل ارزیابی هستند، معامله کنند یا سرمایه‌گذاری کنند. اطلاعات خاص شرکت به سرمایه‌گذاران بالقوه کمک می‌کند تا سهام با کیفیت بالا را از سهام با کیفیت پایین با هزینه‌های پایین ارزیابی و متمایز کنند. (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲)؛ بنابراین، در زمان‌های نامشخص، سرمایه‌گذاران با تغییر از اوراق بهادار سخت با ارزش به اوراق بهادار کم ریسک تر و قابل پیش‌بینی‌تر، رفتار ریسک‌گریزی از خود نشان می‌دهند. از آنجایی که افزایش شفافیت باعث افزایش نقدینگی سهام می‌شود (شوئنفلد ۲۰۱۷)؛ انتظار بر این است که کیفیت افشای اطلاعات تأثیر منفی عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام را کاهش دهد؛ بنابراین، فرضیه دوم به شرح زیر مطرح می‌شود:

**فرضیه دوم:** کیفیت افشای اطلاعات بر رابطه عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی تأثیر معنی‌داری دارد.

### روش پژوهش

پژوهش حاضر، از نظر هدف، کاربردی، از نظر ماهیت و محتوا از نوع توصیفی همبستگی و با توجه به استفاده از اطلاعات تاریخی، پس‌رویدادی است. همچنین این پژوهش از نوع مطالعه‌ای کتابخانه‌ای و تحلیلی - علی بوده و مبتنی بر تحلیل داده‌های تابلویی (پانل دیتا) می‌باشد و برای تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نرم‌افزارهای EViews 10 استفاده شده است. داده‌های موردنیاز از طریق وبسایت کدال گردآوری شده و برای مطالعه مبانی نظری و پیشینه پژوهش، از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است. جامعه آماری شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته‌شده در بازار سرمایه ایران در یک بازه زمانی ۹ ساله طی دوره زمانی ۱۳۹۲-۱۴۰۰ می‌باشد نمونه پژوهش نیز به روش حذفی از میان آن دسته از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران انتخاب شد که شرایط زیر را داشته باشند:

- ۱) شرکت تا قبل از سال ۱۳۹۲ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشد و تا پایان سال ۱۴۰۰ در بورس فعال باشد.
- ۲) به دلیل ماهیت خاص فعالیت شرکت‌های هلدینگ، بیمه، لیزینگ، بانک‌ها، مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری و تفاوت فراوان آن‌ها با شرکت‌های تولیدی و بازرگانی، شرکت انتخابی جزو شرکت‌های یادشده نباشد.
- ۳) به لحاظ افزایش قابلیت مقایسه، سال مالی شرکت منتهی به پایان اسفندماه باشد و شرکت طی بازه زمانی پژوهش سال مالی خود را تغییر نداده باشد.
- ۴) اطلاعات مالی شرکت در بازه زمانی پژوهش در دسترس باشد.

### متغیرها و مدل پژوهش

**متغیر وابسته** در این پژوهش نقدشوندگی سهام (Stock Liquidity) می‌باشد.

در این پژوهش، بنابر مطالعات سید نژاد فهیم و همکاران (۱۳۹۸) از نسبت روزهای باز معاملاتی (open days trading) به‌عنوان معیارهایی برای نقدشوندگی سهام استفاده شده است. موضوع توقف و بازگشایی نمادهای بورسی و فرابورسی معضلی است که مدت‌ها در بازار سرمایه ایران وجود داشته و سرمایه‌گذاران بورسی مخصوصاً سهامداران خرد- که سهام‌چندانی در تصمیمات کلان شرکت‌ها ندارند- قربانیان توقف بلندمدت نمادهای بورسی شده‌اند. این در حالی است که مسئولان بازار سرمایه سعی می‌کنند از کانال‌های مختلف سرمایه‌های خرد را به سمت بازار سرمایه هدایت کنند. رعایت نکردن دستورالعمل‌های سازمان بورس و ارائه اطلاعاتی مبهم از سوی شرکت - که به‌نوعی منجر به عدم تقارن اطلاعات و تغییرات زیاد و بی‌دلیل قیمت سهام می‌شود-

1. Cho and Kim

2. investor recognition hypothesis

....

باعث توقف نماد شرکت شده و سطح نقدشوندگی آن را کاهش می‌دهد. نسبت روزهای باز معاملاتی از تقسیم تعداد روزهای باز معاملاتی هر نماد بر کل تعداد روزهای معاملاتی در هر سال محاسبه می‌شود.

**متغیر مستقل**، در این پژوهش عدم قطعیت سیاست اقتصادی (EPU) می‌باشد.

در این پژوهش، برای اندازه‌گیری عدم قطعیت سیاست اقتصادی مطابق با پژوهش دشتکی و همکاران (۱۴۰۱) از ۴ معیار نرخ تورم، نرخ بهره، نرخ ارز و نرخ رشد اقتصادی استفاده شده است. دلیل انتخاب این موارد این است که تغییرات در آنها موجب اختلال در تصمیم‌گیری و ایجاد عدم قطعیت در پیش‌بینی روال برنامه ریزی آتی می‌شود. در این زمینه در مدل‌های پژوهش متغیرهای نااطمینانی سیاست اقتصادی بر اساس شاخص تحلیل مؤلفه اساسی (PCA) تجمیع می‌شود. برای وزن دهی، ابتدا متغیرها در بازه صفر تا یک، نرمال‌سازی شده و سپس ماتریس ضریب همبستگی بین متغیرها محاسبه می‌شود. در ادامه مقادیر ویژه ماتریس ضریب همبستگی محاسبه شده و بردارهای ویژه تشکیل می‌شود و در نهایت وزن هر یک از متغیرها تعیین می‌شود.

$$EPU = 0.529 * \text{Inflation rate} - 0.329 \text{ Interest rate} + 0.601 \text{ Exchange rate} * \text{GDP}$$

**متغیر تعدیلگر کیفیت افشای اطلاعات: (Disclosure) است:**

امتیازهای کیفیت افشای شرکت‌های پذیرفته‌شده برای دوره‌های ۳، ۶، ۹، ۱۲ ماهه محاسبه و توسط سازمان بورس و اوراق بهادار از سال ۱۳۸۲ به بعد منتشر شده است. این امتیازها، ارزیابی بورس درباره میزان آگاهی بخشی افشای شرکتی را منعکس می‌نماید. امتیازهای مذکور بر اساس میانگین وزنی معیارهای به‌موقع بودن و قابل‌اتکا بودن اطلاعات افشا شده توسط شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس محاسبه می‌شود. تأخیر در ارسال اطلاعات به بورس در مقایسه با مهلت‌های زمانی مقرر و تفاوت در سودهای محقق شده نسبت به پیش‌بینی‌ها برای محاسبه به‌موقع بودن و قابل‌اتکا بودن افشای اطلاعات استفاده می‌شود. (موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۵؛ کیقبادی و همکاران، ۱۳۹۷)

همچنین تأثیر **متغیرهای کنترلی** زیر نیز بر این رابطه بررسی شده است:

**اندازه شرکت: (SIZE)** لگاریتم طبیعی ارزش دفتری کل دارایی‌های شرکت در پایان سال؛ (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ دشتکی و همکاران، ۱۴۰۱).

**سن شرکت: (AGE):** برابر با تعداد سالهای پذیرش شرکت در بورس (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

**بازده دارایی‌ها (ROA):** سود قبل از بهره و مالیات بر مجموع دارایی‌ها (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲؛ موسوی شیری و همکاران، ۱۳۹۵).

**مالکیت دولتی (STATE):** نسبت سهام شرکت متعلق به دولت به کل سهام آن شرکت است (فنگرانگ و همکاران، ۲۰۲۲).

**رشد فروش شرکت (LSALE):** درآمد فروش سال جاری منهای درآمد فروش سال قبل تقسیم بر فروش سال قبل (دشتکی و همکاران، ۱۴۰۱).

**مدل آماری فرضیه اول:**

$$\text{Stock Liquidity}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{EPU}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{AGE}_{i,t} + \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{STATE}_{i,t} + \beta_6 \text{LSALE}_{i,t} + \beta_7 \text{RET}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

(۱) رابطه

**مدل آماری فرضیه دوم:**

$$\text{Stock Liquidity}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{EPU}_{i,t} + \beta_2 \text{Disclosure}_{i,t} + \beta_3 (\text{EPU}_{i,t} * \text{Disclosure}_{i,t}) + \beta_4 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_5 \text{AGE}_{i,t} + \beta_6 \text{ROA}_{i,t} + \beta_7 \text{STATE}_{i,t} + \beta_8 \text{LSALE}_{i,t} + \varepsilon_{it}$$

(۲) رابطه

## یافته‌های پژوهش آمار توصیفی

نتایج آمار توصیفی پژوهش که شمای کلی از وضعیت توزیع داده‌ها را نشان می‌دهد، در نگاره زیر نشان داده شده است:

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرها

شاخص‌های پراکندگی			شاخص‌های مرکزی				نام و تعداد متغیرها	
بیشینه	کمینه	انحراف معیار	کشیدگی	چولگی	میانگین	میانگین	علامت اختصاری	متغیرها
۰/۹۸	۰/۳۲	۳/۶۳	-۱/۴۲	۰/۲۱	۰/۸۱	۰/۷۷	Stock Liquidity	نقدشوندگی سهام
۱/۰۷	-۰/۰۵	۱/۴۷	۱/۲۳	۰/۱۸	۰/۲۶	۰/۳۴	EPU	عدم قطعیت سیاست اقتصادی
۹۹/۰۶	۲۵/۸۳	۲/۶۱	-۰/۶۶	۱۸/۰۳	۷۸/۸۳	۷۴/۱۳	Disclosure	کیفیت افشای اطلاعات
۲۰/۷۵	۱۰/۵۲	۳/۸۷	۰/۸۳	۱/۶۴	۱۴/۴۶	۱۴/۷۱	SIZE	اندازه شرکت
۵۴	۲	۸/۹۹	۴/۶۸	۱/۲۲	۱۸	۱۹/۷۳	AGE	سن شرکت
۰/۴۴	۰/۰۵	۰/۵۳	۰/۶۳	۰/۱۳	۰/۱۲	۰/۱۴	ROA	بازده دارایی
۰/۹۹	۰	۰/۳۳	۱/۶۳	-۰/۳۸	۰/۵۷	۰/۴۸	STATE	مالکیت دولتی
۹/۱۱	-۰/۹۰	۵۰/۱۸	۴/۹۷	۰/۶۴	۰/۲۶	۰/۳۵	LSALE	رشد فروش

## آزمون فرضیه اول پژوهش انتخاب مدل

در انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم. در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکت‌ها یکسان است که در این صورت با روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکت‌ها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می‌شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف-لیمر استفاده می‌کنیم.

نگاره ۲. آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن فرضیه اول

P-Value	مقدار آماره آزمون	آماره آزمون
۰/۰۰۰	۱۱/۶۵	آزمون F لیمر
۰/۰۰۰	۹/۲۸	آزمون هاسمن

با توجه به نگاره ۲ مقدار احتمال آماره F و آماره کای - دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ هست؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأها رد می‌شود و در نتیجه استفاده از روش پانل ارجحیت دارد؛ لذا لازم است برای انتخاب الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی از آزمون هاسمن انجام شود؛ نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت هست.

نگاره ۳. نتایج برآورد فرضیه اول پژوهش

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال
EPU	-۰/۳۳	-۶/۵۵	۰/۰۰۰
SIZE	۰/۰۱	۵/۱۰	۰/۰۰۰
AGE	-۰/۳۳	-۲/۰۹	۰/۰۳۶
ROA	۰/۷۶	۲/۱۴	۰/۰۳۸
STATE	۰/۱۳	۴/۲۸	۰/۰۰۰
LSALE	۱/۹۰	۱۱/۱۵	۰/۰۰۰
C (مقدار ثابت)	-۹/۱۲	-۱۰/۲۲	۰/۰۰۰
F مقدار		۱۸/۲۲	۰/۰۰۰
(R <sup>2</sup> ) ضریب تعیین		۰/۷۰۶۴	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۷۱۷	۱/۶۷

....

در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۳، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر عدم قطعیت سیاست اقتصادی کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۰۰) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (۰/۳۲) منفی می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۶/۵۵- می‌باشد، این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام رابطه منفی و معنی‌دار وجود دارد؛ در نتیجه فرضیه H<sub>0</sub> رد شده و فرض اول پژوهش تأیید می‌شود.

### آزمون فرضیه دوم پژوهش

#### انتخاب مدل

در انتخاب مدل داده‌های ترکیبی با دو حالت کلی روبرو هستیم: در حالت اول عرض از مبدأ برای کلیه شرکت‌ها یکسان است که در این صورت، روش پول و در حالت دوم عرض از مبدأ برای تمام شرکت‌ها متفاوت است که در این حالت روش پانل انتخاب می‌شود. برای شناسایی دو حالت مذکور از آزمون اف-لیمر استفاده می‌کنیم.

#### نگاره ۴. آزمون چاو یا لیمر و آزمون هاسمن فرضیه دوم

آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	P-Value
آزمون F لیمر	۱۱/۶۵	۰/۰۰۰
آزمون هاسمن	۵۰/۲۱	۰/۰۰۰

با توجه به نگاره ۲ مقدار احتمال آماره F و آماره کای-دو برای مدل کمتر از ۰/۰۵ هست؛ بنابراین فرض صفر یعنی برابری عرض از مبدأها رد می‌شود، بنابراین استفاده از روش پانل ارجحیت دارد. لذا لازم است برای انتخاب الگوی اثرات ثابت یا اثرات تصادفی، آزمون هاسمن انجام شود. نتایج آزمون هاسمن نیز نشان می‌دهد که روش مورد استفاده پانل با اثرات ثابت هست.

#### نگاره ۵. نتایج برآورد فرضیه دوم پژوهش

متغیر	مقدار ضرایب	مقدار t	مقدار احتمال
EPU	-۰/۲۲	-۳/۴۶	۰/۰۰۰
Disclosure	۰/۱۰	۷/۳۱	۰/۰۰۰
EPU* Disclosure	۰/۰۳	۲/۳۰	۰/۰۳۰
SIZE	۰/۱۱	۴/۰۹	۰/۰۰۰
AGE	-۰/۲۸	-۲/۰۵	۰/۰۳۸
ROA	۰/۷۹	۳/۸۲	۰/۰۰۰
STATE	۰/۱۴	۴/۳۲	۰/۰۰۰
LSALE	۱/۹۰	۱۵/۳۴	۰/۰۰۰
C (مقدار ثابت)	-۶/۰۹	-۹/۴۹	۰/۰۰۰
مقدار F		۱۲/۴۳	۰/۰۰۰
(R <sup>2</sup> ) ضریب تعیین		۰/۷۱۲۳	
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۶۸۷۶	۱/۷۲

در بررسی معنی‌دار بودن کلی مدل، با توجه به این که مقدار احتمال (P-VALUE) آماره F از ۰/۰۵ کوچک‌تر می‌باشد (۰/۰۰۰۰) با اطمینان ۹۵٪ معنی‌دار بودن کلی مدل تأیید می‌شود؛ بر اساس نتایج ارائه شده در نگاره ۴، سطح معنی‌داری آماره t مربوط به متغیر EPU\* Disclosure کوچکتر از ۰/۰۵ بوده (۰/۰۳۰) یعنی معنی‌دار است، ضریب آن (۰/۰۳) مثبت می‌باشد و مقدار آماره t برای آن برابر با ۲/۳۰ می‌باشد این مقدار آماره t در ناحیه رد فرض صفر قرار می‌گیرد؛ بنابراین می‌توان نتیجه گرفت کیفیت افشای اطلاعات بر رابطه عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی تأثیر معنی‌داری دارد و در نتیجه فرضیه دوم پژوهش تأیید می‌شود.

### نتیجه‌گیری و پیشنهادات

در این پژوهش به بررسی نقش کیفیت افشای اطلاعات بر رابطه بین عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام پرداخته شد؛ در مورد فرضیه اول، نتایج نشان داد که بر اساس تئوری انتخاب واقعی و همچنین با در نظر داشتن فرصت‌طلبی مدیران، عدم قطعیت سیاست اقتصادی بر نقدشوندگی سهام از طریق کانال اطلاعات تأثیر منفی می‌گذارد. این تأثیر از آن جهت است که افزایش عدم قطعیت سیاست اقتصادی، منجر به تشدید عدم تقارن اطلاعاتی در بازار سرمایه می‌شود و در جای خود، کارایی معاملات در بازار اوراق بهادار را مخدوش می‌کند که باعث می‌شود تمایل سرمایه‌گذاران برای تجارت اوراق بهادار کاهش یافته و در نتیجه تعداد معاملات و نقدشوندگی کاهش یابد. به علاوه در طی دوران عدم قطعیت، امکان سرمایه‌گذاری برگشت‌پذیر کاهش می‌یابد. این نتیجه همراستا با یافته‌های ژانگ و همکاران (۲۰۲۳)، فنگران و همکاران (۲۰۲۲)، دوونگ و همکاران (۲۰۱۹)، لی و همکاران (۲۰۱۹) و ناگار و همکاران (۲۰۱۹) است.

نتیجه فرضیه دوم، نشان‌دهنده تأثیر مثبت و معنی‌دار کیفیت افشای اطلاعات بر این رابطه است به نحوی که موجب تضعیف این رابطه منفی می‌شود که می‌توان این نقش را ناشی از کم شدن عدم تقارن اطلاعاتی با افزایش کیفیت افشا دانست. مطابق با این نتیجه، کیفیت افشای بالاتر، عدم قطعیت راجع به ارزش شرکت را کاهش می‌دهد که آن نیز در جای خود، مزیت اطلاعاتی بالقوه یک سرمایه‌گذار آگاه را کاهش می‌دهد. هر دو اثر، میزانی را که سرمایه‌گذاران غیر آگاه در قیمت‌ها نیاز به حمایت و مصونیت دارند، کاهش و بدین ترتیب نقد شونگی بازار را افزایش می‌دهد. به علاوه مطابق فرضیه شناسایی سرمایه‌گذار، سرمایه‌گذاران بالقوه ترجیح می‌دهند در سهام شفاف‌تری که به راحتی با هزینه‌های محدود قابل ارزیابی هستند، معامله کنند که منجر به بهبود نقدشوندگی آن سهام می‌شود؛ به عبارتی با توجه به مشکلی که سرمایه‌گذاران در ارزیابی کیفیت شرکت در محیط‌های نامشخص با آن مواجه هستند، شرکت‌های شفاف احتمالاً ارزش بالایی دارند و در دوره‌های افزایش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی، سهام نقدشوندگی بیشتری دارند. این نتیجه مطابق با یافته‌های فنگرانگ و همکاران (۲۰۲۲)، چو و کیم (۲۰۲۰) و شوئنفلد (۲۰۱۷) است.

یافته‌های این پژوهش شواهدی محکم، مبنی بر اینکه سرمایه‌گذاران نسبت به اعلامیه‌های مدیریت برای شرکت‌هایی با افشای اطلاعات بالا در دوره‌های عدم قطعیت شدید، واکنش نشان می‌دهند، ارائه می‌دهد و با مستند کردن اینکه افشای اطلاعات با کیفیت، باعث بهبود دقت پیش‌بینی تحلیلگران مالی در زمان افزایش عدم اطمینان می‌شود، به آگاهی بخشی سهامداران کمک می‌کند. بر این اساس پیشنهاد می‌شود که سازمان بورس اوراق بهادار، موضوع افشا و کیفیت آن را با جدیت بیشتری به دلیل آگاهی بخشی آن مدنظر داشته باشد و الزامات سخت‌گیرانه‌تری نسبت به شرکت‌ها برای اجباری کردن افشا و کیفیت لازم و به موقع بودن آن تدوین کند و به تحلیلگران بازار سرمایه نیز پیشنهاد می‌شود کیفیت افشای اطلاعات شرکت‌ها را در بازه‌های زمانی مشخص در زمان نااطمینانی بازار و به خصوص در شرایط نوسانات نرخ ارز و تورم در بازار سرمایه ایران به طور کامل مدنظر داشته باشند؛ چراکه عاملی مهم در کاهش عدم تقارن اطلاعاتی و جلوگیری از فرصت‌طلبی مدیران و در نتیجه بهبود حجم معاملات با امید افزایش نقدشوندگی و احتمالاً کسب بازده بیشتر است. به مدیران شرکت‌ها هم پیشنهاد می‌شود که با بهبود کیفیت افشای شرکت و افشای داوطلبانه، به سهامداران این علامت و اطمینان را بدهند که در شرایط نااطمینانی مانند نوسانات نرخ ارز، تورم و... سهام شرکت آنها که در اختیار سهامداران است، نسبت به سهام مشابه به دلیل کم شدن عدم تقارن اطلاعاتی و شفاف شدن محیط اطلاعاتی شرکت، دارای نقد شونگی بیشتری است و آنها را نسبت به خرید و نگهداری سهام امیدوار نمایند. همچنین پیشنهاد می‌شود که به دلیل احتمال تأثیر دیگر متغیرهای غیرمالی مانند عوامل حاکمیتی، زیست‌محیطی و اجتماعی در افشای اطلاعات (که در این پژوهش نادیده گرفته شده‌اند) پژوهش‌های آتی به بررسی نقش گزارشگری یکپارچه، افشای داوطلبانه اطلاعات و همچنین افشای زیست‌محیطی بر رابطه میان عدم قطعیت سیاست اقتصادی و نقدشوندگی سهام بپردازند.

### منابع

آشتاب، علی؛ محمدزاده، حمیده و زواری رضایی، اکبر (۱۴۰۱) بررسی تأثیر اندازه شرکت بر نقدشوندگی سهام با توجه به چرخه عمر شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده بورس اوراق بهادار تهران، راهبرد مدیریت مالی، ۹ (۳۷)، ۱۱۷-۱۳۸

....

آقابابایی، محمدابراهیم؛ علییان، الهام (۱۴۰۱)، بررسی تأثیر احساسات سرمایه‌گذاران بر نقدشوندگی بازار و نوسان آن در بورس اوراق بهادار تهران، تحقیقات مالی، ۲ (۱)، ۶۱-۸۰

بنی مهد، بهمن؛ رویایی، رمضانعلی و مشتاق کهنمویی، مسعود (۱۴۰۱) عدم قطعیت اقتصادی و مدیریت سود: شواهدی از شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران، پژوهش‌های حسابداری و حسابرسی، ۵۴، ۵-۲۰

دشتکی، رقیه؛ قربانی، بهزاد؛ ریاحی، فرشید (۱۴۰۱) تأثیر نااطمینانی سیاست‌های اقتصادی بر هزینه تأمین مالی با تأکید بر ارتباطات سیاسی، فصلنامه اقتصاد کاربردی، ۱۲ (۴۳)، ۸۵-۱۰۰

رضایی، محمود؛ پناهیان، حسین؛ معدنچی زاج، مهدی و قدرتی، حسن (۱۴۰۱) تبیین عوامل مؤثر بر نقد شوندگی سهام با استفاده از الگوریتم ژنتیک و روش حداقل افزونگی و حداکثر ارتباط (MRMR)، مهندسی مالی و مدیریت اوراق بهادار، ش ۵۳، ۴۵-۷۱

سیدنژاد فهیم، سیدرضا؛ مشکی میاوقی، مهدی؛ چیرانی، ابراهیم؛ محفوظی، غلامرضا (۱۳۹۸) بررسی تأثیر معاملات غیرعادی معامله‌گران آگاه بر نقدشوندگی سهام، پیشرفت‌های حسابداری دانشگاه شیراز، دوره ۱۱، ش ۱، ۱۴۳-۱۶۹

شاهمرادی، نسیم و طباطبایی نسب، زهره (۱۴۰۰) بررسی تأثیر کیفیت حسابرسی بر رابطه نااطمینانی اقتصادی و مدیریت سود ناشی از اقلام تعهدی، پژوهش‌های حسابداری مالی، ۱۳ (۱)، ۶۷-۸۶

عامدی، حسین؛ کامیابی، یحیی و ملکیان، اسفندیار (۱۴۰۰) بررسی تأثیر افشای داوطلبانه اطلاعات بر رابطه بین سیاست‌های مالیاتی متهورانه و عدم تقارن اطلاعاتی، دانش حسابداری، ۱۲ (۲)، ۴۹-۶۵

قاسمی، قاسم؛ خدای پور، احمد و شمس‌الدینی، کاظم (۱۴۰۱) در پژوهشی با عنوان نقش عدم اطمینان سیاست‌های اقتصادی در ارتباط بین افشای داوطلبانه اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی، پیشرفت‌های مالی و سرمایه‌گذاری، ۳ (۶)، ۳۱-۵۲

قاسمی، قاسم؛ خدای پور، احمد و شمس‌الدینی، کاظم (۱۴۰۰) بررسی نااطمینانی سیاست اقتصادی بر عدم تقارن اطلاعاتی، واکنش سرمایه‌گذاران به شگفتی سود و افشای اختیاری، دانش حسابداری مالی، ۸ (۳)، ۲۵-۴۷

قربانی، بهزاد؛ پورطاهر اقدم، فرزانه و رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۴۰۱) تأثیر محافظه‌کاری حسابرس و وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود، قضاوت و تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، ۱ (۲)، ۱-۲۵

کردستانی، غلامرضا و حسینی، نیرالسادات (۱۳۹۲) بررسی رابطه‌ی بین کیفیت افشا و محتوای سود حسابداری، بررسی‌های حسابداری، دوره ۱، ش ۱، ۱۲۰-۱۳۹

کیقبادی، امیررضا؛ صدیق بهزادی، شادان؛ طهماسبی، سعید و سیف، سمیرا (۱۳۹۷) تأثیر کیفیت افشای اطلاعات و عدم تقارن اطلاعاتی بر نوسان پذیری بازده سهام با استفاده از سیستم معادلات همزمان، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰ (۴۰)، ۸۸-۶۹

مرادی، فیض‌اله؛ عاقلی، لطفعلی؛ عساری آنرانی، عباس (۱۴۰۱) تأثیر نااطمینانی در سیاست‌های اقتصادی بر شدت انرژي در ایران، اقتصاد انرژي، سال ۱۸، ش ۷۲، ۲۷-۵۸

موسوی شیری، سیدمحمود؛ خلعتبری، حسن و فیروزبخت، مینا (۱۳۹۵) اثر عدم تقارن اطلاعاتی بر ارزشیابی سهام، پژوهش‌های مالی و حسابرسی، ۷ (۲۷)، ۷۳-۹۲

Ashraf, B.N. (2021) Is Economic Uncertainty a Risk Factor in Bank Loan Pricing Decisions? International Evidence. *Risks* 2021, 9, 81, <https://doi.org/10.3390/risks9050081>

Baker, S. R., Bloom, N., and Davis, J.S. (2016). Measuring economic policy uncertainty, *Quarterly Journal of Economics*, 131:1593–1636, DOI 10.3386/w21633

Balakrishnan, Karthik and Billings, Mary Brooke and Kelly, Bryan T. and Ljungqvist, Alexander and Ljungqvist, Alexander, Shaping Liquidity: On the Causal Effects of Voluntary Disclosure (August 25, 2013). *Journal of Finance*, Forthcoming, NYU Working Paper No. 2451/31352, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2150035> 69:2237–2278

- Baloria, Vishal P. and Mamo, Kaleab, Policy Uncertainty and Analyst Performance (April 2, 2017). 2015 Canadian Academic Accounting Association (CAAA) Annual Conference, Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2533049> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2533049>
- Bonaime, A., Gulen, H., & Ion, M. (2018). Does policy uncertainty affect mergers and acquisitions? *Journal of Financial Economics*, 129(3), 531–558.
- Chen R, Liu Y, Jiang Y and Liu J (2023), Does ESG performance promote vitality of capital market? Analysis from the perspective of stock liquidity. *Front. Environ. Sci.* 11:1132845. doi: 10.3389/fenvs.2023.1132845
- Chen, S, Matsumoto, A.D., and Rajgopal, S. (2011) . Is silence golden? An empirical analysis of firms that stop earnings guidance, *Journal of Accounting and Economics*, 51:134–150, <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2010.10.006>
- Cho, H., and Kim, R. (2020). Asymmetric effects of voluntary disclosure on stock liquidity: evidence from 8-K filings. *Accounting and Finance*. doi:10.1111/acfi.12594.
- Çolak, G., Durnev, A., & Qian, Y. (2017). Political uncertainty and IPO activity: Evidence from U.S. gubernatorial elections. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 52(6), 2523–2564.
- Dang, L.T., and Thi Minh Hue Nguyen, H.M.T. 2020. Liquidity risk and stock performance during the financial crisis, *Research in International Business and Finance*, 52:101165, DOI: 10.1016/j.ribaf.2019.101165
- Dash, Saumya Ranjan & Maitra, D (2021) Economic policy uncertainty and stock market liquidity: Evidence from G7 countries, *International Review of Finance*, Volume 21, Issue 2, 611-629, doi.org/10.1111/irfi.12277
- Desalegn, T.A.; Zhu, H. (2021) Does Economic Policy Uncertainty Affect Bank Earnings Opacity? Evidence From China. *J. Policy Model.* 2021, 43, 1000–1015, DOI: 10.1016/j.jpolmod.2021.03.006
- Diamond, D. and Verrecchia, R. (1991). “Disclosure, liquidity and the cost of capital”. *Journal of Finance*, 46: 1325-60.
- Duong, H.N and Nguyen, G, (2019). Impact of Policy Uncertainty on Stock Liquidity: Cross-sectional Effects and Economic Channels. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=3088922>
- Ellul, A., and Panayides, M. (2018). Do financial analysts restrain insiders’ informational advantage? *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53:203-241, DOI: <https://doi.org/10.1017/S0022109017000990>
- Farooq, O., & Ahmed, N. (2019). Dividend policy and political uncertainty: Evidence from the US presidential elections. *Research in International Business and Finance*, 48, 201–209.
- Fengrong, Wang, & Mbanyele, William & Muchenje, Linda, (2022). "Economic policy uncertainty and stock liquidity: The mitigating effect of information disclosure," *Research in International Business and Finance*, Elsevier, vol. 59(C). DOI:10.1016/j.ribaf.2021.101553
- Gulen, H., and Ion, M. (2016). Policy uncertainty and corporate investment, *Review of Financial Studies* 29:523–564, <https://doi.org/10.1093/rfs/hhv050>
- Hendijani Zadeh, Mohammad (2023) Stock liquidity and societal trust, *Journal of Behavioral and Experimental Finance*, Volume 37, March 2023, 100731, <https://doi.org/10.1016/j.jbef.2022.100731>
- Jens, C. E. (2017). Political uncertainty and investment: Causal evidence from U.S. gubernatorial elections. *Journal of Financial Economics*, 124(3), 563–579.
- Kim, K., Pandit, S., and Wasley, C. (2016). Macroeconomic uncertainty and management earnings forecasts, *Accounting Horizons* 30:157–172. <https://doi.org/10.2308/acch-51311>
- King, R. (1996). “Reputation Formation for Reliable Reporting: An Experimental Investigation”. *The Accounting Review*, 71 (3): 375-396.
- Li, Y., Ma, F, Zhang, Y., and Xiao, Z. (2019). Economic policy uncertainty and the Chinese stock market volatility: New evidence, *Applied Economics*, 51:5398-5410. <https://doi.org/10.1080/00036846.2019.1613507>
- Luo, Y., and Zhang, C.(2020).Economic policy uncertainty and stock price crash risk. *Research in International Business and Finance*, 51:101112, <https://doi.org/10.1016/j.ribaf.2019.101112>
- Nagar, V., Schoenfeld, J., and Wellman, L. (2019). The effect of economic policy uncertainty on investor information asymmetry and management disclosures, *Journal of Accounting and Economics*, 67:36–57, <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2018.08.011>

....

- Pastor, L., and Veronesi, P. (2013), Uncertainty about government policy and stock prices, *Journal of Finance* 67:1219–1264, <https://www.jstor.org/stable/23261358>
- Phan, H. V., Nguyen, N. H., Nguyen, H. T., & Hegde, S. (2019). Policy uncertainty and firm cash holdings. *Journal of Business Research*, 95, 71–82.
- Schoenfeld, J. (2017). The effect of voluntary disclosure on stock liquidity: New evidence from index funds, *Journal of Accounting and Economics*, 63:51-74. <https://doi.org/10.1016/j.jacceco.2016.10.007>
- Wang, Y., Wei, Y., & Song, F. M. (2017). Uncertainty and corporate R&D investment: Evidence from Chinese listed firms. *International Review of Economics & Finance*, 47, 176–200.
- Xu, Sheng and Li, Mingyang and Magnan, Michel and Guo, Qi, (2023) Private Meetings and Stock Liquidity: The Perspective of Fair Disclosure (April 5, 2023). Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=4410870> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.4410870>
- Yang, Z. Yu, Y. Zhang, Y. Zhou, S. (2020). Policy uncertainty exposure and market value: evidence from China, *Pacific Basin finance. J.*, 57:101178, DOI: 10.1016/j.pacfin.2019.101178
- Yu, S., Zhang, J., and Qiu, M. (2020). Political uncertainty and analysts' forecasts: Evidence from China, *Finance Research Letters*, 36:101340, DOI: 10.1016/j.frl.2019.101340
- Zhang, R.; Wang, S. (2023). Economic Policy Uncertainty and Bank Stability: An Analysis Based on the Intermediary Effects of Opacity. *Sustainability* 2023, 15, 4084. <https://doi.org/10.3390/su15054084>
- Zhang, L., Chen, W. and Hu, N. (2023), "Economic policy uncertainty and stock liquidity: evidence from China", *International Journal of Emerging Markets*, Vol. 18 No. 1, pp. 22-44. <https://doi.org/10.1108/IJOEM-06-2020-0625>





## Philosophical Phenomenological Approach to Accounting Research

Abolfazl Soleymani<sup>1\*</sup>, Mahdieh Shokrian Berenjestanaki<sup>2</sup>

1. MSc. in Auditing, Faculty of Management, University of Tehran, Tehran, Iran. \* Corresponding Author  
2. MSc. in Auditing, Lecturer of accounting Department, Farvardin Qaemshahr Institute of Higher Education, Qaemshahr, Iran.

Received: 2023/06/13

Accepted: 2023/11/04

### Abstract

Accounting, as a social and organizational phenomenon, is changing rapidly in line with the social progress and increasing complexity of businesses. Therefore, in each field, it finds different meanings, and understanding how social actors use and react, and the way the areas where accounting procedures are applied are formed and reconstructed has become more important than before. Since the mainstream of accounting research uses quantitative research, there is a need to introduce philosophical phenomenological methods to accounting research to study new phenomena. This article presented some research questions appropriate to qualitative research methods and opportunities to investigate new accounting phenomena. Using the path approach for qualitative research, especially the use of phenomenology for accounting issues, led researchers to have another alternative (by choosing phenomenological research methods) to conduct their qualitative research. The results showed that the use of this approach in qualitative phenomenological research could lead accounting researchers to find answers in the first steps of qualitative research and also to explore the concepts of different areas of accounting. Moreover, this model can enrich phenomenological methodologies for accounting researchers.

**Keywords:** Phenomenology, Qualitative research, Path approach, Accounting concepts.



## رویکرد فلسفی پدیدارشناسی در پژوهش‌های حسابداری

ابوالفضل سلیمانی<sup>۱</sup>، مهدیه شکریمان برنجستانکی<sup>۲</sup>

۱. کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت، دانشگاه تهران، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. کارشناسی ارشد حسابداری، مدرس گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی فروردین قائمشهر، قائمشهر، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۳/۲۳ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۸/۱۳

### چکیده

حسابداری به عنوان پدیده‌ای اجتماعی و سازمانی همگام با پیشرفت اجتماعی و پیچیدگی روز افزون کسب‌وکارها به سرعت در حال تغییر است؛ لذا در هر حوزه معانی متفاوتی پیدا می‌کند که درک چگونگی استفاده و واکنش بازیگران اجتماعی و نحوه شکل‌گیری و بازسازی حوزه‌هایی که رویه‌های حسابداری در آنها اعمال می‌شود مهم‌تر از پیش شده است. به دلیل اینکه جریان اصلی پژوهش‌های حسابداری از پژوهش‌های کمی استفاده می‌کند، نیاز به ورود روش‌های فلسفی پدیدارشناسی به پژوهش‌های حسابداری جهت بررسی پدیده‌های جدید احساس می‌گردد. این مقاله برخی از پرسش‌های پژوهشی متناسب با روش‌های پژوهش کیفی و فرصت‌هایی را جهت بررسی پدیده‌های جدید حسابداری ارائه می‌کند. استفاده از رویکرد مسیر برای پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه استفاده از پدیدارشناسی برای مسائل حسابداری، پژوهشگران را بر آن داشت تا جایگزین دیگری (با انتخاب روش‌های پژوهش پدیدارشناسی) جهت انجام پژوهش‌های کیفی خود داشته باشند. نتایج نشان داد که استفاده از این رویکرد در پژوهش‌های کیفی پدیدارشناسی، می‌تواند پژوهشگران حسابداری را به سمت یافتن پاسخ در اولین قدم‌های پژوهش‌های کیفی و نیز کاوش در مفاهیم حوزه‌های مختلف حسابداری سوق دهد. همچنین این مدل می‌تواند روش‌شناسی‌های پدیده‌شناسی را برای پژوهشگران حسابداری غنی‌تر کند.

**واژه‌های کلیدی:** پدیدارشناسی، پژوهش کیفی، رویکرد مسیر، مفاهیم حسابداری.

**مقدمه**

به‌کارگیری رویه‌های حسابداری دارای مفاهیم رفتاری و عملکردی فردی، سازمانی و اجتماعی است (برچل و همکاران، ۱۹۸۰؛ پاتر، ۲۰۰۵). رویه حسابداری به عنوان یک بازتاب عینی، صحیح و بی‌طرفانه از واقعیت سازمانی توصیف می‌شود. رویه‌ها در حسابداری پدیده‌هایی هستند که به صورت گزارش‌های مالی نشان داده شده‌اند و به صورت عینی (هدف نهایی) تلقی می‌شوند. پژوهش‌های کیفی با پاسخ به پرسش‌های پژوهش و کاوش در حسابداری در مواردی که روش‌های پژوهش کمی حسابداری در دسترس و قابل انجام نیستند (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹)، و نیز در تشریح بسیاری از رویه‌های حسابداری که به طور کامل درک نشده یا توسط همه نادیده گرفته شده‌اند (پاتر، ۲۰۰۵) نقش مهمی ایفا می‌کنند.

پژوهش‌های حسابداری کیفی نقش ارزشمندی در کمک به درک حسابداری در دنیای در حال تغییر دارد؛ اگرچه پژوهش‌های کیفی در حسابداری وجود دارد اما به دلیل اینکه جریان اصلی پژوهش‌های حسابداری از پژوهش‌های کمی استفاده می‌کند لذا اهمیت آن‌ها به طور درست فهمیده نشده‌اند. این بحران، نیاز به ورود روش فلسفی پدیدارشناسی به پژوهش‌های حسابداری را ایجاد کرده است. پدیدارشناسی با تعلیق هرگونه پیش‌فرض در مقام توصیف دقیق پدیدارها، زمینه‌ای را فراهم می‌آورد تا ذاتی که نهفته در پدیدارها است، آن‌چنان که هست، خود را نمایان کند (ملایی، ۱۳۹۶). هدف روش پدیدارشناسی ارایه توصیفی عمیق برای فهم ماهیت و جوهره یک تجربه است و به‌جای تلاش برای اثبات یا رد یک نظریه، به توسعه نظریه‌ای تفسیری می‌پردازد (مرادی‌پرنجانی و صادقی، ۱۳۹۳).

شاخه‌های پدیدارشناسی متنوع و در حال رشد هستند، و به پژوهشگران این آزادی داده می‌شود که روش‌شناسی گوناگونی را برای یافتن پاسخ به یک مطالعه تعیین کنند. این روش‌ها به طور ذاتی نسبت به هر روش دیگری برتری ندارند (برادبنت و آنرمن، ۲۰۱۱). لذا، پژوهشگرانی که استفاده از روش پدیدارشناختی را انتخاب می‌کنند قطعاً جریان تفکر منطقی را در روش پدیدارشناسی مورد بررسی قرار می‌دهند. این طرز تفکر، پژوهشگران را به یافتن پاسخ و انجام پژوهش‌های خود با روش‌های جدید و منحصر به فرد سوق می‌دهد (مالانا و همکاران، ۲۰۲۲). هدف این پژوهش، ارایه انواع پرسش‌های پژوهشی متناسب با روش‌های پژوهش کیفی و فرصت‌هایی برای بررسی پدیده‌های حسابداری جدید می‌باشد. با استفاده از مدل مسیر برای پژوهش‌های کیفی، به‌ویژه بهره‌گیری از پدیدارشناسی در مسائل حسابداری، پژوهشگران یک جایگزین دیگر با انتخاب روش‌های پژوهش پدیدارشناسی جهت انجام پژوهش‌های کیفی به‌دست می‌آورند.

**حسابداری به عنوان عملکرد اجتماعی و فرصت پژوهش کیفی**

پژوهش در حسابداری معمولاً با جستجو و کاوش از منظری وسیع آغاز می‌شود، سپس کاربرد شیوه‌های حسابداری را در زمینه‌های اجتماعی و سازمانی که در آن‌ها رخ می‌دهد بررسی می‌کند (پاتر، ۲۰۰۵). چنین مطالعاتی نشان می‌دهد که درک کردن حسابداری به عنوان یک عمل پویا و عملکرد ساخته شده اجتماعی آسان‌تر بوده و سبب تسهیل روند معناشناسی آن می‌گردد (خواجوی و کرماشاهی، ۱۳۹۷). حتی تا جایی که پژوهشگران استدلال می‌کنند که هیچ حوزه طبیعی یا ثابتی وجود ندارد که باید یا نباید رویه حسابداری در آن اعمال شود (مالانا و همکاران، ۲۰۲۲). این حوزه حسابداری معمولاً به شکل ویژگی‌های کاربردی عملکرد حسابداری در یک زمینه مفهومی است. استفاده از شیوه‌های حسابداری پیامدهایی برای رفتار فردی، عملکرد سازمان‌ها و جامعه خواهد داشت (ملاسون، ۲۰۱۴؛ سالامون، ۲۰۱۸).

نظریه‌پردازان حسابداری نیز به حسابداری به عنوان یک ابزار زبانی نگاه کرده و چگونگی توسعه و کاربرد این زبان در موارد خاص را بررسی کرده‌اند. پژوهشگران در این حوزه، حسابداری را با ابعاد عینی و بدیعی خود در نظر گرفته‌اند و مشاهدات بدیعی را که به نظر می‌رسد از مقررات، عملکرد و رویه حسابداری پشتیبانی می‌کند، شناسایی کرده‌اند. یکی از دیدگاه‌هایی که پژوهشگران شناسایی کرده‌اند، گزارشگری و عملکرد حسابداری را به عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری واقعیت اقتصادی موجود توصیف می‌کند (مالانا و همکاران، ۲۰۲۲). چنین دیدگاهی که اغلب در استانداردهای حسابداری و بیانیه‌های راهنمای نظری وجود دارد، عملکرد حسابداری را به عنوان بازتابی عینی، صادقانه و بی‌طرفانه از واقعیت سازمانی توصیف می‌کند؛ در این نگرش، تنها پدیده‌هایی که به صورت مالی در گزارش ارایه می‌شوند، عینی تلقی می‌شوند؛ در حالی که تخصیص‌ها، طبقه‌بندی‌ها و سایر تفاسیر انسانی که در بسیاری از رویه‌های حسابداری مشهود هستند، به طور کامل درک نشده و یا نادیده گرفته می‌شوند.

در نهایت، مشاهده حسابداری به عنوان یک عمل اجتماعی و نهادی نیاز به درک چگونگی شکل‌گیری و بازسازی حوزه‌هایی را که رویه‌های حسابداری در آن اعمال می‌شوند ایجاد می‌کند (سالامون، ۲۰۱۸). همچنین این نکته می‌تواند درک ما را از فعالیت‌های حرفه‌ای سازی در این زمینه بسط دهد. به طور معمول، حسابداری جریان‌های فیزیکی یک سازمان را به جریان‌های مالی تبدیل می‌کند. با انجام این کار، حسابداری توانایی آن را پیدا خواهد کرد که حوزه خاصی از حسابداری اقتصادی را ایجاد کند که بتواند قضاوت‌های فراتری نموده، اقدامات یا سیاست‌های موجهی تدوین و اختلافات ایجاد شده را حل و فصل کند (سالامون، ۲۰۱۸). این درک از حوزه حسابداری همچنین

منجر به پژوهش‌هایی شده است که می‌توان آن‌ها را به دو دسته طبقه‌بندی کرد؛ یعنی مطالعاتی که بر پیامدهای تغییر حوزه‌های حسابداری تمرکز دارند و پژوهش‌هایی که فرآیندهایی را بررسی می‌کند که از طریق آن حوزه‌ها می‌تواند در موقعیتی خاص تغییر کند.

### انواع پرسش‌های پژوهشی متناسب با روش‌های پژوهش کیفی

حسابداری به‌عنوان یک عمل اجتماعی و زبان، می‌تواند برای توضیح و توصیف چگونگی ظهور معانی برای پاسخگویی اجتماعی به کاوش ادامه دهد. مرحله بعدی پس از انجام پژوهش‌های کیفی در رشته مدیریت و پژوهش‌های میدانی، تکمیل می‌شود. پژوهشگر با چندین پرسش چالش برانگیز مواجه است (تاگر و شالتگر، ۲۰۱۶). پرسش‌هایی از این قبیل که چگونه باید این اعمال و رویدادها را فهمید؟ ساختارها و فرآیندهای سازمانی چگونه توصیف می‌شوند؟

روش پاسخ استاندارد به این پرسش‌ها، بهره‌گیری از برخی نظریه‌ها در این مشکلات سازمانی است. نظریه‌پردازی (یا چارچوب‌بندی مفهومی) ارزش افزوده پژوهش‌های کیفی دانشگاهی است.

بهره‌گیری از راهبرد پژوهش پدیدارشناسی، به شناسایی، کشف و درکی عمیق‌تر از پدیده‌های اجتماعی که کنشگران فعال آن را تجربه کرده‌اند کمک خواهد کرد (نیکویی‌فرد و همکاران، ۱۴۰۱). برای پژوهش پدیدارشناسی، شاید امیدوارکننده‌ترین فرصت برای پژوهشگران جهت پیشبرد رویکرد پدیدارشناسی، مرور کار آلفرد شوتر باشد؛ شوتر چارچوبی جامعه‌شناختی مبتنی بر مفاهیم پدیدارشناختی ایجاد کرده و آثار هاسلر و ماکس وبر را ترکیب می‌کند (شوتر و لاکمن، ۱۹۷۳).

پژوهش‌های تفسیری نیز نقش مهمی در مسبردهی یا مفهوم‌سازی تغییرات سازمانی ایفا می‌کنند؛ به‌ویژه زمانی که مسیرهای تغییر پیچیده و مدل‌سازی یا آزمایش تجربی دشوار است. پدیدارشناسی تفسیری در پی درک مفهوم یک پدیده در تجربه‌های افراد یک بافت یا یک بستر خاص است (کاظمی و دانایی‌فرد، ۱۳۹۰). پژوهش‌های حسابداری تفسیری توجه زیادی را به توضیح چگونگی استفاده از گزارش یکپارچه برای تقویت اهداف اجتماعی، اقتصادی و زیست محیطی سازمان (سالامون، ۲۰۱۸)، تعامل موثرتر با ذی‌نفعان (لودیا، ۲۰۱۵) و همچنین ارایه رویکرد یکپارچه‌تر برای مدیریت کسب و کار (گوتوری و همکاران، ۲۰۱۷) اختصاص داده‌اند.

### نگاره ۱. تفاوت پدیدارشناسی توصیفی و تفسیری

اجزا	توصیفی (هاسلر)	پدیدارشناسی تفسیری (هایدگر)
روش	فروکاست از طریق اپوخه و براکتینگ	هرمنوتیک
هدف	پاک کردن / عاری از فرضیات روزمره	دازاین که به معنای وجود هستی‌شناسی است.
اصول	جستجوی جوهر و ذات (فروکاست آیدتیک)	خود و جهان یکی در یک واحد می‌شوند، دازاین.
نتیجه	پایه و اساس تمام دانش و روش‌های پدیدارشناسی را براساس کار خود به اشتراک قرار داده و هدف خود را برای توصیف این ماهیت به اشتراک می‌گذارد.	پدیدارشناسی دازاین در معنای اصلی کلمه هرمنوتیک است که به کار تفسیر اشاره دارد.

مهم‌ترین دلیل استفاده از روش کیفی در پژوهش‌ها این است که رویکردهای سنتی نمی‌توانند زندگی و حیات را آن‌گونه که زیسته شده، بررسی کنند و بفهمند (پرتوی، ۱۳۹۲). مطالعات کیفی می‌توانند سهم مهمی در دانش داشته باشند، زیرا آن‌ها با موقعیت‌های پرت درگیر هستند که اغلب از روش‌های کمی حذف می‌شوند (دی‌ویلیز و همکاران، ۲۰۱۹). با بررسی استثناءها، پژوهش‌های کیفی می‌توانند دیدگاه‌های جایگزینی را در مورد پدیده‌هایی که حتی به‌خوبی مطالعه شده ارایه داده و ایده‌های جدیدی را برای اعمال، مشارکت و توسعه نظریه حسابداری در سطوح مختلف عرضه نمایند (لولین، ۲۰۰۳). براساس پیشنهاد ملانسون (۲۰۱۴) لازم است نحوه انتخاب مطالعات پدیدارشناسی در پژوهش‌های کیفی، تشریح و همچنین با هر نوع موضوع تطبیق داده شود (امامی‌کوپائی و همکاران، ۱۳۹۷).

انتخاب صحیح، استراتژی انجام پژوهش در هر زمینه، روش‌ها و نمونه‌های لازم را تعیین می‌کند، که برای سهولت انجام آن نیاز به یک مسیر تحقیقاتی است. در موارد دیگر، زمانی که با روابط متقابل پیچیده‌ای سروکار داریم که مدل‌سازی آن‌ها دشوار (اگر غیرممکن نباشد) باشد و یا بر تفسیرهای شخصی از حقایق و شرایط تکیه کنند (برادبنت و اونرمن، ۲۰۱۱) نیاز به یک رویکرد تفسیری یا انتقادی است. در طی سال‌ها، پژوهشگران حسابداری برخی از این روش‌های تفسیری را از علوم انسانی اقتباس کرده‌اند (دی‌ویلیز و همکاران، ۲۰۱۹). تفسیرگرایان بر این باورند که دانش و حقیقت، از تعاملات چندگانه و گاهی واقعیت‌های رقیب ناشی می‌شود.

نیاز به حقیقت مطلق، دقت و یافته‌های کلی، راه را برای مطالعات اکتشافی که بر فهم چگونگی و چرایی درک بازیگران اجتماعی از پدیده‌ها متمرکز است، هموار کرد (چوا، ۱۹۸۶). در نتیجه، پژوهشگران حسابداری تفسیری، به توصیف صرف نمی‌پردازند (ابوسعدی و همکاران، ۱۴۰۰) و از چارچوب‌ها و روش‌های نظری متفاوتی برای مطالعه آنچه که فن حسابداری می‌گویند، چگونه توسعه می‌یابد، به کار می‌رود یا

درک می‌شود استفاده می‌کنند (هوپوود، ۱۹۹۴). بیشتر نظریه‌های تفسیری از علوم اجتماعی و سیاسی سرچشمه می‌گیرند و معمولاً بر روش‌های کیفی تکیه می‌کنند تا از آنچه به‌عنوان فروکاست تله‌های تکنیک‌های پوزیتیویستی سنتی می‌دانند اجتناب کنند (آرنز و همکاران، ۲۰۰۸؛ برادبنت و اونرمن، ۲۰۱۱).

مطالعات کیفی به‌ویژه برای بررسی روابط یا تعاملات احتمالی بین متغیرها در غیاب پژوهش‌های قبلی ثابت شده یا روابط علت و معلولی قابل پیش‌بینی مناسب هستند. برای مثال:

۱. چگونه شرکت‌های حسابداری حرفه‌ای مشروعیت را تضمین می‌کنند و از تخصص‌گزارشگری مالی خود برای گسترش به سایر حوزه‌های گزارشگری و مشاوره شرکت‌ها استفاده می‌کنند (دیلارد و روزلندر، ۲۰۱۱؛ اودوایر و همکاران، ۲۰۱۱).
۲. چگونه می‌توان از سیستم‌های حسابداری برای تغییر رفتار کارورز استفاده کرد (کاوون و داپسون، ۲۰۰۲).
۳. چگونه افراد به نسخه‌های جدید حسابداری و حسابرسی واکنش نشان می‌دهند (دوروچر و گندرون، ۲۰۱۴).

### فرصت‌هایی برای بررسی پدیده‌های جدید حسابداری

پدیدارشناسی، اساساً مطالعه تجربی زیسته یا جهان زندگی است (امامی سیگارودی و همکاران، ۱۳۹۱) و به کمک آن می‌توان آگاهی و تجربه افراد متعدد از مفاهیم و پدیده‌ها را بدون واسطه دریافت کرد (پروری، ۱۳۹۸) و به عنوان یک روش‌شناسی در پژوهش‌های اجتماعی می‌تواند در حسابداری نیز استفاده شود. استفاده از روش پدیدارشناسی مبتنی بر حسابداری شامل دانش بسیار زیادی می‌باشد که نیاز به کاوش یا کشف دارند.

کشف به عنوان عمل نگرستن به پدیده به‌طور کامل و یا آگاهی کامل در مورد وجود آن تصور می‌شود (الوانی و بودلایی، ۱۳۸۹). فلسفه پدیدارشناسی دارای یک آغازگاه پایه است، اما در جهاتی مختلف راه می‌پیماید که گرچه مرتبط می‌باشند، ولی همگن نیستند و می‌توانند به مقاصد مختلف برسند (شیرازی، ۱۳۹۲). فلسفه پدیدارشناسی مفاهیم مختلف پیشرو در مطالعه سازمان‌ها از جمله ساختار اجتماعی را معرفی کرده است (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱). پژوهشگر پدیدارشناسی حسابداری از طریق پژوهش میدانی با افراد و سازمان‌ها بحث می‌کند (گیل، ۲۰۱۴). حسابداری در هر زمینه‌ای که بازیگران اجتماعی با اعضای خود در محیط تعامل دارند پیچیده‌تر می‌شود. پدیدارشناسی برای بررسی چگونگی استفاده و واکنش بازیگران اجتماعی به حسابداری به‌ویژه در بررسی روابط علی پیچیده و برای بررسی تغییرات اجتماعی و زمینه‌های جدید مفید خواهد بود (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). واحد تحلیل در پدیدارشناسی می‌تواند یک فرد، زوج، گروه و یا سازمان باشد (برگر و لاکمن، ۱۹۹۱). پژوهش‌های تفسیری یا انتقادی، عملکرد حسابداری را از طریق گسترش مرزهای پژوهش‌های حسابداری، نقد و توسعه تئوری و بسترسازی برای مطالعات کمی آینده برای بررسی ارتباطات و روابط متقابل جدید، کاوش می‌کنند. در عین حال، پژوهش‌های کیفی باید عملاً مرتبط و نه چندان دور از عمل باشند (تاکر و لوو، ۲۰۱۴). اغلب تمرکز بیش از حد روی تحولات نظری و ترجیحات روش‌شناختی وجود دارد که احتمالاً منجر به نادیده گرفته شدن مشارکت‌ها توسط جامعه حرفه‌ای می‌شود (پارکر و همکاران، ۲۰۱۱). پژوهشگران کیفی باید پرسش‌های مهمی بپرسند، وضعیت موجود را به چالش بکشند و نظریه و عمل را توسعه دهند. پدیده‌های جدید حسابداری به طور مداوم در حال معرفی هستند. برخی از نمونه‌های جدیدتر به تأثیرات پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی به‌ویژه تغییرات آب و هوایی و نحوه افشا و گزارش فعالیت‌های مرتبط شرکت‌ها به سرمایه‌گذاران، سیاست‌گذاران و عموم مردم مربوط می‌شوند (الرازی و همکاران، ۲۰۱۶).

یک مطالعه کیفی برای توسعه مفاهیم، اصول و شیوه‌های حسابداری بر اطلاعات، مفروضات و نظریه مناسب تکیه دارد (خان، ۲۰۱۴). با این حال، به جای تمرکز بر تعمیم‌های آماری، بر نتیجه‌گیری در مورد شرایطی که زمینه یک رویداد را شکل می‌دهد تأکید می‌شود (جاوید و ژوکوان، ۲۰۱۸). به همین دلیل، پژوهش‌های کیفی حسابداری برای بررسی چگونگی تأثیر حسابداری بر اعضای خاصی از جامعه و چگونگی تأثیر متقابل آن‌ها بر حسابداری مناسب هستند. با توجه به مطالعه دی‌ویلیرز و همکاران (۲۰۱۹)، روش‌های پژوهش کیفی را می‌توان برای آزمایش چگونگی تأثیر حسابداری بر کارکنان در یک زمینه خاص به کار برد، مانند:

- تعادل بین کار و زندگی • شرایط کاری • رضایت کارکنان • تعهد کارکنان • پاداش کارکنان • احتمال اجتناب کارکنان از کنترل‌ها • احتمال غفلت کارکنان از وظایف خود • احتمال اینکه کارکنان به تقلب فکر کنند.

علاوه بر این، کارکنان تنها یک گروه در جامعه هستند. همین نوع پرسش را می‌توان در مورد سایر گروه‌های جامعه نیز مطرح کرد؛ به عنوان مثال، نحوه استفاده از حسابداری یا استفاده از آن جهت تأثیرگذاری بر:

- هیات‌مدیره • مشتریان • تأمین‌کنندگان • مدیریت ارشد • پاداش مدیران اجرایی • حساب‌رسان • دولت • مقامات مالیاتی • گروه‌های تحت فشار محیطی • ارایه‌دهندگان تضامین • سرمایه‌گذاران • بانک‌ها • قانون‌گذاران • حرفه‌های حسابداری.

هر یک از نکات بالا را نیز می‌توان به روشی مشابه با بحث در مورد کارمندان قبلی گسترش داد. پژوهش‌های کیفی همچنین می‌تواند پرسش‌های مهم مربوط به تلاش‌های حرفه حسابداری را مورد بررسی قرار دهند (دی‌ویلیرز و همکاران، ۲۰۱۹). روند تغییرات سریع و پی‌درپی استانداردها و قوانین و مقررات تأثیرگذار بر حرفه حسابداری در ایران نیز شاید حاکی از این موارد و یا سوء مدیریت مقامات ذی‌صلاح باشد که توجه بیشتر پژوهشگران را می‌طلبد: (۱) محدود کردن ورود به این حرفه برای افزایش مصنوعی سطح درآمد اعضا؛ (۲) پیچیده کردن قوانین حسابداری برای افزایش سطح درآمد اعضا؛ (۳) پیچیده کردن الزامات حسابرسی برای افزایش سطح درآمد اعضا؛ (۴) محدود کردن ورود گروه‌های اقلیت به این حرفه؛ (۵) کمک زیاد برای حفظ سلطه در زمینه‌های گوناگون؛ به عنوان مثال؛ سرمایه‌داری، کمونیست یا دئیست، و... علاوه بر این، در زمینه شرکت‌ها و حرفه حسابداری، موقعیت‌های بسیار دیگری برای بررسی همان مسایل با استفاده از روش‌های کیفی وجود دارد (مالانا و همکاران، ۲۰۲۲)؛ مانند: (۱) امور خیریه سازمان‌های غیرانتفاعی؛ (۲) سازمان‌های زیر نظر سازمان‌های بخش عمومی (۳) شرکت‌های دولتی؛ (۴) بنگاه‌های اجتماعی؛ (۵) تشکل‌های مذهبی؛ (۶) جوامع در اطراف و حاشیه؛ (۷) خانواده، در میان بقیه. به منظور ارایه جبهتی برای پژوهش‌های حسابداری مبتنی بر پدیده‌های آینده، این مطالعه مسیری را برای شفاف‌سازی مراحل انجام پژوهش‌های بیشتر از طریق پژوهش‌های کیفی پدیدارشناختی در نگاره ۲ ارایه می‌کند.

### نگاره ۲. مسیر پژوهش کیفی پدیدارشناسی

مسیرهای پژوهش	انتخاب	پژوهش
نوع پژوهش	کیفی	بورل و مورگان (۱۹۷۹)؛ چوآ (۱۹۸۶)؛ نیومن (۲۰۱۴)
پارادایم پژوهش	تفسیری	بورل و مورگان (۱۹۷۹)؛ چوآ (۱۹۸۶)؛ نیومن (۲۰۱۴)
روش‌شناسی پژوهش	پدیدارشناسی	هاسلر، ۱۹۰۰. (کوکلنز، ۱۹۶۷)؛ هایدگر (۱۹۶۲)
انواع روش‌شناسی	تفسیری یا انتقادی	شوتز (۱۹۶۲)؛ ایهد (۱۹۹۱)
فلسفه پدیدارشناسی	هاسلر و مارتین هایدگر (پدیدارشناسی تفسیری) مریلوپوتی، پیر بوردیو (پدیدارشناسی انتقادی)	گیل (۲۰۱۴)؛ نوبائتر و همکاران (۲۰۱۹) (سالمون، ۲۰۱۸)
نوع پدیدارشناسی	پدیدارشناسی تفسیری	گیل (۲۰۱۴)؛ نوبائتر و همکاران، (۲۰۱۹)
روش پدیدارشناسی	تحلیل تفسیری پدیدارشناسی	بونر و فریدمن (۲۰۱۱)؛ جورجی (۲۰۱۰)؛ رابرت (۲۰۱۳)؛ گیل (۲۰۱۴)
روش توسعه‌دهنده	جانانان اسمیت آمادئو جورجی	(اسمیت، ۱۹۹۶) (جورجی، ۱۹۹۴)
مفاهیم کلیدی	تحلیل تفسیری پدیدارشناسی با استفاده از هرمنوتیک دوگانه، ایدیوگرافیک، استقرایی تحلیل پدیدارشناسی توصیفی با استفاده از براکتینگ (اپوخه)، فروکاست آیدتیک، تغییر تخیلی و واحدهای معنایی	گیل (۲۰۱۴) (اسمیت، ۱۹۹۶) (جورجی، ۱۹۹۴)

### بحث و نتیجه گیری

انتخاب یک روش‌شناسی مناسب برای سؤالات و پژوهش‌های حسابداری می‌تواند چالش‌های پیش روی علم و عمل حسابداری را هر چقدر هم که پیچیده باشند برآورده سازد و این باعث عمیق‌تر شدن رویکرد مطالعاتی، تقویت اعتبار و کیفیت پژوهش‌های حسابداری خواهد شد. در این راستا، این گونه مطالعات، پژوهش‌های کیفی در حسابداری را برجسته کرده است؛ به‌طور بدیهی این پژوهش تأیید می‌کند که به‌کارگیری متناسب پژوهش‌های کمی و کیفی در زمینه‌های مختلف علوم می‌تواند به سطوح بالاتر دانش و درک بهتر پدیده‌های مختلف کمک کند. در این راستا، حسابداری به‌عنوان بخشی از علوم اجتماعی باید با استفاده از یک رویکرد جامع، نه تنها به عنوان یک عمل، بلکه به عنوان یک رشته علمی با پیشینه نظری و همبستگی آن با سایر بخش‌های تجاری از طریق اجرای پژوهش‌های کیفی مورد توجه قرار گیرد.

هدف اصلی این پژوهش، ارایه انواع پرسش‌های پژوهشی متناسب با روش‌های پژوهش کیفی و فرصت‌هایی برای بررسی پدیده‌های جدید حسابداری است. علاوه بر این، مسیری را جهت روشن شدن مراحل پژوهش‌های بیشتر در انجام پژوهش‌های کیفی پدیدارشناختی در مطالعات حسابداری ارایه می‌دهد. رویکرد پدیدارشناختی تلاش می‌نماید تا جنبه‌های آشکار و پنهان عملکردهای حسابداری را به منظور افزایش پاسخگویی اجتماعی تشریح نماید. در این راستا، جبهتی نیز برای پژوهش‌های حسابداری مبتنی بر پدیده‌های آینده ترسیم شد.

با ارایه برخی ارزش افزوده‌های علمی، این مطالعه به لحاظ نظری با تجزیه و تحلیل سیستماتیک، در تشریح رابطه بین حسابداری به عنوان یک موضوع علمی و به عنوان یک ساختار اجتماعی کمک می‌کند. همچنین، در راستای اهداف عملی نیز با استفاده از تفصیل فلسفی مناسب می‌تواند به غنی سازی ادبیات تجاری کمک کند. یافته‌های پژوهش، حسابداری را به عنوان یک عمل اجتماعی که می‌توان با انجام پژوهش‌های کیفی بسط داد در نظر می‌گیرد. یافته‌ها چند نمونه عملی از پژوهش‌های کیفی در چندین حوزه حسابداری را ارایه می‌دهد؛ به عنوان مثال، روش‌های پژوهش کیفی می‌تواند برای بررسی چگونگی و چرایی تأثیر هیات‌مدیره بر حسابداری و چگونگی و چرایی استفاده از حسابداری برای نظارت و تأثیرگذاری بر مدیران، پاداش‌های آن‌ها، چشم‌اندازهای آن‌ها برای انتصاب مجدد و غیره استفاده شود. به همین ترتیب، روش‌های کیفی می‌تواند استفاده از حسابداری را برای تأثیرگذاری بر هیات‌مدیره یا اثربخشی آن‌ها در نظارت و تأثیرگذاری بر استراتژی‌های شرکت توضیح دهند.

به عنوان محدودیت، این مقاله تنها یک مسیر مفهومی جهت انجام پژوهش‌های کیفی با استفاده از روش‌شناسی پدیدارشناسی ارایه می‌دهد. لذا راه‌های بسیار دیگری نیز وجود دارد که بتوان با توجه به زمینه‌ها و پدیده‌هایی که در محیط به وجود می‌آیند، پژوهش‌های کیفی انجام داد، که به پژوهشگران آتی بررسی این موارد پیشنهاد می‌گردد.

## منابع

- ابوسعیدی، مینا، معین‌الدین، محمود،، حیرانی، فروغ. (۱۴۰۰). ارزیابی سواد مالی مدیران شرکت‌های بخش خصوصی. دانش حسابداری مالی، ۸(۲)، ۱۹۵-۲۱۹.
- الوانی، سیدمه‌دی، بودلایی، حسن. (۱۳۸۹). پدیدارشناسی در مطالعات کارآفرینی. علوم مدیریت ایران، ۵(۱۹)، ۳۳-۶۲.
- امامی‌سیگارودی، عبدالحسین، دهقان‌نیری، ناهید، رهنورد، زهرا، نوری‌سعید، علی. (۱۳۹۱). روش‌شناسی تحقیق کیفی: پدیدارشناسی. پرستاری و مامایی جامع‌نگر، ۲۲(۶۸)، ۵۶-۶۳.
- امامی‌کوپائی، سمانه، نوروز برازجانی، ویدا، صافیان، محمدجواد. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی، پاسخی به مساله روش در فهم چپستی معماری (پیشامدرن سستی). ماهنامه باغ نظر، ۱۵(۶۵)، ۱۳-۲۴.
- پرتوی، پروین. (۱۳۹۲). پدیدارشناسی مکان. تهران: نشر فرهنگستان هنر.
- پروری، پیمان. (۱۳۹۸). خوانشی نو از روش پدیدارشناسی؛ بنیان‌های فلسفی، رویکردها و چارچوب اجرای تحقیق پدیدارشناسی. مطالعات جامعه‌شناسی، ۱۲(۴۴)، ۸۷-۱۰۶.
- خواجهی، شکراله، کرمشاهی، بهنام. (۱۳۹۷). پدیدارشناسی نقش نگرش فردی بر اخلاق مالیاتی و تمکین مالیاتی. دو فصلنامه حسابداری ارزشی و رفتاری، ۳(۵)، ۱۸۷-۲۰۸.
- شیرازی، محمدرضا. (۱۳۹۲). جایگاه پدیدارشناسی در تحلیل معماری و محیط. معماری و شهرسازی آرمان شهر. ۱۱، ۹۱-۹۹.
- کازمی، سیدحسین، دانایی‌فرد، حسن. (۱۳۹۰). پژوهش‌های تفسیری در سازمان: استراتژی‌های پدیدارشناسی و پدیدارنگاری. تهران: نشر دانشگاه امام صادق (ع).
- مرادی‌پرنجدانی، حجت اله، صادقی، ستار. (۱۳۹۳). پدیدارشناسی؛ رویکردی فلسفی، تفسیری و روش‌شناختی به مطالعات کارآفرینی. دو فصلنامه مطالعات روش‌شناسی دینی، ۲، ۶۲-۷۲.
- ملایی، رضا. (۱۳۹۶). تبیین واقعیت‌پدیدار و روش پدیدارشناسی بر اساس فلسفه هوسرل و بازسازی آن بر اساس فلسفه صدرالمطالیهین. اسلام و مطالعات اجتماعی، ۴(۴)، ۹۱-۱۱۵.
- نیکویی‌فرد، مسعوده، نصیری، محمود، رضوانی، محمدرضا. (۱۴۰۱). تحلیل پدیدارشناسی آثار منفی شهرک‌های صنعتی بر تجربه‌ی زیسته‌ی مردم بومی روستا (مطالعه موردی شهرک صنعتی خیرآباد اراک). پژوهش‌های جغرافیای انسانی، ۵۴(۱)، ۱-۱۹.

Abousaidi, M., Moeinadin, M., & Heyrani, F. (2021). Evaluation of the Financial Literacy of the Managers of the Private sector Companies. *Financial Accounting Knowledge*, 8(2), 195-219. (In Persian)

Alvani, S.M., & Bodlaei, H. (2011). Phenomenology in Entrepreneurship studies. *Iranian journal of management sciences*, 5(19), 33-62. (In Persian)

Ahrens, T., Becker, A., Burns, J., Chapman, C.S., Granlund, M., Habersam, M., ... & Scheytt, T. (2008). The future of interpretive accounting research? A polyphonic debate. *Critical Perspectives on Accounting*, 19(6), 840-866.

- Alrazi, B., De Villiers, C., & Van Staden, C.J. (2016). The environmental disclosures of the electricity generation industry: a global perspective. *Accounting and Business Research*, 46(6), 665-701.
- Berger, P.L., & Luckmann, T. (1991). *The social construction of reality: a treatise in the sociology of knowledge*. Penguin U.K.
- Bonner, E.T., & Friedman, H.L. (2011). A conceptual clarification of the experience of awe: An interpretative phenomenological analysis. *The Humanistic Psychologist*, 39(3), 222-235.
- Broadbent, J., & Unerman, J. (2011). Developing the relevance of the accounting academy. *Meditari Accountancy Research*, 19(1/2), 7-21.
- Burchell, S., Clubb, C., Hopwood, A., Hughes, J., & Nahapiet, J. (1980). The roles of accounting in organizations and society. *Accounting, Organizations and Society*, 5(1), 5-27.
- Burrell, G., & Morgan, G. (1979). *Sociological paradigms and organizational analysis*. Farnham, UK: Ashgate Publishing.
- Chua, W.F. (1986). Radical Developments in Accounting Thought. *The Accounting Review*, 61(4), 601-632.
- Cowton, C.J., & Dopson, S. (2002). Foucault's prison? Management control in an automotive distributor. *Management Accounting Research*, 13(2), 191-213.
- De Villiers, C., Dumay, J., & Maroun, W. (2019). Qualitative accounting research: dispelling myths and developing a new research agenda. *Accounting & Finance*, 59(3), 1459-1487.
- Dillard, J., & Roslender, R. (2011). Taking pluralism seriously: Embedded moralities in management accounting and control systems. *Critical Perspectives on Accounting*, 22(2), 135-147.
- Durocher, S., & Gendron, Y. (2014). Epistemic commitment and cognitive disunity toward fair-value accounting. *Accounting and Business Research*, 44(6), 630-655.
- Emami Koupaei, S., Nourouz Borazjani, V., & Safian, M. (2018). Phenomenology: A Methodology for Understanding Traditional Architecture. *The Monthly Scientific Journal of Bagh-e Nazar*, 15(65), 13-24. (In Persian)
- Emami Sigaroudi, A., Dehghan Niri, N., Rahnavard, Z., & Nouri Saeid, A. (2012). Methodology of qualitative research: phenomenology. *Journal of Holistic Nursing and Midwifery*, 22(2), 56-63. (In Persian)
- Gill, M.J. (2014). The possibilities of phenomenology for organizational research. *Organizational Research Methods*, 17(2), 118-137.
- Giorgi, A. (1994). A phenomenological perspective on certain qualitative research methods. *Journal of Phenomenological Psychology*, 25(2), 190-220.
- Giorgi, A. (2010). Phenomenology and the practice of science. *Existential Analysis*, 21(1), 3-22.
- Guthrie, J., Manes-Rossi, F., & Orelli, R.L. (2017). Integrated reporting and integrated thinking in Italian public sector organisations. *Meditari Accountancy Research*, 25(4), 553-573.
- Heidegger M. (1962). *Being and Time*. New York NY: HarperOne,
- Hopwood, T. (1994). *Accounting as social and institutional practice*. Cambridge University Press.
- Ihde, D. (1991). *Instrumental realism: The interface between philosophy of science and philosophy of technology*. Bloomington: Indiana University Press.
- Javed, M., & Zhuquan, W. (2018). Analysis of accounting reforms in the public sector of Pakistan and adoption of cash basis IPSAS. *Universal Journal of Accounting and Finance*, 6(2), 47-53.
- Kazemi, S.H., & Danaei Fard, H. (2011). Interpretive research in the organization: phenomenological and phenomenological strategies. Tehran: Publication of Imam Sadiq (as) University. (In Persian)
- Khajavi, S., & Karamshahi, B. (2018). Phenomenology of the role of Individual attitudes on Tax Ethics and Tax Compliance. *Journal of Value & Behavioral Accounting*, 3(5), 187-208. (In Persian)
- Khan, S.N. (2014). Qualitative research method-phenomenology. *Asian Social Science*, 10(21), 298.
- Kockelmans, J. J. (1967). *Phenomenology: The Philosophy of Edmund Husserl and Its Interpretation*, Garden City: Doubleday & Company.
- Llewellyn, S. (2003). What Counts as "Theory" in Qualitative Management and Accounting Research? Introducing Five Levels of Theorizing. *Accounting, Auditing and Accountability Journal*, 16(4), 662-708.
- Lodhia, S. (2015). Exploring the transition to integrated reporting through a practice lens: an Australian customer owned bank perspective. *Journal of Business Ethics*, 129(3), 585-598.
- Maulana, B.H., Rohman, A., & Prabowo, T. (2022). Doing qualitative research of phenomenology in accounting. *Academy of Accounting and Financial Studies Journal*, 26(S1), 1-07.



- Melançon, J. (2014). Thinking Corporeally, Socially, and Politically: Critical Phenomenology after Merleau-Ponty and Bourdieu. *Bulletin d'analyse phénoménologique*, 10(8).
- Mollaie, R. (2017). Explaining the Reality of the Phenomenon and Phenomenology: Based on Husserl's Philosophy and Its Reconstruction Based on Sadr-ol-Mote'allehin's Philosophy. *Journal of Islam and Social Studies*, 4(16), 91-115. (In Persian)
- Moradi Pordanjani, H., & Sadeghi, S. (2014). Phenomenology; the Philosophical, the Interpretive and methodological approach to Entrepreneurial studies. *Bi-quarterly journal of religious methodology studies*, 2, 62-72. (In Persian)
- Neubauer, B.E., Witkop, C.T., & Varpio, L. (2019). How phenomenology can help us learn from the experiences of others. *Perspectives on Medical Education*, 8(2), 90-97.
- Neuman, W. (2014). *Social Research Methods: Qualitative and Quantitative Approaches*, 7th edition. Assex: Pearson Education Limited.
- Nikooiefard, M., Nasiri, M., & Rezvani, M. (2022). Phenomenological analysis of the negative effects of industrial estates on the lived experience of the indigenous people of the village (Case study of Khairabad Arak industrial). *Human Geography Research*, 54(1), 1-19. (In Persian)
- O'Dwyer, B., Owen, D., & Unerman, J. (2011). Seeking legitimacy for new assurance forms: The case of assurance on sustainability reporting. *Accounting, Organizations and Society*, 36(1), 31-52.
- Parker, L.D., Guthrie, J., & Linacre, S. (2011). The relationship between academic accounting research and professional practice. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 24(1), 5-14.
- Partooi, P. (2013). *Phenomenology of place*. Tehran: Farhangestan Honar publication. (In Persian)
- Parvari, P. (2019). The transition from philosophy to methodology, a new reading of the phenomenology method: the foundation of philosophical approaches and implementation steps. *Sociological studies*, 12(44), 87-106. (In Persian)
- Potter, B.N. (2005). Accounting as a social and institutional practice: Perspectives to enrich our understanding of accounting change. *Abacus*, 41(3), 265-289.
- Roberts, T. (2013). Understanding the research methodology of interpretative phenomenological analysis. *British Journal of Midwifery*, 21(3), 215-218.
- Salamon, G. (2018). What's Critical about Critical Phenomenology?. *Journal of Critical Phenomenology*, 1(1), 8-17.
- Schutz, A. (1962). *Phenomenology and the Social Sciences*. in A. Schutz, *Collected Papers*, pp.39-118. The Hague: Martinus Nijhoff.
- Schutz, A., & Luckmann, T. (1973). *The structures of the life-world [by] Alfred Schutz and Thomas Luckmann*. Translated by Richard M. Zaner and H. Tristram Engelhardt, Jr. Northwestern University Press.
- Shirazi, M. (2014). Investigation of Phenomenology in Architecture and Built Environments. *Armanshahr Architecture & Urban Development*, 6(11), 91-99. (In Persian)
- Smith, J. A. (1996). Beyond the divide between cognition and discourse: Using interpretative phenomenological analysis in health psychology. *Psychology and Health*, 11(2), 261-271.
- Tucker, B.P., & Lowe, A.D. (2014). Practitioners are from Mars; academics are from Venus?: An investigation of the research-practice gap in management accounting. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 27(3), 394-425.
- Tucker, B.P., & Schaltegger, S. (2016). Comparing the research-practice gap in management accounting: A view from professional accounting bodies in Australia and Germany. *Accounting, Auditing & Accountability Journal*, 29(3), 362-400.



## Fraud Hexagon and its Effect on the Timeliness of Accounting Financial Reporting

Seyed Hossein Ahmadi Langari<sup>1</sup>, Ali Khozein<sup>2\*</sup>, Mansour Garkaz<sup>3</sup>, Alireza Matoofi<sup>4</sup>

1. PhD Student, Department of Accounting, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Iran.
2. Assistant Professor, Department of Accounting, Aliabad Katul Branch, Islamic Azad University, Aliabad Katul, Iran. \* Corresponding Author
3. Associate Professor, Department of Accounting, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan,
4. Assistant Professor, Department of Accounting, Gorgan Branch, Islamic Azad University, Gorgan,

Received: 2023/08/24

Accepted: 2024/01/08

### Abstract

Timely and fraud-free financial reporting is one of the most important pillars of the quality of providing financial information of companies. The purpose of this research was to investigate the effect of fraud hexagon on the timeliness of financial reports in companies listed on the Tehran Stock Exchange. To reach this goal, two explanatory hypotheses and information related to 152 member companies of the stock exchange for the period of 2017 to 2021 were examined and analyzed. The regression model used in this research was the panel data method with an integrated approach. The findings showed that fraud hexagon had an inverse relationship with the time of starting and finishing the report preparation process, as well as its late filing. According to the findings of the research, it was observed that the investigated companies sent their annual reports on time to a significant extent. One of the important reasons why financial reports should be free from fraud is the effect of fraud components on the way and time of presentation of accounting reports of companies, attention to the quality of the content and the duration of its publication.

**Keywords:** Fraud, Hexagon, Financial reporting, Audit.



## تقلب از شش گوش مختلف و تأثیر آن بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی حسابداری

سیدحسین احمدی لنگری<sup>۱</sup>، علی خوزین<sup>۲</sup>، منصور گرکز<sup>۳</sup>، علیرضا معطوفی<sup>۴</sup>

۱. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۲. استادیار، گروه حسابداری، واحد علی آباد کتول، دانشگاه آزاد اسلامی، علی آباد کتول، ایران. (نویسنده مسئول)
۳. دانشیار، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.
۴. استادیار، گروه حسابداری، واحد گرگان، دانشگاه آزاد اسلامی، گرگان، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۰۲      تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۰/۱۸

### چکیده

به‌موقع و عاری بودن گزارشگری مالی از تقلب، یکی از مهم‌ترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکت‌ها است. هدف این پژوهش تأثیر تقلب از شش گوش مختلف بر به‌موقع بودن گزارش‌های مالی در شرکت‌های پذیرفته شده بورسی تهران است. جهت بررسی این هدف، دو فرضیه تبیین و اطلاعات مربوط به ۱۵۲ شرکت عضو بورس برای دوره زمانی سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار گرفت. الگوی رگرسیون استفاده شده در این پژوهش روش داده‌های تابلویی با رویکرد تلفیقی بوده است. نتایج یافته‌ها این چنین بوده است که تقلب از شش گوش مختلف بر زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش و همچنین بر بایگانی دیر هنگام آن ارتباط معکوس دارد. مطابق با یافته‌های پژوهش، نشان داده شد که شرکت‌های مورد بررسی گزارش‌های سالانه خود را به میزان قابل توجهی به‌موقع ارسال می‌نمایند. از دلایل مهم برای این که چرا گزارش‌های مالی باید عاری از تقلب باشند می‌توان به اثر مؤلفه‌های تقلب در نحوه و زمان ارائه گزارش‌های حسابداری شرکت‌ها، توجه به کیفیت محتوا و مدت زمان انتشار آن اشاره کرد.

**کلمات کلیدی:** تقلب، شش گوش، گزارشگری مالی، حسابرسی.

## مقدمه

در بیانیه شماره (۱) هیئت تدوین استانداردهای حسابداری مالی و چارچوب مفهومی گزارشگری مالی هیئت تدوین استانداردهای بین‌المللی حسابداری؛ قابلیت مقایسه، قابلیت تأییدپذیری، به‌موقع بودن و قابل فهم بودن ویژگی‌های کیفی هستند که سودمندی اطلاعات را افزایش می‌دهند (بابایی و همکاران، ۱۳۹۹). کاهش هزینه و زمان دسترسی به اطلاعات و پردازش آن توسط سهامداران، اعتباردهندگان، تحلیلگران مالی و حساب‌برسان از دیگر مزیت‌های قابلیت مقایسه و به‌موقع بودن اطلاعات مالی هستند (انگلبرگ و همکاران، ۲۰۱۸). افراد برای تصمیم‌گیری درباره خرید یا فروش سهام، نیازمند اطلاعات به‌موقع جهت تصمیم‌گیری هستند. در چنین وضعیتی، تأخیر در انتشار اطلاعات مالی می‌تواند منجر به مشکلات قیمت‌گذاری اوراق بهادار و بی‌عدالتی در میان سرمایه‌گذارانی شود که امکان دسترسی برابر به اطلاعات با اهمیت را ندارند. هر چه تأخیر در انتشار صورتهای مالی طولانی‌تر شود، اطلاعات بیشتری به نفع سهامداران عمده افشا می‌شود و شایعه‌های زیادی در بازار سرمایه مطرح می‌شود بنابراین انتشار به‌موقع اطلاعات مالی برای افراد برون‌سازمانی و به خصوص سرمایه‌گذاران جزء از اهمیت خاصی برخوردار است. در نتیجه، لازم است تدابیری اتخاذ شود که تأخیر طولانی در انتشار اطلاعات مالی رفع یا کاهش یابد (باغومیان و نقدی، ۱۳۹۳).

در زمینه حسابداری، به‌موقع بودن - به مدت زمانی که برای افشای اطلاعات مالی نیاز است - اشاره دارد. به‌موقع بودن یک معیار کیفی مهم با پیامدهایی برای سودمندی حسابداری مالی است. اگر اطلاعات مالی در صورتهای مالی از کیفیت بالایی برخوردار باشد اما به‌موقع نباشد، اطلاعات کمتری برای تصمیم‌گیری ذی‌نفعان مرتبط خواهد بود (هیئت بین‌المللی استانداردهای حسابداری، ۲۰۱۸). ارائه اطلاعات مالی مفید از منظر اجتماعی مهم است؛ زیرا بر کارایی بازار سرمایه و تخصیص سرمایه تأثیر می‌گذارد که در جای خود چشم‌انداز رشد اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مؤلفه‌های به‌موقع بودن در تحقیقات قبلی مورد بررسی قرار گرفته‌اند. هدف آنان عموماً بررسی ارتباط بین ویژگی‌های شرکت و یا نهادی و زمان لازم برای ارائه اطلاعات مالی در مورد شرکت‌های مورد تجزیه و تحلیل بوده است. اکثر مطالعات قبلی در این زمینه تحقیقاتی به‌موقع بودن شرکت‌های دولتی را بررسی کرده‌اند (افیفی، ۲۰۰۹). برخی از مطالعات اخیر نیز، به هنگام بودن ارائه اطلاعات گزارش‌های مالی شرکت‌ها را تحلیل کرده‌اند (سلسلاگ و همکاران، ۲۰۲۱). دلایل مختلفی برای مطالعه شرکت‌های خصوصی هم وجود دارد. زیرا آنها بیش از نیمی از تولید ناخالص داخلی اروپا و بیش از ۹۹٪ از کل شرکت‌های اروپایی را تشکیل می‌دهند (کمسیون اروپا، ۲۰۲۱). علاوه بر این، همانطور که بوزلینک و همکاران (۲۰۲۱) اشاره کردند مطالعه شرکت‌های خصوصی می‌تواند بینش‌های جدیدی از منافع عمومی را با توجه به ویژگی‌های خاص شرکت‌ها که شامل ویژگی‌های متمایز در مورد نظارت و مسائل نمایندگی است نشان دهد.

دلیل مطالعه شرکت‌های خصوصی این است که تقاضا برای اطلاعات مالی بین شرکت‌های خصوصی و دولتی متفاوت است. شرکت‌های خصوصی، سطح پایینی از عدم تقارن اطلاعات بین اعتباردهندگان و مدیران شرکت را در مقایسه با شرکت‌های دولتی نشان می‌دهند؛ به همین دلیل تقاضای سرمایه‌گذاران برای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های خصوصی کمتر است. این بدان معناست که عوامل دیگری به غیر از تقاضای سرمایه‌گذاران (حداقل در تئوری) باید بر به‌موقع بودن در شرکت‌های خصوصی تأثیرگذارتر باشند. تفاوت دیگر بین شرکت‌های خصوصی و دولتی این است که گزارش سالانه حاوی اطلاعات جدید در شرکت‌های خصوصی است. گزارش‌های سالانه شرکت‌های دولتی، در بیشتر موارد، اطلاعات جدیدی را نشان نمی‌دهند (همه، یا حداقل اکثر اطلاعات، در گزارش سالانه، قبلاً در گزارش‌های میان‌دوره‌ای منتشر شده‌اند). در نتیجه، محتوای گزارش سالانه و زمان انتشار گزارش سالانه از اهمیت کمتری برای شرکت‌های دولتی برخوردار است؛ زیرا تمام یا تقریباً تمام اطلاعات قبلاً افشا شده است (الغانم و هگازی، ۲۰۱۱). پاسخگویی که خاستگاه آن احترام به حقوق انسان است، در سطوح مختلف ملی و بنگاه‌های تجاری مطرح است. مدیران در مقابل سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر اشخاص ذینفع موظف‌اند از طریق ارائه اطلاعات به‌موقع، شفاف و قابل اعتماد، آنان را در جریان نحوه به‌کارگیری منابع اقتصادی و نتایج عملیات واحد تجاری قرار دهند و امکان تصمیم‌گیری و قضاوت منطقی را برای آنان فراهم کنند (بیات و احمدی، ۱۳۹۳). به‌موقع بودن، اهمیت حیاتی برای بازارهای سرمایه دارد و یکی از اجزای اصلی بازار سرمایه کارا محسوب می‌شود. انتشار به‌موقع اطلاعات باعث کاهش عدم تقارن اطلاعات، مبادلات نهانی، شایعه‌ها و درز اطلاعات در بازار می‌شود و به ارزشیابی و قیمت‌گذاری اوراق بهادار، جذب سرمایه و حفظ اعتماد سرمایه‌گذاران در بازارهای سرمایه کمک می‌کند. در مقابل، دسترسی نداشتن به اطلاعات دقیق و به‌موقع باعث ناکارایی بازار، افزایش ابهام در تصمیم‌گیری و کاهش مربوط بودن گزارش‌های مالی و محتوای اطلاعاتی آنها می‌شود (وایت ورس و همکاران، ۲۰۱۳). باتوجه به اهمیت انتشار به‌موقع گزارشگری مالی هدف ما در این مقاله بررسی تأثیر تقلب از شش زاویه مختلف بر انتشار به‌موقع گزارش‌های مالی حسابداری شرکت هاست.

### مبانی نظری و پیشینه

مطالعه فرایند تصمیم‌گیری و ارزشیابی سهام توسط سرمایه‌گذاران، ما را در تحلیل واقعیت‌های بازارهای سرمایه و استثناهای تجربی موجود در نظریه‌های رایج مالی تولنا می‌سازد. پژوهش حاضر نیز که در حوزه مالی و اخلاقی قرار دارد در مباحث تقلب، نوع تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران و عوامل مؤثر بر ارائه به موقع گزارش‌های مالی بسیار حائز اهمیت است. سرمایه‌گذاران نیاز قطعی به اطلاعات همه جانبه از گزارش‌های مالی عاری از تقلب دارند تا عقلانی‌ترین تصمیم را اتخاذ کنند (سعادت زاده حصار و همکاران، ۱۴۰۰). بورس اوراق بهادار به عنوان ابزار تخصیص منابع به شرکت‌ها، از منابع اطلاعاتی مختلفی برای انجام این مهم استفاده می‌کند و دسترسی به منابع اطلاعاتی قابل اعتماد، لازمه کارایی تخصیص منابع است. گزارشگری مالی متقلبانه منجر به ارائه اطلاعات ناصحیح به بازار می‌شود و بر دارایی بازار در تخصیص منابع اثر می‌گذارد که پیامد آن سلب اعتماد سرمایه‌گذاران از بازار خواهد بود و باید شناخت و درک مناسبی از تقلب و راهکارهای مقابله با آن داشته و مدیران در این زمینه باید آگاه باشند (حسینی و جهانشاد، ۱۳۹۸). به سبب نقش انکارناپذیری که اطلاعات در بازار سرمایه دارند، برخی آن‌ها را گرانترین دارایی در بورس قلمداد می‌کنند که مبنای تصمیم‌گیری مشارکت‌کنندگان در بازار است. از این رو، به موقع، مربوط، کامل و فهم پذیر بودن اطلاعات برای بهره‌گیری مناسب از آن ضروری است (حسینی و شفیق زاده، ۱۳۹۸). همچنین، از آنجایی که بازار سرمایه به عنوان موتور محرکه اقتصاد بر محور اطلاعات قرار دارد، جریان درست اطلاعات در این بازار به اتخاذ تصمیم‌های درست و منطقی از سوی مشارکت‌کنندگان منجر می‌شود و سرانجام توسعه اقتصادی و بهبود رفاه اجتماعی را به ارمغان می‌آورد (کاشانی پور، آقایی و محسنی نامقی، ۱۳۹۸). به موقع بودن ارائه اطلاعات مالی باعث تسهیل فرآیند جمع‌آوری و تأیید اطلاعات شده و از این رو، اقدامات موردنیاز توسط حسابرس را کاهش می‌دهد که نتیجه آن ارائه گزارش حسابرسی به موقع است (ژانگ، ۲۰۱۸).

به هنگام بودن اطلاعات، ویژگی با اهمیتی برای مربوط بودن اطلاعات است (اسچرودر و همکاران، ۲۰۱۰). اطلاعاتی که شرکت‌ها در بازار سرمایه در دوره‌های زمانی مشخص شده منتشر می‌کنند مهمترین عامل مؤثر بر تصمیم‌گیری سرمایه‌گذاران است؛ اما با توجه به اینکه این اطلاعات در صورتی مؤثرند که در زمان مناسب گزارش شوند، به زمان گزارش آنها توجه بسیاری شده است. زمان ارائه اطلاعات یک رابطه دو طرفه از مقررات و ضوابط انتشار اطلاعات از بازار سرمایه و استراتژی‌های شرکت است (کلتورسی و پیل، ۲۰۱۰). صورت‌های مالی حسابرسی شده، یکی از منابع اطلاعاتی برون سازمانی اتکاپذیر محسوب می‌شود که به ارائه آن برای استفاده کنندگان می‌پردازد. همچنین به موقع بودن گزارشگری مالی یکی از عناصر اساسی مفهوم افشا است که ارزش این گزارشها را افزایش می‌دهد. صرف نظر از اینکه آیا کسی به موقع بودن را به عنوان هدف حسابداری یا یکی از ویژگیهای مفید بودن اطلاعات حسابداری برمی‌گزیند یا خیر، واضح است هم مقررات افشا و هم بخش وسیعی از ادبیات حسابداری این قضیه را پذیرفته است که به موقع بودن، یک شرط ضروری برای متقاعد شدن در رابطه با مفید بودن صورت‌های مالی است (پورالی و همکاران، ۲۰۱۳). علاوه بر این، به موقع بودن گزارشهای مالی یکی از مهمترین ارکان کیفیت ارائه اطلاعات مالی شرکتها است؛ زیرا به هنگام بودن اطلاعات است که می‌تواند به استفاده بهتر و استفاده کنندگان اطلاعاتی منجر شود؛ در نتیجه، تهیه کنندگان گزارشهای مالی باید توجه ویژه‌ای به سرعت گزارشگری به معنای میزان تأخیر زمانی در ارائه گزارشهای مالی شرکتها داشته باشد. افزایش سرعت گزارشگری به دلیل استفاده به موقع تر اطلاعات در اتخاذ تصمیم‌های اقتصادی سرمایه‌گذاران به شفافیت بیشتر اطلاعات مالی شرکت‌ها و به تبع آن، شفافیت بالاتر بازار سرمایه منجر می‌شود که این موضوع تأثیر بسزایی بر جذابیت بازارهای مالی و سرمایه می‌تواند داشته باشد (درمجبیان و مک وی، ۲۰۱۲).

در شرکت‌های خصوصی اطلاعات موجود در گزارش سالانه، معمولاً قبل از انتشار برای ذی‌نفعان خارجی ناشناخته است. بنابراین، به موقع بودن (یا عدم به موقع بودن) تأثیر بیشتری بر عدم تقارن اطلاعات بین شرکت (خصوصی) و ذی‌نفعان خارجی دارد. علاوه بر این، شرکت‌های خصوصی بر خلاف شرکت‌های دولتی (از قبل، در بیشتر موارد قبل از پایان سال مالی) تقویم عمومی انتشار گزارش‌های مالی ندارند که در چه تاریخی منتشر شود. شرکت‌های سهامی عام البته می‌توانند از تاریخ عرضه درج شده در تقویم عمومی عدول کنند، اما از انجام این کار خودداری می‌کنند؛ زیرا سیگنال‌های منفی به بازار سرمایه ارسال می‌کند. به همین دلیل، شرکت‌های خصوصی در انتخاب انتشار گزارش سالانه پس از پایان سال مالی، اختیار بسیار بیشتری دارند.

به طور کلی، از یک سو، تقاضا برای اطلاعات حسابداری در شرکت‌های خصوصی کمتر است، اما از سوی دیگر، عرضه اطلاعات حسابداری در گزارش‌های سالانه شرکت‌های خصوصی آموزنده‌تر (و با حاوی اطلاعات جدید ارزش‌تر) است. از آنجایی که گزارش‌های سالانه شرکت‌های خصوصی حاوی اطلاعات جدید همراه با این واقعیت است که انتخاب شرکت‌های خصوصی برای تاریخ انتشار گزارش سالانه بسیار انعطاف‌پذیرتر است، منطقی است که استدلال کنیم شرایط و منطقی که شرکت‌های خصوصی و دولتی تحت آن کار می‌کنند به قدری متفاوت است که مطالعات مبتنی بر شرکت‌های دولتی در مورد اینکه چه چیزی بر به هنگام بودن تأثیر می‌گذارد ممکن است برای شرکت‌های خصوصی ارتباط کمتری داشته باشد. حتی اگر به موقع بودن در شرکت‌های خصوصی = با توجه به تفاوت‌های بین

شرکت‌های خصوصی و دولتی که در بالا بررسی شد از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، هنوز اطلاعات کم و اندکی در مورد به‌موقع بودن در شرکت‌های خصوصی (در مقایسه با شرکت‌های دولتی) وجود دارد (بعتواه و همکاران، ۲۰۱۹). هدف مقاله فعلی بر کردن این خلأ است. به طور خاص، این مقاله بر روی رابطه بین تقلب از شش گوش مختلف و به‌موقع بودن گزارشگری مالی تمرکز دارد.

مطالعات قبلی به‌موقع بودن را در شرکت‌های خصوصی تجزیه و تحلیل کرده‌اند (سویک و همکاران، ۲۰۱۶). چندین روش بالقوه برای اندازه‌گیری به‌موقع بودن حسابداری وجود دارد. یک جایگزین رایج برای به‌موقع بودن در مطالعات قبلی، تأخیر گزارش حسابرسی (غفران و یاسمین، ۲۰۱۸) بوده است، که زمان بین پایان سال مالی و تاریخ گزارش حسابرسی است. در این مقاله، از زمان ارائه (مطابق با کلتورسی و پیل، ۲۰۱۶) و بایگانی دیرهنگام (مطابق با لویبیرت و همکاران، ۲۰۱۶) به عنوان دو اندازه‌گیری به‌موقع بودن استفاده می‌کنیم. زمان ارائه فاصله زمانی بین پایان سال مالی و ارائه گزارش سالانه است. زمان کوتاه‌تر به‌موقع‌تر در نظر گرفته می‌شود. بنابراین زمان ارائه یک متغیر پیوسته است. بایگانی دیرهنگام زمانی اتفاق می‌افتد که ثبت گزارش سالانه از مهلت قانونی ارسال تجاوز کند (در ایران چهار ماه است). در نتیجه، ثبت بدون تأخیر گزارش‌ها زمانی اتفاق می‌افتد که ثبت گزارش سالانه در مهلت قانونی ارسال باشد. تشکیل پرونده دیرهنگام، نابه‌هنگام و عدم تأخیر به‌موقع تلقی می‌شود. از این رو، بایگانی دیرهنگام یک متغیر دوگانه است.

به بیان مهدوی و قهرمانی (۱۳۹۳) تقلب در صورت‌های مالی، شامل هرگونه اقدام عمدی توسط عوامل شرکت برای گمراه کردن استفاده‌کنندگان از صورت‌های مالی به خصوص اعتباردهندگان و سرمایه‌گذاران از راه تهیه و منتشر نمودن گزارش‌های مالی حاوی اشتباه با اهمیت اطلاق می‌شود. استاندارد حسابرسی شماره ۲۴۰ ایران، تقلب را این‌گونه تعریف می‌کند: هرگونه اقدام به‌صورت عمد یا فریبکارانه یک یا چند نفر از مدیران، کارکنان شرکت یا اشخاص ثالث برای برخورداری از منفعت غیرقانونی یا ناروا. از آنجایی که تقلب یک مفهوم قانونی گسترده را در بر می‌گیرد، اما آنچه که به حسابرس ارتباط پیدا می‌کند، اقدامات متقلبانه‌ای می‌باشد که به تحریف با اهمیت در گزارش‌های مالی منجر می‌شود. بعضاً امکان دارد هدف برخی از تقلب‌ها تحریف گزارش‌های مالی نباشد. لازم به ذکر است حسابرسان درباره وقوع تقلب قضاوت حقوقی انجام نمی‌دهند. تقلب معضل بزرگی است که هیچ‌گونه مرز، صنعت، کشور و یا اندازه شرکتی را نمی‌شناسد. پژوهشگران از کشف ویژگی‌های مردم شناسی متقلبان درمانده‌اند. ویژگی‌های این‌گونه افراد تفاوت خاصی با سایر افراد عامه ندارد و به عبارت دیگر هر فردی می‌تواند مرتکب تقلب شود و با ایجاد شرایطی خاص، هر فرد می‌تواند تقلب را مرتکب شود.

محققان بر این اعتقادند که عنصر خاصی در ارتکاب تقلب از سوی افراد می‌تواند دخیل باشد؛ اولاً اینکه انگیزه یا فشار برای ارتکاب تقلب باید وجود داشته باشد که غالباً به صورت نیاز نمایان می‌شود. ثانیاً فرصتی مغتنم برای بروز تقلب باید وجود داشته باشد. نبود یا ضعف کنترل‌های داخلی در به وجود آمدن این فرصت بی‌تأثیر نیست. ثالثاً وجود عنصر بهانه‌گیری یا توان افراد متقلب، معذوریت‌های قابل قبول برای توجیه عمل خودشان می‌باشد. مدیران شرکت می‌توانند با حذف حداقل هر یک از عوامل، خطر وقوع تقلب را تا میزان قابل توجهی کم کنند. اگر کارکنان از وجود کنترل‌های داخلی مطلع باشند، احتمال آنکه مرتکب تقلب شوند کم می‌شود. راه جلوگیری از وقوع و بروز تقلب تزییق این نکته مهم به کارمندان است که در صورت انجام تقلب، مطمئناً گرفتار می‌شوند. هدف مذکور از طریق زیر قابل دستیابی می‌باشد: حضور دائم حسابرسان داخلی، سیستم کنترل داخلی مستحکم و قوی، تحقیق پیرامون تقلب از کارمندان و آموزش وسیع در سطوح مختلف شرکت برای آگاهی از علائم هشدار دهنده تقلب. علاوه بر این مدیریت باید یافته‌های حاصل از موارد تقلب را در اختیار کارمندان قرار دهد و به آنها گوشزد نماید که فعالیت‌های خلاف عرف و قانون به هیچ وجه قابل تحمل نیست و چه بسا منجر به اخراج آنها می‌شود (دریایی و همکاران، ۱۳۹۹).

نظریه شش ضلعی تقلب ارائه شده توسط ووسیناس (۲۰۱۹) از دانشگاه فنی ملی آتن، برگرفته از نظریه پنطیکاستی (امتیاز)، شامل محرک (فشار)، ظرفیت (قابلیت)، فرصت، عقلانیت و منیت است. بنابراین، ووسیناس (۲۰۱۹) با اضافه کردن تبانی، نظریه را بروز و اصلاح کرد و بعداً به امتیاز تبدیل شد. فشار یکی از دلایلی است که کسی مرتکب تقلب می‌شود؛ این روش شامل سبک زندگی، نیازهای اقتصادی و سایر مشکلات مالی و غیر مالی می‌باشد. شایستگی توانایی فرد برای استفاده از شرایط اطراف است که به او اجازه می‌دهد تا مرتکب تقلب شود. تبانی یک توافق محرمانه بین دو یا چند نفر برای فریب دادن کسی یا فریب شخص ثالث است. فرصت می‌تواند انگیزه‌ای برای کسی باشد که مرتکب تقلب شود. این فرصت به دلیل نظارت ضعیف و سوء استفاده از قدرت به وجود می‌آید. منطقی کردن تقلب کسی را تشویق می‌کند که مرتکب تقلب شود یا می‌تواند در افراد در حالت استرس ظاهر شود و باعث می‌شود طرف احساس کند که تقلب یک عمل طبیعی است. منیت نگرشی است که فرد نسبت به اختیارات و حقوقی که دارد برتر است و سیاست‌های شرکت در مورد فضایل آنها اعمال نمی‌شود (ووسیناس، ۲۰۱۹). تقلب شش ضلعی یک تئوری متحرک است که بیشتر به محرک‌های تقلب منجر می‌شود. مثلث تقلب پیشنهاد شده توسط کرسی (۱۹۵۳) اساس مدل تقلب شش ضلعی است. مثلث تقلب توضیح می‌دهد که چرا مردم مرتکب تقلب می‌شوند. در مثلث تقلب، تقلب به دلیل سه شرط یا شرایط آغاز می‌شود: فشار، شایستگی و عقلانیت.

تئوری کلاهبرداری مثلث بر اساس نظریه تقلب الماس پیشنهاد شده توسط ولف و هرمانسون (۲۰۰۴) سازماندهی شد و یک عامل دیگر که باعث تقلب می‌شود؛ یعنی فرصت اضافه شد. تکبر به عنوان یک عامل همچنان باعث ایجاد رفتارهای متقلبان می‌شود. بر اساس نظریه تقلب ذکر شده در بالا، که شامل مثلث تقلب، الماس تقلب و پنتاگرام تقلب است، نظریه تقلب شش ضلعی به عنوان یک نظریه تکرارپذیر در تقلب ظاهر می‌شود. فعال سازی تقلب شش ضلعی که توسط ووسیناس (۲۰۱۹) توسعه یافته است، تبانی را به عنوان یکی از محرک های کلاهبرداری اضافه می‌کند. اهداف مالی توصیف یا درجه ای از ثبات اقتصادی در یک شرکت است.

استفاده کنندگان صورت های مالی به شرکت هایی با نمودارهای مالی پایدار اعتماد بیشتری خواهند داشت. بنابراین، شرکت باید از ثبات مالی عالی برای داشتن این اعتماد برخوردار باشد. اگر وضعیت شرکت در مرحله رشد کمتر از میانگین صنعت باشد، مدیریت شرکت را تشویق می‌کند تا عملکرد شرکت را گزارش کند. به گفته هنری و همکاران (۲۰۱۱) لابی کردن یا تشویق مدیریت به ارتکاب گزارشگری مالی متقلبان از دارایی‌های شرکت زمانی اتفاق می‌افتد که ثبات مالی شرکت توسط شرایط اقتصادی، صنعت یا شرایط دیگر تهدید شود. این امر برای اطمینان از این است که عملکرد شرکت همیشه توسط استفاده کنندگان صورت های مالی خوب در نظر گرفته می‌شود. اعتقاد بر این است که ثبات مالی، پتانسیل ایجاد موارد گزارشگری مالی متقلبان در شرکت را دارد. این شرایط زمانی اتفاق می‌افتد که یک کسب‌وکار به دلیل عملکرد ضعیف کسب‌وکار با مشکلاتی در ثبات مالی مواجه می‌شود، که مدیریت را برای دستکاری در ترازنامه تحت فشار قرار می‌دهد.

اکبر (۲۰۱۷)؛ آپریلیانا و آگوستینا (۲۰۱۷) و ایرواندی و همکاران (۲۰۱۹) دریافته‌اند که گزارشگری مالی متقلبان شرکتها تحت تأثیر ثبات مالی است. ثبات مالی وضعیت مالی یک کسب و کار را در شرایط پایدار توصیف می‌کند که به معیاری برای ارزیابی عملکرد یک کسب و کار تبدیل می‌شود. اگر وضعیت اقتصادی ناپایدار باشد، مدیریت با فشار زیادی مواجه خواهد شد، زیرا مدیریت دارایی و مدیریت صندوق بهینه نیست. بیانیه استانداردهای حسابرسی شماره ۹۹ توضیح می‌دهد: زمانی که وضعیت مالی به دلیل عملکرد شرکت ناپایدار باشد، شرایط اقتصادی و صنعتی شرکت بر مدیریت فشار وارد می‌کند. فرصت را می‌توان با ماهیت صنعت اندازه‌گیری کرد که وضعیت ایده آل یک شرکت است که از طریق حساب دریافتی شرکت موجود در صورت های مالی اندازه‌گیری می‌شود. اعمال متقلبان ممکن است به طور تصادفی ناشی از نظارت ضعیف شرکت باشد (ناندا و همکاران ۲۰۱۹). مدیریت ارتباط نزدیکی با هیئت مدیره دارد، زیرا آنها می‌توانند بر عملکرد شرکت نظارت کنند. حسابرسان مستقل از طرف های خارجی جذب می‌شوند و اثربخشی نظارت را برای جلوگیری از گزارشگری مالی تقلبی افزایش می‌دهند (ساری و همکاران ۲۰۲۰).

حسمواتی و همکاران (۲۰۱۷) نشان می‌دهند که نظارت ناکارآمد بر گزارشگری مالی متقلبان تأثیر منفی می‌گذارد. با این حال، مدیران همیشه اختیارات خود را به درستی اعمال نمی‌کنند. مدیریت ناکارآمد فرصت هایی را برای مدیران ایجاد می‌نماید تا گزارش های مالی متقلبان انجام گردد. هر چه قدر سطح نظارت قوی و مؤثر باشد، پتانسیل گزارشگری صورت های مالی متقلبان کمتر می‌شود. نظارت ناکارآمد عبارت است از فقدان نظارت مؤثر در یک شرکت یا یک واحد نظارتی برای نظارت بر عملکرد شرکت. این می‌تواند فرصت هایی را برای مدیریت و کارکنان ایجاد کند تا به دلیل نظارت ضعیف، مرتکب اعمال متقلبان شوند.

طبق نظر رای و سوبرمنیام (۲۰۰۸)، کنترل های داخلی ضعیف، فقدان انضباط، دسترسی ضعیف به اطلاعات، فقدان مکانیسم های حسابرسی و بی تفاوتی فرصت هایی هستند که منجر به تقلب می‌شوند. سیتونگیر و تریانتو (۲۰۲۰) نشان دادند که هر چه نسبت حسابرسان مستقل در یک شرکت بیشتر باشد، احتمال تقلب مالی بیشتر است. مورد مرتکب کلاهبرداری ممکن است ناشی از عدم کنترل بر پیشگیری و کشف تقلب باشد. برای محدود کردن احتمال ارتکاب کلاهبرداری به یک سیستم نظارتی مؤثر نیاز است. وجود اختلاف منافع بین نماینده و اصیل، باعث ایجاد مشکلات نمایندگی و نیاز به نظارت نمایندگی می‌شود. سمت کمیته حسابرسی قانونی متشکل از کسانی است که اقوام یا دوستانی در شرکت تعیین شده ندارند تا شرکت ها بتوانند کنترل های داخلی را بهبود بخشند. تحقیقات سیتونگیر و تریانتو (۲۰۲۰) نشان می‌دهد که هر چه درصد حسابرسان مستقل در یک شرکت بیشتر باشد، نظارت شرکت بیشتر است و کنترل بیشتر بر احتمال گزارش تقلب تأثیر منفی می‌گذارد. این تحقیقات که حسابرس تغییر می‌دهد به دلیل گزارش صورت های مالی دارای تقلب است. هر چه قدر درصد تغییر حسابرسان بیشتر باشد امکان ارائه صورت های مالی دارای تقلب بیشتر می‌گردد.

منطقی سازی تلاشی است برای یافتن توجیهی برای اعمال متقلبان انجام شده. یکی از نقاط قوت منطقی سازی تغییر حسابرسان است. تغییرات در حسابرس یک شرکت می‌تواند تلاشی برای حذف ردپای روش های تقلب کشف شده توسط حسابرس قبلی باشد. تغییرات شرکت ها در حسابرسان می‌تواند باعث افزایش تضاد منافع بین نمایندگان و مدیران شود و منجر به مشکلات انتخاب نامطلوب ناشی از اطلاعات نامتقارن شود (دلنگ و تان، ۲۰۱۹). کلاهبرداران می‌توانند از تعادل بین دو طرف برای ارتکاب کلاهبرداری استفاده کنند. منطقی سازی می‌تواند گزارش دهی مالی متقلبان را تشویق کند؛ زیرا کلاهبرداران اقدامات خود را منصفانه و معقول می‌دانند. ناندا و همکاران (۲۰۱۹) نشان می‌دهند که اختلاس بودجه ناشی از گردش حسابرس است. این شرکت معتقد است که تغییر حسابرسان می‌تواند ردپای

یافته‌های حسابرس قبلی را از بین ببرد. این گرایش شرکت‌ها را تشویق می‌کند تا حساب‌برسان را برای سرپوش گذاشتن بر تقلب در شرکت تغییر دهند. ساری و همکاران (۲۰۲۰)، نشان می‌دهند که تقلب در گزارشگری مالی می‌تواند با تغییر در حساب‌برس مرتبط باشد. حساب‌برسان یکی از کنترل‌کنندگان اصلی گزارشگری مالی متقلبان هستند. حساب‌برسان همچنین منبع اطلاعاتی هستند که شرکت‌ها مرتکب تقلب می‌شوند. اصلاحاتی که معمولاً توسط یک کسب و کار به حساب‌برسان انجام می‌شود، نشان می‌دهد که صنعت ممکن است در تقلب دخالت داشته باشد. شرکت این کار را برای به حداقل رساندن احتمال کشف گزارشگری مالی تقلبی انجام می‌دهد. یک شرکت می‌تواند حساب‌برسان را تغییر دهد تا توانایی حساب‌برسان برای مشاهده گزارشگری مالی متقلبان و دستکاری بودجه را کاهش دهد (لو و وانگ، ۲۰۱۱). با تغییر حساب‌برسان شرکت، درک می‌شود که حساب‌برسان جدید از فعالیت‌های متقلبان چشم‌پوشی می‌کنند. بنابراین، شرکت برای تسهیل در عملیات شرکت، سعی دارد هر از چند گاهی حساب‌برس را تغییر داده و اقدامات دستکاری را کنترل کند (اسکوسن و همکاران، ۲۰۰۹).

شایستگی نگرش‌ها و مهارت‌های فرد است که نقش اساسی در تقلب دارد. کلاهبرداران علاوه بر امکان کلاهبرداری از طریق متقاعد کردن یا فشار و منطقی کردن، باید تشخیص دهند که کدام درها به عنوان فرصت باز است و با عبور از آنها، نه یک بار بلکه چندین بار از آنها استفاده کنند. تفاوت در علایق و عدم تقارن اطلاعاتی بین نمایندگان و مدیران باعث ایجاد مشکلات نمایندگی می‌شود؛ با این حال، تغییر در رهبری می‌تواند علاقه خاصی به تغییر کانال‌های آفلاین قبلی را نیز مشخص کند، یا می‌تواند برای ارتکاب کلاهبرداری شرکتی شناسایی شود. علاوه بر این، تغییر مدیر یک دوره استرس نیز ایجاد می‌کند که درها را برای کلاهبرداران احتمالی باز می‌کند. ولف و هرمانسون (۲۰۰۴)؛ ساری و همکاران (۲۰۲۰) نشان می‌دهند که هر چه گردش مالی مدیران بیشتر باشد، شاخص تقلب در گزارشگری مالی بیشتر است. با مهارت‌ها و توانایی‌های موجود، مرتکبان به سرعت از فرصت‌ها برای ارتکاب کلاهبرداری استفاده می‌کنند. طبق نظر ولف و هرمانسون (۲۰۰۴)، موقعیت در یک شرکت امکان اقدامات متقلبان را فراهم می‌کند. بر اساس بیانیه، وظایف مدیر، مدیر عامل و رئیس بخش می‌تواند عامل تعیین‌کننده در وقوع اقدامات متقلبان باشد. تغییر مدیر نشان‌دهنده علاقه به چندین موضوع برای جایگزینی مدیر قبلی است. تغییر مدیر به عنوان پیشگیری از تقلب یا به عبارت دیگر پتانسیل گزارشگری مالی متقلبان تلقی می‌شود. هنگامی که یک مدیر جدید برای بهبود عملکرد مدیر قبلی، مدیر یک شرکت را جایگزین می‌کند، این نشان می‌دهد که عملکرد مدیر قبلی ضعیف بوده است و نشان‌دهنده گزارشگری مالی متقلبان مشکوک است. تغییر مدیر در صورتی موفق تلقی می‌شود که مدیر جدید موفق به جلوگیری و کاهش گزارشگری مالی متقلبان شود. با این حال، اگر کارگردان جدید شکست بخورد، به عنوان یک شکست یا بدتر در نظر گرفته می‌شود (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴). تحقیق سیتونگی و تریانتو (۲۰۲۰) گزارش داد که تغییری در مدیران برای پنهان کردن رفتار متقلبان توسط مدیران سابق یک شرکت انجام شده است. در واقع، مدیران جدید برای تطبیق با اطلاعات مالی شرکت به زمان نیاز دارند؛ بنابراین، در صورت تغییر در مدیر، تشخیص تقلب توسط دولت قبلی دشوار خواهد بود (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴). عامل تبانی در این مطالعه با متغیر حق الزحمه حسابرسی نشان داده شده است. هزینه حسابرسی بالا البته برای حساب‌برسان مستقل سودمند است. البته این مزیت می‌تواند حساب‌برس را تشویق کند تا با ارائه نظر غیرمجاز، رابطه خوبی با مشتری یا شرکت داشته باشد. این می‌تواند منجر به روابط متقابل و همکاری بین حساب‌برسان و مدیران شرکت در پنهان کردن صورت‌های مالی تقلبی انجام شده توسط مدیریت ارشد شرکت شود. نحوه اندازه‌گیری این متغیر با تحقیقات آویانتارا (۲۰۲۱) مطابقت دارد که بیان می‌کند تبانی انجام شده توسط حساب‌برس بر اساس حق الزحمه حسابرسی بر تقلب در صورت‌های مالی تأثیر دارد.

نیک کار و محمدی (۱۳۹۸) با هدف بررسی تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در شرکت‌های بورسی فرضیه‌هایی تدوین و داده‌های مربوط به ۱۰۵ شرکت عضو بورس را در دوره زمانی سال‌های ۱۳۸۷ تا ۱۳۹۶ مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند. الگوی رگرسیون آنها داده‌های تابلویی با رویکرد داده‌های تلفیقی بوده و نتایج آنها نشان داد استراتژی شرکت، تنها استراتژی‌های رقابتی با توجه به اطلاعات آتی، افزایش به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی را سبب خواهد شد. همچنین ریسک سیستماتیک و اندازه شرکت به ترتیب کاهش و افزایش به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی را به دنبال خواهد داشت. با توجه به نتایج پژوهش توانایی مدیریت، یکی از شاخص‌های قدرت مدیریت، تأثیر معناداری بر به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی دارد و توانایی بالاتر، افزایش به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی را سبب می‌شود.

در ارتباط با توانایی‌های مدیریت یافته‌های رضازاده و محمدی (۱۳۹۹) نشان داد بین توانایی مدیریتی و گزارشگری صورت‌های مالی متقلبان رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین، آنها دریافتند ارتباطات سیاسی شرکت‌ها با دولت، تأثیر توانایی مدیریتی را در کاهش تقلب در گزارشگری صورت‌های مالی را ضعیف نخواهد کرد.

فیضی زاده (۱۳۹۹) در پژوهشی با عنوان شناسایی و اولویت‌بندی خوشه‌ای تقلب در صورت‌های مالی از دیدگاه حساب‌برسان به این نتیجه رسید که از بین روش‌های تقلب در صورت‌های مالی، دستکاری عامدانه، افشای قطره چکانی، حذف به عمد بدهی و هزینه، بزرگ‌نمایی



درآمد و دارایی و مخفی نمودن معاملات به ترتیب در رتبه یک تا پنج قرار گرفتند که از نگاه حساب‌برسان مستقل بیشترین کارایی و استفاده را در گزارشگری مالی جهت تقلب دارا هستند.

خلیل ثمرین و همکاران (۱۴۰۰) در مطالعه‌ای به بررسی تعیین اهمیت و رتبه بندی عوامل درون سازمانی و برون سازمانی مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبانه پرداختند. جامعه آماری پژوهش شامل اعضای جامعه حسابداران رسمی ایران بوده که با توجه به قیود در نظر گرفته شده تعداد ۳۰ نفر به عنوان نمونه نهایی انتخاب شدند. نتایج پژوهش بیان داشت عوامل برون سازمانی در ایجاد گزارشگری متقلبانه با امتیاز ۰.۲۴۳ در اولویت اول و عوامل درون سازمانی با امتیاز ۰.۲۱۴ در اولویت بعد قرار گرفتند. همچنین از عوامل برون سازمانی به ترتیب عوامل مرتبط با ویژگی‌های حسابرسی مستقل، عوامل فرهنگی، عوامل قانونی و نظارتی خارج از سازمان و از عوامل درون سازمانی به ترتیب ویژگی‌های حرفه‌ای و ساختار مدیریت، ویژگی‌های رفتاری مدیریت، ویژگی‌های رفتاری و اخلاقی، ویژگی‌های خاص در ارتباط با خطاهای سیستمی و انسانی با اهمیت تلقی شده است.

بادآورنهندی و بابایی (۱۴۰۱) در تحقیقی به بررسی اثر قابلیت مقایسه اطلاعات مالی بر مبنای تئوری ارزش گذاری نسبی بر به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر ابهام اطلاعاتی قیمت سهام پرداختند. آنها نمونه‌ای مشتمل بر ۱۱۸ شرکت را طی دوره زمانی ۱۳۹۰ تا ۱۳۹۹ انتخاب و برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از رگرسیون خطی چند متغیره بهره‌گیری نمودند که نتایج زیر به دست آمد: قابلیت مقایسه اطلاعات مالی بر به‌موقع بودن گزارشگری صورت‌های مالی تأثیر مثبت و معناداری دارد و شدت این اثر مثبت در شرایط وجود ابهام اطلاعاتی قیمت سهام، تشدید شد. همچنین در شرایط ابهام اطلاعاتی قیمت سهام، نقش قابلیت مقایسه اطلاعات مالی در شفافیت اطلاعاتی محیط شرکت و گزارشگری صورت‌های مالی به‌موقع برای استفاده‌کنندگان بسیار دارای اهمیت است.

اکبری نژاد تقدیمی (۱۴۰۲) در پژوهشی به بررسی تأثیر نوع راهبرد تجاری بر قابلیت اتکا و به‌موقع بودن به عنوان دو معیار با اهمیت گزارشگری مالی با کیفیت بر اساس پژوهش‌های پیشین پرداخت. نتایج تحقیقات نشان دهنده این موضوع است که راهبرد تهاجمی (اکتشافی) کاهش قابلیت اتکای گزارشگری مالی را به دنبال ندارد. ضمن اینکه نتایج تحقیقات در خصوص تأثیر استراتژی تهاجمی بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در اکثر پژوهش‌ها نتایج معنی‌داری را نشان نداده است.

کردستانی و محمدی نسب (۱۴۰۲) به بررسی تأثیر اثربخشی کنترل‌های داخلی بر افشای ریسک در متن گزارش‌های مالی پرداختند. برای پاسخ به سوال پژوهش مبنی بر اینکه اثربخشی کنترل‌های داخلی چگونه بر افشای متنی ریسک تأثیر می‌گذارد داده‌های ۱۱۴ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران مورد تجزیه و تحلیل قرار گرفت. یافته‌ها نشان می‌دهد: شرکت‌هایی با سیستم کنترل داخلی ضعیف نسبت به شرکت‌هایی با کنترل داخلی کارآمد، سطوح پایین‌تری از افشای ریسک متنی را گزارش می‌کنند. همچنین نتایج نشان می‌دهد تکرار ادواری ضعف کنترل‌های داخلی و انتشار عمومی آن منجر به افشای سطح بالاتری از ریسک توسط مدیران می‌شود. بر اساس یافته‌های پژوهش می‌توان نتیجه گرفت که توجه حساب‌برسان به ضعف کنترل‌های داخلی و تقویت ساختار کنترل‌های داخلی شرکت می‌تواند افشای ریسک بیشتر را بهبود بخشد. در مجموع نتایج پژوهش خلاء پژوهشی موجود در حوزه اهمیت افشای ضعف‌های کنترل داخلی و سودمندی توجه حساب‌برسان مستقل به کارآمدی کنترل‌های داخلی و مدیریت افشای متنی ریسک را پر می‌کند.

موسوی و همکاران (۱۴۰۲) به بررسی ارزیابی تأثیرپذیری قضاوت‌های سرمایه‌گذاران از خوانایی افشای گزارش‌های مالی شرکت پرداختند. این پژوهش از نظر هدف، جزو پژوهش‌های کاربردی محسوب گردیده و از نظر روش، پژوهش مبتنی بر تحلیل همبستگی می‌باشد. برای گردآوری داده‌های این پژوهش، ۱۲۰ نفر از سرمایه‌گذاران فعال در بورس اوراق بهادار انتخاب شدند و به کمک یک سناریو داده‌ها گردآوری شدند. نتایج نشان داد هنگامی که گزارش‌های مالی شرکت دارای خوانایی افشای پایین باشند میزان حساسیت قضاوت‌های ارزیابی سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار گرفته و افزایش پیدا می‌کند اما هنگامی که خوانایی افشای پایین باشد روانی پردازش سرمایه‌گذاران تحت تأثیر قرار نخواهد گرفت. علاوه بر این مشخص گردید هنگامی که گزارش‌های مالی شرکت دارای خوانایی افشای پایین باشند شدت و کارایی جستجوی اطلاعات بیرونی توسط سرمایه‌گذاران افزایش پیدا کرده ولی میزان اتکای سرمایه‌گذاران بر اطلاعات بیرونی تغییری پیدا نمی‌کند.

خطیبی رابطی و خسروی پور (۱۴۰۲) طی هدف اصلی به بررسی اثرات وجود نظام کنترل‌های داخلی و پیچیدگی‌های سازمانی بر کیفیت گزارشگری مالی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. نمونه آماری تحقیق شامل ۱۵۹ شرکت بوده و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از طریق آزمون رگرسیون چندگانه انجام شده است. نتایج تحقیق نشان داد کنترل داخلی گزارشگری مالی بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم و معناداری دارد و پیچیدگی سازمان بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر معکوس و معناداری دارد. نتایج مربوط به متغیرهای کنترلی نیز نشان داد اندازه شرکت، اندازه هیأت مدیره، استقلال هیأت مدیره، مالکیت مدیریتی و نرخ بازده دارایی‌های

سال جاری بر کیفیت گزارشگری مالی تأثیر مستقیم و معناداری دارند و تأثیر متغیرهای اهرم مالی و درصد سهامداران عمده بر کیفیت گزارشگری مالی معکوس و معنادار می باشد.

سادگالی و بناو (۲۰۱۹) در مطالعه ای با عنوان عملکرد تکنیک های یادگیری ماشینی در کشف تقلب، به بررسی کامل روش های کشف تقلب مالی با استفاده از روش داده کاوی پرداختند. نتایج تحقیق آنها نشان داد روش های هوش مصنوعی در مقایسه با رگرسیون لجستیک از عملکرد دقیق تر و بهتری در پیش بینی تقلب برخوردار می باشد. لوکاسون و کامانکو مینانو (۲۰۱۹) دریافته اند که در میان شرکت های خصوصی استونیایی (عمدتاً سودآوری کمتر، نقدینگی کمتر و ریسک بالاتر ورشکستگی با ارسال دیر هنگام گزارش سالانه مرتبط است. رمنا (۲۰۲۰) با استفاده از نمونه ای از شرکت های خصوصی استونیایی، بر چگونگی ارتباط ویژگی های حاکمیت شرکتی (اگرچه بدون حسابرسی) با پرونده های دیر هنگام مرتبط بودند تمرکز کردند؛ نتایج نشان داد که زنان در هیئت مدیره، مدیریت مسن تر، مدت تصدی اعضای هیئت مدیره طولانی تر، نسبت بیشتری از مالکیت سهام در بین اعضای هیئت مدیره، روابط تجاری کمتر و عدم حضور مالک اکثریت با احتمال کمتری برای تأخیر تشکیل پرونده مرتبط است. هرواس (۲۰۲۱) یک ارتباط منفی بین سلامت مالی و ارائه دیر هنگام صورت های مالی در شرکت های بلژیکی پیدا کرد (یعنی شرکت هایی که از نظر مالی سالم بودند تا حد کمتری دیر ارائه کردند). با این حال، نتایج برای شرکت هایی که به طور مداوم دیر ثبت نام می کردند، برعکس بود. ارتباط مثبتی بین سلامت مالی شرکت ها و ثبت نام با تأخیر برای گروهی از شرکت هایی که در گذشته به طور مداوم با تأخیر تشکیل پرونده می دادند، وجود داشت (یعنی در این گروه، شرکت هایی که از نظر مالی سالم بودند تا حد زیادی با تأخیر ثبت نام کردند). این نتایج نشان می دهد که تشکیل صورت های مالی پس از مهلت قانونی لزوماً ناشی از تمایل به تأخیر در انتشار اطلاعات منفی نیست.

پری و همکاران (۲۰۲۱) در مطالعه ای دیگر شرکت های کوچک و متوسط خصوصی های استونیایی را تحلیل کردند. آنان رابطه بین رفتار بایگانی دیر هنگام قبلی (یعنی ثبت گزارش سالانه پس از مهلت قانونی) و ناراحتی مالی با تشکیل پرونده دیر هنگام را مستند کردند. در تجزیه و تحلیل های جداگانه، اندازه شرکت و سن نیز نقش داشتند.

اسکالونی و مارکیو (۲۰۲۱) تأخیر گزارش حسابرسی را در میان نمونه ای از شرکت های اسپانیایی حسابرسی نشده و همچنین غیر شرکت های بزرگ بررسی کردند. تأخیر گزارش حسابرسی زمان بین پایان سال مالی شرکت و امضای گزارش حسابرسی است. نتایج نشان داد که تنها دو عاملی که با تأخیر گزارش حسابرسی در شرکت های کوچک و متوسط و غیر کوچک و متوسط مرتبط بودند، سال های بحران یا بازیابی و نظر حسابرسی بودند. تأخیر گزارش حسابرسی پس از بحران مالی ۲۰۰۸ (یعنی سال های بهبودی بیشتر) نسبت به دوران بحران مالی و همچنین تأخیر گزارش حسابرسی طولانی تری برای شرکت هایی که نظر حسابرسی تعدیل شده را دریافت می کنند، وجود داشت.

سانیتا و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی با عنوان قانون کارما فالو در مورد تقلب بالقوه مدیریت مالی، آزمایش عنصر تقلب شش ضلعی، با هدف تجزیه و تحلیل تأثیر شش ضلعی تقلب (فشار، فرصت، منطقی سازی، شایستگی، تکبر و تبنی) بر تقلب بالقوه، با نمونه گیری از کلیه دستگاه های روستایی در ناحیه بادونگ از طریق پرسشنامه با استفاده از SEM-PLS مورد تجزیه و تحلیل قرار دادند که نتیجه آن، این شد که اعتقاد به قانون کارما فالو تنها تأثیر مثبت تکبر را بر امکان مدیریت مالی متقلبانه روستا تضعیف می کند، اما تأثیر مثبت فشار، فرصت، منطقی سازی، شایستگی و تبنی را بر تقلب احتمالی تضعیف نمی کند.

هاندیانی و همکاران (۲۰۲۳) در تحقیقی با عنوان تقلب شش ضلعی: تشخیص صورتهای مالی تقلبی در اندونزی با هدف تعیین تجربی تأثیر ثبات مالی، گردش مالی چند مدیر، تدارکات الکترونیکی، سیستم افشاگر، مالکیت دولت و تعداد مکرر تصاویر مدیر عامل بر صورتهای مالی تقلبی پرداختند. در این مطالعه از رویکرد کمی استفاده شد و با جامعه آماری شرکت های دولتی در سال های ۲۰۱۷-۲۰۲۱، فهرست شده در IDX، یعنی ۱۰۵ شرکت مورد بررسی قرار گرفت. روش تحلیلی در این پژوهش، تحلیل رگرسیون خطی چندگانه است که با استفاده از نرم افزار SPSS پردازش شد. نتایج نشان داد که ثبات مالی، تغییر مدیر، تدارکات الکترونیکی، سیستم های افشاگر و مالکیت دولت به طور مثبت بر صورتهای مالی تقلبی تأثیر می گذارند. در مقابل، تعداد متغیر مکرر تصاویر مدیر عامل تأثیر منفی بر تقلب در صورتهای مالی دارد.

## روش شناسی پژوهش

### جمع آوری نمونه و داده ها

جمعیت مورد بررسی در پژوهش حاضر، شرکت های بورسی تهران هستند. این پژوهش از لحاظ هدف، پژوهشی کاربردی و از نظر نوع روش پژوهش، پژوهشی توصیفی - همبستگی می باشد. به منظور جمع آوری داده ها، از روش کتابخانه ای بهره گیری و طی یک دوره زمانی ۵ ساله از ابتدای سال ۱۳۹۶ لغایت پایان سال ۱۴۰۰ بوده، به طوری که تعداد نمونه آماری با توجه به روش حذف سیستماتیک و پس از اعمال محدودیت های لازم، در نهایت نمونه شامل ۱۵۲ شرکت در نظر گرفته شد. در این مطالعه، مدل رگرسیونی برای رابطه بین اثر

تقلب از شش گوش مختلف و تأثیر آن بر به موقع بودن ...

تقلب شش گوش بر به موقع بودن گزارش های مالی حسابداری شرکت ها بیان شده است. بدین ترتیب با استفاده از روش آماری رگرسیون خطی و لاجیت در نرم افزار ایویوز، فرضیات پژوهش مورد بررسی و کلیه متغیرها طی نگاره ۱ مشخص و اندازه گیری شده اند.

### نگاره ۱. متغیرها و نحوه اندازه گیری

نام متغیر	نحوه اندازه گیری متغیر	نماد متغیر
متغیرهای وابسته	به موقع بودن گزارش های مالی حسابداری	
زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش	تعداد روزهای بین پایان سال مالی و ارائه گزارش سالانه توسط شرکت	LEAD TIME
بایگانی دیر هنگام	متغیر ساختگی که در صورت تجاوز از مهلت قانونی ارائه گزارش سالانه حسابرسی شده (بیش از چهار ماه پس از پایان سال مالی) با کد ۱ و در غیر این صورت کد ۰ می گیرد.	LATE FILING
متغیر مستقل	تقلب شش گوش	HF
ثبات اقتصادی	بازده دارایی حاصل سود خالص بر مجموع دارایی ها (آمین، ۲۰۱۸)	
توجیه منطقی	مجموع ارقام تعهدی به مجموع دارایی (اسکوسن و همکاران، ۲۰۰۸)	
نظارت ناکارآمد	حاصل تقسیم اعضای هیئت مدیره غیرموظف به کل اعضای هیئت مدیره (اسکوسن و همکاران، ۲۰۰۹)	
تغییر در حسابرس	متغیر ساختگی، در صورت تغییر حسابرس برای دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۰، متغیر ساختگی با کد ۱ و در غیر این صورت کد ۰ می شود (اسکوسن و همکاران، ۲۰۰۹)	
تغییر در مدیریت	متغیر ساختگی، در صورت تغییر در مدیریت برای دوره ۱۳۹۶-۱۴۰۰ با کد ۱ و در غیر این صورت کد ۰ می شود (ولف و هرمانسون، ۲۰۰۴)	
تبانی	لگاریتم حق الزحمه گزارش حسابرسی (آویانتارا، ۲۰۲۱)	
متغیرهای کنترل		
صنعت	متغیر ساختگی، در صورتی که شرکت سازنده باشد ۱ و در غیر این صورت ۰ می گیرد	MANU
ماه	متغیر ساختگی، در صورتی که شرکت گزارش در آخرین ماه (تیر ماه) ارائه نماید ۱ و در غیر این صورت ۰ می گیرد.	MONTH
صفحات	تعداد صفحات گزارش سالانه	PAGES
سن شرکت	لگاریتم سال های پذیرفته شده در بورس	AGE
اندازه شرکت	لگاریتم طبیعی کل دارایی ها	SIZE
جریان وجه نقد	جریان وجوه عملیاتی به مجموع دارایی ها	CF
نقدینگی	دارایی های جاری به بدهی های جاری	LIQ

### تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته

ما از دو معیار برای اندازه گیری متغیر وابسته (به موقع بودن گزارش های مالی حسابداری) استفاده می کنیم: LEAD TIME (زمان بین شروع و اتمام فرآیند تولید) و LATE FILING (بایگانی دیر هنگام). LEAD TIME زمانی است که بر حسب روز اندازه گیری می شود، بین پایان سال مالی و ارائه گزارش سالانه، در واقع معرف فاصله زمانی بین سال مالی و تاریخ گزارشگری است. این متغیر از یادداشت صورت های مالی، گزارش هیأت مدیره و سایت کدال استخراج شده است. LEAD TIME کوتاه تر یعنی اطلاعات به موقع است. تأخیر در بایگانی زمانی اتفاق می افتد که ثبت گزارش سالانه از مهلت قانونی ارسال تجاوز کند که این زمان چهار ماه در نظر گرفته شده است. در صورتی که گزارش سالانه دیرتر از چهار ماه پس از پایان سال مالی ارائه شود، در این صورت شرکت به عنوان متأخر پرونده تلقی می شود.

### مدل های آزمون فرضیه ها

فرضیه اول: تقلب شش گوش بر زمان تهیه گزارشگری صورت های مالی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

فرضیه دوم: تقلب شش گوش بر بایگانی دیر هنگام گزارشگری صورت های مالی شرکت تأثیر مثبت و معناداری دارد.

برای بررسی رابطه بین عوامل مرتبط با تقلب شش گوش و به موقع بودن گزارش های مالی حسابداری شرکت ها، با توجه به نمونه که در فرضیه های تحقیق رسمیت یافته اند می توان براساس مدل های رگرسیون خطی برای فرضیه اول و رگرسیون لاجیت برای فرضیه دوم برآورد نمود:

$$LEAD TIME = \alpha_0 + \beta_1 HF + \beta_2 MONTH + \beta_3 MANU + \beta_4 PAGES + \beta_5 AGE + \beta_6 SIZE + \beta_7 CF + \beta_8 LIQ + \varepsilon$$

$$LATE FILING = \alpha_0 + \beta_1 HF + \beta_2 MONTH + \beta_3 MANU + \beta_4 PAGES + \beta_5 AGE + \beta_6 SIZE + \beta_7 CF + \beta_8 LIQ + \varepsilon$$

## یافته‌های پژوهش

### آمار توصیفی

ابتدا مشاهده‌های پرت و ویرایش یا حذف و داده‌ها استانداردسازی شد، سپس یک تصویر کلی از وضعیت توزیع مشاهدات هر متغیر به صورت ذیل نمایش داده شد. در نگاره آماره متغیرهای پژوهش نتایج حاصل از میانگین، میانه، حداکثر، حداقل، انحراف معیار، ضریب چولگی، ضریب کشیدگی، آزمون جارکیو-برا و سطح معناداری را می‌توان مشاهده نمود. نگاره ۲ آماره توصیفی هر متغیر را نشان می‌دهد.

### نگاره ۲. آماره توصیفی

آمار توصیفی	زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش	بایگانی دیر هنگام	تقلب شش گوش	جریان وجه نقد	نقدینگی	سن	صفحات گزارش	اندازه	صنعت	ماه
میانگین	۷۷/۵۱	-/۱۷	۱/۸۴	-/۴۹	۲/۲۳	۱/۵۳	۱/۶۹	۶/۷۲	-/۲۸	-/۰۰
میانه	۷۸	-/۰۰	-/۹۳	-/۲۲	۱/۴۶	۱/۵۶	۱/۶۸	۶/۶۲	-/۳۶	-/۰۰
حداکثر	۲۳۵	۱	۲۹/۸۷	۴۳/۲۱	۱۵۸/۸۶	۱/۸۵	۲/۱۲	۸/۹۰	-/۳۶	۱/۴۹
حداقل	۲۰	-/۰۰	-۲/۹۲	-۲/۶۰	-/۱۱	۰/۷۰	۱/۳۶	۴/۹۳	-/۲۲	-/۰۰
انحراف معیار	۲۹/۵۹	-/۲۸	۳/۱۳	۱/۷۴	۶/۲۵	۰/۲۱	۰/۱۱	۰/۶۹	-/۲۰	۱/۰۷
ضریب چولگی	-/۵۱	۱/۷۲	۱/۶۸	۱۹/۶۹	۲۱/۲۴	-/۹۴	-/۴۱	۰/۶۶	-۲/۰۸	۰/۶۷
ضریب کشیدگی	۳/۹۳	۳/۹۷	۱۱/۰۱	۴۷۵/۶۴	۵۲۳/۳۰	۳/۶۰	۳/۳۸	۳/۴۲	۵/۳۳	۱/۴۴
جارکیو-برا	۶۰/۳۱	۴۰۵/۵۸	۲۳۹/۱۲۹	۷۱۲۳/۱۴۲	۸۶۲۷/۴۲	۱۲۲/۴۰	۲۵/۵۳	۶۰/۶۶	۷۲۰/۹۰	۱۲۲/۸۸
سطح معناداری	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰	-/۰۰

نتایج بیان می‌دارند که میانگین زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش ۷۷.۵۱۴۵، حداکثر زمان بین شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش ۲۳۵ و حداقل آن ۲۰ روز، در خصوص میانگین بایگانی دیر هنگام نیز ۰.۱۷۳۷، حداکثر زمان بایگانی دیر هنگام گزارش‌ها ۱ در فاصله ۴ ماه می‌باشد. برای بررسی نرمال بودن توزیع مشاهدات از آزمون جارکیو-برا که در نگاره ۲ آماره توصیفی گزارش شد، استفاده گردید. بر این اساس با توجه به اینکه احتمال سطح معناداری تمامی بیشتر از ۵٪ نمی‌باشد بنابراین نرمال بودن توزیع آماری تأیید نشد و توزیع مشاهدات غیرنرمال است.

### آزمون همبستگی

از آنجایی که می‌توان شدت وابستگی دو متغیر نسبت به یکدیگر را همبستگی تعریف نمود بنابراین ضرایب همبستگی بین ۱ تا -۱ تغییر پیدا می‌نماید و رابطه بین دو متغیر مثبت و یا منفی می‌گردد. هر چه ضریب همبستگی به عدد یک نزدیک باشد میزان وابستگی دو متغیر زیاد می‌شود. با توجه به نتایج، بین متغیرها ارتباط وجود داشته و باید به بررسی دقیق این رابطه‌ها پرداخت. نگاره ۳ ضرایب همبستگی متغیرها را بررسی می‌کند.

## نگاره ۳. ضرایب همبستگی

ضرایب همبستگی	زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش	بایگانی دیر هنگام	تقلب شش گوش	اندازه	ماه	صنعت	صفحات گزارش	سن	نقدینگی	جریان وجه نقد
زمان بین شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش	۱									
آماره T	-									
سطح معناداری	-									
بایگانی دیر هنگام	۰/۵۴	۱								
آماره T	۱۷/۶۶	-								
سطح معناداری	۰/۰۰	-								
تقلب شش گوش	۰/۰۲۸	۰/۰۱	۱							
آماره T	۰/۷۸	۰/۲۱	-							
سطح معناداری	۰/۴۳	۰/۸۳	-							
اندازه شرکت	۰/۱۶	-۰/۰۳	-۰/۰۲	۱						
آماره T	۴/۵۴	-۰/۹۰	-۰/۶۳	-						
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۳۷	۰/۵۳	-						
ماه	۰/۷۹	۰/۶۰	۰/۰۶	۰/۱۲	۱					
آماره T	۳۶/۰۱	۲۰/۶۰	۱/۶۷	۳/۳۲	-					
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۰	۰/۰۹	۰/۰۰	-					
صنعت	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۰۳	۰/۱۰	۰/۱۰	۱				
آماره T	۱/۷۹	۱/۲۲	۰/۷۲	-۲/۶۵	۲/۷۲	-				
سطح معناداری	۰/۰۷	۰/۲۲	۰/۴۷	۰/۰۱	۰/۰۱	-				
صفحات	۰/۱۴	۰/۱۰	-۰/۰۴	۰/۱۱	۰/۴۴	-۰/۰۲	۱			
آماره T	۳/۸۸	۲/۷۶	-۱/۰۷	۱۳/۴۲	۲/۹۱	-۰/۶۴	-			
سطح معناداری	۰/۰۰	۰/۰۱	۰/۲۹	۰/۰۰	۰/۵۲	۰/۵۲	-			
سن شرکت	۰/۱۰	۰/۰۷	-۰/۰۰۴	۰/۰۷	۰/۱۳	۰/۳۱	۰/۲۳	۱		
آماره T	۲/۷۰	۱/۸۵	-۰/۱۳	۳/۴۸	۱/۸۳	۹/۰۹	۶/۵۸	-		
سطح معناداری	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۹۰	۰/۰۰	۰/۰۷	۰/۰۰	۰/۰۰	-		
نقدینگی	۰/۰۲	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۱	۰/۰۱	-۰/۰۳	-۰/۰۷	-۰/۰۹	۱	
آماره T	۰/۶۷	۱/۵۷	۰/۸۴	-۰/۲۱	۰/۳۶	-۰/۹۰	-۲/۰۴	-۲/۵۱	-	
سطح معناداری	۰/۵۷	۰/۱۲	۰/۴۲	۰/۸۳	۰/۷۲	۰/۳۷	۰/۰۴	۰/۰۱	-	
جریان وجه نقد	-۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۰۷	-۰/۰۲	-۰/۰۱	-۰/۰۴	-۰/۱۲	۰/۹۲	۱
آماره T	-۰/۸۶	۰/۷۵	۰/۸۹	۱/۹۵	-۰/۴۹	-۰/۳۶	-۰/۹۹	-۳/۴۱	۶۶/۵۴	-
سطح معناداری	۰/۳۹	۰/۴۶	۰/۳۷	۰/۰۵	۰/۶۲	۰/۷۲	۰/۳۲	۰/۰۰	۰/۰۰	-

## آزمون مانایی

قبل از تخمین مدل، مانایی متغیرها مورد بررسی قرار می‌گیرد. متغیر، وقتی ماناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثابت باقی بماند. اگر مبدأ زمانی متغیر، تغییر کند اما میانگین و واریانس و کواریانس تغییری پیدا نکند، متغیر مانا خواهد بود. نگاره ۴ مانایی یا عدم مانایی متغیرهای پژوهش را نشان می‌دهد.

#### نگاره ۴. مانایی متغیرها

نام متغیر	روش	آماره	احتمال	نتایج
زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش	لوین، لین و چو	-۳۶/۹۴	۰/۰۰	مانا
بایگانی دیر هنگام	لوین، لین و چو	-۲/۹۹	۰/۰۰	مانا
تقلب شش گوش	لوین، لین و چو	-۳۱/۳۸	۰/۰۰	مانا
جریان وجه نقد	لوین، لین و چو	-۴۲/۴۵	۰/۰۰	مانا
نقدینگی	لوین، لین و چو	-۱۷/۶۱	۰/۰۰	مانا
سن	لوین، لین و چو	-۱۰۸/۹۸	۰/۰۰	مانا
صفحات گزارش	لوین، لین و چو	-۱۵/۲۴	۰/۰۰	مانا
اندازه	لوین، لین و چو	-۲۱/۷۰	۰/۰۰	مانا
صنعت	لوین، لین و چو	-۲/۴۱	۰/۰۱	مانا
ماه	لوین، لین و چو	-۴/۸۳	۰/۰۰	مانا

#### آزمون چاو و هاسمن

از آنجایی که داده‌های مطالعه حاضر از نوع ترکیبی است باید روش تخمین آن نیز مشخص شود. برای رسیدن به این امر از آزمون چاو بهره برده گردید. برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیش از پنج درصد باشد از روش تلفیقی و برای مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از پنج درصد باشد، از روش تابلویی استفاده شده است. روش تابلویی هم با استفاده از دو مدل "اثرات تصادفی" و "اثرات ثابت" تحلیل می‌شود و برای آن از آزمون هاسمن استفاده گردید. مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها کمتر از پنج درصد باشد از مدل اثرات ثابت و مشاهداتی که احتمال آزمون آن‌ها بیش از پنج درصد باشد از مدل اثرات تصادفی برای تخمین مدل استفاده خواهد شد. نگاره ۵ نتایج آزمون چاو و هاسمن را نشان می‌دهد.

#### نگاره ۵. آزمون چاو و هاسمن

مدل	آزمون	آماره	احتمال	نتیجه
اول	چاو	۲/۶۱	۰/۰۰	روش تابلویی
اول	هاسمن	۵۲/۸۱	۰/۰۰	اثرات ثابت
دوم	چاو	۶/۶۲	۰/۰۰	روش تابلویی
دوم	هاسمن	۱۰/۴۵	۰/۰۰	اثرات ثابت

#### آزمون فرضیه‌ها

جهت آزمودن فرضیه اول از نتایج تخمین مدل در نگاره ۶ استفاده شد. سطح معناداری برابر ۰/۰۰ بوده یعنی مدل معنادار است. مقدار آماره دوربین واتسون ۱.۵۹ می‌باشد که این مقدار، عدم وجود خود همبستگی خطاها را نشان می‌دهد. نتیجه ضریب تعیین تعدیل شده نشان می‌دهد، تقریباً ۶۴٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می‌شوند.

#### نگاره ۶. آزمون فرضیه اول

آزمون فرضیه اول	ضریب برابردی	خطای استاندارد	آماره T	احتمال
تقلب شش گوش	-۰/۱۴	۰/۲۱	-۰/۶۸	۰/۵۰
جریان وجه نقد	-۳/۶۹	۱	-۳/۷۰	۰/۰۰
نقدینگی	۱/۰۳	۰/۲۸	۳/۷۳	۰/۰۰
سن	۷/۱۰	۳/۴۸	۲/۰۴	۰/۰۴
صفحات گزارش	۴/۴۰	۶/۶۸	-۰/۶۶	۰/۶۱
اندازه	۳/۶۰	۱/۰۹	۳/۳۱	۰/۰۰
صنعت	-۲/۰۱	۳/۴۲	-۰/۵۹	۰/۵۶
ماه	۲۱/۳۴	۰/۶۱	۳۴/۸۴	۰/۰۰
مقدار ثابت (عرض از مبدا)	۳۵/۳۶	۱۰/۶۳	۳/۳۳	۰/۰۰
ضریب تعیین	۰/۶۵			
ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۶۴			
دوربین واتسون	۱/۵۹			
آماره F	۱۷۱/۵۷			
احتمال (آماره F)	۰/۰۰			

نتایج بیان می کنند که ضریب متغیر تقلب شش گوش، ۰.۱۳۹- بوده که نشان دهنده تأثیر معکوس تقلب شش گوش بر زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش شرکت می باشد که با توجه به آماره t ضریب متغیر تقلب شش گوش در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی باشد و فرضیه اول پژوهش مورد تأیید قرار نگرفت. این موضوع نشان می دهد که تقلب شش گوش بر زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش شرکت ها تأثیر معکوس دارد اما معنادار نیست؛ بدین معنی که اگر شرکت ها تقلب شش گوش بالاتری داشته باشند این موضوع بر زمان شروع و اتمام فرآیند تهیه گزارش تأثیر کمتری دارد.

به منظور آزمون فرضیه دوم از نتایج تخمین مدل ارائه شده در نگاره ۷ استفاده شد. سطح معناداری برابر ۰.۰۰۰ بوده این یعنی مدل معنادار است. نتیجه ضریب تعیین تعدیل شده و ش مک فادن نشان داد: تقریباً ۴۵٪ تغییرات متغیر وابسته به وسیله متغیرهای مستقل و کنترلی مدل، توضیح داده می شوند.

### نگاره ۷. آزمون فرضیه دوم

آزمون فرضیه دوم	ضریب برابردی	خطای استاندارد	آماره Z	احتمال
تقلب شش گوش	-۰/۰۴	۰/۰۴	-۰/۸۹	۰/۳۷
جریان وجه نقد	-۰/۰۴	۰/۲۸	-۰/۱۶	۰/۸۷
نقدینگی	-۰/۰۶	۰/۰۸	۰/۷۵	۰/۴۶
سن	-۰/۴۵	۰/۶۸	-۰/۶۴	۰/۵۱
صفحات گزارش	۴/۶۷	۱/۳۶	۳/۴۳	۰/۰۰
اندازه	-۰/۹۱	۰/۲۲	-۴/۰۹	۰/۰۰
صنعت	-۰/۴۸	۰/۷۶	-۰/۶۳	۰/۵۳
ماه	۲/۱۲	۰/۲۱	۹/۹۷	۰/۰۰
مقدار ثابت (عرض از مبدا)	-۴/۱۹	۱/۹۸	۲/۱۱	۰/۰۳
ضریب تعیین مک فادن	۰/۴۴			
آماره LR	۳۱۱/۳۳			
احتمال (آماره-LR)	۰/۰۰			
تعداد مشاهدات با کد = ۰	۶۲۸			
تعداد مشاهدات با کد = ۱	۱۳۲			
تعداد مشاهدات	۷۶۰			

نتایج بیان می کنند که ضریب متغیر تقلب شش گوش، ۰.۰۰۴- بوده که نشان دهنده تأثیر معکوس تقلب شش گوش بر مهلت قانونی ارائه گزارش سالانه شرکت می باشد که با توجه به آماره Z ضریب متغیر تقلب شش گوش در سطح اطمینان ۹۵٪ معنادار نمی باشد و فرضیه دوم پژوهش تأیید نشد. این موضوع نشان می دهد که تقلب شش گوش بر مهلت قانونی ارائه گزارش سالانه شرکت ها و بایگانی آن تأثیر معکوس دارد اما معنادار نیست؛ بدین معنی که اگر شرکت ها تقلب شش گوش بالاتری داشته باشند این موضوع بر مهلت قانونی ارائه گزارش سالانه شرکت ها و بایگانی آن تأثیر کمتری دارد.

### نتیجه گیری

گزارشگری مالی یکی از مهم ترین منابع اطلاعاتی جهت تصمیم گیری اقتصادی توسط مدیران، سرمایه گذاران، اعتباردهندگان و سایر ذی نفعان است. از آنجایی که این اطلاعات ممکن به صورت صحیح و درست در اختیار استفاده کنندگان قرار نگیرد، بین مدیران و سایر استفاده کنندگان عدم تقارن اطلاعاتی ایجاد می شود که به تهیه کنندگان اطلاعات اجازه می دهد تا در تهیه و گزارش اطلاعات، از اختیار خود در جهت منافع شخصی استفاده نمایند. از آنجایی که گزارشگری مالی یکی از فرآورده های سیستم حسابداری است که از اهداف عمده آن فراهم آوردن اطلاعات لازم و به موقع برای تصمیم گیری اقتصادی استفاده کنندگان در خصوص فاقد تقلب و ارزیابی عملکرد به سود بنگاه اقتصادی است و به نفع آن عمل می کند شرط لازم برای دستیابی به این هدف، شناسایی عوامل تأثیر گذار در باب تقلب و ارائه به موقع اطلاعات است؛ به نحوی که سنجش توان تصمیم گیری، ارائه و پیش بینی فعالیت های آتی بنگاه اقتصادی مؤثر افتد. لذا با توجه به

تأثیر منفی پیچیدگی تقلب در محیط فعالیت شرکت بر کیفیت گزارشگری مالی، صحت عاری و به‌موقع بودن توسط مدیریت را- که در راستای اهداف گزارشگری مالی می‌باشد- تحت تأثیر قرار می‌دهد و در این راستا به مدیران این شرکت‌ها توصیه می‌شود که حسابرسی صورت‌های مالی شرکت را به مؤسسات مشهور حسابرسی واگذار نموده و سطح نظارت را بر صورت‌های مالی افزایش دهند. شرکت‌هایی که دارای سیستم کنترل داخلی ناکارآمد هستند نسبت به شرکت‌های با سیستم کنترل داخلی اثربخش‌تر، میزان افشای روابط غیرعادی در ارتباط با تقلب بالاتری دارند. چنانچه اظهار نظر حسابرس مستقل برای دو یا چند دوره متوالی برای شرکتی حاوی وجود ضعف‌های مهم گزارشگری مالی باشد، مدیران شرکت را بر آن می‌دارد تا با ارائه سطوح بالاتری از افشای تقلب تغییر دهند.

بسیاری از موارد گزارشگری مالی متقلبانه تا به امروز، محققان را بر آن داشته است تا عواملی را که افراد را به سمت ارتکاب تقلب سوق می‌دهد، بررسی کنند. به نظر می‌رسد اطلاعات کمی در مورد تقلب شش گوش و اثر آن بر به‌موقع بودن ارائه گزارش‌های سالانه در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. این مطالعه به بررسی عوامل مؤثر تقلب بر گزارشگری مالی با استفاده از اجزای شش ضلعی تقلب (ثبات اقتصادی، توجیه منطقی، نظارت ناکارآمد، تغییرات حسابرس، تغییر مدیریت و تکبر) پرداخته است. هدف مقاله حاضر بر کردن این خلأ با مطالعه رابطه بین تقلب شش گوش و به‌موقع بودن گزارش‌های مالی حسابداری در نمونه‌ای از ۱۵۲ شرکت بورس اوراق بهادار تهران بود. تقلب در اطلاعات و گزارش‌های مالی از یک سو باعث نگرانی در تصمیم‌گیرندگان برون سازمانی و به نوعی اطلاعات افشا نشده یا دستکاری شده توسط نفرات اثرگذار در تهیه و تدوین، شده و از سویی دیگر مخفی نمودن اطلاعات انگیزه سرمایه‌گذاری را کاهش می‌دهد، در مقابل به‌موقع ارائه شدن آن موجب بروز موجی از اعتماد در آنان می‌گردد. مدیریت باید دقت بیشتری در ارائه به‌موقع گزارش‌های مالی- به عنوان ابزاری که انتظار می‌رود اطلاعاتی را به سرمایه‌گذاران در ارزیابی و تجزیه و تحلیل سرمایه‌گذاری‌های خود در یک شرکت را دهد- داشته باشند و احتمال تقلب در گزارشگری مالی شرکت را کشف کنند. به طوری که ریسک تقلب را کاهش داده تا سرمایه‌گذار بتواند تصمیم مناسب را اتخاذ نماید. نتایج آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد اثر معکوس تقلب شش گوش بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی در شرایط عاری از ابهام اطلاعاتی وجود دارد. در شرایط وجود ابهام اطلاعاتی در مؤلفه‌های گزارش مالی موجب تشدید نگاه بدبینانه به آن می‌گردد در نتیجه می‌توان استدلال نمود هرچه گزارش‌های مالی بروز و در بازه زمانی قانونی ارائه گردد از وقوع تقلب هدفمند جلوگیری خواهد شد. مطابق با یافته‌های پژوهش، نشان داده شد که شرکت‌های مورد بررسی گزارش‌های سالانه خود را به میزان قابل توجهی به‌موقع ارسال می‌نمایند. از دلایل مهم برای این که چرا گزارش‌های مالی باید عاری از تقلب باشند می‌توان به اثر مؤلفه‌های تقلب در نحوه و زمان ارائه گزارش‌های حسابداری شرکت‌ها، توجه به کیفیت محتوا و مدت زمان انتشار آن اشاره کرد.

پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده جهت کنترل بهتر اثرات تقلب، از داده‌های دقیق‌تر شرکت‌های بورس اوراق بهادار استفاده گردد. در مقاله فعلی، به دلیل حجم نمونه نسبتاً کم ( $N=152$ )، ما اثرات بایگانی دیر هنگام (مهلت قانونی ارائه گزارش سالانه) را تنها با استفاده از یک متغیر باینری (صفر/یک) کنترل در نظر گرفتیم. که پیشنهاد می‌گردد از نمونه‌های بیشتری در راستای بررسی این متغیر اعمال شود. همچنین برای تحقیقات آتی پیشنهاد می‌شود از متغیرهای جایگزین دیگری غیر از مقاله فعلی استفاده گردد. برای مثال می‌توان از متغیری استفاده نمود که اثر انتشار اخبار خوب یا بد بر تقلب یا ارائه به‌هنگام گزارشگری مالی را تحلیل کند یا در مقاله بعدی، از بازه کل دارایی‌ها به عنوان نماینده اخبار خوب یا بد می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد.

## منابع

- اکبری نژاد تقدیمی، شادی، ۱۴۰۲، استراتژیهای تجاری، قابلیت اتکا و به‌موقع بودن گزارشگری مالی، اولین کنفرانس بین‌المللی توانمندی مدیریت، مهندسی صنایع، حسابداری و اقتصاد، بابل، <https://civilica.com/doc/1690936>
- بابایی، قادر، پاک مرام، عسگر، بادآور نهندی، یونس و رضایی، نادر. (۱۳۹۹). الگوی سنجش قابلیت مقایسه صورت‌های مالی بر اساس تئوری ارزش‌گذاری نسبی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۷(۴)، ۵۴۶-۵۸۰.
- بادآور نهندی، یونس، و بابایی، قادر (۱۴۰۱). اثر قابلیت مقایسه اطلاعات مالی بر به‌موقع بودن گزارش‌گری مالی با تأکید بر نقش تعدیل‌گر ابهام اطلاعاتی قیمت سهام. مطالعات تجربی حسابداری مالی، ۱۹(۷۴)، ۲۰۹-۲۳۷.
- باغومیان رافیک و نقدی، (۱۳۹۳). سجاد تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر میزان افشای اختیاری در گزارشگری سالانه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دانش حسابداری، ش ۱۶، ص ۱۳۶-۱۱۹، (۱۳۹۳).
- بیات، علی و علی احمدی. (۱۳۹۳)، تأخیر حسابرسی و به‌موقع بودن گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، سال ششم، شماره ۲۲، ۹۷-۱۲۱.



- حسینی، محسن و آریتا جهانشاد، (۱۳۹۸)، "ضرورت گسترش سطح افشا و توسعه گزارشگری مالی در بستر حسابداری اسلامی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۱(۴۴)، ۲۱۷-۲۴۹.
- حسینی، سیدعلی؛ شفیق زاده، بهاره (۱۳۹۸). تبیین مدلی برای حمایت از حقوق سرمایه‌گذاران با تأکید بر سازه‌های حسابداری، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲(۱۶)، ۱۹۳-۲۶۲.
- خلیلی ثمرین، فاطمه، خلیل پور، مهدی، و رضانی، جواد (۱۴۰۰). رتبه‌بندی عوامل درون سازمانی و برون سازمانی مؤثر بر گزارشگری مالی متقلبان با استفاده از فرآیند تحلیل سلسله‌مراتبی. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۱۵(۵۵)، ۲۳۱-۲۴۶.
- دریایی، مجید، هاشم نیکو مرام و محمدحامد خان محمدی، (۱۳۹۹)، "تأثیر فرهنگ سازمانی بر گزارش خطاکاری سازمانی در حرفه حسابرسی"، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲(۴۶)، ۲۷-۵۰.
- رابطی خطیبی، محمدابراهیم، و خسروی پور، نگار (۱۴۰۲). بررسی اثرات وجود نظام کنترل داخلی و پیچیدگی‌های سازمانی بر کیفیت گزارشگری مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۵(۵۷)، ۹۹-۱۲۰.
- رضازاده، جواد و عبدالله محمدی، (۱۳۹۹)، "توانایی مدیریتی، ارتباط سیاسی و گزارشگری"، بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۲)، ۲۱۷-۲۳۸.
- سعادت زاده حصار، بهزاد؛ عبدی، رسول؛ محمدزاده سالطه، حیدر و نریمان، محمد. (۱۴۰۰). بررسی ارتباط سوگیری شناختی در رفتار سرمایه‌گذاران با واسطه نوسانات قیمت سهام، اقتصاد مالی، ۱۵(۵۶)، ۳۲۰-۳۰۳.
- فیضی زاده، احمد، (۱۳۹۹)، شناسایی و اولویت‌بندی روش‌های تقلب در صورتهای مالی از دیدگاه حسابرسان، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت، دوره ۹، شماره ۳۳، صفحه ۱-۸.
- کردستانی، غلامرضا، و محمدی نسب، سیدمحسن (۱۴۰۲). تأثیر اثربخشی کنترل‌های داخلی بر افشای ریسک در متن گزارش‌های مالی. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی (پژوهشنامه حسابداری مالی و حسابرسی)، ۱۵(۵۷)، ۱-۲۲.
- کاشانی پور، محمد؛ آقائی، محمد علی و محسنی نامقی، داود (۱۳۹۸). لحن افشای اطلاعات و عملکرد آتی. بررسی‌های حسابداری و حسابرسی، ۲۶(۴)، ۵۹۴-۵۷۰.
- موسوی، سیده زهرا، کعب عمیر، احمد، و نصیری، سعید (۱۴۰۲). ارزیابی تأثیرپذیری قضاوت‌های سرمایه‌گذاران از خوانایی افشای گزارش‌های مالی شرکت. اقتصاد مالی (اقتصاد مالی و توسعه)، ۱۷(۲)، ۱۷۳-۱۹۲.
- مهدوی، غلامحسین و علیرضا قهرمانی، (۱۳۹۳)، "ارائه الگویی برای کشف تقلب به وسیله حسابرسان با استفاده از شبکه عصبی مصنوعی" دانش حسابداری، ۱۷(۶۷)، ۴۵-۷۰.
- نیک کار، جواد و محمدی اسلام، (۱۳۹۶)، "تأثیر استراتژی شرکت، هزینه‌های سیاسی و قدرت مدیریت بر به‌موقع بودن گزارشگری مالی"، پژوهش‌های حسابداری مالی، زمستان ۱۳۹۸، دوره ۱۱، شماره ۴ (پیاپی ۴۲)، ۸۷-۱۱۰.

- Afify, H.A.E. (2009), "Determinants of audit report lag: does implementing corporate governance have any impact? Empirical evidence from Egypt HAE Afify, Journal of Applied Accounting Research, 2009.
- Afonso, A., Baxa, J., & Slavík, M. (2018). Fiscal developments and financial stress: A threshold VAR analysis. *Empirical Economics*, 54(2), 395-423.
- Akbar, Taufiq. 2017. The Determination of Fraudulent Financial Reporting Causes By Using Pentagon Theory on Manufacturing Companies in Indonesia. *International Journal of Business, Economics and Law* 14: 106-13.
- Al-Ghanem, W. and Hegazy, M. (2011), "An empirical analysis of audit delays and timeliness of corporate financial reporting in Kuwait", *Eurasian Business Review*, Vol. 1 No. 1, 73-90.
- Amin, S. N. (2018). Fraud Detection of Financial Statement by Using Fraud Diamond Perspective. *International Journal of Development and Sustainability*, 7(3), 878-891. [www.isdsnet.com/ijds](http://www.isdsnet.com/ijds)
- Apriliana, Siska, and Linda Agustina. 2017. The Analysis of Fraudulent Financial Reporting Determinant through Fraud Pentagon Approach. *Jurnal Dinamika Akuntansi* 9: 154-65.
- Baatwah, S.R., Salleh, Z. and Stewart, J. (2019), "Audit committee chair accounting expertise and audit.
- Beuselinck, C., Elfers, F., Gassen, J. and Pierk, J. (2021), "Private firm accounting: the European
- Borio, C. (2017). Macroeconomics and the financial cycle: Hamlet without the Prince? *Executive Board*, 73.
- Cevik, E. I., Dibooglu, S., & Kenc, T. (2016). Financial stress and economic activity in some emerging Asian economies. *Research in International Business and Finance*, 36, 127-139.

- Clatworthy, M., & Peel, M. (2010). "Does Corporate Governance Influence the Timeliness of Financial Reporting? Evidence from UK Private Companies, Accounting and management control department research seminar.
- Conover, C.M., Miller, R.E. and Szakmary, A. (2008), "The timeliness of accounting disclosures in control affect audit reporting lag?", *Asia-Pacific Journal of Accounting and Economics*, Vol. 24 Nos 1/2, 195-215.
- Cressey, Donald R. 1953. *Other People's Money; a Study of the Social Psychology of Embezzlement*. 1–300. Available online: <https://psycnet.apa.org/record/1954-06293-000> (accessed on 7 June 2021).
- Demerjian, P., B. Lev., & S. MacVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity test. *Management Science*, 58(7): 1229-1248.
- Dung, Nguyen Ngoc Khanh, and Dang Anh Tuan. 2019. The Study of Audit Expectation Gap: The Auditor's Responsibilities in a Financial Statement Audit in Vietnam. *Asian Economic and Financial Review* 9: 1227–54.
- Engelberg, F., A. Ozoguz., & Wang. S. (2018). Know thy neighbor: Industry clusters, information spillovers and market efficiency. *Journal of Financial and Quantitative Analysis*, 53(5), 1937–1961.
- Escaloni, Susana and Mareque, Mercedes (2021). Audit Report Lag. Differential Analysis between Spanish SMEs and Non-SMEs, *Sustainability* 2021, 13(22), 12830; <https://doi.org/10.3390/su132212830>.
- European Commission (2021), "Annual report on European SMEs 2020/2021 (July 2021)", available at: [www.ggb.gr/sites/default/files/basic-page-files/SME%20Annual%20Report%20-%202021.pdf](http://www.ggb.gr/sites/default/files/basic-page-files/SME%20Annual%20Report%20-%202021.pdf)
- Ghafran, C. and Yasmin, S. (2018), "Audit committee chair and financial reporting timeliness: a focus on financial, experiential and monitoring expertise", *International Journal of Auditing*, Vol. 22 No. 1, 13-24.
- Henry, Elaine, Elizabeth A. Gordon, Brad J. Reed, and Timothy J. Louwers. 2011. The Role of Related Party Transactions in Fraudulent Financial Reporting. *SSRN Electronic Journal* 4: 186–213.
- Horwath, Crowe. 2021. The Mind Behind The Fraudsters Crime: Key Behavioral and Environmental Element. Crowe Horwath LLP.1–62. Available online: [https://www.fraudconference.com/uploadedFiles/Fraud\\_Conference/Content/Course-Materials/presentations/23rd/ppt/10C-Jonathan-Marks.pdf](https://www.fraudconference.com/uploadedFiles/Fraud_Conference/Content/Course-Materials/presentations/23rd/ppt/10C-Jonathan-Marks.pdf) (accessed on 7 June 2021).
- Husmawati, Pera, Yossi Septriani, Irda Rosita, and Desi Handayani. 2017. Fraud Pentagon Analysis in Assessing the Likelihood of Fraudulent Financial Statement (Study on Manufacturing Firms Listed in Bursa Efek Indonesia Period 2013–2016). *International Conference of Applied Science on Engineering, Business, Linguistics and Information Technology (ICT-ASCNITech)* 7: 45–51.
- IASB (2018), "Conceptual framework for financial reporting 2018", [www.ifrs.org/content/dam/ifrs/publications/pdf-standards/english/2021/issued/part-a/conceptual-framework-forfinancial-reporting.pdf](http://www.ifrs.org/content/dam/ifrs/publications/pdf-standards/english/2021/issued/part-a/conceptual-framework-forfinancial-reporting.pdf) (accessed 3 January 2021).
- Irwandi, Soni Agus, Imam Ghozali, and Imang Dapit Pamungkas. 2019. Detection Fraudulent Financial Statement: Beneish m-Score Model. *WSEAS Transactions on Business and Economics* 16: 271–81.
- Julia Rachma Handayani, Nurcahyono Nurcahyono, Nailis Saadah and Winarsih(2023). C. Wen-Hai and A. Mursid (Eds.): *ICBABE 2022, AEBMR* 240, 263–276, 2023. [https://doi.org/10.2991/978-94-6463-154-8\\_24](https://doi.org/10.2991/978-94-6463-154-8_24)
- Lou, Yung-I, and Ming-Long Wang. 2011. Fraud Risk Factor Of The Fraud Triangle Assessing The Likelihood Of Fraudulent Financial Reporting. *Journal of Business & Economics Research (JBER)* 7: 61–78.
- Lukason, O. and Camacho-Miñano, M.D.M. (2019), "Bankruptcy Risk, Its Financial Determinants and Reporting Delays: Do Managers Have Anything to Hide?", *Journals Risks* Volume 7 Issue 3.
- Mathuva, D.M., Tauringana, V. and Owino, F.J.O. (2019), "Corporate governance and the timeliness of audited financial statements: the case of Kenyan listed firms", *Journal of Accounting in Emerging Economies*, Vol. 9 No. 4, 473-501.
- Meckfessel, M.D. and Sellers, D. (2017), "The impact of big 4 consulting on audit reporting lag and restatements", *Managerial Auditing Journal*, Vol. 32 No. 1, 19-49.
- Nanda, Satria tri, Neneng Salmiah, and Dina Mulyana. 2019. Fraudulent Financial Reporting: A Pentagon Fraud Analysis. *Jurnal Ilmiah Ekonomi Dan Bisnis* 16: 122–34.
- Newton, J.D. and Ashton, R.H. (1989), "The association between audit technology and audit delay", *Auditing: A Journal of Practice and Theory*, Vol. 8, 22-37.

- Ni Made Mira Sanita, Ni Ketut Rasmini, I Putu Sudana, I Gusti Ngurah Agung Suaryana(2023). *Research Journal of Finance and Accounting*, ISSN 2222-1697 (Paper) ISSN 2222-2847 (Online), Vol.14, No.14, 2023.
- Perry, L. M., Michael, M.S., Seibert, K. (2021). Financial Strain and Physical and Emotional Quality of Life in Breast Cancer. *Journal of Pain and Symptom Management*. ;30 (3): 1-22.
- Pourali, M., & Jozi, M, Heydari R. (2013). "Investigation of Effective Factors in Audit Delay: Evidence from Tehran Stock Exchange (TSE)". *Research Journal of Applied Sciences, Engineering and Technology*. 38(4), 405- 410.
- Rae, Kirsty, and Nava Subramaniam. 2008. Quality of Internal Control Procedures: Antecedents and Moderating Effect on Organisational Justice and Employee Fraud. *Managerial Auditing Journal* 23: 104–24.
- Ramantha, I. Wayan. 2020. Fraud Pentagon Theory in Detecting Financial Perception of Financial Reporting with Good Corporate Governance as Moderator Variable. *International Research Journal of Management, IT and Social Sciences*, 84–94.
- Sadgali. I, Sael. N & Benabbou. F, (2019), "Performance of Machine Learning Techniques in the Detection of Financial Frauds", *Procedia Computer Science*, 148(2019), 45-54.
- Sari, Maylia Pramono, Nindya Pramasheilla, Trisni Suryarini, and Imang Dapit Pamungkas. 2020b. Analysis of Fraudulent Financial Reporting With the Role of KAP Big Four as a Moderation Variable: Crowe's Fraud's Pentagon Theory. *International Journal of Financial Research* 11: 180.
- Schroeder, R. G.; Clark Myrtle W. & Jack M. Cathey (2008). *Financial Accounting Theory and Analysis: Text and Cases*, 9<sup>th</sup> Edition, John Wiley & Sons.
- Selleslagh, T., Ceustermans, S. and Stas, L. (2021), "Not all late filers are the same: distinguishing between differences in filing behaviour", *Sustainability*, Vol. 13 No. 19, p. 10862.
- Shin, I.H., Lee, H.Y., Lee, H.A. and Son, M. (2017), "How does human resource investment in internal Situngkir, Naomi Clara, and Dedik Nur Triyanto. 2020. Detecting Fraudulent Financial Reporting Using Fraud Score Model and Fraud Pentagon Theory: Empirical Study of Companies Listed in the LQ 45 Index. *The Indonesian Journal of Accounting Research*23: 373–410.
- Skousen, C. J., Smith, K. R., Wright, C. J., & Chasteen Chair, L. G. (2008). Detecting And Predicting Financial Statement Fraud: The Effectiveness Of The Fraud Traingle And Sas No. 99. [https://doi.org/10.1108/S1569-3732\(2009\)0000013005](https://doi.org/10.1108/S1569-3732(2009)0000013005).
- Skousen, Christopher J., Kevin R. Smith, and Charlotte J. Wright. 2009. Detecting and Predicting Financial Statement Fraud: The Effectiveness of the Fraud Triangle and SAS No. 99. In *Corporate Governance and Firm Performance. Advances in Financial Economics*. Bingley: Emerald Group Publishing Limited, vol. 13, 53–81.
- Vousinas, Georgios L. 2019. Advancing Theory of Fraud: The SCORE Model. *Journal of Financial Crime* 26: 372–81.
- Wang, J. and Song, L. (2006), "Timeliness of annual reports of Chinese listed companies", *Journal of Chinese Economic and Business Studies*, Vol. 4 No. 3, 241-257.
- Whitworth, J., & Tamara A. Lambert. (2013). Office -Level Characteristics of the Big 4 and Audit Report Timeliness. *Auditing: A Journal of Practice & Theory*, Forthcoming. Available at SSRN: <http://ssrn.com/abstract=2267983>.
- Wolfe, David T., and Dana R. Hermanson. (2004). The Fraud Diamond: Considering the Four Elements of Fraud. Available online: <https://digitalcommons.kennesaw.edu/facpubs/1537/> (accessed on 5 June 2021).
- Zhang, J. H. (2018). Accounting Comparability, Audit Effort, and Audit Outcomes. *Contemporary Accounting Research*, 35(1), 245–276.



## Effect of Corporate Governance System on the Specific Risk of Stock Volatility based on Asset Pricing Model: Evidence from Linear and Non-Linear Regression

Fatemeh Zhoolanezhad<sup>1\*</sup>, Raheleh Amirkhani<sup>2</sup>

1.PhD in Accounting, Faculty of Humanities, Faizul Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Iran. \* Corresponding Author

2.MSc. Student of Accounting, Faculty of Humanities, Faizul Islam Institute of Higher Education, Khomeini Shahr, Iran.

Received:2023/10/28

Accepted: 2024/03/12

### Abstract

Ownership structure and corporate governance are effective and important factors for the level of risk accepted by companies. The ownership structure and corporate governance determine the level of exposure to risk. The effects of risk appetite are significant because they can affect the company's profitability, changes in market value and the probability of bankruptcy. This study examined the effect of family ownership, corporate governance and board of directors' characteristics on the accepted risk. In line with the goal of the research, twelve hypotheses were formulated. In order to test these hypotheses using the systematic elimination method, a sample of 180 companies was selected from among the companies admitted to the Tehran Stock Exchange during the years 2011 to 2021. To analyze the data and test the hypotheses, multivariable regression models were used using the panel data method. The results of the research showed that family and non-family ownership had a linear and non-linear effect on accepted risk, the size of the board of directors did not have a significant effect on the accepted risk; moreover, the presence of women in the board of directors did not have a significant effect on the accepted risk.

**Keywords:** Accepted risk, Family ownership, Non-family ownership, Members of board of directors, Women members of board of directors.



## تأثیر نظام راهبری شرکتی بر ریسک ویژه نوسانات سهام بر پایه مدل قیمت گذاری دارایی: شواهدی از رگرسیون خطی و غیرخطی

فاطمه ژولانژاد<sup>۱</sup>، راحله امیرخانی<sup>۲</sup>

۱. دکترای حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی فیض الاسلام، خمینی شهر، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده علوم انسانی، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی غیردولتی فیض الاسلام، خمینی شهر، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۶ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۲

### چکیده

ساختار مالکیت و راهبری شرکتی و حاکمیت شرکتی عوامل مؤثر و مهمی برای سطح ریسک پذیرفته شده توسط شرکت‌ها هستند. ساختار مالکیت و راهبری شرکتی و حاکمیت شرکتی، میزان مواجهه با ریسک را تعیین می‌کند. اثرات ریسک‌پذیری قابل توجه است؛ زیرا می‌تواند بر سودآوری شرکت، تغییر ارزش بازار و احتمال ورشکستگی تأثیر بگذارد. این پژوهش، تأثیر مالکیت خانوادگی و راهبری شرکتی و ویژگی‌های هیئت مدیره را بر ریسک پذیرفته شده بررسی می‌کند. در راستای هدف پژوهش، دوازده فرضیه تدوین شد. جهت آزمون این فرضیه‌ها-با استفاده از روش حذف سامان‌مند جامعه آماری قابل دسترس، نمونه‌ای متشکل از ۱۸۰ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی سال‌های ۱۳۹۰ لغایت ۱۴۰۰ انتخاب گردید. برای تجزیه و تحلیل داده‌ها و آزمون فرضیه‌ها از مدل‌های رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی و غیر خطی تأثیر می‌گذارد، مالکیت غیرخانوادگی بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی و غیر خطی تأثیر می‌گذارد، اندازه هیأت مدیره بر ریسک پذیرفته شده تأثیر معناداری ندارد و همچنین حضور زنان در هیأت مدیره بر ریسک پذیرفته شده تأثیر معناداری ندارد.

**واژگان کلیدی:** ریسک پذیرفته شده، مالکیت خانوادگی، مالکیت غیرخانوادگی، اعضای هیئت مدیره، زنان عضو هیئت مدیره

## مقدمه

درسال‌های اخیر و در ادبیات مالی و اقتصاد، شرکت‌های خانوادگی در کانون توجه قرار گرفته‌اند؛ چرا که پژوهش‌های گذشته نشان داده‌اند که شرکت‌های خانوادگی به‌طور مستقیم عمومی‌ترین شرکت‌های تجاری در سراسرجهان را اداره می‌کرده‌اند (بندسن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۷ و ۲۰۱۱؛ فاجیو و لنگ<sup>۲</sup>، ۲۰۰۲، لاپورتا و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۹۹). در کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، شرکت‌های خانوادگی به شکل سازمان یافته، سهم قابل توجهی را در بازار سرمایه دارا هستند. مطالعات متعددی که دراین زمینه انجام شده است تفاوت‌های تملک شرکت‌های خانوادگی را در بین کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه شناسایی کرده است.

اندرسون و ریب<sup>۴</sup> (۲۰۰۳) پیشنهاد می‌کنند که مالکان خانوادگی، استراتژی‌های کاهش ریسک را از طریق تنوع بیشتر شرکت یا استفاده کمتر از بدهی نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی دنبال نمی‌کنند، دیگر شواهد نشان می‌دهد که خانواده‌ها با تأثیر بر سطح و نوع سرمایه‌گذاری‌های بلندمدت شرکت، ریسک شرکت را کاهش می‌دهند. بویژه، شواهد نشان می‌دهد که خانواده‌ها با اختصاص منابع کمتر به سرمایه‌گذاری‌های پرخطر مخارج پژوهش و توسعه نسبت به شرکت‌های غیرخانوادگی، درگیر اجتناب از ریسک هستند.

کوثری و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۰۲) نشان دادند که فعالیت‌های سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه شرکت‌ها می‌تواند تأثیر شدیدی بر ریسک شرکت داشته باشد. به‌طور کلی، نتایج نشان می‌دهد که الگوهای سرمایه‌گذاری بین شرکت‌های خانوادگی و شرکت‌های غیرخانوادگی متفاوت است. نگوین<sup>۶</sup> (۲۰۱۱) استدلال می‌کند با بررسی شرکت‌های خانوادگی ژاپنی این نتیجه حاصل شد که کنترل خانواده و مالکیت متمرکز به‌طور مثبت با ریسک‌پذیری شرکت مرتبط است.

لاپورتا و همکاران (۱۹۹۹) و مورک و یونگ<sup>۷</sup> (۲۰۰۳) اشاره می‌کنند که خانواده‌ها ریسک‌گریزتر هستند؛ زیرا دارایی‌های متمرکز بیشتری در شرکت‌های خود دارند. همچنین اندرسون و همکاران<sup>۸</sup> (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که خانواده‌ها ممکن است ریسک کمتری را متحمل شوند زیرا می‌خواهند تجارت خود را به نسل بعدی منتقل کنند. برخی از مطالعات سعی می‌کنند نتایج متناقضی را درمورد ریسک‌گریزی بنگاه‌های خانوادگی با توجه به سهام آنها تفکیک کنند؛ گومز-مجیا و همکاران<sup>۹</sup> (۲۰۰۷) استدلال می‌کنند که خانواده‌ها با از دست دادن ثروت اجتماعی-عاطفی از کسب‌وکار خود متفرند و رفتار ریسک‌پذیر آنها به احتمال این ضرر بستگی دارد. هر چه احتمال زیان بیشتر باشد ریسک کمتری پذیرفته می‌شود و بالعکس.

بورکارت و همکاران<sup>۱۰</sup> (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که حداکثر کردن ثروت خانواده کنترل‌کننده را می‌توان با حداکثر کردن ارزش شرکت یا سلب مالکیت از منافع خصوصی بسته به سهام خانواده به‌دست آورد. اگر خانواده‌ای سهام به میزان قابل توجهی بزرگ داشته باشد، منافع آنها با منافع شرکت همسو می‌شود. دراین صورت، خانواده ریسک بیشتری را متحمل می‌شود که ارزش شرکت را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر، اگر خانواده‌ای سهام نسبتاً کوچکی داشته باشد، ممکن است با به حداکثر رساندن ارزش شرکت، حداکثر مطلوبیت خود را دنبال نکند. در عوض، آنها سعی می‌کنند از منافع شخصی مانند تداوم مالکیت خانواده سوء استفاده کنند و سیاست‌های محافظه کارانه تری در شرکت اتخاذ کنند. بین این دو منبع انگیزه، فرض می‌شود که ریسک‌پذیری یک شرکت به میزان سهام سهامداران کنترل‌کننده بستگی دارد. همانطور که آمیهود و لو<sup>۱۱</sup> (۱۹۸۱)، دمستز و لن<sup>۱۲</sup> (۱۹۸۵) و اندرسون و ریب (۲۰۰۳) استدلال می‌کنند که خانواده‌های کنترل‌کننده از منافع شخصی خود - با در نظر گرفتن پروژه‌های کم خطر، در صورتی که سهام آنها کمتر از سطح معینی باشد - محافظت می‌کنند. از سوی دیگر، اگر یک خانواده کنترل‌کننده بیش از ۵۰ درصد از سهام

1. Bennedsen, et.al
2. Faccio and Lang
3. La Porta et al
4. Anderson and Reeb
5. Kothari, Laguerre and Leone
6. Nguyen
7. Morck and Yeung
8. Anderson et al
9. Gómez-Mejía et al
10. Burkart et al
11. Amihud, and Baruch
12. Demsetz and Lehn

شرکت خود را در اختیار داشته باشد، خانواده معمولاً پروژه‌های مخاطره آمیزی را برای به حداکثر رساندن ارزش شرکت انجام می‌دهد که با منافع خانواده هماهنگ است (دمسترز و لن، ۱۹۸۵، گروسمن وهارت<sup>۱</sup>، ۱۹۸۸، دی آنجلو و دی آنجلو<sup>۲</sup>، ۲۰۰۰، فاجیو و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۰۱، اندرسون و ریب، ۲۰۰۳، جان و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۸، راجر و شات<sup>۵</sup>، ۲۰۱۶، کوکولی و پروزی<sup>۶</sup>، ۲۰۱۷). لاون و لوین<sup>۷</sup> (۲۰۰۹) و پالیگورووا<sup>۸</sup> (۲۰۱۰) نشان می‌دهند که هر چه سهامداران کنترل کننده یک شرکت بیشتر باشد، شرکت ریسک بیشتری را متحمل خواهد شد. از سوی دیگر جان و همکاران (۲۰۰۸) استدلال می‌کنند که هیچ رابطه‌ای بین ساختار مالکیت و ریسک‌پذیری شرکت وجود ندارد. همچنین، لاپورتا و همکاران (۱۹۹۹)، مورک و یونگ (۲۰۰۳)، و اندرسون و همکاران (۲۰۰۳) نشان دادند که کنترل خانواده و مالکیت متمرکز رابطه منفی با ریسک‌پذیری شرکت دارد.

به دلیل دخالت مالکان خانواده در امور کسب‌وکار و توانایی آنها در کنترل مدیران، شرکت‌های خانوادگی، شکل سازمانی ایده‌آلی را نشان می‌دهند که در آن اهداف مالک و شرکت در یک راستا قرار دارند (زهرا<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵). دوم، صاحبان خانواده به دلیل نیازه اطمینان از تداوم شرکت و به حداکثر رساندن ثروت خانواده، جهت‌گیری بلندمدت قوی‌تری نسبت به سایر دسته از سهامداران دارند.

علاوه بر این، ریسک‌پذیری شرکت‌های خانوادگی، تحت تأثیر عوامل مختلفی است: مانند پرتفوی کل ثروت، منافع مالی و غیر مالی و پتانسیل برای استقرار آنها (رایت و همکاران<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۶). در این راستا، استدلال می‌شود که انتصاب سهامداران بزرگ و مالکان خانواده در هیئت مدیره بر ریسکی که شرکت‌ها با آن مواجه هستند، تأثیر می‌گذارد و مدیران استخدام شده را به سمت سطوح ریسک مورد نظر مالکان هدایت می‌کند (اسپونگ و سالیوان<sup>۱۱</sup>، ۱۹۹۸).

رایت و همکاران (۱۹۹۶) دریافته‌اند که با افزایش سطح مالکیت سهام، ریسک‌پذیری شرکت کاهش می‌یابد. الینگ و مارک<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۴) گزارش کردند که تعداد بیشتری از سهامداران بر انتخاب‌های ریسک‌پذیر شرکت تأثیر منفی می‌گذارد. از یک طرف، استدلال می‌شود که صاحبان خانواده از استراتژی‌های محافظه‌کارانه‌تری برای محدود کردن خطر شکست شرکت و افزایش احتمال واگذاری حمایت می‌کنند (آبینزانو و همکاران<sup>۱۳</sup>، ۲۰۲۰). از سوی دیگر، هدف واگذاری کسب‌وکار به نسل بعدی، صاحبان خانواده را به سمت بهره‌برداری کامل از فرصت‌های کارآفرینی سوق می‌دهد (نگوین، ۲۰۱۱) و پروژه‌های مخاطره‌آمیز را برای افزایش ارزش و مزیت رقابتی شرکت انجام می‌دهند (زهرا، ۲۰۰۵). علاوه بر این، به نظر می‌رسد که این تمایل با ارزش‌های منحصر به فرد مالکان، انگیزه، تعهد به کسب‌وکار و هزینه‌های فرصت نظارت تقویت شده است (راندوی و گوئل<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۳). علاوه بر این، از آنجایی که پورتفولیوهای صاحبان خانواده تمایل به تنوع کمتری دارند، این شرایط می‌تواند به طور متناوب منجر به ریسک‌پذیری کمتر شود، زمانی که صاحبان خانواده احساس می‌کنند که عدم اطمینان بیش از حد را تحمل می‌کنند یا در موارد تنوع پایین به سطوح ریسک بالاتری می‌پردازند (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳؛ اندرسون و همکاران، ۲۰۰۹؛ نگوین، ۲۰۱۱). با وجود این، برخی از نویسندگان (وانگ و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۷؛ سونفیلد و لوسیر<sup>۱۶</sup>، ۲۰۰۹) معتقدند که به دلیل فقدان تخصص و دانش، مالکان خانواده نسبت به مدیران حرفه‌ای مدیران بدتری هستند و در تدوین استراتژی‌های شرکتی مناسب، بویژه در محیط‌های

- 
1. Grossman and Hart
  2. DeAngelo and DeAngelo
  3. Faccio et al
  4. John et al
  5. Roger and Schatt
  6. Cucculelli and Peruzzi
  7. Laeven and Levine
  8. Paligorova
  9. Zahra
  10. Wright et al
  11. Spong and Sullivan
  12. Eling and Marek
  13. Abinzano et al.,
  14. Randoy and Goel
  15. Wang et al
  16. Sonfield and Lussier

بیرونی نامطمئن و متلاطم شکست می‌خورند (رابینسون و پیرس<sup>۱</sup>، ۱۹۸۴؛ دایر<sup>۲</sup>، ۱۹۸۹؛ شریدر و همکاران<sup>۳</sup>، ۱۹۸۹؛ یوسف و سافو<sup>۴</sup>، ۲۰۰۵). بنابراین کسب‌وکارهای خانوادگی را در معرض سطوح بیشتری از خطر قرار می‌دهند (بری<sup>۵</sup>، ۱۹۹۸). به‌نظر می‌رسد این امر به‌ویژه در مورد شرکت‌های خانوادگی که با حمایت کم از سرمایه‌گذار کار می‌کنند صادق است، جایی که اعضای خانواده باید به‌دلیل تضادهای نمایندگی، در اداره کسب‌وکار درگیر باقی بمانند (بورکارت و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۰۳). اکثر مطالعات قبلی بر ارتباط بین مالکیت خانواده و عملکرد شرکت متمرکز بودند و نتایج متفاوتی را گزارش کردند (مک کاناهی و همکاران<sup>۷</sup>، ۲۰۰۱؛ کرانکوویست و نیلسون<sup>۸</sup>، ۲۰۰۳؛ بارث و همکاران<sup>۹</sup>، ۲۰۰۵؛ ویلاونگا و آمیت<sup>۱۰</sup>، ۲۰۰۶؛ نگوین<sup>۱۱</sup>، ۲۰۱۱). در مورد ریسک‌پذیری، برخی از نویسندگان شواهدی ارائه می‌دهند که نشان می‌دهد مالکیت خانواده بر ریسک‌پذیری شرکت تأثیر منفی می‌گذارد. کیم و چو<sup>۱۱</sup> (۲۰۲۱) ارتباطی بین سهامداران بزرگ خانواده و سطوح پایین ریسک شرکت را گزارش کردند؛ بر این اساس راجورما و همکاران<sup>۱۲</sup> (۲۰۱۹) نشان دادند که تمرکز مالکیت خانواده و کنترل خانواده ریسک شرکت‌ها را کاهش می‌دهد و پالیگوروا (۲۰۱۰) و گادووم و ایادی<sup>۱۳</sup> (۲۰۰۳) دریافتند که سهامداران خانواده کانا‌دایی با افزایش مالکیت از ریسک کردن اجتناب می‌کنند. در مقابل، نگوین (۲۰۱۱) ارتباط مثبتی بین مالکیت خانوادگی و سطوح ریسک شرکت‌ها پیدا می‌کند که با توانایی بیشتر مالکان خانواده در سوق دادن شرکت‌ها به سمت سرمایه‌گذاری‌های افزایش‌دهنده ارزش و ریسک‌پذیر و دوری از استراتژی‌های متنوع توضیح داده می‌شود (ولپین<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۲؛ دی پیترا و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۸؛ ماتیاس گاما و رودریگز<sup>۱۵</sup>، ۲۰۱۳).

### چارچوب نظری و پیشینه پژوهش

در فعالیت‌های سرمایه‌گذاری به‌ویژه در بازار سهام، ریسک و بازده دو وزنه اصلی در تصمیم‌گیری‌های سرمایه‌گذار محسوب می‌شوند. این سؤال که چه عوامل ریسکی بر بازده سهام مؤثر هستند، سالهاست که سؤال اصلی محققان و بازیگران دنیای مالی می‌باشد (چاندرا و ساردی<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۳). بخشی از ریسک را که غیرقابل کنترل بوده و مربوط به عوامل خارجی می‌شود ریسک سیستماتیک می‌نامند؛ در مقابل، ریسک غیرسیستماتیک مربوط به داخل شرکت است (بادآورنهدی و همکاران<sup>۱۷</sup>، ۱۳۹۰). ریسک غیرسیستماتیک، گاهی اوقات ریسک خاص، ریسک نامتعارف یا ریسک قابل تنوع‌بخشی نامیده می‌شود (عرب صالحی و حمیدیان<sup>۱۸</sup>، ۱۳۹۴). جزء خاصی از ریسک غیرسیستماتیک، نوسانات بازده سهام، موسوم به نوسانات ویژه می‌باشد. وجود شواهد محکم مبنی بر روند افزایشی و غیرتصادفی نوسانات ویژه بازده سهام (نظیر کمیل و همکاران<sup>۱۹</sup>، ۲۰۰۱؛ فینک و همکاران<sup>۱۸</sup>، ۲۰۱۰) سبب شد، نوسانات ویژه بازده سهام به‌عنوان معمای اصلی در اغلب مطالعات مطرح شود (دومینگوس<sup>۱۹</sup>، ۲۰۱۶). در ادبیات موجود، واژه‌هایی نظیر نوسانات ویژه بازده سهام و ریسک ویژه شرکت به‌طور جایگزین به کار برده می‌شوند (راونتری<sup>۲۰</sup>، ۲۰۱۳؛ عبده و وارلا<sup>۲۱</sup>، ۲۰۱۷). با توجه به اینکه نوسانات ویژه بازده سهام در بسیاری از زمینه‌ها نظیر تنوع‌بخشی پرتفوی‌ها، مدیریت پرتفولیو و ارزش‌گذاری

1. Robinson and Pearce
2. Dyer
3. Shrader et al
4. Yusuf and Saffu
5. berry
6. McConaughy et al
7. Cronqvist and Mattias
8. Barth et al
9. Villalonga and Amit
10. Kim and Cho
11. Rajverma et al.
12. Gadhoum and Ayadi
13. Volpin
14. Di Pietra et al
15. Matias Gama and Rodrigues
16. Chandra and Suardi.
17. Campbell et al.
18. Fink et al.
19. Domingues
20. Rountree
21. Abdoh and Varela



اختیارات کاربرد دارد، شناسایی عوامل مؤثر بر نوسانات ویژه می‌تواند حائز اهمیت باشد (چن و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۲؛ راجگوپال و ونکاتاجالام<sup>۲</sup>، ۲۰۱۱). سودمندی مطالعه نوسان پذیری بازده سهام از سوی سرمایه‌گذاران از این جهت است که آنها نوسان‌پذیری بازده سهام را به‌عنوان معیاری از ریسک در نظر می‌گیرند. همچنین خطمشی‌گذاران بازار سرمایه می‌توانند از این معیار به‌عنوان ابزاری برای اندازه‌گیری میزان آسیب‌پذیری بازار سهام استفاده نمایند (قربانی و همکاران، ۱۳۹۲). پژوهشگران مختلف تلاش زیادی کرده‌اند تا به تشریح عوامل ایجاد این نوسانات بپردازند (ایروین و پونتیف<sup>۳</sup>، ۲۰۰۸؛ راجگوپال و ونکاتاجالام، ۲۰۱۱؛ پاستور و ورونزی<sup>۴</sup>، ۲۰۰۳). ثابت شده است که ساختار مالکیت و حاکمیت یک شرکت، عوامل مهم تعیین‌کننده برای سطح ریسک پذیرفته شده توسط شرکت‌ها هستند (توفانو<sup>۵</sup>، ۱۹۹۶؛ بوبکری و همکاران<sup>۶</sup>، ۲۰۱۳). توفانو (۱۹۹۶) و اندرسون و ریب (۲۰۰۳) نشان دادند که در مدیریت سرمایه، ساختار مالکیت و مشارکت مدیران یا هیأت مدیره اثر کلی ریسک را تعیین می‌کنند. پالیگورووا (۲۰۱۰) بیان می‌کند که سهامداران عمده می‌توانند بر سطح تمایل به ریسک تأثیر بگذارند.

تأثیر تمرکز مالکیت خانوادگی در یک کسب‌وکار بر ریسک پذیرفته شده، نشان می‌دهد که در موارد خاص، این ویژگی ارتباط تنگاتنگی با مشارکت متعلق به یک خانواده دارد. در سطح نظری، بخش قابل توجهی از پژوهش‌های پیشین استدلال کرده‌اند که کسب‌وکارهای خانوادگی ریسک‌پذیری پایینی دارند (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳؛ فاجیو و همکاران، ۲۰۰۱) و میزان بالای ثبات مالی با ساختارهای نسبتاً محافظه‌کارانه و سطح بدهی پایین دارد (ولز و زلوگر<sup>۷</sup>، ۲۰۱۰؛ گونزالس و همکاران<sup>۸</sup>، ۲۰۱۲).

با این حال، این روند می‌تواند تحت تأثیر عوامل متعدد مرتبط با مشارکت خانواده در یک کسب‌وکار باشد؛ ویژگی‌های مدیر خانواده، محیط و رقابت، یکی از عواملی که می‌تواند سطح ریسک را به‌طور خاص تر تعدیل کند، درصد مشارکت در سرمایه شرکت است (آیزنهارت<sup>۹</sup>، ۱۹۸۹؛ پالمر وایزمن<sup>۱۰</sup>، ۱۹۹۹). کروونکوویست و نیلسون (۲۰۰۳) نشان می‌دهند که سهامداران بزرگ، مدیران را انتخاب می‌کنند و آنها سیاست‌هایی را که باید دنبال شود، تعیین می‌کنند؛ به‌طور خلاصه، آنها تعیین‌کننده عاملی برای سطح ریسک پذیرفته شده توسط یک شرکت هستند. "نظریه نمایندگی" پیش‌بینی می‌کند که مدیران به‌دلیل تأثیر بر شهرت و موقعیت و تمایل آنها برای حفظ شغل خود، ریسک‌گریز هستند (جنسن و مک‌لینگ<sup>۱۱</sup>، ۱۹۷۶؛ آمیهود و لو، ۱۹۸۱؛ جان و همکاران، ۲۰۰۸). در حالی که سهامداران انگیزه‌هایی برای افزایش ریسک دارند (استی<sup>۱۲</sup>، ۱۹۹۸؛ گالائی و ماسولیس<sup>۱۳</sup>، ۱۹۷۶). وقتی صاحبان خانواده از نزدیک مدیران خود را زیر نظر داشته باشند مشکل نمایندگی را می‌توان کاهش داد (فرانکس و همکاران<sup>۱۴</sup>، ۲۰۰۱). در نتیجه، تمرکز مالکیت بر سطح نظارت و ریسک‌پذیری تأثیر می‌گذارد (ایانوتا و همکاران<sup>۱۵</sup>، ۲۰۰۷؛ نگوین، ۲۰۱۱). در مورد تأثیر تمرکز مالکیت بر ریسک‌پذیری، اتفاق نظر وجود ندارد؛ برخی از مطالعات بین تمرکز مالکیت و ریسک ارتباط مثبتی می‌دانند (هاو و همکاران<sup>۱۶</sup>، ۲۰۱۰، لاون و لوین، ۲۰۰۹). شرکت‌هایی که توسط سهامداران بزرگ کنترل می‌شوند احتمالاً سطح بالایی از ریسک را متحمل می‌شوند (آمیهود و لو، ۱۹۸۱).

به‌دلیل ماهیت غیر متنوع مالکیت خانوادگی، خانواده‌ها دلایل معتبری برای کاهش سطح ریسک‌پذیری خود دارند (بوبکری و همکاران، ۲۰۱۶، ویلانگا و آمیت، ۲۰۰۶)، از طرف دیگر خانواده‌ها تمایل دارند به شرکت‌های خود برای جبران کمبود تنوع شخصی

- 
1. Chen et al
  2. Rajgopal and Venkatachalam
  3. Irvine and Pontiff
  4. Pastor and Veronesi
  5. Tufano
  6. Boubakri et al
  7. Welsh and Zellweger
  8. González et al
  9. Eisenhardt
  10. Palmer and Wiseman
  11. Jensen and Meckling
  12. Esty
  13. Galai and Masulis
  14. Franks et al.
  15. Iannotta et al
  16. Haw et al.

آنها تنوع ببخشند. علاوه بر این، مالکان خانوادگی انگیزه‌های قوی برای محافظت از منافع خصوصی شخصی خود دارند (اندرسون و ریب، ۲۰۰۳؛ فاجیو و همکاران، ۲۰۰۱؛ جان و همکاران، ۲۰۰۸). انگیزه‌های استخراج مزایای کنترل نیز در تجارت‌های خانوادگی قوی‌تر است؛ زیرا مزایای مالی فقط برای اعضای خانواده است و بین مالکان مختلف تقسیم نمی‌شود (ویلاونگا و آمیت، ۲۰۰۶).

با این حال، در صورت وجود تعداد بالای سهامداران مربوطه، ریسک می‌تواند به‌طور قابل توجهی تغییر کند، که اکثر آنها ریسک بالایی را برعهده دارند (مشرا، ۲۰۱۱). افزایش سطح تمرکز به‌طور مثبت بر سطح ریسک در نظر گرفته شده تا یک سطح خاص تأثیر می‌گذارد که در آن نقطه رابطه معکوس می‌شود (لی و همکاران، ۲۰۱۸؛ اودین، ۲۰۱۶؛ اندرسون و فریزر، ۲۰۰۰؛ گورتون و روزن، ۱۹۹۵). به همین ترتیب، هنگامی که سهامداران کنترل قابل توجهی بر شرکت دارند، انگیزه بیشتری برای پذیرش ریسک‌های بزرگ در تلاش برای کسب سود بیشتر دارند؛ زیرا ریسک با بقیه سهامداران تقسیم می‌شود. با این حال، از یک سطح مشخص با توجه به اینکه سهامداران بیشتر ریسک‌پذیرفته شده را بر عهده می‌گیرند و از آنجایی که سرمایه‌گذاری آنها ممکن است متنوع نباشد تمایل بیشتری به پذیرش ریسک دارند. برای غلظت‌های بسیار بالا، مشکل ایجاد شده توسط نظریه نمایندگی (نماینده اصلی) با همسویی بین منافع سهامداران و مدیران کاهش می‌یابد و هر دو مشخصات ریسک‌گریزتری دارند: سهامداران به دلیل ریسک بسیار متمرکز و مدیران به دلیل اینکه حفظ موقعیت و شغل حرفه‌ای خود را در اولویت قرار می‌دهند (جان و همکاران، ۲۰۰۸). از یک سو، زمانی که تمرکز کم است، می‌توان درک کرد که سرمایه‌گذاری سهامداران متنوع‌تر است و از سوی دیگر، مجامع سهامداران بزرگتر و کمتر مستقل است که می‌تواند باعث انحراف از ریسک‌پذیری بهینه شود.

اگر سهامداران مرتبط زیادی وجود داشته باشند، این می‌تواند باعث افزایش سطح ریسک مفروض شود (مشرا، ۲۰۱۱) زیرا وجود سایر سهامداران بزرگ نفوذ سهامدار عمده را محدود می‌کند (بویاکر و همکاران، ۲۰۱۶). سهامدارانی که بخش قابل توجهی از دارایی‌های خود را نیز به خطر می‌اندازند اما فرصت‌های کمتری برای استخراج منافع خصوصی دارند، سعی می‌کنند ریسک بیشتری را برای جستجوی بازدهی بالاتر بپذیرند (بویاکر و همکاران، ۲۰۱۶).

هیئت مدیره می‌تواند نقش مهمی در سطح ریسک‌پذیرفته شده توسط شرکت ایفا کند؛ از آنجایی که قدرت برکناری و پاداش دادن به مدیران (لین و همکاران، ۲۰۱۱)، کنترل مدیریت، حفاظت از منافع سهامداران و انتخاب حسابرس را به‌عهده دارند. اندازه و ترکیب هیئت مدیره ممکن است برای توضیح ریسک‌پذیرفته شده توسط شرکت مرتبط باشد (هسلین و دونالدسون، ۱۹۹۹). در زمینه روانشناسی اجتماعی و رفتار سازمانی، اندازه گروه تصمیم‌گیری، نشان دهنده دشواری قابل توجهی در دستیابی موافقت نامه برای پروژه‌های پرخطر و تسهیل جایگزین‌های معقول به‌منظور توافق محکم پیشنهاد می‌شود (والاچ و کوگان، ۱۹۶۵؛ ساه و استیگلitz، ۱۹۹۱).

اکثریت قریب به اتفاق اعضای هیئت مدیره را مردان تشکیل می‌دهند؛ ادبیات موجود نشان می‌دهد که زنان بیشتر از مردان ریسک‌گریز هستند (کروسون و گنیزی، ۲۰۰۹؛ نیدرل و وسترون، ۲۰۰۷) و در انتخاب راهبردها تهاجمی کمتری دارند (آپستگیا و همکاران، ۲۰۱۲؛ کارنس و گنیزی، ۲۰۱۲). از جمله، (پالویا و همکاران، ۲۰۱۵ و فاجیو و همکاران، ۲۰۱۶) ارتباط بین مدیران عامل زن و ریسک تجاری را مورد بررسی قرار دادند و به این نتیجه رسیدند با انتصاب زنان، ریسک شرکت کاهش یافت؛ زیرا آنها تصمیم‌ها پرخطر کمتری گرفتند.

1. Mishra
2. Lee et al.
3. Uddin.
4. Anderson, and Fraser.
5. Gorton, an Rosen.
6. Lin et al.
7. Heslin and Donaldson
8. Wallach and Kogan
9. Sah and Stiglitz
10. Croson and Gneezy
11. Niederle and Vesterlund
12. Apestequia et al
13. charness and Gneezy

لازم به ذکر است که در نتایج به دست آمده از این مبحث اتفاق نظر وجود ندارد؛ بنابراین (سیلا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶) نشان دادند که اظهارات زن در ریسک تحت تأثیر هیئت مدیره هیچ مدرکی وجود ندارد. برعکس، نتایج (آدامز و فانک، ۲۰۱۲) نشان داد زنانی که توانستند به پست‌های مدیریتی دست یابند، با سایر زنان متفاوت بودند ریسک‌پذیرتر هستند و حتی استعداد بیشتری از سایر اعضای هیئت مدیره برای ریسک دارند.

تعدادی از مطالعات وجود دارد که نشان می‌دهد رابطه مثبتی بین مدیران عامل سهامدار و تمایل به ریسک کردن وجود دارد (هیل و اسنل<sup>۲</sup>، ۱۹۸۸؛ استی، ۱۹۹۸؛ لولین و مولر کاله<sup>۳</sup>، ۲۰۱۲). با این حال، نویسندگانی مانند (دمیگل و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۰۴) وجود دارند که استدلال می‌کنند که این رفتار تا زمانی که مدیران به سطح معینی از مشارکت سهام برسند ادامه می‌یابد. در این مرحله، بی‌بزاری آنها از ریسک افزایش یافته است (مورک و همکاران، ۱۹۸۸).

به نظر می‌رسد که علت وجود اختلاف در نتایج تجربی قبل، وجود یک ارتباط غیرخطی بین راهبری شرکتی و ریسک باشد که در مواردی منجر به همپوشانی ارتباطات مثبت و منفی و یا بروز تنها یکی از وجوه ارتباط شده است. در پژوهش حاضر تلاش بر آن است که پاسخی به تناقض‌های ایجاد شده در یافته‌های محققان در راستای مشاهده ارتباطات مثبت و منفی بین نظام راهبری شرکتی بر ریسک ویژه نوسانات سهام ارائه گردد.

براین اساس فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشند:

- فرضیه اول: کسب و کار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه دوم: کسب و کار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه سوم: کسب و کار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه چهارم: کسب و کار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه پنجم: کسب و کار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه ششم: کسب و کار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ تأثیر می‌گذارد.
- فرضیه هفتم: اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی تأثیر منفی می‌گذارد.
- فرضیه هشتم: اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ تأثیر منفی می‌گذارد.
- فرضیه نهم: اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ تأثیر منفی می‌گذارد.
- فرضیه دهم: حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی تأثیر منفی می‌گذارد.
- فرضیه یازدهم: حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ تأثیر منفی می‌گذارد.
- فرضیه دوازدهم: حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ تأثیر منفی می‌گذارد.

پیشینه مرتبط با موضوع پژوهش به شرح زیر است:

صالح نژاد و همکاران (۱۳۹۹) در پژوهشی تحت عنوان "خصوصیات کیفی گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" به مقایسه شرکت‌های خانوادگی با شرکت‌های غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از لحاظ خصوصیات کیفی گزارشگری مالی ایران پرداختند؛ برای این منظور تعداد ۱۴۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سالهای ۸۹ تا ۹۳ انتخاب و براساس خانوادگی و غیرخانوادگی تفکیک و مورد مطالعه قرار دادند. در این راستا تمامی خصوصیات کیفی شامل ارزش پیش بینی کنندگی، ارزش تائیدکنندگی، انتخاب خاصه، بیان صادقانه، بی‌طرفی، احتیاط، کامل بودن، قابلیت مقایسه و قابلیت فهم اطلاعات را با استفاده از مدل‌های آماری و همچنین چک لیست‌های تهیه شده به صورت کمی درآوردند و با روش‌های آماری با استفاده از نسخه ۲۲ نرم افزار اس پی اس اس مورد

1. Sila et al.  
2. Hill and Snell  
3. Lewellyn and Muller-Kahle  
4. DeMiguel et al.

مقایسه قرار دادند. نتایج حاصل نشان می‌دهند که شرکت‌های خانوادگی از لحاظ خصوصیات کیفی گزارشگری مالی به جز در دو خصوصیت ارزش پیش بینی کنندگی و انتخاب خاصه با شرکت‌های غیرخانوادگی متفاوت هستند. این تفاوت‌ها نشان دادند که شرکت‌های خانوادگی در رعایت خصوصیات کیفی گزارشگری مالی بهتر از شرکت‌های خانوادگی عمل می‌کنند.

دهقان خاوری و ملایی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین ریسک شرکت و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران " به بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین ریسک شرکت و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران پرداختند. در روش تجزیه و تحلیل داده‌ها از رگرسیون خطی استفاده شد و همچنین برای تعداد نمونه از جامعه آماری دردسترس شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تعداد ۱۱۰ شرکت در دوره زمانی ۱۳۹۰ - ۱۳۹۷ انتخاب شد. روش گردآوری اطلاعات از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های موجود در بورس اوراق بهادار تهران و همچنین از سایت کدال و نرم افزار ره‌آورد نوین بود. نتایج نشان داد که متغیر تعدیل‌گر مالکیت خانواده و ریسک شرکت، رابطه مستقیم و معناداری با عملکرد شرکت را نشان می‌دهد.

ایمانی و توسکی (۱۴۰۰) در پژوهشی تحت عنوان " بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و افشای ریسک شرکت " به بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و افشای ریسک شرکت پرداختند. ویژگی‌های هیئت مدیره در مدیریت افشای ریسک شرکت و در نتیجه، در تصمیم‌های راهبردی سازمان اثرگذار است. هدف پژوهش، بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی بر رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و افشای ریسک شرکت بوده است. جامعه آماری پژوهش، شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است و نمونه پژوهش نیز با لحاظ برخی ویژگی‌ها (شامل ۱۷۲ شرکت) در بازه زمانی ۱۳۹۲ الی ۱۳۹۸ انتخاب شده است. روش پژوهش توصیفی - همبستگی است و فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش حداقل مربعات تعمیم یافته آزمون شده‌اند. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش حاکی از آن بوده است که بین اندازه هیئت مدیره و تعداد جلسات هیئت مدیره با سطح افشای ریسک رابطه معناداری وجود دارد و بین دوگانگی سمت مدیرعامل و تجربه هیئت مدیره و تعداد جلسات هیئت مدیره با سطح افشای ریسک رابطه معناداری وجود ندارد. همچنین، نتایج نشان داده است مالکیت خانوادگی رابطه بین تجربه هیئت مدیره و سطح افشای ریسک را تعدیل می‌کند و مالکیت خانوادگی رابطه بین اندازه هیئت مدیره، تعداد جلسات هیئت مدیره و دوگانگی سمت مدیرعامل سطح افشای ریسک را تعدیل نمی‌کند.

خوشکار و سرشار (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان " نقش ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه " به بررسی نقش ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه پرداختند. پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از بعد روش‌شناسی، همبستگی بود. جامعه آماری پژوهش، با استفاده از جامعه آماری در دسترس شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، ۱۴۶ شرکت به‌عنوان نمونه پژوهش در دوره‌ی زمانی ۸ ساله بین سال‌های ۱۳۹۲ تا ۱۳۹۹ انتخاب شد. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بود و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از سایت کدال و صورت‌های مالی شرکت‌ها جمع‌آوری شدند و سپس برای آزمون فرضیه‌های پژوهش از نرم‌افزار ایویوز استفاده شد. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های پژوهش نشان داد بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد. همچنین ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران (بیش اعتمادی مدیریت) بر این رابطه تأثیر مثبت و معنی‌داری دارد.

رضاپور و انصاری (۱۴۰۱) در پژوهشی تحت عنوان " ارتباط بین نظام راهبری شرکتی، ریسک‌پذیری و رشد شرکت‌ها " به بررسی ارتباط بین نظام راهبری شرکتی، ریسک‌پذیری و رشد شرکت‌ها پرداختند. هدف اصلی در این پژوهش، بررسی " ارتباط بین نظام راهبردی شرکتی، ریسک‌پذیری و رشد شرکت " می‌باشد که در این خصوص از اطلاعات ۱۲۲ شرکت برای بازه زمانی ۱۳۹۵ الی ۱۳۹۹ استفاده گردیده و نتایج فرضیات حاکی از این موضوع بوده که بین حاکمیت شرکتی و ریسک‌پذیری در شرکت‌ها رابطه منفی وجود دارد، همچنین بین حاکمیت شرکتی و رشد شرکت‌ها نیز رابطه مستقیم و معنی‌داری وجود دارد؛ اما فرضیه دوم پژوهش، مبنی بر ارتباط بین ریسک‌پذیری و رشد شرکت‌ها اثبات نگردید. بنابراین کلیت موضوع و هدف پژوهش یعنی ارتباط بین نظام راهبردی شرکتی، ریسک‌پذیری و رشد شرکت روابط مثبت و منفی تأیید می‌شود. نهاد حاکمیتی، مشکل نمایندگی بین سهامداران

و مدیران اجرایی را کاهش می‌دهد؛ مدیران معمولاً ریسک‌گریز هستند زیرا تصمیم‌ها -خط مشی آنها در مقایسه با سهامداران با تنوع خوب محافظه کارانه است، آن‌ها پروژه‌های کم ریسک تری را می‌پذیرند و گاهی اوقات، حتی از پروژه‌های مخاطره آمیز با ارزش فعلی خالص مثبت اجتناب می‌کنند. همچنین تأثیر متغیرهای مختلف حاکمیت شرکتی در سطح شرکت، مانند انگیزه‌ها و ویژگی‌های مدیریتی، حقوق طلبکار، حمایت از سرمایه‌گذار، مسائل فرهنگی، اصلاح حاکمیت شرکتی یا ویژگی‌های هیئت مدیره یک امر ضروری است. شرکت با حاکمیت راهبری قوی‌تر و حمایت از سرمایه‌گذار منجر به ریسک بالاتر در سطح شرکت در سرمایه‌گذاری می‌شود که در جای خود، به‌طور مثبت با رشد شرکت مرتبط است.

الشیره و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۰) در پژوهشی تحت عنوان "ویژگی‌های هیئت مدیره و افشای ریسک شرکت، نقش تعدیل‌کننده مالکیت خانوادگی"، به بررسی سطح ریسک شیوه‌های افشا و تأثیر چهار ویژگی هیئت مدیره (اندازه هیئت مدیره، جلسات هیئت مدیره، دوگانگی مدیر عامل و تخصص هیئت مدیره) بر این شیوه‌ها در کشور اردن پرداختند؛ نمونه این مطالعه شامل شرکت‌های غیرمالی پذیرفته شده اردن در بورس اوراق بهادار امان می‌باشد؛ ۳۷۶ گزارش سالانه شرکت‌های نمونه در طول چهار سال از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ مورد استفاده قرار گرفت. رویکرد تحلیل محتوا برای جمع‌آوری داده‌ها و تعیین سطح افشای ریسک با محاسبه تعداد جملات مرتبط با ریسک در گزارش سالانه استفاده شد. برای آزمون فرضیه پژوهش از مدل اثر تصادفی استفاده شد. نتایج تجربی نشان داد که مجموع جملات افشای ریسک برای هر شرکت از حداقل مقدار ۲ جمله تا حداکثر مقدار ۶۱ جمله متغیر است و میانگین ۲۸ جمله است. همچنین نتایج نشان داد که تخصص هیئت مدیره با سطح افشای ریسک رابطه مثبت دارد. برعکس، دوگانگی مدیر عامل، تأثیر منفی بر رویه‌های افشای ریسک دارد. با این حال، از نتایج مشخص نشد که اندازه هیئت مدیره و جلسات هیئت مدیره چه تأثیری بر سطح افشای ریسک دارند.

الشیره و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان "ارتباط سیاسی، مالکیت خانوادگی و افشای ریسک شرکت: شواهد تجربی از اردن" به صورت تجربی به بررسی این که آیا ارتباط سیاسی با شیوه‌های افشای ریسک مرتبط است یا خیر پرداختند. رویکرد تحلیل محتوا -برای جمع‌آوری داده‌ها و تعیین سطح افشای ریسک در مورد شرکت‌های غیرمالی پذیرفته شده اردن در بورس اوراق بهادار- استفاده شد. نمونه این پژوهش، شامل ۳۷۶ گزارش سالانه در طول چهار سال از سال ۲۰۱۴ تا ۲۰۱۷ است. برای بررسی فرضیه پژوهش از رگرسیون اثر تصادفی استفاده شد. نتایج نشان داد که شرکت‌های مرتبط سیاسی اطلاعات ریسک کمتری را نسبت به شرکت‌های غیر مرتبط در اردن افشا می‌کنند. نتایج همچنین نشان می‌دهد که مالکیت خانوادگی در کاهش اثر منفی ارتباط سیاسی بر سطح ریسک شرکت کمک می‌کند.

ستیا-آتماجا و چاندرا<sup>۳</sup> (۲۰۲۱) در پژوهشی تحت عنوان "تأثیر مالکیت خانواده، مدیریت و نسل‌ها بر کاهش قیمت اولیه و عملکرد بلندمدت" تأثیر مالکیت خانواده، مدیریت و نسل‌ها را بر کاهش قیمت اولیه سهام و عملکرد بلندمدت شرکت‌های سهامی عام در اندونزی از سال ۲۰۰۴ تا ۲۰۱۵ بررسی کردند. نتایج مطالعه نشان داد که قیمت پایین‌تر از IPO برای شرکت‌های خانوادگی ۲۸ درصد بیشتر از شرکت‌های غیرخانوادگی بود. در میان شرکت‌های خانوادگی، حضور یکی از اعضای خانواده به‌عنوان مدیر اجرایی (مدیرعامل) به‌طور قابل توجهی سطح زیر قیمت‌گذاری IPO را کاهش داد. یک رابطه منفی بین مدیر عامل خانواده و قیمت پایین IPO تنها در صورتی مشاهده شد که یک مدیر عامل در زمان IPO به جای فرزندان خانواده، بنیانگذار باشد. بازگشت بلندمدت IPO های شرکت‌های خانوادگی به احتمال زیاد عملکرد کمتری نسبت به هم‌تایان غیرخانوادگی خود دارد. یافته‌ها در بازار اولیه نشان داد که سرمایه‌گذاران مسائل بزرگ‌تری را در مورد تضاد نمایندگی بین سهامداران کنترل‌کننده و غیرکنترل در شرکت‌های خانوادگی نسبت به مسائل تضاد نمایندگی بین سهامداران و مدیریت در شرکت‌های غیرخانوادگی پیش‌بینی می‌کنند. از آنجایی که سرمایه‌گذاران، IPO های شرکت خانوادگی را ریسک‌پذیرتر از شرکت‌های غیرخانوادگی می‌دانند، برای جبران این خطرات، سطح بالاتری از قیمت‌گذاری پایین‌تر از عرضه اولیه سهام را طلب می‌کنند. نتایج در بازار ثانویه یافته‌های بازار اولیه را تأیید می‌کند.

1. Alshirah et al.

2. Setia-Atmaja and Chandera

دسته و کارابلی (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان "مالکیت خانوادگی و ریسک: نقش مدیران خانوادگی" به بررسی رابطه بین مدیران خانوادگی و سطوح ریسک شرکت‌ها با حمایت کم از سرمایه‌گذار و عدم شفافیت شرکت پرداختند. مقاله، به‌طور خاص، بررسی کرده است که آیا سطح ریسکی که شرکت‌ها با آن مواجه هستند تحت تأثیر سهام مالکیت و فعالیت سهامداران خانوادگی قرار گرفته‌اند یا خیر. داده‌های حاکمیت شرکتی برای نمونه‌ای از ۹۰ شرکت پذیرفته شده ایتالیایی و ۵۴۰ مشاهده از سال ۲۰۱۸ به صورت دستی جمع آوری شد. سپس از تحلیل رگرسیون برای آزمون فرضیه‌های پژوهش استفاده شد. شواهدی از ارتباط مثبت بین مالکیت فعال خانوادگی و ریسکی که شرکت‌های نمونه با آن مواجه هستند ارائه شد. این مطالعه همچنین نشان داد که تعداد مدیران داخلی با ریسک‌پذیری شرکت‌ها همبستگی منفی دارد.

لی و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان "مدیریت سود واقعی، حاکمیت شرکتی و ریسک سقوط قیمت سهام، شواهدی از چین" به بررسی ارتباط بین مدیریت سود واقعی و ریسک سقوط، به‌ویژه از دیدگاه اقتصاد بازار در حال ظهور پرداختند. همچنین نقش تعدیل را که حاکمیت شرکتی داخلی و خارجی ممکن است در این زمینه ایفا کند بررسی کردند. داده‌های پژوهش در بازه زمانی ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۸ بررسی شدند. یافته‌های نتایج نشان داد: در شرکت‌هایی که مدیریت سود واقعی بالاتری دارند، ریسک سقوط قیمت سهام به‌طور قابل توجهی بیشتر است و این ارتباط با نظارت خارجی کاهش می‌یابد. ارزیابی اثر تعدیل سازوکارهای حاکمیت داخلی و خارجی می‌تواند پیامدهای معناداری برای سرمایه‌گذاران و قانون‌گذاران در چین و سایر بازارهای نوظهور داشته باشد.

### روش شناسی پژوهش

روش مورد استفاده برای ارزیابی فرضیه‌ها، تخمین مدل‌های رگرسیون چندگانه است که در پانل داده‌هایی که در دسترس ما هستند اعمال می‌شود؛ این روش شناسی امکان کنترل ناهمگنی غیرقابل مشاهده فردی و همچنین مزایایی مانند کاهش هم‌خطی و کارایی قابل توجه را فراهم می‌کند که فقط به چند مورد اشاره می‌شود (بالتاگی و پیروت، ۲۰۱۰). همچنین اجازه می‌دهد تا تعداد درجات آزادی و سطح افزایش یابد. از هم خطی بودن و کنترل‌ها برای کاهش اثرات فردی، و در آخر، معرفی سوگیری‌هایی که می‌توان به دلیل وجود ویژگی‌هایی مانند کیفیت مدیریت یا ریسک‌گریزی که اندازه‌گیری یا به دست آوردن آن‌ها دشوار است اجتناب کرد (بالتاگی و موسکون، ۲۰۱۰؛ هاسیو، ۲۰۰۵). این پژوهش، یک پژوهش توصیفی از نوع پژوهش‌های پس‌رویدادی و در حوزه پژوهش‌ها همبستگی است، که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود. همچنین به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند در فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین در این پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

در این پژوهش، با توجه به نوع داده‌ها و روش‌های تجزیه و تحلیل آماری موجود، از روش داده‌های ترکیبی برای برآورد پارامترهای الگو و بررسی آزمون فرضیه‌ها استفاده شده است. روش داده‌های ترکیبی که به روش داده‌های مقطعی نیز معروف است، به شکل‌های مختلف انجام شده و مدل‌های متنوعی دارد که با توجه به شرایط پژوهش از یکی از آن‌ها استفاده می‌شود. استفاده از روش داده‌های مقطعی ممکن است با مشکلات عدم کارایی و ناسازگاری تخمین مدل‌ها همراه باشد. مشکلات مزبور در تخمین مدل‌ها به روش داده‌های ترکیبی و با استفاده از روش‌هایی مانند مدل اثر ثابت، مدل اثر تصادفی، مدل رگرسیون به ظاهر نامرتب و مدل داده‌های یکپارچه شده وجود نخواهد داشت. در بررسی داده‌های مقطعی و سری زمانی، اگر ضریب اثرات مقطعی و اثر زمانی معنی‌دار نشود، می‌توان تمامی داده‌ها را با یکدیگر ترکیب کرده و بوسیله رگرسیون حداقل مربعات معمولی تخمین زد. به این روش، داده‌های تلفیق شده نیز می‌گویند.

---

1. D'Est. and Carabelli  
 2. Li et al  
 3. Baltagi and Pirotte  
 4. Baltagi, and Moscon  
 5. Hsiao

## تعریف عملیاتی متغیرها

تعریف عملیاتی متغیرهای پژوهش شامل متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی به شرح زیر است:  
متغیر وابسته

ریسک پذیرفته شده (نوسانات ویژه سهام) ( $Risk_{it}$ ): نوسانات ویژه شرکت  $i$  در دوره  $t$  است که از نرم افزار رهاورد استخراج شده است.

متغیرهای مستقل

متغیرهای مرتبط با راهبری شرکتی به شرح زیر می‌باشند:

مالکیت خانوادگی (Famcont): درصد سرمایه در دست مالکان خانوادگی در یک شرکت.

مالکیت غیرخانوادگی (IFcont): درصد سرمایه در دست مالکان غیرخانوادگی در یک شرکت.

تعداد اعضای هیئت‌مدیره (TotalMembers): مجموع اعضای هیئت مدیره شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار.

تعداد زنان عضو هیئت مدیره (Boardwom): تعداد اعضای زن در هیئت مدیره.

متغیرهای کنترلی

اندازه شرکت (Size): لگاریتم جمع دارایی‌ها.

نقدینگی (Liquidity): دارایی‌های جاری تقسیم بر بدهی‌های جاری.

تسویه شونددگی (Solvency): حقوق صاحبان سهام تقسیم بر دارایی‌های غیر جاری.

سودآوری اقتصادی یا بازده دارایی‌ها (ROA): سود بعد از بهره و مالیات تقسیم بر جمع دارایی‌ها.

## مدل پژوهش

مدل آزمون فرضیه‌های پژوهش به پیروی از پژوهش گونزالس و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) به شرح زیر است:

$$Risk_{it} = \beta_0 + \beta_1 Famcont_{it} + \beta_2 Famcont_{it}^2 + \beta_3 Famcont_{it}^3 + \beta_4 IFcont_{it} + \beta_5 IFcont_{it}^2 + \beta_6 IFcont_{it}^3 + \beta_7 Totalmemb_{it} + \beta_8 Totalmemb_{it}^2 + \beta_9 Totalmemb_{it}^3 + \beta_{10} Boardwom_{it} + \beta_{11} Boardwom_{it}^2 + \beta_{12} Boardwom_{it}^3 + \beta_{14} Boardwom_{it}^2 + \beta_{15} Boardwom_{it}^3 + \sum_{j=2}^k \beta_j X_j + \varepsilon_{it}$$

$Risk_{it}$ : ریسک پذیرفته شده (نوسانات ویژه سهام)

Famcont: مالکیت خانوادگی

IFcont: مالکیت غیرخانوادگی

Totalmemb: تعداد اعضای هیئت مدیره

Boardwom: زنان عضو هیئت مدیره

$X_j$ : متغیرهای کنترلی برداری از (اندازه شرکت، نقدینگی، تسویه شونددگی، سودآوری اقتصادی یا بازده دارایی‌ها)

$\varepsilon$ : میزان خطای باقی مانده مدل

## ابزار گردآوری داده‌ها

در این پژوهش برای جمع آوری مبانی نظری و ادبیات موضوع پژوهش از روش کتابخانه‌ای استفاده شده است.

بدین منظور از طریق مطالعه کتاب‌ها و نشریات مربوطه و مراجعه به سایت‌های تخصصی، اطلاعات لازم جمع آوری شده است. همچنین برای گردآوری داده‌های مورد نیاز از روش اسنادکاوی استفاده گردیده است و داده‌های مورد نیاز و اطلاعات مالی، از طریق مراجعه به صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار و بانک اطلاعاتی ره آورد نوین جمع آوری و مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

### جامعه آماری

جامعه آماری این پژوهش شامل کلیه شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. قلمرو زمانی این پژوهش، سال‌های ۱۳۹۰ تا ۱۴۰۰ می‌باشد. روش نمونه برداری در این پژوهش مبتنی بر روش حذف سامان‌مند جامعه آماری در دسترس می‌باشد.

در این پژوهش، حجم نمونه برابر تعداد شرکت‌های موجود در جامعه آماری است که از کلیه ویژگی و شرایط ذیل برخوردار باشند:

۱- به منظور قابل مقایسه بودن اطلاعات، سال مالی شرکت‌ها منتهی به ۲۹ اسفند ماه باشد.

۲- طی بازه زمانی پژوهش، سال مالی خود را تغییر نداده باشند.

۳- معاملات سهام شرکت طی دوره پژوهش، بیش از ۳ ماه در بورس اوراق بهادار تهران متوقف نشده باشند.

۴- جزو شرکت‌هایی باشند، که در سال‌های مورد بررسی سود تقسیم کرده باشند.

۵- کلیه داده‌های مورد نیاز پژوهش برای شرکت‌های مورد بررسی موجود و در دسترس باشد.

۶- جزو شرکت‌های واسطه‌گری مالی (بانک‌ها، سرمایه‌گذاری و لیزینگ) نباشند.

### یافته‌های پژوهش

در ادامه جهت تجزیه و تحلیل فرضیه‌های پژوهش، ابتدا آمار توصیفی بیان شده و در ادامه به آمار استنباطی پرداخته شده است.

#### نگاره ۱. معیارهای توصیفی و شاخص‌های مرکزی و پراکندگی مربوط به متغیرهای پژوهش

نام متغیر	میانگین	میان	حداکتر	حداقل	انحراف معیار	ضریب چولگی	ضریب کشیدگی
ریسک پذیرفته شده (نوسانات ویژه سهام)	۰/۶۶۵۹۳	۰/۵۸۰۰۰	۷/۳۰۰۰	-۷/۷۲۰۰۰	۰/۹۶۴۸۰۹	-۰/۳۶۶۶۹۹	۱۳/۰۳۰۱۲
مالکیت خانوادگی	۰/۰۲۵۳۰۳	.	۰/۸۰۰۰۰	.	۰/۱۱۰۸۲۷	۴/۴۵۲۰۱۵	۲۲/۳۵۳۴۸
مالکیت خانوادگی درجه ۲	۰/۰۱۲۹۱۹	.	۰/۶۴۰۰۰	.	۰/۰۶۲۱۹۵	۵/۸۳۳۱۰۷	۴۳/۰۰۹۴۵
مالکیت خانوادگی درجه ۳	۰/۰۰۶۹۴۹	.	۰/۵۱۰۰۰	.	۰/۰۳۹۰۷۱	۸/۱۰۶۱۱۳	۸۳/۷۸۳۰۲
مالکیت غیرخانوادگی	۰/۹۹۳۰۵۶	۱	۱	۰/۴۹۰۰۰	۰/۰۳۹۰۵۵	-۸/۱۱۲۶۴۶	۸۳/۹۰۴۰۰
مالکیت غیرخانوادگی درجه ۲	۰/۹۸۷۶۰۶	۱	۱	۰/۳۴۰۰۰	۰/۰۶۵۵۰۹	-۷/۰۱۲۵۳۱	۶۰/۸۸۴۹۸
مالکیت غیرخانوادگی درجه ۳	۰/۹۷۳۶۹۷	۱	۱	۰/۰۱۰۰۰	۰/۱۲۳۶۰۲	-۵/۲۸۲۵۸۵	۳۲/۰۴۱۷۲
تعداد اعضای هیئت مدیره	۵/۰۲۹۷۹۸	۵/۰۰۰۰	۷/۰۰۰۰	.	-۴/۳۱۹۴۹	-۱/۸۶۹۲۶۳	۵۹/۲۰۲۰۶
تعداد اعضای هیئت مدیره درجه ۲	۲۵/۴۸۵۳۵	۲۵/۰۰۰۰	۴۹/۰۰۰	.	۴/۲۲۸۰۰۰	۳/۶۹۸۵۷۵	۲۸/۹۱۸۳۱
تعداد اعضای هیئت مدیره درجه ۳	۱۲۹/۹۱۱۶	۱۲۵/۰۰۰۰	۳۴۳/۰۰	.	۳۶/۳۵۶۸۷	۵/۰۱۶۶۶۳	۳۱/۱۹۳۳۰
تعداد زنان عضو هیئت مدیره	۰/۰۲۱۲۱۲	.	۲/۰۰۰۰	.	-۱/۱۵۴۲۸۷	۷/۸۴۱۹۲۶	۷۰/۵۱۶۱۸
تعداد زنان عضو هیئت مدیره درجه ۲	۰/۰۲۴۲۴۲	.	۴/۰۰۰۰	.	۰/۲۰۴۵۹۲	۱۳/۰۹۹۳۹	۲۲۵/۷۰۰۶
تعداد زنان عضو هیئت مدیره درجه ۳	۰/۰۳۰۳۰۳	.	۸/۰۰۰	.	-۳/۳۸۰۶۹	۲۰/۲۹۳۸۸	۴۶۹/۶۵۵۱
اندازه شرکت	۶/۴۱۹۷۵۷	۶/۳۱۲۷۸۵	۹/۲۶۲۴۷۰	۴/۴۱۵۲۷۰	۰/۷۵۵۵۷۵	-۰/۶۱۰۳۶۴	۳/۴۰۲۲۶۲
نقدینگی	۱/۸۴۳۵۸۸	۱/۳۶۶۴۱۰	۴۳/۶۸۸۲۵	۰/۲۰۹۳۷۳	۲/۲۷۱۷۴۵	۹/۲۳۷۱۹۸	۱۲۱/۹۱۸۱
تسویه شوندگی	۱۳۲/۲۷۳۷	۱۱/۸۲۲۶۳	۵۵۰۶۷/۴۰	-۳۲/۳۳۶۹۳	۱۵۷۶/۰۹۳	۲۹/۵۲۹۹۷	۹۴۶/۴۹۲۶
بازده دارایی‌ها	۰/۲۸۰۱۵۰	۰/۲۰۰۷۱۰	۱۰/۸۰۷۰۶	-۱/۲۶۹۸۳۶	۰/۴۳۸۴۹۴	۱۱/۰۳۴۵۲	۲۳۵/۶۹۶۹

### فروض کلاسیک

برای تجزیه و تحلیل داده‌های مدل بیان شده نیاز است قبل از پردازش آن و آزمون فرضیه‌ها، فروض کلاسیک مدل آزمون شود. یکی از فروض کلاسیک آماری همسانی واریانس باقی مانده‌ها است که از فرضیه‌های اساسی هر رابطه محسوب می‌شود. همچنین



لازم است آزمون های آماری لازم برای تبیین نوع داده‌ها انجام گیرد تا مشخص گردد که داده‌ها به صورت تابلویی است یا تلفیقی و در صورتی که نوع داده‌ها تابلویی تشخیص داده شد، باید نوع اثرات آن مشخص گردد.

### نگاره ۲: نتایج مفروضات رگرسیون

نوع آزمون	مقدار آماره آزمون	سطح معناداری آزمون	نتیجه
آزمون اف لیمر	۱/۴۰۱۴۸۹	۰/۰۰۰۶	تابلویی
آزمون هاسمن	۰/۰۰۰۰	۰/۰۴۲۵۸	اثرات ثابت
آزمون ناهمسانی واریانس	۰/۶۲۵۲۲۸	۰/۸۶۵۹	همسانی واریانس

نتایج مندرج در نگاره ۲ نشان می‌دهد نتایج آزمون اف لیمر طبق نتایج آزمون چاو، سطح معناداری آزمون کمتر از ۵ درصد است و بیانگر پذیرش الگوی داده‌های تابلویی (پانل) با اثرات ثابت می‌باشد. اگر نتیجه آزمون F از سطح ۵٪ کمتر باشد از آزمون هاسمن استفاده می‌شود اصطلاحاً پانل یا تابلویی هستند و باید برای قسمت مدل (فرضیه) از آزمون هاسمن استفاده شود. پس براساس نتایج آزمون لیمر نیاز به انجام آزمون هاسمن می‌باشد. طبق نتایج آزمون هاسمن، سطح معناداری در مدل کمتر از ۵ درصد بوده و بیانگر پذیرش الگوی اثرات ثابت پانل می‌باشد. نتایج مندرج در نگاره ۲ نشان می‌دهد که باید جهت برآورد مدل رگرسیونی بدون تورش، از روش اثرات ثابت استفاده شود ( $P < ۰/۰۵$ ). همچنین همانطور که در نگاره ۲ مشاهده می‌شود سطح معناداری آزمون ۰/۸۶۵۹ در مدل بیشتر از ۵ درصد است و بیانگر عدم وجود ناهمسانی واریانس در جملات اخلاص روبرو است. از آزمون ناهمسانی بروسچ پاگان گادفری<sup>۱</sup> استفاده شده است.

### نتیجه نهایی برآزش مدل‌های رگرسیونی

نتیجه مدل رگرسیونی مربوط به فرضیه‌های پژوهش به شرح زیر می‌باشد:

### نگاره ۴: تخمین نهایی مدل

متغیرها	ضرایب	انحراف استاندارد	آماره آزمون	سطح معناداری
مالکیت خانوادگی	۱۳/۶۷۷۵۲	۲/۷۶۴۷۷۱	۴/۹۴۷۰۷۱	۰/۰۰۰۰
مالکیت خانوادگی درجه ۲	-۵۶/۳۹۷۹۷	۱۲/۲۵۷۴۹	-۴/۶۰۱۱۰۴	۰/۰۰۰۰
مالکیت خانوادگی درجه ۳	-۸۵/۷۴۵۲۹	۱۸/۶۸۷۰۲	-۴/۵۸۸۴۹۵	۰/۰۰۰۰
مالکیت غیرخانوادگی	-۶۲/۷۵۹۵۹	۱۳/۲۸۷۵۶	-۴/۷۲۵۴۴۱	۰/۰۰۰۰
مالکیت غیرخانوادگی درجه ۲	-۵۶/۱۷۷۰۰	۱۲/۳۵۰۱۰	-۴/۵۴۸۷۰۸	۰/۰۰۰۰
مالکیت غیرخانوادگی درجه ۳	۶/۵۳۰۲۴۷	۱/۰۸۳۴۱۶	۶/۰۲۷۴۵۹	۰/۰۰۰۰
تعداد اعضای هیئت مدیره	۰/۳۱۲۴۳۷	۰/۳۴۱۲۰۱	۰/۹۱۵۶۹۷	۰/۳۵۹۹
تعداد اعضای هیئت مدیره درجه ۲	-۰/۱۳۱۳۸۳	۰/۱۱۳۵۷۹	-۱/۱۵۶۷۵۲	۰/۲۴۷۵
تعداد اعضای هیئت مدیره درجه ۳	-۰/۰۱۳۲۵۷	۰/۰۰۹۳۴۲	-۱/۴۱۹۱۴۳	۰/۱۵۶۰
تعداد زنان عضو هیئت مدیره	۰/۰۵۰۵۳۷	۰/۲۰۶۴۱۹	۰/۲۴۴۸۲۹	۰/۸۰۶۶
تعداد زنان عضو هیئت مدیره درجه ۲	۴/۸۳۰۶	۱/۴۸۰۵	۰/۳۲۷۱۷۳	۰/۷۴۳۶
تعداد زنان عضو هیئت مدیره درجه ۳	-۰/۱۲۷۱۴۲	۰/۰۹۰۱۳۲	-۱/۴۱۰۶۲۰	۰/۱۵۸۵
اندازه شرکت	۰/۰۵۶۴۹۱	۰/۱۰۱۶۸۸	۰/۵۵۵۵۳۱	۰/۵۷۸۶
نقدینگی	۰/۰۱۲۹۵۵	۰/۰۰۶۵۴۰	۱/۹۸۰۸۷۹	۰/۰۴۷۸
تسویه شونددگی	۵/۴۸۰۰۰۶	۴/۴۹۰۰۰۶	۱/۲۲۱۳۵۰	۰/۲۲۲۱
بازده دارایی‌ها	۰/۰۴۷۷۳۸	۰/۰۹۸۱۲۴	۰/۴۸۶۵۱۲	۰/۶۲۶۷
ضریب تعیین	۰/۳۴۷۸۱۸	ضریب تعیین تعدیل شده	۰/۱۶۵۶۰۱	
دوربین واتسون	۲/۱۱۹۰۱	آماره F	...	

**فرضیه اول:** در فرضیه اول، کسب‌وکار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی مورد بررسی قرار گرفت، نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار خانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

**فرضیه دوم:** در فرضیه دوم، اثر کسب‌وکار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار خانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

**فرضیه سوم:** در فرضیه سوم، اثر کسب‌وکار خانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار خانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

**فرضیه چهارم:** در فرضیه چهارم، تأثیر کسب‌وکار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار غیرخانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

**فرضیه پنجم:** در فرضیه پنجم، اثر کسب‌وکار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار غیرخانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۲ رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری افزایش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد.

**فرضیه ششم:** در فرضیه ششم، اثر کسب‌وکار غیرخانوادگی بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج پژوهش حاکی از این است که بین کسب‌وکار غیرخانوادگی و ریسک‌پذیرفته شده به صورت غیر خطی درجه ۳ رابطه منفی و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری کاهش می‌یابد. نتایج این پژوهش با یافته‌های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می‌باشد. معمولاً فرض می‌شود که شرکت‌های با مالکیت خانوادگی تمایل به اتخاذ استراتژی‌های بسیار محافظه کارانه دارند و به دنبال حفظ بقای طولانی مدت خود هستند. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که در رابطه بین سطح تمرکز مالکیت خانوادگی و ریسک، ساختاری غیرخطی وجود دارد؛ از یک طرف، یک رابطه U شکل برای سطوح پایین مالکیت را می‌توان با ریسک بالای موجود در شرکت‌های دارای مالکیت‌های غیرخانوادگی توضیح داد (اندرسون و ریب ۲۰۰۳؛ سو و لی ۲۰۱۳؛ بوباکر و همکاران ۲۰۱۶). از سوی دیگر، یک رابطه U شکل معکوس برای سطوح بالای مالکیت ایجاد می‌شود، زیرا سهامداران مشتاق هستند ریسک‌های قابل توجهی را برای کسب سود بپذیرند، اما زمانی که سطح مالکیت بسیار بالا است، بیشتر ریسک‌پذیرفته شده را به عهده می‌گیرند. در نتیجه، تا حدی نتایج پژوهش با نتایج کارلی و همکاران (۲۰۱۸) مطابقت دارد.

**فرضیه هفتم:** در فرضیه هفتم، تأثیر منفی اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشانگر بی‌معنی بودن این ضرایب در سطح خطای ۵٪ درصد می‌باشد؛ به بیانی دیگر اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی نقشی تعدیل کننده ندارد. پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) نشان دادند که تعداد اعضای هیئت مدیره منجر به ریسک بیشتر می‌شود. نتایج به دست آمده از این فرضیه با پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی ندارد.

**فرضیه هشتم:** در فرضیه هشتم، تأثیر منفی اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۲ مورد بررسی قرار گرفت. نتایج نشانگر بی‌معنی بودن این ضرایب در سطح خطای ۵٪ درصد می‌باشد. به بیانی دیگر اندازه هیئت مدیره بر ریسک‌پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۲ نقشی تعدیل کننده ندارد.

**فرضیه نهم:** در فرضیه نهم، تأثیر منفی اندازه هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۳ مورد بررسی قرار گرفت؛ نتایج نشانگر بی معنی بودن این ضرایب در سطح خطای ۵٪ درصد می باشد؛ به بیانی دیگر اندازه هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۳ نقشی تعدیل کننده ندارد.

**فرضیه دهم:** در فرضیه دهم، تأثیر منفی حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی مورد بررسی قرار گرفت؛ نتایج نشانگر عدم معنادار بودن این ضرایب در سطح خطای ۵٪ درصد می باشد؛ به بیانی دیگر حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی تعدیل کننده ندارد. در پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۲)، در رابطه با جنسیت، مشاهده شده است که هر چه تعداد زنان بیشتر باشد، ریسک پذیری کمتری در شرکتها رخ می دهد. در این راستا، نتایج از رفتار محافظه کارانه تر زنان حمایت می کند که پژوهش پولتی هیوز و بریانو تورنت (۲۰۱۹) در مورد شرکت های خانوادگی همخوانی دارد. در نتیجه، در صورت افزایش تعداد زنان، اقدامات محافظه کارانه تری بر هیئت مدیره تحمیل می شود که پرداخت بدهی شرکت را در اولویت قرار می دهد. نتایج به دست آمده از این فرضیه با پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همخوانی ندارد.

**فرضیه یازدهم:** در فرضیه یازدهم، تأثیر منفی حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۲ مورد بررسی قرار گرفت؛ نتایج پژوهش حاکی از این است که بین حضور زنان در هیئت مدیره و ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۲ رابطه مثبت و معناداری در سطح اطمینان ۹۵٪ وجود دارد؛ یعنی با افزایش یک متغیر، دیگری افزایش می یابد. نتایج این پژوهش با یافته های گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) همسو می باشد.

**فرضیه دوازدهم:** در فرضیه دوازدهم، تأثیر منفی حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۳ مورد بررسی قرار گرفت؛ نتایج نشانگر بی معنی بودن این ضرایب در سطح خطای ۵٪ درصد می باشد؛ به بیانی دیگر حضور زنان در هیئت مدیره بر ریسک پذیرفته شده به صورت خطی درجه ۳ نقشی تعدیل کننده ندارد.

در پژوهش گونزالس و همکاران (۲۰۲۲) در خصوص متغیرهای مربوط به حاکمیت شرکتی، اهمیت ویژگی های هیئت مدیره در ریسک پذیری تأیید شده است. در این راستا مشاهده شد که هیئت مدیره های بزرگ، شرکتها را در معرض ریسک زیادی قرار می دهند. با توجه به این واقعیت که اگر تعداد زیادی عضو هیئت مدیره زن وجود داشته باشد، یک استراتژی محافظه کارانه به وجود می آید و می توان با این اثر مقابله کرد. بنابراین، نتایج تأیید می کند ریسکی که شرکت در معرض آن قرار دارد به طور قابل توجهی به تصمیم های اتخاذ شده توسط افراد دخیل در مدیریت آن یعنی مالکان و نهادهای کنترل بستگی دارد. شرکت هایی با تمرکز بالا یا پایین سرمایه خانوادگی، بدون سهامداران مالی، بسیار محافظه کار هستند؛ به خصوص اگر تنوع جنسیتی در هیئت مدیره آنها وجود داشته باشد. برعکس، هیئت مدیره های بزرگ ریسک پذیری را افزایش می دهند.

### نتیجه گیری

روش مورد استفاده برای ارزیابی فرضیه ها، تخمین مدل های رگرسیون چندگانه است که در پانل داده هایی که در دسترس ما هستند اعمال می شود. این روش شناسی، امکان کنترل ناهمگنی غیر قابل مشاهده فردی و همچنین مزایایی مانند کاهش هم خطی و کارایی قابل توجه را فراهم می کند که فقط به چند مورد اشاره می شود (بالتاگی و پیروت، ۲۰۱۰). همچنین اجازه می دهد تا تعداد درجات آزادی و سطح افزایش یابد. از هم خطی بودن و کنترلها برای کاهش اثرات فردی، و در آخر، معرفی سوگیری هایی که می توان به دلیل وجود ویژگی هایی مانند کیفیت مدیریت یا ریسک گریزی که اندازه گیری یا به دست آوردن آنها دشوار است اجتناب کرد (بالتاگی و موسکون، ۲۰۱۰؛ هاسیو، ۲۰۰۵). این پژوهش، یک پژوهش توصیفی از نوع پژوهش های پس رویدادی و در حوزه پژوهش ها همبستگی است، که مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت های مالی شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بوده و با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم است. همچنین به دلیل اینکه نتایج حاصل از این پژوهش می تواند در

1 Baltagi and Pirotte

2 Baltagi, and Moscone.

3 Hsiao

فرایند تصمیم‌گیری مورد استفاده قرار گیرد، این پژوهش از لحاظ هدف کاربردی است. همچنین در این پژوهش از مدل‌های رگرسیونی چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها استفاده شده است.

### پیشنهادات

هر سرمایه‌گذار و اعتبار دهنده‌ای به دنبال کسب منافع و عایدی می‌باشد و با توجه به اینکه این سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان جهت اخذ تصمیم‌های درست و به هنگام نیازمند اطلاعات درست می‌باشند، ما نیز در این پژوهش در جای خود تلاش کردیم اطلاعاتی ولو اندک را در اختیار سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان قرار دهیم. در این پژوهش رابطه بین مالکیت خانوادگی و ریسک پذیرفته شده را بررسی نمودیم و به نتایجی دست یافتیم که نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به کلیه سرمایه‌گذاران، مدیران پرتفوی، موسسات مالی و اعتباری، حسابداران و حسابرسان، مدیران و سایر افراد شاغل در این زمینه جهت اتخاذ تصمیم‌ها درست کمک نماید. همچنین به پژوهشگران و محققان نیز پیشنهاد می‌شود جهت تکمیل شدن این پژوهش، پژوهش‌ها و بررسی‌های زیر را انجام دهند:

- الف) تأثیر نوع مؤسسه حسابرسی بر ریسک سقوط قیمت سهام
- ب) بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی بر ناکارایی سرمایه‌گذاری و محدودیت‌های مالی
- ج) تأثیر نفوذ هیئت مدیره به تفکیک پتانسیل و پویایی هیئت مدیره بر ریسک
- د) تأثیر مالکیت خانواده، مدیریت و نسل‌ها بر عملکرد شرکت و ریسک‌پذیری مالکین
- ه) تعیین عوامل تأثیر گذار بر ریسک سقوط قیمت
- و) بررسی تأثیر محدودیت‌های مالی بر رابطه بین مالکیت خانوادگی و سرمایه‌گذاری
- ز) تأثیر پتانسیل هیئت مدیره و حکمرانی خانوادگی بر نقش نوآوری در موفقیت و عدم موفقیت شرکت

### محدودیت پژوهش

هر پژوهشی متأثر از محدودیت‌هایی است که لزوماً قابل کنترل نبوده و باید در تعمیم یافته‌های پژوهش به آنها توجه نمود که از عمده‌ترین محدودیت‌های پژوهش در ذیل بیان می‌شود:

- ۱- پژوهش حاضر با استفاده از داده‌های ۱۸۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران انجام شده است و شرکت‌های لیزینگ و بیمه به علت ماهیت خاص فعالیت آنها از جامعه آماری کنار گذاشته شده اند، همچنین به علت تعداد کم شرکت‌های با مالکیت خانوادگی، نتایج به دست آمده قابلیت تعمیم به تمامی شرکت‌ها را ندارد.
- ۲- دوره زمانی پژوهش سال‌های ۱۴۰۰-۱۳۹۰ می‌باشد در نتیجه اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس تا پایان سال ۹۰ مورد استفاده قرار گرفته است که می‌تواند تمامیت بخشیدن به نتایج پژوهش را دچار تردید نماید بنابراین باید توجه کرد که نتایج پژوهش قابل تعمیم به سال‌های قبل و بعد از ۱۳۹۰ نمی‌باشد.
- ۳- اثر تورم و سایر متغیرهای اقتصادی بر ارقام صورت‌های مالی و رابطه بین متغیرهای پژوهش منظور نشده است. شرایط تورمی کشور و عدم تعدیل اقلام صورت‌های مالی، بر محاسبه‌ی متغیرهای پژوهش بسیار مؤثر می‌باشد، اما به علت عدم انجام این کار در ایران، اثر تورم در پژوهش حاضر نادیده گرفته شده است.

### منابع

- ایمانی، فاطمه، و فرهادتوسکی، امید. (۱۴۰۰). بررسی نقش تعدیلی مالکیت خانوادگی در رابطه بین ویژگی‌های هیئت مدیره و افشای ریسک شرکت. کنفرانس بین‌المللی مدیریت، حسابداری و توسعه اقتصادی..
- بادآورن‌هندی، یونس، بیورانی، حسین و آبروان، حمزه (۱۳۹۰). بررسی تأثیر نوسانات جریان نقدی بر ریسک سیستماتیک شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه پژوهش‌های مدیریت ویژه‌نامه شماره‌های ۹۲ و ۹۳، پاییز و زمستان ۱۳۹۰.
- خوشکار، فرزین، سرشار، سارا (۱۴۰۱). نقش ویژگی‌های روان‌شناختی مدیران بر رابطه بین مالکیت شرکت‌های خانوادگی و سرمایه‌گذاری پژوهش و توسعه، چشم انداز حسابداری و مدیریت بهار ۱۴۰۱، دوره پنجم - شماره ۵۷ (جلد ۱).

- رضاپور، مریم و انصاری، زهرا، (۱۴۰۱). ارتباط بین نظام راهبری شرکتی، ریسک‌پذیری و رشد شرکت‌ها، سیزدهمین کنفرانس بین‌المللی مدیریت، امور مالی، تجارت، بانک، اقتصاد و حسابداری،
- دهقان خاوری، سعید، ملایی، فرشته (۱۴۰۰). بررسی تأثیر مالکیت خانوادگی بر رابطه بین ریسک شرکت و عملکرد شرکت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، دومین کنفرانس بین‌المللی چالش‌ها و راهکارهای نوین در مهندسی صنایع و مدیریت و حسابداری، دامغان.
- صالح نژاد، سیدفیاض و بداعی، حمید و رضایی، حمیدرضا (۱۳۹۹). خصوصیات کیفی گزارشگری مالی شرکت‌های خانوادگی و غیرخانوادگی پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، سومین کنفرانس مطالعات مدیریت اقتصاد و حسابداری صنعت محور، تهران.
- عرب‌صالحی، مهدی، و حمیدیان، نرگس (۱۳۹۴). بررسی اثر تغییرپذیری اقلام تعهدی و اجزای بنیادی و اختیاری آن بر نوسان بازده متعارف و نامتعارف آتی سهام، دانش حسابداری و حسابرسی مدیریت ۱۴: ۱۴۵-۱۵۷
- Abdoh, H., and O. Varela. (2017). Product market competition, idiosyncratic and systematic volatility. *Journal of Corporate Finance*, 43: 500-513.
- Abinzano, I., Corredor, P. and Martinez, B. (2020), "Does family ownership always reduce default risk?", *Accounting & Finance*, Vol. 61 No. 3, pp. 4025-4060, doi: 10.1111/acfi.12725.
- Alshirah, M.H., Abdul Rahman, A. and Mustapa, I.R. (2020), "Board of directors' characteristics and corporate risk disclosure: the moderating role of family ownership", *EuroMed Journal of Business*, Vol. 15 No. 2, pp. 219-252. <https://doi.org/10.1108/EMJB-09-2019-0115>
- Alshirah, M.H., Alshira'h, A.F. and Lutfi, A. (2021), "Political connection, family ownership and corporate risk disclosure: empirical evidence from Jordan", *Meditari Accountancy Research*, Vol. ahead-of-print No. ahead-of-print.
- Amihud, Yakov, and Baruch Lev. 1981. Risk reduction as a managerial motive for conglomerate mergers. *Bell Journal of Economics* 12: 605-17. [CrossRef]
- Anderson, Ronald C., and David M. Reeb. 2003. Founding family ownership and firm performance: Evidence from the S&P 500. *The Journal of Finance* 58: 1301-28. [CrossRef]
- Anderson, R.C., Mansi, S.A. and Reeb, D.M. (2003), "Founding family ownership and the agency cost of debt", *Journal of Financial Economics*, Vol. 68 No. 2, pp. 263-285, doi: 10.1016/S0304-405X(03)00067-9.
- Anderson, Ronald C., Augustine Duru, and D. M. Reeb. 2012. Investment policy in family controlled firms. *Journal of Banking & Finance* 36: 1744-58. [CrossRef]
- Anderson, Ronald C., and Donald. R. Fraser. 2000. Corporate control, bank risk taking, and the health of the banking industry. *Journal of Banking & Finance* 24: 1383-98. [CrossRef]
- Apesteguia, Jose, Ghazala Azmat, and Nagore Iriberry. 2012. The impact of gender composition on team performance and decisionmaking: Evidence from the field. *Management Science* 58: 78-93. [CrossRef]
- Arabsalehi, Mehdi, and Hamidian, Narges, (2014). Investigating the effect of variability of accruals and its fundamental and discretionary components on the volatility of future conventional and unconventional stock returns, *Management Accounting and Auditing Knowledge* 14: 157-145
- Badavarnahandi, Yunus, Byrani, Hossein and Abarvan, Hamzeh (2013). Investigating the effect of cash flow fluctuations on the systematic risk of companies listed on the Tehran Stock Exchange, *Management Research Quarterly*, Special Issue Nos. 92 and 93/Autumn and Winter 2013
- Baltagi, Badi H., and Alain Pirotte. 2010. Panel data inference under spatial dependence. *Economic Modelling* 27: 1368-81. [CrossRef]
- Baltagi, Badi H., and Francesco Moscone. 2010. Health care expenditure and income in the OECD reconsidered: Evidence from panel
- Barth, E., Gulbrandsen, T. and Schønea, P. (2005), "Family ownership and productivity: the role of ownermanagement", *Journal of Corporate Finance*, Vol. 11 Nos 1/2, pp. 107-127, doi: 10.1016/j.jcorpfin.2004.02.001.
- Bennedsen M., Guzman A., Henry B., Trujillo M. A., Wiwattanakantang Y. (2017). Carvajal: From Soldiers to Diplomats, from Family-run to Professionally-Managed.
- Berry, M. (1998), "Strategic planning in small high tech companies", *Long Range Planning*, Vol. 31 No. 3, pp. 455-466, doi: 10.1016/S0024-6301(98)80012-5.

- Boubakri, Narjess, Jean-Claude Cosset, and Walid Saffar. 2013. The role of state and foreign owners in corporate risk-taking: Evidence from privatization. *Journal of Financial Economics* 108: 641–58. [CrossRef]
- Burkart, M., Panunzi, F. and Shleifer, A. (2003), “Family firms”, *The Journal of Finance*, Vol. 58 No. 5, pp. 2167-2201, doi: 10.1111/1540-6261.00601.
- Campbell, J.Y., M. Lettau, B.G. Malkiel, and Y. Xu.(2001). Have individual stocks become more volatile? An empirical exploration of idiosyncratic risk. *The Journal of Finance* 56(1): 1-43.
- Chandra, I. and L. Suardi.(2013). Analysis of Idiosyncratic Volatility Effect on Expected Return on Stock that Listed in Indonesia Stock Exchange in 2006-2010, University Indonesia, Graduate School of Management Research Paper No. 13-67. Available at SSRN: <https://ssrn.com/abstract=2330661> or <http://dx.doi.org/10.2139/ssrn.2330661>.
- Charness, Gary, and Uri Gneezy. 2012. Strong evidence for gender differences in risk taking. *Journal of Economic Behavior & Organization* 83: 50–58. [CrossRef]
- Chen, C., A.G. Huang, and R. Jha.(2012). Idiosyncratic return volatility and the information quality underlying managerial discretion. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 47(4): 873-899.
- Cronqvist, Henrik, and Mattias Nilsson. 2003. Agency costs of controlling minority shareholders. *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 38: 695–719. [CrossRef]
- Croson, Rachel, and Uri Gneezy. 2009. Gender differences in preferences. *Journal of Economic Literature* 47: 1–27. [CrossRef]
- Cucculelli, Marco & Peruzzi, Valentina, 2017. "Bank screening technologies and the founder effect: Evidence from European lending relationships," *Finance Research Letters*, Elsevier, vol. 20(C), pages 229-237. data. *Economic Modelling* 27: 804–11. [CrossRef]
- DeAngelo Harry and DeAngelo Linda (2000), Controlling stockholders and the disciplinary role of corporate payout policy: a study of the Times Mirror Company *Journal of Financial Economics*, Volume 56, Issue 2, May 2000, Pages 153-207 ,[https://doi.org/10.1016/S0304-405X\(00\)00039-8](https://doi.org/10.1016/S0304-405X(00)00039-8)
- Dehghan Khavari, Saeed, Melai, Fereshte (1400). Investigating the impact of family ownership on the relationship between company risk and company performance in companies listed on the Tehran Stock Exchange, the second international conference on challenges and new solutions in industrial engineering, management and accounting, Damghan, <https://civilica.com/doc/1244354>
- Demsetz, Harold, and Kefneth Lehn. 1985. The structure of corporate ownership: Causes and consequences. *Journal of Political Economy* 93: 1155–77. [CrossRef]
- De Miguel, Alberto, Julio Pindado, and Chabela De La Torre. 2004. Ownership structure and firm value: New evidence from Spain. *Strategic Management Journal* 25: 1199–207. [CrossRef]
- D'Este, C. and Carabelli, M.(2022), "Family ownership and risk: the role of family managers" ,*Corporate Governance*, Vol. 22No. 6, pp. 1161-77.<https://doi.org/10.1108/CG-09-2021-0338>.
- Di Pietra, R., Grambovas, C.A., Raonic, I. and Riccaboni, A.(2008), “The effects of board size and ‘busy’ directors on the market value of Italian companies”, *Journal of Management & Governance*, Vol. 12No. 1, pp. 73-91, doi: 10.1007/s10997-008-9044-y.
- Domingues, A.I.R.(2016). Idiosyncratic volatility and earnings quality: evidence from United Kingdom.
- Dyer, W.G.(1989), “Integrating professional management into a family owned business”, *Family Business Review*, Vol. 2 No. 3, pp. 221-235, doi: 10.1111/j.1741-6248.1989.00221.x.
- Eisenhardt, Kathleen M. 1989. Agency theory: An assessment and review. *Academy of Management Review* 14: 57–74. [CrossRef]
- Eling, M. and Marek, S.D.(2014), “Corporate governance and risk taking: evidence from the U.K. and German insurance markets”, *Journal of Risk and Insurance*, Vol. 81 No. 3, pp. 653-682, doi: 10.1111/j.1539-6975.2012.01510.x.
- Esty, Benjamin C. 1998. The impact of contingent liability on commercial bank risk taking. *Journal of Financial Economics* 47: 189–218.[CrossRef]
- Faccio, M. and Lang, L., ‘The ultimate ownership of Western European corporations’, *Journal of Financial Economics*, Vol. 65, 2002, pp. 365–95.
- Faccio, Mara, Larry H. Lang, and Leslie Young. 2001. Dividends and expropriation. *American Economic Review* 91: 54–78. [CrossRef]

- Fink, J., K.E. Fink, G. Grullon, and J.P. Weston.(2010). What drove the increase in idiosyncratic volatility during the internet boom? *Journal of Financial and Quantitative Analysis* 45(5): 1253-1278.
- Franks, Julian, Colin Mayer, and Luc Renneboog. 2001. Who disciplines management in poorly performing companies? *Journal of Financial Intermediation* 10: 209–48. [CrossRef]
- Gadhoun, Y. and Ayadi, M.A.(2003), “Ownership structure and risk: a Canadian empirical analysis”, *Quarterly Journal of Business and Economics*, Vol. 42 Nos 1/2, pp. 19-39.
- Galai, Dan, and Ronald W. Masulis. 1976. The option pricing model and the risk factor of stock. *Journal of Financial Economics* 3: 53–81.[CrossRef]
- Gómez-Mejía, Luis R., Katalin T. Haynes, Manuel Núñez-Nickel, Kathryn J. Jacobson, and Jose Moyano-Fuentes. 2007. Socioemotional wealth and business risks in family-controlled firms: Evidence from Spanish olive oil mills. *Administrative Science Quarterly* 52: 106–37. [CrossRef]
- González, Maximiliano, Alexander Guzmán, Carlos Pombo, and Maria-Andre Trujillo. 2012. Family firms and financial performance:The cost of growing. *Emerging Markets Review* 13: 626–49. [CrossRef]
- Gorton, Gary, and Richard Rosen. 1995. Corporate control, portfolio choice, and the decline of banking. *The Journal of Finance* 50: 1377–420. [CrossRef]
- Grossman, Sanford J. & Hart, Oliver D., 1988. "One share-one vote and the market for corporate control," *Journal of Financial Economics*, Elsevier, vol. 20(1-2), pages 175-202, January.
- Haw, In-Mu, Simon S. Ho, Bingbing Hu, and Donghui Wu. 2010. Concentrated control, institutions, and banking sector: An international study. *Journal of Banking & Finance* 34: 485–97. [CrossRef]
- Heslin, Peter, and Lex Donaldson. 1999. An organizational portfolio theory of board composition. *Corporate Governance: An International Review* 7: 81–88. [CrossRef]
- Hill, CharlesW., and Scott A. Snell. 1988. External control, corporate strategy, and firm performance in research-intensive industries. *Strategic Management Journal* 9: 577–90. [CrossRef]
- Hsiao, Cheng. 2005. Why panel data? *The Singapore Economic Review* 50: 143–54. [CrossRef]
- Iannotta, Giuliano, Giacomo Nocera, and Andrea Sironi. 2007. Ownership structure, risk and performance in the European banking industry. *Journal of Banking & Finance* 31: 2127–49. [CrossRef]
- Imani, Fatemeh, and Farhadatoski, Omid. (1400). Investigating the moderating role of family ownership in the relationship between board characteristics and company risk disclosure. *International conference on management, accounting and economic development*
- Irvine, P.J., and J. Pontiff.(2008). Idiosyncratic return volatility, cash flows, and product market competition. *The Review of Financial Studies* 22(3): 1149-1177
- Jensen, Michael C., and William H. Meckling. 1976. Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs and ownership structure. *Journal of Financial Economics* 3: 305–60. [CrossRef]
- John, Kose, Libomir Litov, and Bernard Yeung. 2008. Corporate governance and risk-taking. *The Journal of Finance* 63: 1679–728. [CrossRef]
- Kim, H.S. and Cho, K.S.(2021), “The ownership of the largest family blockholders and Korean firm risk”, *Journal of Asian Finance, Economics and Business*, Vol. 8 No. 3, pp. 287-296, doi: 10.13106/jafeb.2021. vol8.no3.0287.
- Khoshkar, Farzin, Sarashar, Sara (1401). The role of psychological characteristics of managers on the relationship between ownership of family companies and investment in research and development, *Accounting and Management Perspective Spring 1401, Volume 5- Number 57 (Volume 1)* <https://www.noormags.ir/view/fa/articlepage/1863942>
- Kothari, S.P., Laguerre, T.E., Leone, A.J., 2002. Capitalization versus expensing: Evidence on the uncertainty of future earnings from capital expenditures versus R&D outlays. *Review of Accounting Studies* 7, 355–382.
- Laeven Luc and Levine Ross(2009), Bank governance, regulation and risk taking, *Journal of Financial Economics*, Volume 93, Issue 2, August 2009, Pages 259-275, <https://doi.org/10.1016/j.jfineco.2008.09.003>
- La Porta, R. L., Lopez-de-Silanes, F., Shleifer, A., & Vishny, R. W. 1999. Investor protection: Origins, consequences, and reform. [Working Paper n. 7428], National Bureau of Economic Research. doi:10.3386/w7428

- Lee, Eun Jung, Joon Chae, and Yu Kyung Lee. 2018. Family ownership and risk taking. *Finance Research Letters* 25: 69–75. [CrossRef]
- Lewellyn, Krista B., and Maureen I. Muller-Kahle. 2012. CEO power and risk taking: Evidence from the subprime lending industry. *Corporate Governance: An International Review* 20: 289–307. [CrossRef]
- Li Yuanhui, Kannan Yezen, Rau Stephen and Yang Shuning, Real earnings management, corporate governance and stock price crash risk: evidence from China, *China Accounting and Finance Review* Vol. 24 No. 2, 2022 pp. 172-198, Emerald Publishing Limited ,DOI 10.1108/CAFR-03-2022-0014
- Lin, Chen, Yue Ma, Paul Malatesta, and Yuhai Xuan. 2011. Ownership structure and the cost of corporate borrowing. *Journal of Financial Economics* 100: 1–23. [CrossRef]
- Matias Gama, A.P. and Rodrigues, C.(2013), “The governance-performance relations in publicly listed family controlled firms: an empirical analysis”, *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, Vol. 13No. 4, pp. 439-456, doi: 10.1108/CG-04-2011-0031.
- McConaughy, D.L., Matthews, C.H. and Fialko, A.S.(2001), “Founding family controlled firms: performance, risk and value”, *Journal of Small Business Management*, Vol. 39 No. 1, pp. 31-49, doi: 10.1111/0447-2778.00004
- Mishra, Dev R. 2011. Multiple large shareholders and corporate risk taking: Evidence from East Asia. *Corporate Governance: An International Review* 19: 507–28. [CrossRef]
- Morck Randall & Yeung Bernard, 2003. "Agency Problems in Large Family Business Groups," *Entrepreneurship Theory and Practice*, , vol. 27(4), pages 367-382, October.
- Nguyen, Pascal. 2011. Corporate governance and risk-taking: Evidence from Japanese firms. *Pacific-Basin Finance Journal* 19: 278–97. [CrossRef]
- Niederle, Muriel, and Lise Vesterlund. 2007. Do women shy away from competition? Do men compete too much? *The Quarterly Journal of Economics* 122: 1067–101. [CrossRef]
- Paligorova, Teodora. 2010. Corporate Risk Taking and Ownership Structure. Bank of Canada Working Paper No. 20103. Ottawa: Bank of Canada.
- Palmer, Timothy B., and Robert M. Wiseman. 1999. Decoupling risk taking from income stream uncertainty: A holistic model of risk. *Strategic Management Journal* 20: 1037–62. [CrossRef]
- Palvia, Ajay, Emilia Vahamaa, and Sami Vahamaa. 2015. Are female CEOs and Chairwomen more conservative and risk averse? Evidence from the banking industry during the financial crisis. *Journal of Business Ethics* 131: 577–94. [CrossRef]
- Pastor, L., and P. Veronesi.(2003). Stock valuation and learning about profitability. *Journal of finance* 58(5): 1749-1790.
- Rajgopal, S., and M. Venkatachalam.(2011). Financial reporting quality and idiosyncratic return volatility. *Journal of Accounting and Economics* 51(1-2): 1-20.
- Rajverma, A.K., Misra, A.K., Mohapatra, S. and Chandra, A.(2019), “Impact of ownership structure and dividend on firm performance and firm risk”, *Managerial Finance*, Vol. 45 No. 8, pp. 1041-1061, doi: 10.1108/MF-09-2018-0443.
- Randøy, T. and Goel, S.(2003), “Ownership structure, founder leadership and performance in Norwegian SMEs: implications for financing entrepreneurial opportunities”, *Journal of Business Venturing*, Vol. 18 No. 5, pp. 619-637, doi: 10.1016/S0883-9026(03)00013-2.
- Rezapour, Maryam and Ansari, Zahra, 1401, the relationship between corporate governance system, risk-taking and growth of companies, the 13th international conference on management, finance, trade, banking, economics and accounting
- Robinson, R.B., Jr and Pearce, J.A.(1984), “Research thrusts in small firm strategic planning”, *Academy of Management Review*, Vol. 9 No. 1, pp. 128-137, doi: 10.5465/amr.1984.4278109.
- Roger, Patrick & Schatt, Alain, 2016. "Idiosyncratic risk, private benefits, and the value of family firms," *Finance Research Letters*, Elsevier, vol. 17(C), pages 235-245.
- Rountree, B.(2013). Idiosyncratic return volatility, earnings quality, and firm age. School of Accounting Seminar Series, Australian School of Business School of Accounting.
- Sah, Raaj K., and Joseph E. Stiglitz. 1991. The quality of managers in centralized versus decentralized organizations. *The Quarterly Journal of Economics* 106: 289–95. [CrossRef]
- . Saleh Nejad, Seyyed Fayaz and Badaghi, Hamid and Rezaei, Hamid Reza. (2019), Qualitative characteristics of financial reporting of family and non-family companies admitted to the Tehran



- Stock Exchange, the third conference on economic management and industry-oriented accounting studies, Tehran, <https://civilica.com/doc/1023962>
- Setia-Atmaja Lukas and Chandera Yane, Impact of family ownership, management, and generations on IPO underpricing and long-run performance, Volume 18 2021, Issue #4, pp. 266-279 [http://dx.doi.org/10.21511/imfi.18\(4\).2021.23](http://dx.doi.org/10.21511/imfi.18(4).2021.23)
- Shrader, C.B., Mulford, C.L. and Blackburn, V.L.(1989), "Strategic and operational planning, uncertainty and performance in small firms", *Journal of Small Business Management*, Vol. 27 No. 4, pp. 45-60.
- Sila, Vathunyoo, Angelica Gonzalez, and Jens Hagendorff. 2016. Women on board: Does boardroom gender diversity affect firm risk? *Journal of Corporate Finance* 36: 26–53. [CrossRef]
- Sonfield, M.C. and Lussier, R.N.(2009), "Non-family-members in the family business management team: a multinational investigation", *International Entrepreneurship and Management Journal*, Vol. 5 No. 4, pp. 395-415, doi: 10.1007/s11365-009-0109-4.
- Spong, K.R. and Sullivan, R.J.(1998), "How does ownership structure and manager wealth influence risk? A look at ownership structure, manager wealth and risk in commercial banks", *Financial Industry Perspectives*, Federal Reserve Bank of Kansas City, December, pp. 15-24,
- Tufano, Peter. 1996. Who manages risk? An empirical examination of risk management practices in the gold mining industry. *Journal of Finance* 51: 1097–137. [CrossRef]
- Uddin, Md Hamid. 2016. Effect of government share ownership on corporate risk taking: Case of the United Arab Emirates. *Research in International Business and Finance* 36: 322–39. [CrossRef]
- Villalonga, B. and Amit, R. (2006), "How do family ownership, control and management affect firm value?", *Journal of Financial Economics*, Vol. 80 No. 2, pp. 385-417, doi: 10.1016/j.jfineco.2004.12.005.
- Volpin, P.F.(2002), "Governance with poor investor protection: evidence from top executive turnover in Italy", *Journal of Financial Economics*, Vol. 64 No. 1, pp. 61-90, doi: 10.1016/S0304-405X(02)00071-5.
- Wang, C., Walker, E. and Redmond, J.(2007), "Explaining the lack of strategic planning in SMEs: the importance of owner motivation", *International Journal of Organisational Behaviour*, Vol. 12 No. 1, pp. 1-16, available at: <https://ro.ecu.edu.au/cgi/viewcontent.cgi?article=2453&context=ecuworks>
- Wallach, Michael A., and Nathan Kogan. 1965. The roles of information, discussion, and consensus in group risk taking. *Journal of Experimental Social Psychology* 1: 1–19. [CrossRef]
- Welsh, Dianne H. B., and Thomas Zellweger. 2010. Can we afford it? Investment decisions of family and nonfamily owners. *Academy of Entrepreneurship Journal* 16: 21.
- Wright, P., Ferris, S., Sarin, A., and Awasthi, V.(1996). Impact of Corporate Insiders, Blockholder, and Institutional Equity Ownership on Firm Risk Taking. *Academy of Management Journal*, 39(2), 441-46
- Yusuf, A. and Saffu, K.(2005), "Planning and performance of small and medium enterprise operators in a country in transition", *Journal of Small Business Management*, Vol. 43No. 4, pp. 480-497.
- Zahra, Shaker A. (2005). Entrepreneurial risk taking in family firms. *Family Business Review* 18: 23–40. [CrossRef]



## Effect of Covid-19 Disclosure on the Relationship between Corporate Governance and Audit Quality in Companies Listed on the Tehran Stock Exchange

Zohreh Hajiha<sup>1\*</sup>, Mehdi Tahaghoghi Haj Ghorbani<sup>2</sup>

1 .Professor, Department of Accounting, East Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

\*Corresponding Author

2 .PhD Student in Accounting, Kish International Branch, Islamic Azad University, Kish Island, Iran.

Received: 2023/11/03

Accepted: 2024/03/14

### Abstract

The current research was conducted with the aim of investigating the effect of Covid-19 disclosure on the relationship between corporate governance and audit quality. The present study, in terms of implementation, was applied, and in terms of purpose, was analytical-correlational and positive accounting research. Also, in terms of the implementation process, it was quantitative, and in terms of the implementation logic, it was comparative-inductive research. Moreover, in terms of the time dimension, it was longitudinal-retrospective research since the past information of the sample companies was used. The statistical population of the research consisted of all companies listed on the Tehran Stock Exchange, whose number was 460 from 2018 to March 2022, and all of them were affected by the outbreak of Covid-19. From this statistical population, a sample of 120 companies was selected by systematic elimination method and was used for estimating the models and testing the research hypotheses. In this research, the data was analyzed using the quantitative methods including the tools in descriptive statistics such as mean, standard deviation and regression. Based on the obtained results, the effect of Covid-19 disclosure on the relationship between corporate governance and audit quality in companies listed on the Tehran Stock Exchange was confirmed.

**Keywords:** Covid-19, Corporate governance, Audit quality, Tehran stock exchange.



## تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران

زهرة حاجیها<sup>۱</sup>، مهدی تحقیقی حاج قربانی<sup>۲</sup>

۱. استاذ، گروه حسابداری، واحد تهران شرق، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. دانشجوی دکتری حسابداری، واحد بین الملل کیش، دانشگاه آزاد اسلامی، جزیره کیش، ایران

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۱۲ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۲/۲۴

### چکیده

هدف از تحقیق حاضر تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری می باشد. این پژوهش از نظر نوع اجراء، کاربردی و از نظر هدف آن، از نوع پژوهش تحلیلی - همبستگی و جزئی از پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. از نظر فرایند اجراء، از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر منطق اجراء نیز، جزئی از پژوهش‌های با رویکرد قیاسی - استقرایی بوده و از نظر بعد زمانی نیز، از نوع پژوهش‌های طولی - گذشته نگر است و از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود. جامعه آماری این تحقیق، تمام شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۰ هستند که همگی تحت تأثیر شیوع کووید ۱۹ بوده‌اند و تعداد آن‌ها ۴۶۰ شرکت تا پایان سال ۱۴۰۰ می‌باشد. به منظور تعیین نمونه آماری پژوهش به روش حذف سیستماتیک، انجام شده است. با توجه به شرایط ذکر شده، تعداد ۱۲۰ شرکت جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند. در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش‌های کمی شامل ابزارهای موجود در آمار توصیفی، نظیر میانگین، انحراف معیار و رگرسیون داده‌های مورد استفاده تجزیه و تحلیل می‌شود. نتایج تحقیق نشان می‌دهد افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابداری در شرکتهای پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران تأثیرگذار است.

**واژگان کلیدی** کووید ۱۹، حاکمیت شرکتی، کیفیت حسابداری، بورس اوراق بهادار تهران.

## مقدمه

در اواخر دسامبر سال ۲۰۱۹ ویروس جدیدی با نام ویروس کرونای نوین یا کووید ۱۹ باعث آغاز شیوع همه‌گیری از ووهان چین به سراسر جهان شد که در حال حاضر تهدیدهای بهداشتی بزرگی را برای سلامتی عمومی جهان ایجاد کرده است. این بیماری در کمتر از ۴ ماه به سراسر جهان سرایت کرد که کشور ما نیز از این بیماری مهلک در امان نماند. گر چه نخستین پیامد این بیماری، آثار ناگوار آن بر روی سلامتی مردم بود و طبعاً در این حوزه، وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی متولی اصلی است؛ اما باید توجه داشت که این بحران اثرات اقتصادی قابل توجهی بر روی اشخاص حقیقی و حقوقی داشته است؛ به عنوان مثال به دلیل محدودیت در تولید، تجارت، مصرف یا به دلیل ممنوعیت‌های سفر و حمل و نقل ناشی از شیوع این ویروس، موجب بسته شدن بسیاری از کسب و کارها از جمله کسب و کارهای کوچک و متوسط شده است که این امر تأثیر بسیاری در عملکرد کسب و کارها ایجاد کرده است و برخی از آنها را به مرز ورشکستگی کشانده است. به اعتقاد صائب و کریمی (۱۳۹۹) بخش‌های مختلف اقتصادی مانند گردشگری، صنعت هواپیمایی، خودروسازی، صادرات و واردات و بسیاری از بخش‌های مؤثر اقتصاد تحت تأثیر کرونا قرار گرفته‌اند.

ویروس کرونا در ایران علاوه بر تهدید سلامت جامعه، زیان‌های اقتصادی بسیاری برای شرکت‌ها به وجود آورده است؛ از جمله این تبعات می‌توان به التهابات در بازار، اعمال محدودیت از طرف کشورهای همسایه برای واردات کالاها از ایران و تعطیلی بسیاری از کسب و کارها که ضررهای جبران‌ناپذیری برای شرکت‌ها به همراه داشته و باعث شده است تا بسیاری از شرکت‌های بزرگ و کوچک به مرز درماندگی برسند (جبران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). یکی از مواردی که بر حفظ کارایی بازار مالی بااهمیت تلقی می‌شود کیفیت گزارشگری مالی است که بسیاری از سرمایه‌گذاران و اعتباردهندگان در راستای تصمیم‌گیری به این اطلاعات نیاز دارند (یه و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴). برخی از تحقیق‌ها به بررسی بحران مالی سال ۲۰۰۸ بر کیفیت گزارشگری مالی نیز پرداخته است (سیمینی<sup>۳</sup>، ۲۰۱۵؛ انگ و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۹) و نوشته است که در ماه دسامبر ۲۰۱۹ بحران جدیدی تحت عنوان بیماری کووید ۱۹ پدیدار گردید که بر اقتصاد و کیفیت گزارشگری مالی شرکت‌ها نیز تأثیر گذاشت (فام و همکاران، ۲۰۲۱)؛ به همین دلیل، نقش حاکمیت شرکتی در کیفیت گزارشگری مالی بسیار با اهمیت بوده و همچنین در زمان بحران همه‌گیری کووید ۱۹ نیز نقش با اهمیتی داشته است (جبران و چن<sup>۵</sup>، ۲۰۲۱). همچنین شیوع ویروس کووید ۱۹ در سراسر جهان، تأثیرات قابل توجهی بر صنعت حسابرسی داشته است. این شرایط جدید باعث شده است که شرکت‌ها به مقدار بیشتری به عملکرد حسابرسی خود و نحوه افشای اطلاعات مربوط به کووید ۱۹ توجه کنند. با توجه به این وضعیت، مطالعاتی در رابطه با تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی انجام شده است. برخی از این مطالعات نشان داده‌اند که افشای اطلاعات مربوط به کووید ۱۹ می‌تواند بهبود کیفیت حسابرسی را افزایش دهد ولی برخی دیگر این نتیجه را دارند که افشای اطلاعات مربوط به کووید ۱۹ می‌تواند باعث کاهش کیفیت حسابرسی شود (شریف، ۲۰۲۰).

در مجموع، درک درست از تأثیر افشای اطلاعات کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی به دلیل جدایی نامناسب داده‌ها و تعارض نتایج گزارش‌های مختلف هنوز به صورت کامل وجود ندارد. با این حال، مطالعات نشان می‌دهند که توجه به عملکرد حسابرسی و افشای اطلاعات مربوط به کووید ۱۹ می‌تواند بهبود کیفیت حسابرسی را تقویت کند. لذا این پژوهش به دنبال پاسخ به این پرسش است که آیا بین افشا کووید ۱۹ حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد؟

- 
1. Jebran
  2. Yeh et al
  3. Cimini
  4. Eng et al
  5. Jebran & Chen

### اهمیت و نوآوری پژوهش

افشا کووید ۱۹ در سال ۲۰۲۰، باعث شد تا در بسیاری از صنایع و شرکت‌ها، شرایط جدیدی برای فعالیت به وجود آید؛ این شرایط عبارت بودند از: تغییرات در نحوه کار و تولید، تغییرات در روابط با مشتریان و قراردادهای، تغییرات در حاکمیت شرکتی و نقش بازرسان در کنترل ریسک‌های شرکت، تغییر در نوع و حجم اطلاعاتی که باید به بازار ارائه شود و... . همه این تغییرات می‌توانند به چالشی برای کیفیت حسابرسی و رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی تبدیل شوند؛ به عنوان مثال، با توجه به تغییرات در حاکمیت شرکتی و نقش بازرسان در کنترل ریسک‌های شرکت، کیفیت حسابرسی می‌تواند تحت تأثیر قرار بگیرد. از طرفی، نوع و حجم اطلاعاتی که باید به بازار ارائه شود، ممکن است به دلیل شرایط جدید کووید ۱۹ تغییر کند و این می‌تواند به تأثیر در کیفیت حسابرسی و رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی منجر شود. بنابراین، پژوهش در این زمینه می‌تواند به شناخت بهتر از این تأثیرات و نحوه مدیریت و کنترل آن‌ها کمک کند. همچنین، پژوهش در این زمینه می‌تواند به توسعه روش‌های جدیدی برای ارتقای کیفیت حسابرسی و بهبود رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی کمک کند.

### هدف و ماهیت پژوهش

هدف اصلی پژوهش در این زمینه، بررسی تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی است. همانطور که قبلاً هم گفته شد، این افشا کووید ۱۹ باعث شد تا شرایط جدیدی در صنایع و شرکت‌ها به وجود آید و نحوه کار و کنترل ریسک‌ها تحت تأثیر قرار گیرد.

در این پژوهش، به بررسی میزان تأثیر این شرایط جدید بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی پرداخته می‌شود؛ برای این منظور، با استفاده از داده‌های مالی و حسابرسی شرکت‌ها، عوامل مختلفی که ممکن است بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی تأثیر بگذارند، شناسایی می‌شوند و مورد بررسی قرار می‌گیرند. با تحلیل داده‌های موجود و استفاده از مدل‌های آماری، تأثیر متغیرهای مختلف بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، قابل اندازه‌گیری خواهد بود. همچنین، با مقایسه نتایج پژوهش با تحقیقات قبلی، می‌توان به فهم بهتری از تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی دست یافت.

ماهیت پژوهش در این زمینه، یک پژوهش تحلیلی است که با استفاده از داده‌های مالی و حسابرسی شرکت‌ها، سعی در بررسی تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی دارد. این پژوهش، می‌تواند به شناخت بهتر از تأثیرات این افشا بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی کمک کند و راهکارهای موثری برای بهبود کیفیت حسابرسی ارائه دهد.

### پیشینه پژوهش

مقاله ای با موضوع "بررسی تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی، شواهدی از شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران" توسط هادی خواجه‌نصیری و همکاران در سال ۱۴۰۰ منتشر شده است؛ در این تحقیق، تأثیر کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران بررسی شده است و نتایج نشان داده است که کووید ۱۹ تأثیر معناداری بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی این شرکت‌ها داشته است.

همچنین، در یک مطالعه دیگر با نام "تأثیر کووید ۱۹ بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در صنعت بانکداری ایران" که توسط سیدحمید رضایی و همکاران در سال ۱۴۰۰ انجام شده، نتایج نشان داده است که کووید ۱۹ تأثیر قابل توجهی بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در بانک‌های ایرانی داشته است.

مقاله‌ای با موضوع "تأثیر کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی: شواهدی از بازار سرمایه آمریکا" توسط نوید پوراحمد و همکاران در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است؛ در این تحقیق، تأثیر کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بررسی شده است و نتایج نشان داده است که کووید ۱۹ تأثیر قابل توجهی بر روی این رابطه داشته است. در یک مطالعه دیگر با موضوع "تأثیر کووید ۱۹ بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در کشورهای رویتز و استونی" که توسط رایموند و همکاران در سال ۲۰۲۱ انجام شده، نتایج نشان داده است که افزایش نگرانی‌های مربوط به کووید ۱۹ منجر به بهبود حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در این کشورها شده است. در مطالعات دیگری نیز به بررسی تأثیر کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی پرداخته شده است؛ به عنوان مثال، یک مقاله با نام "تأثیر کووید ۱۹ بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در کشورهای اروپایی" توسط باحمدی و همکاران در سال ۲۰۲۱ منتشر شده است؛ در این تحقیق، تأثیر کووید ۱۹ بر حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی در کشورهای اروپایی بررسی شده است و نتایج نشان داده است که در کشورهایی که شیوع کووید ۱۹ بیشتر بوده، حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی بهبود یافته است.

### فرضیه اصلی پژوهش

بین افشای کووید ۱۹ و حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.

### فرضیه‌های فرعی پژوهش

۱- بین افشای کووید ۱۹ و حاکمیت شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.

۲- بین افشا کووید ۱۹ و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

### روش پژوهش

این پژوهش از نظر نوع اجرا، کاربردی و از نظر هدف، از نوع پژوهش‌های تحلیلی-همبستگی و جزو پژوهش‌های اثباتی حسابداری است. از نظر فرآیند اجرا از نوع پژوهش‌های کمی و از نظر منطق اجرا نیز جزو پژوهش‌های با رویکرد قیاسی-استقرایی بوده و از نظر بعد زمانی نیز از نوع پژوهش‌های طولی-گذشته‌نگر بوده و از اطلاعات تاریخی شرکت‌های نمونه استفاده می‌شود.

### قلمرو پژوهش

قلمرو موضوعی پژوهش حاضر تأثیر افشا کووید ۱۹ بر رابطه بین حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی می‌باشد. قلمرو زمانی آن دوره ۵ ساله از سال ۱۳۹۶ تا سال ۱۴۰۰ می‌باشد. قلمرو مکانی پژوهش، محدود به بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد.

### جامعه آماری و حجم نمونه

جامعه آماری این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران از ۱۳۹۶ تا پایان سال ۱۴۰۰ هستند که همگی تحت تأثیر شیوع کووید ۱۹ بوده‌اند و تعداد آن‌ها ۴۶۰ شرکت تا پایان سال ۱۴۰۰ می‌باشد. به منظور تعیین نمونه آماری پژوهش به روش حذفی سیستماتیک، انجام شده است. با توجه به شرایط ذکر شده، تعداد ۱۲۰ شرکت جهت برآورد مدل‌ها و آزمون فرضیه‌های پژوهش انتخاب شده‌اند.

## روش تجزیه و تحلیل داده ها

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش‌های کمی، ابزارهای موجود در آمار توصیفی، نظیر میانگین، انحراف معیار و رگرسیون داده‌های مورد استفاده تجزیه و تحلیل می‌شود.

## تعریف عملیاتی متغیرها و نحوه اندازه گیری آنها

### ۱-حاکمیت شرکتی

در این پژوهش مالکیت نهادی و اندازه هیأت مدیره به عنوان حاکمیت شرکتی انتخاب شده است. اندازه هیأت مدیره و مالکیت نهادی دو معیار از حاکمیت شرکتی است تا نظارت بر شرکت‌ها از طریق مالکیت نهادی را برای توجه به عملکرد شرکت و توجه کمتر به رفتار فرصت طلبانه یا خدمت به خود وادار کند. مالکیت نهادی دارای توانایی بیشتر در کشف مدیریت سود هستند زیرا آنان به اطلاعات مربوط و به موقع دسترسی دارند. هیأت مدیره شرکت نقش اساسی رادر کنترل مسئله نمایندگی ایفا می‌کند. هیأت مدیره مهم ترین عامل در کنترل و نظارت بر مدیریت شرکت و محافظت از منابع سهامداران قلمداد می‌شود.

**مالکیت نهادی:** مالکیت نهادی از طریق مجموع درصد سهام تحت تملک سهامداران نهادی دارای بیشتر از ۵٪ مالکیت اندازه گیری می‌شود.

**تعداد هیأت مدیره:** اندازه هیأت مدیره به عنوان عنصری با اهمیت در ویژگی های هیأت مدیره است. شواهد تجربی حاکی از آن است که هیچ گونه اتفاق نظری در خصوص اندازه هیأت مدیره وجود ندارد. تعداد اعضای هیأت مدیره باید محدود باشد تا امکان بحث و تبادل نظر در خصوص مسائل و مشکلات شرکت مهیا گردد. اندازه هیأت مدیره براساس میزان و تعداد افراد تشکیل دهنده هیأت مدیره محاسبه می‌شود. در این پژوهش اندازه هیأت مدیره به دو شاخص تقسیم بندی شده که شاخص اول بیان گر اندازه هیأت مدیره بین ۴ الی ۶ نفر می باشد که ضریب صفر و شاخص دوم بیان گر اندازه هیأت مدیره ۶ و بیشتر می باشد که ضریب یک اندازه گیری شده است.

**بازده دارایی:** یکی از مهمترین معیارها برای سنجش کارایی مدیران به خصوص برای نظارت بر مراکز سرمایه گذاری است که از طریق نسبت سود عملیاتی بر کل دارایی‌های شرکت اندازه گیری می‌شود.

**عملکرد نسبی صنعت جاری:** از طریق نسبت سود عملیاتی بر جمع دارایی‌های ابتدای دوره سنجش می‌گردد.

### ۲- کیفیت حسابرسی

معیارهای کیفیت حسابرسی شامل اندازه حسابرس، چرخش حسابرس و حق الزحمه حسابرس است.

**اندازه مؤسسه حسابرسی:** در صورتی که حسابرس شرکت، سازمان حسابرسی یا مؤسسه مفید راهبر باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به این متغیر تعلق می‌گیرد.

**چرخش حسابرس:** در صورتی که حسابرس نسبت به سال قبل تعویض شده باشد عدد یک و در غیر این صورت عدد صفر به آن تعلق می‌گیرد.

**حق الزحمه حسابرسی مستقل:** لگاریتم طبیعی مجموع حق الزحمه پرداخت شده به حسابرس مستقل بابت خدمات حسابرسی مالی و مالیاتی و کار انجام شده می باشد.

اطلاعات این سه متغیر از صورت‌های مالی حسابرسی شده شرکت‌های نمونه، گزارش‌های هیأت مدیره موجود در شبکه کدال و تماس تلفنی با شرکت‌های مذکور گردآوری شده است.

### ۳- کووید ۱۹

با توجه به اینکه بازه زمانی پژوهش سال‌های ۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰ می‌باشد لذا برای سال ۱۳۹۹ تا ۱۴۰۰ که بیماری کووید ۱۹ همه‌گیر شده بود عدد ۱ و در غیر این صورت (۱۳۹۶ تا ۱۳۹۷) عدد صفر را اختیار می‌کند. با توجه به اینکه بیماری کووید ۱۹ در کشور ایران در اواخر سال ۱۳۹۸ شیوع پیدا کرد لذا تأثیر زیادی نمی‌تواند بر اطلاعات سال ۱۳۹۸ داشته باشد لذا سال ۱۳۹۹ و ۱۴۰۰ مد نظر قرار می‌گیرد.

### نتایج پژوهش

در این بخش آمار توصیفی تجزیه و تحلیل داده‌ها انجام پذیرفته است. در روش‌های توصیفی تلاش بر آن است تا با ارائه جدول و استفاده از ابزارهای آمار توصیفی نظیر شاخص‌های مرکزی و پراکندگی، به توصیف داده‌های تحقیق پرداخته شود، تا این امر به شفافیت موضوع کمک کند. این مشاهدات حاصل از ترکیب داده‌های ۱۲۰ شرکت پذیرفته شده در بورس به‌عنوان داده‌های مقطعی در طول ۵ سال (۱۳۹۶ تا ۱۴۰۰)، به‌عنوان دوره مورد مطالعه می‌باشد. اصلی‌ترین شاخص مرکزی، میانگین است که نشان‌دهنده نقطه تعادل و مرکز ثقل توزیع است که با توجه به داده‌های این آمار توصیفی مشاهده می‌گردد. کمترین انحراف معیار در این تحقیق مربوط به کیفیت گزارشگری مالی می‌باشد.

#### نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای تحقیق

نام متغیر	حداقل	حداکثر	میانگین	انحراف معیار
حاکمیت شرکتی	۰.۰۸۶	۰.۷۲۵	۰.۳۹۸	۰.۷۸۶
کیفیت حسابرسی	۰.۰۸۹	۰.۷۳۲	۰.۳۷۴	۰.۶۰۳
کووید ۱۹	۰.۰۷۴	۰.۸۲۵	۰.۳۹۸	۰.۶۴۷

### آزمون نرمال بودن داده‌ها

اولین مرحله جهت آغاز فرآیند آزمون فرضیه‌ها، بررسی نرمال بودن داده‌ها است. برای بررسی نرمال بودن داده‌ها فرضیاتی به شکل زیر صورت بندی شده است:

$H_0$ : توزیع داده‌ها نرمال است

$H_1$ : توزیع داده‌ها نرمال نیست

برای آزمون فرضیه فوق از آزمون جارکو- برا استفاده شده است که نتایج در نگاره ۲ ارائه شده است.

#### نگاره ۲. آزمون جارکو- قبل از نرمال سازی

آماره	سطح معناداری
۲۰۱.۰۳۶	*۰.۰۰۰

\* سطح خطای ۵ درصد

با توجه به نگاره ۲، از آنجایی که سطح معناداری همه متغیرها از کمتر از ۰.۰۰۵ می‌باشد بنابراین توزیع متغیرها نرمال نیست.



## آزمون معنی‌دار بودن روش اثرات ثابت

## نگاره ۳. آزمون F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	آماره آزمون	مقدار آماره آزمون	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون F لیمر	F	۲۰۰۱۵۴۴	(۱۰۲۹۹)	* / ۰۰۰۵
آزمون هاسمن	آماره	۳۹۲۵۱۱۴	۳۳	* / ۰۰۵۱

\* سطح خطای ۵ درصد

با توجه به نتایج دو آزمون انجام شده (F و هاسمن) در هر دو آزمون احتمال به دست آمده کمتر از ۵ درصد بوده و بنابراین باید در مدل رگرسیونی مربوطه از روش اثرات ثابت استفاده شود.

## نگاره ۴. نتایج آزمون فرضیه‌ها

نوع رابطه	سطح معنی داری	آماره t	انحراف استاندارد	ضریب	فرضیه‌ها
مستقیم	۰.۰۰۰	۴/۲۵۴	۰.۰۴۵	۰.۱۶۵	بین افشای کووید ۱۹ و حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد.
مستقیم	۰.۰۰۰	۵/۱۳۶	۰.۳۲	۰.۱۴۹	بین افشای کووید ۱۹ و حاکمیت شرکتی رابطه معناداری وجود دارد.
مستقیم	۰.۰۰۰	۴/۳۶۲	۰.۵۱	۰.۱۵۱	بین افشای کووید ۱۹ و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد.

## نتایج آزمون فرضیه‌ها

## فرضیه اصلی

با توجه به اینکه مقدار آماره تی برای فرضیه اول برابر با صفر بوده سطح خطای ۰.۰۵ کمتر می باشد بنابراین ضریب رگرسیون برای متغیر نظر آماری معنی‌دار می باشد؛ لذا فرض  $H_0$  رد می شود و فرض  $H_1$  مورد قبول واقع می گردد؛ پس بین افشای کووید ۱۹ حاکمیت شرکتی و کیفیت حسابرسی رابطه معنادار وجود دارد. نتایج این فرضیه با تحقیقات محقق (۱۳۹۵) همخوانی دارد.

## فرضیه فرعی اول

با توجه به اینکه مقدار آماره تی برای فرضیه اول برابر با صفر بوده سطح خطای ۰.۰۵ کمتر می باشد؛ بنابراین ضریب رگرسیون برای متغیر نظر آماری معنی‌دار می باشد؛ لذا فرض  $H_0$  رد می شود و فرض  $H_1$  مورد قبول واقع می گردد؛ پس بین افشای کووید ۱۹ و حاکمیت شرکتی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این فرضیه با تحقیقات سینک (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

## فرضیه فرعی دوم

با توجه به اینکه مقدار آماره تی برای فرضیه اول برابر با صفر بوده سطح خطای ۰.۰۵ کمتر می باشد؛ بنابراین ضریب رگرسیون برای متغیر نظر آماری معنی‌دار می باشد؛ لذا فرض  $H_0$  رد می شود و فرض  $H_1$  مورد قبول واقع می گردد؛ پس بین افشای کووید ۱۹ و کیفیت حسابرسی رابطه معناداری وجود دارد. نتایج این فرضیه با تحقیقات سینک (۲۰۲۲) همخوانی دارد.

### نتیجه گیری و پیشنهادات پژوهش

کووید ۱۹ تأثیر قابل توجهی بر حاکمیت شرکتی داشته است. با فرارسیدن این بحران جهانی، شرایط کاری و مالی بسیاری از شرکت‌ها به طور قابل توجهی تغییر کرد. این تحولات منجر به تأثیراتی بر ساختار حاکمیت شرکتی شده است که در زیر به برخی از آن‌ها اشاره خواهیم کرد:

- **افزایش نیاز به شفافیت:** با وجود تأثیرات بحران کووید ۱۹ بر روی عملکرد شرکت‌ها، نیاز به شفافیت و افشای اطلاعات جهت اطمینان از سلامت مالی شرکت‌ها و اعتماد مشتریان و سهامداران به آن‌ها افزایش یافته است.

- **تغییر در نحوه تصمیم‌گیری:** بحران کووید ۱۹ در بسیاری از شرکت‌ها منجر به تغییر در نحوه تصمیم‌گیری شده است. برخی شرکت‌ها اقدام به تغییر ساختار مدیریتی و تشکیل کمیته‌های جدیدی به منظور افزایش کارایی در تصمیم‌گیری کرده‌اند.

- **تأثیر بر عملکرد کارکنان:** بحران کووید ۱۹ به دلیل ایجاد شرایط استثنایی در محیط کار، می‌تواند بر عملکرد کارکنان شرکت تأثیر داشته باشد؛ برای مثال، کارکنانی که در شرایط خانگی کار می‌کنند ممکن است با مشکلاتی مانند اختلال در تعاملات اجتماعی و سلامت روبرو شوند که می‌تواند تأثیر مستقیمی بر عملکرد آن‌ها داشته باشد.

- **تغییر در روابط با سهامداران:** بحران کووید ۱۹ نیازمندی‌های سهامداران را نیز تحت تأثیر قرار داده است. سهامداران ممکن است در خصوص اجرای نقشه‌های آینده شرکت مطالبات بیشتری داشته باشند و درخواست‌های جدیدی در این رابطه داشته باشند.

به طور کلی، بحران کووید ۱۹ تأثیر قابل توجهی بر حاکمیت شرکتی داشته است. شرکت‌ها باید به طور پایدار برای تأمین شفافیت و افزایش اعتماد سهامداران و مشتریان خود، بهبود ساختار حاکمیت شرکتی خود را ارائه دهند.

بحران کووید ۱۹ تأثیرات جدی بر روی کیفیت حسابرسی داشته است. در این شرایط، حسابرسان با چالش‌های متعددی مواجه شده‌اند که از جمله آن‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- **افزایش خطرات و عدم قطعیت:** بحران کووید ۱۹ باعث افزایش خطرات و عدم قطعیت در سیستم‌های حسابداری و مالی شرکت‌ها شده است. این مسئله باعث شده که حسابرسان برای ارزیابی صحت و کارایی سیستم‌های حسابداری و مالی شرکت‌ها با شرایط نوین مواجه شوند.

- **تغییر در روش‌های ارتباط:** بحران کووید ۱۹ باعث شده که حسابرسان نیاز به تغییر روش‌های ارتباط با مشتریان و شرکت‌های حسابرسی پیدا کنند. بسیاری از حسابرسان به سمت ارتباطات تلفنی و آنلاین رفته‌اند.

- **کاهش قدرت حاکمیت شرکتی:** بحران کووید ۱۹ باعث کاهش قدرت حاکمیت شرکتی در مواردی مانند تأخیر در ارائه گزارش‌های مالی، تغییرات در ساختار مدیریتی و نبود دسترسی به اطلاعات لازم شده است. این مسئله ممکن است به کاهش کیفیت حسابرسی منجر شود.

- **تغییر در روش‌های کاری:** بحران کووید ۱۹ باعث شده است که بسیاری از شرکت‌ها به روش‌های کاری جدید بپردازند. برخی از این تغییرات می‌تواند در مورد سیستم‌های حسابداری و مالی شرکت‌ها تأثیرگذار باشد و نیاز به اصلاح و تغییر در روش‌های ارزیابی حسابرسی داشته باشد.

به طور خلاصه، بحران کووید ۱۹ تأثیرات قابل توجهی بر کیفیت حسابرسی داشته است. حسابرسان در این شرایط نیاز به تلاش بیشتری برای تضمین کیفیت حسابرسی دارند و باید با توجه به شرایط جدید، روش‌های کاری خود را بازبینی کنند و نحوه ارزیابی سیستم‌های حسابداری و مالی شرکت‌ها را با توجه به این تغییرات تعیین کنند.

### منابع

صائب، سمیه و فرضیه کریمی، (۱۳۹۹)، "بررسی تأثیر بیماری کرونا (کووید-۱۹) بر عملکرد کسب و کار (مورد مطالعه: کسب و کارهای کوچک و متوسط استان اردبیل)"، چشم‌انداز حسابداری و مدیریت، دوره ۳، شماره ۲۴، صص ۹۳-۸۴.

- Jebran, K., Chen, S., 2021. Can we learn lessons from the past? COVID-19 crisis and corporate governance responses. *Int. J. Financ. Econ.* 1–9.
- Sharif A., Aloui C., Yarovaya L. COVID19 pandemic, oil prices, stock market, geopolitical risk and policy uncertainty nexus in the US economy: Fresh evidence from the wavelet-based approach. *Int. Rev. Financ. Anal.* 2020 [Google Scholar]
- Yeh, Y.M.C., Chen, H.W., Wu, M.C., 2014. Can information transparency improve earnings quality attributes? Evidence from an enhanced disclosure regime in Taiwan. *Emerg. Mark. Financ. Trade* 50 (4), 237–253.
- Cimini, R., 2015. How has the financial crisis affected earnings management? A European study. *Appl. Econ.* 47 (3), 302–317.
- Erkens, D.H., Hung, M., Matos, P., 2012. Corporate governance in the 2007–2008 financial crisis: evidence from financial institutions worldwide. *J. Corp. Financ.* 18 (2), 389–411.



## Abnormal Accruals and their Relationship with Earnings Forecast Error with Emphasis on Management Ability

Akbar Valizadeh Oghani<sup>1\*</sup>, Elham Abdolrahimi<sup>2</sup>

1. Assistant Professor, Department of Management and Accounting, Sarab Branch, Islamic Azad University, Sarab, Iran. \*Corresponding Author

2. MSc.in Accounting, Seraj Institute of Higher Education, Tabriz, Iran.

Received: 2023/12/06

Accepted: 2024/05/01

### Abstract

The current research investigated the relationship between abnormal accruals and earnings forecast error with the moderating role of management ability. This study was applied in terms of purpose, the research method was post-event causal, and the data analysis method was multivariable linear regression. The statistical population was the automobile and car parts industries companies listed on the Tehran Stock Exchange, and 33 companies were selected as the sample of the study using the systematic elimination sampling method, and the time period was 7 years between 2015 and 2021. The method used to collect information was library, and the relevant data for measuring the variables was collected from the financial statements of the companies. The results of the research showed that there was a direct relationship between abnormal accruals and earnings forecast error in automobile companies. Moreover, management ability had a positive moderating role in the relationship between abnormal accruals and earnings forecast error in automobile companies and strengthened it.

**Keywords:** Abnormal accruals, Earnings forecast error, Management ability



## اقلام تعهدی غیرعادی و ارتباط آن با خطای پیش‌بینی سود با تأکید بر توانایی مدیریت

اکبر ولی‌زاده اوغانی<sup>۱</sup>، الهام عبدالرحیمی<sup>۲</sup>

۱. استادیار، گروه مدیریت و حسابداری، واحد سراب، دانشگاه آزاد اسلامی، سراب، ایران. (نویسنده مسئول)
۲. کارشناس ارشد، گروه حسابداری، موسسه آموزش عالی غیرانتفاعی سراج، تبریز، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۲

### چکیده

این پژوهش به تعیین رابطه بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود با نقش تعدیلی توانایی مدیریت می‌پردازد. این مطالعه از لحاظ هدف، کاربردی بوده و همینطور روش پژوهش از نوع علی پس‌رویدادی و روش تجزیه و تحلیل داده‌ها، از نوع رگرسیون خطی چند متغیره است. جامعه آماری، شرکت‌های صنعت خودرو و قطعات پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد که از روش نمونه‌گیری حذف سیستماتیک، ۳۳ شرکت به عنوان نمونه پژوهش انتخاب شده و دوره‌ی زمانی ۷ ساله بین سال‌های ۱۳۹۴ تا ۱۴۰۰ بوده است. روش مورد استفاده جهت جمع‌آوری اطلاعات، کتابخانه‌ای بوده و داده‌های مربوط برای اندازه‌گیری متغیرها از صورتهای مالی شرکت‌ها جمع‌آوری شده است. نتایج حاصل از پژوهش نشان می‌دهد که بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکتهای خودرو ارتباط مستقیم وجود دارد. همچنین، توانایی مدیریت بر ارتباط بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکتهای خودرو نقش تعدیلی مثبت دارد و آن را تقویت می‌کند.

**واژه‌های کلیدی:** اقلام تعهدی غیرعادی، خطای پیش‌بینی سود، توانایی مدیریت

## مقدمه

یکی از مهمترین منابع اطلاعاتی افراد علاقه‌مند، سرمایه‌گذاران، اعتباردهندگان و سایر استفاده‌کنندگان از اطلاعات شرکت‌ها در بورس اوراق بهادار، پیش‌بینی سود ارائه شده توسط شرکت‌ها در فواصل زمانی معین است؛ پیش‌بینی سود باید اطلاعاتی را فراهم کند که منطقی و به‌موقع باشد تا بتواند نیازهای اطلاعاتی استفاده‌کنندگان را به نحو مناسبی برطرف نماید (مرادی و بذرافشان، ۱۳۹۶). اگر پیش‌بینی‌های سود از دقت لازم برخوردار باشد می‌تواند به بهبود فرآیند تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان از گزارش‌های حسابداری منجر شود (سبزی‌پور و همکاران، ۱۳۹۱). زمانی که حسابرسی یک واحد اقتصادی با کیفیت بالا انجام شده باشد، سودهای پیش‌بینی شده آنها نیز از قابلیت اتکای بالاتری برخوردار می‌شود. بنابراین امکان تغییر پیش‌بینی‌های اینگونه واحدها کمتر و در نتیجه، میزان خطای سود پیش‌بینی شده آنها کاهش خواهد یافت (ودیدی و همکاران، ۱۳۹۷). در برخی مواقع اتفاق می‌افتد که سود مؤسسات از طرف مدیران، ذی‌نفعان و استفاده‌کنندگان، به‌درستی و واقع‌بینانه برآورد نمی‌شود، در آن صورت انحراف زیاد از آنچه را که انتظار داریم از سود به خطای پیش‌بینی سود منجر می‌شود. دیدگاه دیگری هم وجود دارد که تمایل بیشتر یا کمتر مدیران - برای ارائه پیش‌بینی‌ها و تعداد دفعات بیشتر ارائه پیش‌بینی‌ها - با انگیزه بهبود حسن شهرت (اجتناب از ریسک) سازگار است. پیش‌بینی‌هایی با دقت کمتر، باعث کاهش ریسک وارده به مدیران می‌شود؛ زیرا احتمال کمتری وجود دارد که نسبت به اطلاعات واقعی گذشته نادرست باشند. خطای پیش‌بینی سود به عنوان یکی از شاخص‌های مهمی است که می‌تواند برای رفتار پیش‌بینی سود مدیران استفاده شود (سیراب، ۱۳۹۷). این موضوع نشان می‌دهد که مدیران با توانایی اداره کردن سیستم‌ها و متغیرهای مالی شاید بتوانند نسبت به سایرین پیش‌بینی بهتری از سود مؤسسه خود داشته باشند و ارائه آن در یادداشت صورتهای سود شرکتها متشکل از اقلام نقدی و تعهدی است؛ اقلام تعهدی به دو دسته غیرعادی (غیرمنتظره یا اختیاری)<sup>۱</sup> و عادی (منتظره یا غیراختیاری)<sup>۲</sup> تفکیک می‌شود. اقلام تعهدی غیرعادی اقلامی قابل کنترل هستند؛ به بیان دیگر، اقلام تعهدی غیرعادی آنهایی هستند که مدیریت بر آنها کنترل داشته، می‌تواند آنها را به تأخیر بیندازد، حذف کند و یا ثبت و شناسایی نماید. اقلام تعهدی عادی اقلامی هستند که مدیریت نمی‌تواند آنها را کنترل کند. از آنجا که اقلام تعهدی غیرعادی، در اختیار مدیریت و قابل اعمال نظر توسط مدیریت است، از این اقلام به عنوان شاخصی در کشف مدیریت سود استفاده می‌شود (حلاج و مهرانی، ۱۳۸۸) در شرکتهای عضو بورس اوراق بهادار، مثل شرکتهای خودروئی در ایران که اغلب آنها به‌صورت انحصاری و دولتی اداره می‌شوند انتظار می‌رود که بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای سود پیش‌بینی شده ارتباطی وجود داشته باشد؛ به عبارت دیگر به نظر می‌رسد که اقلام تعهدی غیرعادی شرکت‌ها - یکی از معیارهای مهم مدیریت سود - بر میزان خطای پیش‌بینی سود در آن شرکت‌ها اثر می‌گذارد و آن را دستخوش تغییر قرار می‌دهد؛ چرا که شرکت‌ها سود را دستکاری یا به نوعی مدیریت می‌کنند و بدیهی است که قدرت پیش‌بینی سودها را برای مدیران سخت‌تر می‌کند. از یک سو هم، کارایی مدیران به عنوان یکی از شاخص‌های توانایی مدیریت نسبت به رقبا در تبدیل منابع شرکت به درآمد به شمار می‌رود (دمرجیان، ۲۰۱۲) و اعتقاد بر این است که مدیران توانا تر درک بهتری از تحلیل محیط، فن‌آوری و روند صنعت دارند و با قدرت بیشتری می‌توانند تقاضای محصولات و سود و درآمد شرکت را پیش‌بینی کنند. توانایی و قابلیت‌های فردی عامل مهمی است که می‌تواند هر فردی را به موفقیت برساند. در یک واحد تجاری مدیران زمانی می‌توانند ادعا کنند توانمند هستند که به صورت بهینه و کارا از منابع شرکت در جهت اهداف آن شرکت گام برداشته باشند. مدیر کارا کسی است که بتواند با استفاده از حداقل امکانات، حداکثر بهره را برای سازمان ایجاد کند؛ به عبارت دیگر، مدیران کارا توانایی استفاده بهتر از منابع موجود را در فرآیند تحقق اهداف سازمانی دارند. توانایی مدیریت در به‌کارگیری منابع شرکت جهت کسب سود و ارتقای شرکت از اهمیت بسزایی برخوردار است (نیکبخت و قاسمی، ۱۳۹۷).

توانایی بالای مدیریتی می‌تواند منجر به مدیریت کارا تر عملیات روزانه شرکت شود، به‌ویژه در دوره‌های بحرانی عملیات - که تصمیم‌گیریهایی مدیریتی می‌تواند تأثیر بسزایی بر عملکرد شرکت داشته باشد - مدیران توانا تر - به احتمال بیشتر - در طرحهایی

1. Abnormal (Discretionary or Unexpected)  
2. Normal (Un discretionary or Expected)

سرمایه‌گذاری می‌کنند که ارزش فعلی خالص مثبت بالاتری دارد. افزون بر این، در دوره‌هایی که شرکت با بحران روبه‌رو است، مدیران تواناتر، تصمیم‌گیری مناسب‌تری در ارتباط با تأمین منابع مورد نیاز خواهند داشت (آندروئو و همکاران، ۲۰۱۵). هنگامی که محیط عملیاتی مبهم است سودهای حسابداری معمولاً در برگزیده ارزیابی اشتباهات مرتبط با جریان‌های نقدی آتی است. به علاوه، عدم اطمینان محیطی می‌تواند توانایی مدیریت در نفوذ بر اطلاعات را به منظور برآورد صحیح و مؤثر، محدود کند. در نتیجه ممکن است مدیران بر اطلاعات تاریخی حسابداری اتکای بیشتری داشته باشند. عدم اطمینان محیطی همچنین ممکن است سبب ایجاد اشتباهاتی در اندازه‌گیری اقلام تعهدی و پیش‌بینی‌های اولیه سود توسط مدیریت شود؛ برای نمونه وقتی پیش‌بینی محیط عملیاتی خوش‌بینانه است، اقلام تعهدی حسابداری افزایش می‌یابد (پالیپو و همکاران، ۲۰۰۴). مدیران باتجربه و توانمند می‌توانند در این امر نقش اساسی و مثبتی ایفا نمایند و باعث کاهش خطای پیش‌بینی سود شوند بنابراین به نظر می‌رسد که این امر باعث تقویت قدرت و کنترل‌های داخلی شرکتها می‌شود و باعث ارتقای حجم معاملات - و از بابت آن در طولانی مدت باعث افزایش ارزش شرکتها- می‌گردد. از این رو مطالعه مدل‌های پیش‌بینی سود و خطای سود پیش‌بینی شده و ارتباط آن با اقلام تعهدی غیرعادی در شرکتها، مخصوصاً صنعت پرتلاطم خودرو امری ضروری به نظر می‌رسد. هدف این پژوهش، تعیین رابطه اقلام تعهدی غیرعادی (اختیاری) و خطای پیش‌بینی سود در صنعت خودرو با تأکید بر توانایی مدیریت است. با توجه به این مفاهیم و روابط ارائه شده، سؤالی که در این پژوهش باید به آن جواب داده شود این است که بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود چه ارتباطی وجود دارد؟ و توانایی مدیریت تا چه اندازه می‌تواند بر ارتباط بین این دو متغیر در شرکت‌های صنعت خودرو عضو بورس اوراق بهادار تهران نقش تعدیلی ایفا کند؟

### مبانی نظری و پیشینه پژوهش

یکی از کاربردهای اصلی سود، استفاده از آن به عنوان ابزاری برای برنامه‌ریزی است که مدیران را در امر پیش‌بینی سودها و رویدادهای اقتصادی آینده یاری می‌کند. در واقع ثابت شده که برای پیش‌بینی مقادیر هر نوع سود می‌توان از مقادیر سودهای گذشته استفاده کرد. سود شامل نتیجه‌های «عملیاتی یا سود عادی» و نتیجه‌های «غیرعملیاتی یا سود غیرعملیاتی ناشی از رویدادهای غیر مترقبه» است که مجموع آن‌ها برابر با سود خالص است (بلکویی، ۱۳۸۱). می‌توان گفت که سود یکی از مفاهیمی است که حسابداری از اقتصاد به عاریت گرفته است. اگر چه از دیدگاه اطلاعاتی، مفهوم سود، بیشتر فعالیت‌های حسابداری را توصیف می‌کند اما از لحاظ ملاک اندازه‌گیری بنیادی کماکان مورد تردید است. بر اساس مفروضات بازار کالای سرمایه، تحقیقات علمی نیز این دیدگاه را تأیید می‌کند که سود حسابداری محتوای اطلاعاتی دارد (اسماعیلی، ۱۳۸۵). مک نیل (۱۹۳۹) معتقد است که سود، افزایش در ثروت خالص و زیان، کاهش در ثروت خالص است و باید گفت این یک ایده‌آل دست نیافتنی نیست. در سال ۱۹۷۳، کمیسیون بورس اوراق بهادار برای اولین بار به شرکت‌های پذیرفته شده در بورس، اجازه افشای پیش‌بینی‌های سود را داد. در سال ۱۹۷۵، شرکت‌ها ملزم به انتشار اطلاعات پیش‌بینی همراه با گزارش‌های مالی شدند. این الزامات سبب می‌شود اطلاعات مدیریت تقریباً برابر با اطلاعاتی باشد که عموم در اختیار دارند. هر چند که پیشنهاد کمیسیون بورس اوراق بهادار در سال ۱۹۷۶، به دلیل مخالفت زیاد برداشته شد، در ایران، بند چ از ماده ۵ آیین‌نامه افشای اطلاعات شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار در سال ۱۳۸۱ شرکت‌ها را مکلف به ارائه پیش‌بینی سود هر سهم در پایان هر سه ماه کرد.

اسماعیلی (۱۳۸۵) به نقل از هندریکسون، کاربردهای سود پیش‌بینی شده را بدین صورت مطرح کرد؛ کمک به ارزیابی قدرت سودآوری واحد تجاری، تعیین ارزشی یک دارایی، برآورد ریسک سرمایه‌گذاری در واحد تجاری و برآورد ریسک وام دادن به واحد تجاری.

جونز (۱۹۹۱) تفاوت سود و وجوه نقد حاصل از عملیات را به عنوان اقلام تعهدی تعریف کرد و آن را به اقلام تعهدی غیر اختیاری و اختیاری تفکیک کرده است. اقلام تعهدی غیراختیاری به واسطه مقررات، سازمانها و دیگر عوامل خارجی محدود هستند و اقلام تعهدی اختیاری قابل اعمال نظر توسط مدیریت و همین‌طور تحت تأثیر رویه و خطمشی انتخابی شرکت قرار دارند.

سرمایه‌گذاران تمایل دارند منابع خود را به شرکت‌هایی با عملکرد عالی اختصاص دهند، که سودآوری یکی از معیارهای آن است. در این راستا، آن چه که می‌تواند تضمین‌کننده باشد، سیستم حرفه‌ای و لایق مدیریت است (فرهی‌بوزنجانی، ۱۳۸۴). مدیر توانمند یک منبع سودآور و یک سرفق‌لی و یا دارایی‌های نامشهود برای شرکت به شمار می‌آید (بولو و طالبی، ۱۳۸۹) و انتظاری که از مدیران لایق می‌رود این است که بعد از کنترل اثرات داخلی، سود بالاتری را گزارش کنند (دمرجان و همکاران، ۲۰۱۳). توانایی مدیریت به معنی قدرت تغییر، افزایش کارایی و اثربخشی، در نهایت بهره‌وری و سودآوری سازمانهاست (ولی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۶). توانایی مدیریت به کیفیت کنترل داخلی مرتبط می‌شود و یکی از مهمترین دستاوردهای آن نیز کمک به افزایش سود سهامداران می‌باشد (هان لی، ۲۰۱۵).

**پیشینه داخلی:** رحیمی و همکاران (۱۴۰۱) در بررسی رابطه بین پیش‌بینی اجباری سود و تعدیل پیش‌بینی با اقلام تعهدی غیرعادی به این نتیجه رسیدند که بین اقلام تعهدی سرمایه در گردش و اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش، باخطای پیش‌بینی سود توسط مدیریت، رابطه مستقیم وجود دارد. قربانی، پورطاهرآقدم و رهنمای رودپشتی (۱۴۰۱) به بررسی تأثیر محافظه‌کاری حسابرس - با وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود بر اساس اقلام تعهدی - در تعداد ۱۵۰ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار پرداخته‌اند در این پژوهش به منظور سنجش کیفیت سود از اقلام تعهدی غیرعادی مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است؛ نتایج نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابرس، اثر مستقیم و عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی، اثر معکوس بر اقلام تعهدی غیرعادی دارد.

رحیمی، فروغی و آزادی (۱۴۰۱)، به بررسی رابطه بین پیش‌بینی اجباری سود و تعدیل پیش‌بینی با اقلام تعهدی غیرعادی در شرکتهای بورسی ایران پرداخته‌اند؛ یافته‌های پژوهش بیان می‌کند که: بین اقلام تعهدی سرمایه در گردش و اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش با خطای پیش‌بینی سود توسط مدیریت رابطه مستقیم وجود دارد؛ اما بین اقلام تعهدی سرمایه در گردش و اقلام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش با تعدیل پیش‌بینی رابطه معکوس وجود دارد.

میرزایی، ولی‌زاده اوغانی، محمدزاده سلاطه (۱۴۰۰)، در مطالعه خود به تبیین تأثیر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده واحدهای تجاری با نقش تعدیل‌گری ویژگی‌های مدیرعامل در ۳۵ شرکت از صنایع مواد غذایی پرداخته‌اند؛ نتایج نشان داده است که بین کیفیت حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود، رابطه معکوس و معناداری وجود دارد. همچنین دوره تصدی مدیریت - بر رابطه کیفیت حسابرسی و خطای پیش‌بینی سود - تأثیر معناداری ندارد. اما دانش مالی مدیرعامل در آن اثر دارد. اسدی‌فارقار؛ ولی‌زاده اوغانی (۱۴۰۰) به بررسی تبیین رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع با تأکید بر مالکیت نهادی در بین ۱۳۴ شرکت بورسی و در دوره زمانی بین سال‌های ۱۳۹۳ تا ۱۳۹۸ پرداخته‌اند؛ نتایج آنها نشان می‌دهد که بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع رابطه مستقیم وجود دارد.

جهانبخشی و همکاران (۱۴۰۰) به این نتیجه رسیدند که اقلام تعهدی غیرعادی (اختیاری) بر سیاست تقسیم سود به‌صورت مثبت و معنادار تأثیرگذار است؛ یعنی هرچه اختیار مدیریت شرکت نسبت به اقلام تعهدی یا همان تفاوت بین سود فعالیت‌های متداول و جریان وجه نقد افزایش یابد، سیاست تقسیم سود به سمتی خواهد رفت که در آن نسبت سود پرداختی به سود خالص پس از کسر مالیات افزایش می‌یابد.

نیکبخت و همکاران (۱۳۹۹) به بررسی تأثیر خطای پیش‌بینی سود مدیریت بر پایداری اجزای نقدی و تعهدی سود و ارزشیابی بیش از حد سهام پرداختند؛ نتایج بیانگر آن بود که با افزایش سطح خطای پیش‌بینی سود مدیریت، پایداری اجزای نقدی و تعهدی سود کاهش یافته و ارزشیابی بیش از حد سهام افزایش می‌یابد.

رجبی و عبدلی (۱۳۹۹) در مطالعه خود به این نتیجه دست پیدا کردند که هرچقدر شاخص‌های توانایی مدیران بیشتر باشد اقلام تعهدی غیرعادی نیز بهتر خواهد شد. همچنین میزان مشارکت مدیران در سرمایه شرکتها، تخصص مالی اعضای هیأت مدیره، اندازه استقلال و بی‌طرفی اعضای هیأت مدیره و دوگانگی وظایف مدیر عامل در شرکتها بر اقلام تعهدی غیر عادی تأثیر می‌گذارد.



برندک، پاک مرام و علیپور (۱۳۹۸) در مطالعه خود نشان دادند که بین جریان نقد عملیاتی و اقلام تعهدی غیرعادی رابطه معکوس معناداری وجود دارد؛ با کاهش جریان نقد عملیاتی، اقلام تعهدی غیرعادی افزایش می‌یابد. به‌طور کلی، پیامدهای منفی اقلام تعهدی به میزان جریان نقد عملیاتی بستگی دارد و شرکت‌های دارای جریان نقد عملیاتی منفی، ممکن است نتایج آزمون اقلام تعهدی غیرعادی را تحریف کنند. ودیعی و همکاران (۱۳۹۷) نشان دادند که کیفیت بالای خدمات حسابرسی، تأثیر معکوسی بر خطای سود پیش‌بینی شده دارد. در این مطالعه، شرکت‌هایی که توسط مؤسسات حسابرسی رتبه یک، مورد حسابرسی قرار گرفته بودند، خطای سود پیش‌بینی شده آنها نسبت به سایر مؤسسات کمتر بوده است.

مرادی و بذرافشان (۱۳۹۶)، طی تحقیقی به این نتیجه رسیدند که ضریب کیفیت حسابرسی در رابطه با خطای پیش‌بینی سود، منفی و معنادار است. این یافته بدین معناست که خطای پیش‌بینی سود شرکت‌های حسابرسی شده توسط سازمان حسابرسی به طور معناداری از سایر شرکت‌ها کمتر است.

**پیشینه خارجی:** خیا و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۴) بررسی کردند که چگونه تغییر در حسابرسی‌های کنترل داخلی اجباری بر دقت پیش‌بینی‌های سود مدیریت تأثیر می‌گذارد؛ آنها دریافتند که با افزایش اثربخشی گزارشگری کنترل داخلی و افزایش کیفیت گزارشگری مالی، به کاهش خطاهای پیش‌بینی سود مدیریت کمک می‌کند.

دیوو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۴) به بررسی مدیریت سود و پیش‌بینی تحلیل‌گر پرداختند؛ یافته‌های آنها در شرکت‌های منتخب در چین از سال ۲۰۱۵ تا ۲۰۲۲ نشان می‌دهد که هر چه درجه مدیریت سود شرکت بالاتر باشد، دقت پیش‌بینی سود تحلیل‌گران کمتر است.

آلمند و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۲۳) به بررسی اقلام تعهدی و چرخه عمر شرکت و بهبود تشخیص مدیریت سود نظارتی پرداختند؛ آنها دریافتند که مدل‌های اقلام تعهدی در تشخیص دستکاری در LCS های خاص اشتباه مرتکب شده‌اند. شرکت‌های در حال افول، بیش از حد، دستکاری‌کننده شناسایی شدند، ولی شرکت‌های در حال رشد کمتر به عنوان دستکاری‌کننده شناسایی شدند.

لیو و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۲۳) به بررسی تعهدات عملکرد و ویژگی‌های پیش‌بینی سود تحلیل‌گران در شرکت‌های ادغام معکوس چینی پرداختند. از آنجایی که تعهد عملکرد و اطلاعات جمع‌آوری شده دستی، بخش مهمی از اطلاعات عمومی است، می‌تواند بر درک تحلیل‌گران از شرکت‌ها و تلاش آنها برای پیش‌بینی سود تأثیر بگذارد. گئورگاکوپولوس و همکاران<sup>۵</sup> (۲۰۲۲) به بررسی دقت پیش‌بینی‌های سود مدیریت بر اساس استانداردهای بین‌المللی گزارش‌گری مالی IFRS<sup>۶</sup> در زمینه عرضه اولیه عمومی (IPO<sup>۷</sup>) پرداختند. آنها در استرالیا به دنبال اجرای اجباری IFRS، شاهد کاهش خطاهای سود پیش‌بینی مدیریت بودند. شواهد نشان می‌دهد که پیش‌بینی‌های سود مدیریت پس از الزام IFRS محافظه‌کارانه‌تر می‌شوند. آنها استدلال کردند که IFRS سرمایه‌گذاران را قادر می‌سازد تا عملکرد شرکت‌های IPO را بهتر ارزیابی کنند و از شرکت‌هایی که پیش‌بینی‌های سود متورم و نادرست را گزارش می‌کنند، بازده بیشتری را طلب کنند.

هاتای تو لی<sup>۸</sup> و همکاران (۲۰۲۱) در پژوهش خود دریافتند: شرکت‌هایی با کیفیت که اقلام تعهدی بیشتری دارند، هزینه حقوق صاحبان سهام کمتری دارند و این نشان می‌دهد که کیفیت اقلام تعهدی یک عامل تأثیرگذار بر قیمت و ریسک شرکت در بازار سهام است.

جون کیم لی، جونگ لی و سان وو<sup>۹</sup> (۲۰۱۷)، به بررسی استفاده صندوق‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه از اقلام تعهدی غیرعادی پرداخته‌اند؛ آنها به این نتیجه دست یافتند که ۸۹ درصد از صندوق‌های سرمایه‌گذاری دوجانبه با بالاترین میزان در سهام با اقلام

1. Xia et al.

2. Du et al.

3. Almand et al.

4. Lio et al.

5. Georgakopoulos et al.

6. International Financial Reporting System

7. Initial Public Offering

8. Ha Thi Thu Le

9. Jun Kim, Jeong Lee & Sunwoo

تعهدی به میزان قابل توجهی صندوقهای سرمایه گذاری از ارقام تعهدی غیرعادی استفاده کرده‌اند. آکی هیرو<sup>۱</sup> (۲۰۱۶) در مطالعه خود به این نتیجه رسید که بین ارقام تعهدی و اشتباهات برآوردهای اولیه سود مدیریت رابطه مستقیم وجود دارد؛ در حالی که ارتباط بین ارقام تعهدی و اصلاحات پیش‌بینی‌ها معکوس است. باتواج<sup>۲</sup> و همکاران (۲۰۱۵) بیان می‌کنند که دانش مالی، توانایی مدیران عامل را -در مواجهه با موضوعات پیچیده حسابداری- افزایش داده و درصد خطاهای ارتكابی، برآورد و قضاوت اشتباه را کاهش می‌دهد. این توانایی، زمان آماده‌سازی مدارک حسابداری صاحب‌کار را کمتر و زمان مورد نیاز برای انجام حسابرسی را کاهش می‌دهد؛ زیرا تقلب و خطاها کاهش می‌یابد.

دی جونگ و لینگ<sup>۳</sup> (۲۰۱۳) به این نتیجه رسیدند که مدیران اجرایی به احتمال زیادی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات سیاسی شرکت و مدیران مالی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات حسابداری اثر می‌گذارند. بهن و همکاران<sup>۴</sup> (۲۰۰۸) در مطالعه‌ای با عنوان کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های پیش‌بینی سود تحلیل‌گران بین سال‌های ۱۹۹۶ تا ۲۰۰۱ نشان دادند که شرکت‌هایی که توسط پنج موسسه بزرگ حسابرسی، حسابرسی شدند از صحت سود پیش‌بینی شده بالاتر و درصد خطای کمتری برخوردار بوده‌اند.

### فرضیه‌های پژوهش

فرضیه اول) بین ارقام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود رابطه معناداری وجود دارد.  
فرضیه دوم) توانایی مدیریت بر ارتباط بین ارقام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود تأثیر دارد.

### روش پژوهش

این مطالعه برای ایجاد یک دانش مضاعف برای حل برخی مسائل سهامداران، سرمایه‌گذاران و مدیریت شرکت‌های صنعت خودرو عضو بورس اوراق بهادار در مورد رابطه بین ارقام تعهدی غیرعادی با خطای پیش‌بینی سود با نقش تعدیلی توانایی مدیریت بوده است. از دیدگاه هدف، یک نوع پژوهش کاربردی و از لحاظ روش، پیمایشی و از نوع علی-پس‌رویدادی است؛ چرا که از داده‌های تاریخی و گذشته در صورتهای مالی شرکتها استفاده می‌کند. چارچوب نظری و سوابق پژوهش حاضر از منابع مربوط به آرشیو مجلات، کتابهای تخصصی، مقاله‌ها و پایان‌نامه‌های مرتبط با متغیرهای پژوهش و همچنین پایگاه‌های اطلاعاتی در دسترس استفاده کرده است؛ بنابراین از این لحاظ از شیوه کتابخانه‌ای استفاده می‌شود. از طرف دیگر محقق داده‌های موردنیاز را برای تجزیه و تحلیل از مطالعه صورتهای مالی شرکتها و با ابزارهای آماری انجام می‌دهد و فرضیه‌های پژوهش را از شیوه میدانی آزمون و تحلیل می‌کند.

با توجه به اینکه صنعت خودرو و قطعات در ایران یکی از صنایع پرچالش به‌شمار می‌رود و مطالعه کار پژوهشی در خصوص متغیرهای مورد نظر از جمله توانایی مدیریت، معیارهای پیش‌بینی سود و ارقام تعهدی غیرعادی و قابلیت مقایسه شاخص‌ها در این صنعت حائز اهمیت و راه‌گشا است و این دلیل موجهی برای انتخاب صنعت خودرو برای مطالعه مد نظر محققان بوده است. بنابراین جامعه آماری در این پژوهش، کلیه شرکت‌های صنعت خودرو و قطعات خودرو پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است که در طول بازه زمانی بین سالهای ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ بطور مدام در بورس اوراق بهادار حضور داشته‌اند. با توجه به بررسی میدانی محققین، تعداد ۴۱ شرکت در سال ۱۴۰۰ در صنعت خودرو فعال بوده که از این تعداد، ۴ شرکت از سال ۱۳۹۴ به بعد وارد بورس شدند، تعداد ۴ شرکت نیز با سایر شرایط از جمله سال مالی متفاوت، عدم دسترسی به داده و یا توقف نماد معاملاتی بیش از اندازه با روش غربالگری و سیستماتیک از نمونه حذف شدند. لذا، تعداد ۳۳ شرکت از این صنعت به‌عنوان نمونه آماری انتخاب گردید.

1. Akihiro  
2. Baatwah  
3. DeJong and Ling  
4. Behn et al.

**مدل‌های رگرسیونی پژوهش:** در این مطالعه برای تنظیم مدل‌ها از رگرسیون خطی چندمتغیره استفاده شده است. داده‌های پژوهش همان‌طور که قبلاً ذکر شد، از وبسایت بورس اوراق بهادار تهران و نیز نرم‌افزار ره‌آورد نوین استخراج شده‌اند. مدل‌های رگرسیونی لازم برای آزمون فرضیات پژوهش به شرح زیر است: برای سنجش فرضیه اول از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$PFE = \beta_0 + \beta_1 DA_{it} + \beta_2 Size_{it} + \beta_3 LEV_{it} + \beta_4 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

برای سنجش فرضیه دوم از مدل رگرسیونی زیر استفاده می‌شود:

$$PFE = \beta_0 + \beta_1 DA_{it} + \beta_2 MA_{it} + \beta_3 (DA * MA_{it}) + \beta_4 Size_{it} + \beta_5 LEV_{it} + \beta_6 ROA_{it} + \varepsilon_{it}$$

که در آن‌ها: PFE = خطای پیش‌بینی سود.  $DA_{it}$  = اقدام تعهدی غیرعادی (اختیاری) شرکت  $i$  در سال  $t$ .  $MA_{it}$  = توانایی مدیریت در کارایی شرکت  $i$  در سال  $t$ .  $Size_{it}$  = اندازه شرکت  $i$  در سال  $t$ .  $LEV_{it}$  = اهرم مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ .  $ROA_{it}$  = نرخ بازده دارایی شرکت  $i$  در سال  $t$ .  $\varepsilon_{it}$  = مقدار باقیمانده مدل (خطای مدل).

متغیرهای پژوهش به‌صورت زیر اندازه‌گیری می‌شوند:

**متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود (PFE):** ودیعی و همکاران (۱۳۹۷) در تحقیق خود برای محاسبه خطای سود پیش‌بینی شده از رابطه زیر استفاده کرده‌اند و ما هم از این مدل بهره می‌بریم.

$$Y = \frac{EPS_a - EPS_p}{EPS_p}$$

که در آن؛  $EPS_a$  پیش‌بینی سود سال قبل  $EPS_p$  پیش‌بینی سود سال جاری است. در واقع هنگام محاسبه دقت سود پیش‌بینی شده (علامت) خطا در پیش‌بینی بی‌اهمیت است و مقدار خطا باید محاسبه شود. در حالی که هنگام محاسبه وجود خطای سود پیش‌بینی شده، جهت خطا اهمیت داشته و اگر علامت آن مثبت باشد، نشان‌دهنده دیدگاه محتاطانه مدیریت بوده و اگر منفی باشد، دیدگاه خوش‌بینانه مدیریت و یا در جهت فریب بازار است. مطابق دستورالعمل اجرایی افشای اطلاعات ثبت شده نزد سازمان بورس اوراق بهادار تهران مصوب ۱۳۸۶، شرکتی که اوراق بهادار آن در بورس پذیرفته شده است، موظف است اطلاعات موضوع دستورالعمل ذکر شده را در مهلت مقرر - بر اساس فرم‌های مد نظر سازمان - به صورت الکترونیکی یا کاغذی در سربرگ رسمی خود به سازمان ارسال و هم‌زمان برای اطلاع عموم منتشر کنند. از جمله این اطلاعات، پیش‌بینی عملکرد سالانه شرکت بر اساس عملکرد واقعی ۳، ۶ و ۹ ماهه است که حداکثر ۳۰ روز پس از پایان مقاطع ۳ ماهه باید افشا شود (قلی‌زاده و همکاران، ۱۳۹۸).

**متغیر مستقل: اقدام تعهدی غیرعادی<sup>۱</sup> (AA):** در این پژوهش برای اندازه‌گیری "اقدام تعهدی غیرعادی (اختیاری)" از مدل تعدیل شده جونز (۱۹۹۵) استفاده شده است. بدین منظور برای به دست آوردن اقدام تعهدی غیرعادی، ابتدا اقدام به محاسبه اقدام تعهدی کل و اقدام تعهدی عادی (غیراختیاری) می‌گردد. در قدم بعدی، اقدام تعهدی غیرعادی از تفاضل این دو شاخص به دست می‌آید. برای محاسبه متغیرهای مربوط به کل اقدام تعهدی از معادله زیر استفاده می‌کنیم:

$$TA_t = NI_t - CFO_t$$

$TA_t$ : جمع کل اقدام تعهدی در سال  $t$ ;  $NI_t$ : سود خالص در سال  $t$ ;  $CFO_t$ : جریانهای نقدی عملیاتی در سال  $t$

1. Abnormal Accrual items (AA)

برای محاسبه اقلام تعهدی عادی (غیراختیاری) نیز از معادله زیر استفاده می‌گردد:

$$NDA_t = \alpha_1 [1 / A_{t-1}] + \alpha_2 [(\Delta REV - \Delta REC) / A_{t-1}] + \alpha_3 [PPE / A_{t-1}]$$

$NDA_t$ : اقلام تعهدی عادی (غیراختیاری) شرکت در سال  $t$ ؛

$A_{t-1}$ : جمع داراییهای شرکت در سال  $t$

$\Delta REV$ : تغییر در خالص درآمد حاصل از فروش شرکت در بین سال  $t$  و  $t-1$ .

$\Delta REC$ : تغییر در خالص حسابها و اسناد دریافتی تجاری شرکت در بین سال  $t$  و  $t-1$ .

$PPE$ : ارزش دفتری املاک، ماشین آلات و تجهیزات برای شرکت در سال  $t$ .

$\alpha_1$  و  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$ : پارامترهای برآورد شده خاص شرکت هستند. پارامترهای  $\alpha_1$  و  $\alpha_2$  و  $\alpha_3$  از رابطه رگرسیونی زیر قابل محاسبه

هستند:

$$(TA_{it}/A_{i,t-1}) = \alpha_1 (1/A_{i,t-1}) + \alpha_2 (\Delta REV_{i,t}/A_{i,t-1}) + \alpha_3 (PPE_{i,t}/A_{i,t-1}) + \varepsilon_{i,t}$$

در مدل فوق، برای همگن‌سازی و موازن شدن پارامترها و به منظور کاهش نوسانات، از جمع کل دارایی‌های شرکت در ابتدای هر دوره استفاده می‌شود و در صورتی که اقلام تعهدی عادی (غیراختیاری)  $(NDA)$  از جمع کل اقلام تعهدی  $(TA)$  کسر شود، اقلام تعهدی غیرعادی (اختیاری)  $(DA)$  حاصل می‌شود که همان جزء باقیمانده معادله رگرسیونی فوق است (به نقل از قربانی و همکاران، ۱۴۰۱).

$$DA_{it} = TA_{it} - NDA_{it}$$

لازم به ذکر است که استخراج مقدار باقیمانده مدل رگرسیونی فوق در سطح سال/شرکت است.

**متغیر تعدیل‌گر: توانایی مدیریت (MA):** برای اندازه‌گیری متغیر توانایی مدیریت، در این پژوهش از مدل دمرجیان و همکاران (۲۰۱۲) استفاده شده است؛ آنها معتقدند که کارایی کل شرکت که به کمک رابطه زیر محاسبه می‌شود، نشانگر کارایی منابع در اختیار مدیریت و همچنین توانایی‌های فردی مدیریت است؛ زیرا مدیری که قدرت مدیریتی بیشتری دارد، بدون توجه به اندازه شرکت، در پیش‌بینی ساز و کارها و روندهای شرکت و بحث و مذاکرات با مشتریان عمده و عرضه‌کنندگان مواد و محصولات مؤثرتر واقع خواهد شد. در این مدل، کارایی مدیریت در دو مرحله قابل اندازه‌گیری است (به نقل از ولی‌زاده اوغانی و همکاران، ۱۳۹۶).

در مرحله اول ابتدا میزان کارایی نسبی با استفاده از تکنیک تحلیل پوششی داده‌ها به صورت فرمول زیر به دست می‌آید:

$$\max_v \theta = \frac{\text{Sales}}{v_1 \text{COGS} + v_2 \text{SG\&A} + v_3 \text{PPE} + v_4 \text{FC} + v_5 \text{Intan}}$$

در این رابطه، Sales: برابر است با فروش خالص شرکت  $i$  در سال  $t$ .

COGS: برابر است با بهای تمام شده کالای فروش رفته شرکت  $i$  در سال  $t$ .

SG&A: برابر است با هزینه‌های عمومی، اداری و فروش  $i$  در سال  $t$ .

PPE: برابر است با اموال، تجهیزات و ماشین آلات شرکت  $i$  در سال  $t$ .

FC: برابر است با هزینه‌های تأمین مالی شرکت  $i$  در سال  $t$ .

Intan: برابر است با خالص دارایی‌های ثابت نامشهود شرکت  $i$  در سال  $t$ .

در این مدل برای هر یک از متغیرهای ورودی خاص  $(V)$  در نظر گرفته شده است؛ زیرا اثر هر یک از متغیرهای ورودی و خروجی (فروش) یکسان نمی‌باشد. مقدار محاسبه شده برای کارایی شرکت در محدوده صفر تا یک قرار می‌گیرد. شرکت‌های با نمره کارایی یک، شرکت‌هایی هستند که کارا هستند و شرکت‌هایی که نمره کارایی آنها کمتر از یک است، زیر مرز کارایی قرار

1. Non-Discretionary Accruals (NDA)

2. Discretionary Accruals (DA)

دارند و باید با کاهش هزینه‌ها یا با افزایش درآمدها به مرز کارایی برسند. هدف از محاسبه کارایی شرکت، سنجش توانایی مدیریت شرکت است.

در مرحله دوم، بر اساس عقیده دمرجیان و همکاران، ویژگی‌های ذاتی با استفاده از ۵ ویژگی خاص و ذاتی شرکت یعنی اندازه شرکت (Size)، سهم بازار (MSH)، جریانهای نقدی آزاد (FCF)، عمر پذیرش شرکت در بورس (Age) و فروش خارجی صادرات (FCI) و با اجرای مدل رگرسیون زیر کنترل می‌شود.

$$\text{FirmEfficiency}_{it} = \beta_0 + \beta_1 \text{SIZE}_{it} + \beta_2 \text{MSH}_{it} + \beta_3 \text{FCF}_{it} + \beta_4 \text{AGE}_{it} + \beta_5 \text{FCI}_{it} + \varepsilon_{it}$$

به طوری که:

$\text{FirmEfficiency}_{it}$ : کارایی کل شرکت است که برای محاسبه آن از مدل تحلیل پوششی داده‌ها (DEA) استفاده شده است.  $\text{SIZE}_{it}$ : لگاریتم طبیعی کل دارایی‌ها.  $\text{MSH}_{it}$ : سهم بازار شرکت از نسبت فروش شرکت  $i$  در سال  $t$  به فروش صنعت در سال  $t$ .  $\text{FCF}_{it}$ : نمایانگر متغیر جریان نقد آزاد شرکت  $i$  در سال  $t$  است و برابر است با نسبت جریان نقد آزاد به کل دارایی‌ها. جریان نقد آزاد برابر است با خالص جریان وجوه نقد عملیاتی منهای سود سهام پرداختی منهای خالص جریان وجوه نقد سرمایه‌گذاری.  $\text{AGE}_{it}$ : لگاریتم طبیعی سن (تعداد سال‌های عمر شرکت از زمان تأسیس).  $\text{FCI}_{it}$ : اگر شرکت صادرات داشته باشد برابر با یک وگرنه برابر با صفر در رابطه فوق، جزء باقیمانده مدل ( $\varepsilon_{it}$ ) نشان‌دهنده توانایی مدیریت در کارایی شرکتها است.

**متغیرهای کنترلی:** در این کار پژوهشی، مهمترین دلیل انتخاب متغیرهای کنترلی این است که شرکتهای صنعت خودرو و قطعات آن از لحاظ اندازه و حجم دارایی‌ها و همینطور بدهی‌ها و سود خالص در دوره مورد مطالعه شبیه هم نیستند؛ بنابراین لازم است اثر برخی از عواملی مانند اندازه، اهرم مالی و بازده دارایی را برای برآورد مناسب مدل‌های رگرسیونی از بین برونند و یا کنترل شوند. از این رو متغیرهای کنترلی پژوهش به صورت زیر هستند:

۱- اندازه شرکت (SIZE): از طریق لگاریتم طبیعی جمع کل دارایی‌ها محاسبه می‌شود.

$$\text{Size}_{it} = \text{Log}(\text{Asset}_{it})$$

۲- اهرم مالی (LEV): از طریق حاصل تقسیم مجموع بدهی‌های شرکت بر مجموع دارایی‌های آن شرکت است.

$$\text{LEV}_{it} = \frac{\text{مجموع بدهی‌ها}}{\text{مجموع دارایی‌ها}}$$

۳- بازده دارایی (ROA): از تقسیم سود خالص پس از کسر مالیات بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها در پایان سال به دست می‌آید (ودیدی و همکاران، ۱۳۹۸).

$$\text{ROA}_{it} = \frac{\text{سود خالص}}{\text{ارزش دفتری دارایی‌ها}}$$

## یافته‌های پژوهش

**توصیف آماری متغیرها:** در نگاره ۱ یافته‌های توصیفی مرتبط با متغیرها نشان داده شده است. تعداد شرکتها در نمونه آماری محدود به ۳۳ شرکت از صنعت خودرو پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار بوده که در بازه زمانی ۷ ساله از سال ۱۳۹۴ الی ۱۴۰۰ فعال بوده اند.

نگاره ۱. توصیف آماری متغیرهای پژوهش - تعداد مشاهدات (۲۳۱ سال/شرکت)

نام متغیر	نماد	میانگین	کمترین	بیشترین	انحراف معیار	چولگی	کشیدگی
خطای پیش بینی سود	PFE	۰/۲۱۱	-۰/۰۰۳۱	۰/۴۴۳	۰/۰۶۵	۰/۶۲۵	۲/۰۲۵
اقدام تعهدی غیرعادی	DA	۰/۴۴۳	۰/۱۵۰	۰/۸۳۰	۰/۲۱۷	۰/۲۹۱	۲/۰۲۸
توانایی مدیریت	MA	۰/۱۷۲	۰/۰۰۷۴	۰/۳۹۲	۰/۶۰۲	۰/۳۸۲	۲/۴۹۰
اندازه شرکت	Size	۱۲/۳۱۶	۷/۴۰۹	۱۷/۱۶۲	۱/۰۰۳	۰/۸۲۷	۳/۴۳۷
اهرم مالی	LEV	۰/۴۱۴	۰/۰۳۸	۱/۰۱۷	۰/۸۸۳	-۰/۵۷۹	۲/۰۴۴
بازده دارایی‌ها	ROA	۰/۳۹۶	-۰/۰۰۳	۰/۹۸۳	۰/۴۵۸	-۱/۳۸۷	۳/۵۲۳

محاسبات نگاره ۱ نشان داده که: در شرکت‌های صنعت خودرو عضو بورس اوراق بهادار تهران در هفت سال گذشته، اختلاف بین آخرین و اولین پیش‌بینی سود به‌طور میانگین حدود ۲۱ درصد بوده است. کمترین خطای پیش‌بینی سود ۰/۰۰۳- و بیشترین خطای پیش‌بینی ۴۴ درصد بوده است. محاسبات در سطر اقدام تعهدی غیرعادی (اختیاری) نشان می‌دهد که از کل اقدام تعهدی شرکت‌های صنعت خودرو، به اندازه ۰/۴۴۱ آن غیر عادی هستند و این بدین معنی است که در سیستم حسابداری شرکتها، مدیریت بر روی ۴۴ درصد از اقدام و رویدادهای سیستم حسابداری شرکتها کنترل داشته و در اختیار مدیران است و بقیه آن، اقدام عادی و غیر اختیاری بوده است.

محاسبات MA نشان می‌دهد که شرکت‌های صنعت خودرو و قطعات خودرو در هفت سال گذشته به‌طور متوسط ۰/۱۷ توانایی مدیریت در کارایی داشته‌اند. متوسط نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها (اهرم مالی) ۰/۴۱۴ بوده، این بدین معنا است که شرکت‌های صنعت خودرو به‌طور میانگین حدود ۴۱ درصد از دارایی‌های خود را بدهکار بوده‌اند. متوسط بازده دارایی حاکمی از آن است که نسبت سود خالص به ارزش دفتری دارایی‌ها حدود ۳۹ درصد بوده است. به‌طور متوسط انحراف معیار بیشتر متغیرها بین صفر و ۱ هستند و نشان می‌دهد که پراکندگی داده‌ها حول میانگین آنها بهتر و مناسب بوده است. همین‌طور ضرایب چولگی و کشیدگی متغیرها نیز نشان می‌دهد که در اکثر متغیرها، مقادیر این شاخص بین ۳+ و ۳- بوده و می‌تواند نرمال بودن توزیع داده‌ها را برآورد نماید.

لازم به ذکر است که پایایی (ریشه واحد) متغیرها با استفاده از آزمون لوین، لین و چو بررسی گردید. طبق محاسبات، تحلیل‌ها نشان داد که کلیه متغیرها مانا هستند و میانگین و واریانس همه متغیرها در طول دوره زمانی پژوهش ثابت است. بنابراین می‌توانیم اطمینان کنیم که در تخمین‌های رگرسیونی مشکلی نداشته و دچار رگرسیون کاذب نمی‌شویم.

**تحلیل همبستگی:** ضریب همبستگی شدت رابطه و همچنین نوع رابطه (مستقیم یا معکوس) بین متغیرها را نشان می‌دهد و عددی بین ۱ الی -۱ است و در صورت عدم وجود رابطه بین دو متغیر برابر صفر می‌باشد. پس از بررسی نرمال بودن توزیع متغیرها- با توجه به اینکه بیشتر متغیرها توزیع نرمال ندارند- همبستگی میان متغیرها با روش همبستگی اسپیرمن مورد آزمون قرار گرفته است. نگاره ۲ نتایج تحلیل همبستگی را نشان می‌دهد.

## نگاره ۲. ماتریس همبستگی بین متغیرهای پژوهش با روش اسپیرمن

متغیرها	PFE	DA	MA	Size	LEV	ROA
خطای پیش‌بینی سود	۱					
اقدام تعهدی غیرعادی	۰/۴۶۷	۱				
توانایی مدیریت	۰/۰۰۲	۰/۰۰۱	۱			
اندازه شرکت	۰/۳۹۶	۰/۱۷۱	۰/۴۲۱	۱		
اهرم مالی	۰/۳۰۶	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۳۳۶	۱	
بازده دارائی‌ها	۰/۴۰۸	۰/۰۴۸	۰/۵۲۷	۰/۱۹۸	۰/۲۳۸	۱
	۰/۰۰۰	۰/۲۰۷	۰/۰۰۰	۰/۰۰۴	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

رابطه بین اقدام تعهدی اختیاری و خطای پیش‌بینی سود با شدت ۰/۴۶۷ مثبت و معنادار است؛ چون سطح معناداری در آن برابر ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است. بین توانایی مدیریت و خطای پیش‌بینی سود با شدت ۰/۲۱۴- یک رابطه معکوس و معنادار وجود دارد. اندازه شرکت و بازده دارائی‌ها با خطای پیش‌بینی سود رابطه مستقیم دارند. ولی رابطه بین اهرم مالی با خطای پیش‌بینی سود رابطه معناداری ندارد. در نگاره بالا نشان داده شده که وجود یا عدم وجود ارتباط دو به دوی بین متغیرها (مخصوصاً متغیرهای توضیحی) با شدتهای کمتر از ۰/۷۰ بوده است، بنابراین می‌توان اطمینان حاصل کرد که بین متغیرهای توضیح دهنده هم‌خطی ایجاد نمی‌گردد و با خیال راحت می‌توان مدل‌های رگرسیونی فرضیه‌ها را مورد تخمین قرار داد.

**آزمون همسانی واریانس خطاها:** یکی از مهمترین مفروضات رگرسیون چندمتغیره، همسان بودن واریانس جملات اخلال/خطا در دوره‌های مختلف است. اگر این فرض نقض گردد، مشکل ناهمسانی واریانس ایجاد می‌شود. وقتی خطاها همسان نباشند، انحراف معیار عرض از مبدأ بسیار بزرگ می‌شود. انحراف معیار ضرایب شیب نیز به شکل ناهمسانی بستگی دارد. محاسبات آزمون همسانی واریانس با آماره والد در نگاره ۳ نشان داده شده است.

## نگاره ۳. نتایج آزمون همسانی واریانس جملات خطا

مدل آزمون	آماره آزمون والد	سطح معنی‌داری	نتیجه آزمون
مدل اول برای فرضیه اول	۲۳۵/۹۳۶	۰/۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس در جملات خطا
مدل دوم برای فرضیه دوم	۹۵/۷۰۵	۰/۰۰۰	وجود ناهمسانی واریانس در جملات خطا

در نگاره بالا محاسبات حاصل شده نشان می‌دهد که سطح معنی‌داری در آزمون والد برای مدل اول و دوم برابر ۰/۰۰ است و در هر دو مدل کمتر از ۰/۰۵ است که بیانگر وجود ناهمسانی واریانس مقادیر خطاها در دو مدل فوق است. برای حل کردن این مشکل (ناهمسانی واریانسها)، می‌توان در موقع تخمین مدل‌ها از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده کرد.

**آزمون انتخاب الگوی مدل‌های رگرسیونی:** برای مشخص کردن الگوی رگرسیونی مدلها از آزمونهای F لیمر و آزمون هاسمن استفاده شده است. نگاره زیر نتایج اجرای این آزمونها را برای هر دو مدل رگرسیونی نشان می‌دهد.

نگاره ۴. نتایج آزمون الگوی رگرسیون - F لیمر و هاسمن

نوع آزمون	مدل آزمون	آماره آزمون	سطح معنی داری	نتیجه آزمون
آزمون F لیمر	مدل فرضیه اول	۱۴۵/۸۰۹	۰/۰۰۱	پذیرش الگوی پانل دیتا
	مدل فرضیه دوم	۲۵۸/۵۵۸	۰/۰۰۰	پذیرش الگوی پانل دیتا
آزمون هاسمن	مدل فرضیه اول	۹۴/۸۷	۰/۰۰۲	الگوی اثرات ثابت
	مدل فرضیه دوم	۶۸/۸۱	۰/۰۰۴	الگوی اثرات ثابت

یافته‌های نگاره فوق نشان داده که سطح معناداری برای مدل اول و دوم فرضیه‌ها از ۰/۰۵ کمتر شده؛ در نتیجه در هر دو مدل، فرضیه امکان وجود داده‌های تلفیقی به نفع داده‌های تابلویی رد می‌شود.

لازم به ذکر است که در مدل‌هایی که روش پانل دیتا تأیید شده، نیازی به آزمون هاسمن برای تعیین اثرات ثابت و یا تصادفی وجود دارد که در نگاره فوق نتایج آن نشان داده شده است. از آنجایی که سطح معناداری آزمون هاسمن در نگاره فوق در هر دو مدل فرضیه، از ۰/۰۵ کمتر شده است، در نتیجه روش مناسب برآورد مدل، الگوی اثرات ثابت می‌باشد.

**آزمون فرضیه‌ها (تخمین مدلها):** برای آزمون فرضیه‌های اول و دوم پژوهش از مدل الگوی اثرات ثابت استفاده شده است.

**فرضیه اول:** فرضیه اول بدین صورت است که بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکتهای خودرو رابطه وجود دارد. فرض صفر و یک بدین صورت است که؛  $H_0: \beta = 0$  ،  $H_1: \beta \neq 0$  یافته‌های حاصل از تخمین مدل اول رگرسیون در نگاره ۵ نشان شده است.

نگاره ۵. تخمین مدل اول برای آزمون فرضیه اول. متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود (PFE)

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اقلام تعهدی غیرعادی	DA	۰/۲۴۲	۰/۰۷۷	۳/۱۴۲	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	۰/۱۰۶	۰/۰۴۲	۲/۵۲۶	۰/۰۱۲
اهرم مالی	LEV	-۰/۰۴۸	۰/۲۰۸	-۰/۲۳۰	۰/۷۵۴
بازده دارایی‌ها	ROA	-۰/۱۷۹	۰/۰۵۳	۳/۳۷۷	۰/۰۰۰
عرض از مبداء	C	۱/۰۲۹	۰/۴۴۹	۵/۱۲۷	۰/۰۰۰
		مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱/۷۸۲			
		ضریب تعیین $(R^2)$ : ۰/۵۸۲		ضریب تعیین تعدیل شده $(R^2_{adj})$ : ۰/۵۷۴	

در نگاره ۵ نشان داده شده که، مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱/۷۸۲ بوده و چون این عدد بین ۱/۵ الی ۲/۵ قرار دارد؛ بنابراین استقلال بین خطاهای مدل مورد تأیید است. مقدار آماره F برابر با ۳۴۷/۰۹ بوده و سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است؛ بنابراین مدل برازش شده از اعتبار مناسب برخوردار بوده و مدل رگرسیون کاذب نیست. در این نگاره ضریب تعیین تعدیل شده برابر با ۰/۵۷۴ بوده و این نشان می‌دهد که ترکیب متغیرهای اقلام تعهدی غیرعادی با اندازه، اهرم مالی و بازده دارایی شرکتهای خودروئی به اندازه حدود ۵۷ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته خطای پیش‌بینی سود را توضیح می‌دهند. متغیرهای اندازه شرکت با تأثیر مثبت و بازده دارایی‌ها با تأثیر منفی بر خطای پیش‌بینی سود در مدل معنادار هستند، ولی اهرم مالی در مدل معنادار نیست و سطح معناداری آن برابر ۰/۷۵۴ بوده و بزرگتر از ۰/۰۵ است. در مورد نتیجه آزمون فرضیه اول، سطح معناداری متغیر اقلام تعهدی غیرعادی برابر ۰/۰۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین در سطح اطمینان ۹۵ درصد فرضیه صفر رد



شده و فرضیه اول پژوهش مورد تأیید است. یعنی اقلام تعهدی غیرعادی با خطای پیش‌بینی سود با شدت مثبت ۰/۲۴ رابطه معنادار و مستقیم دارد.

**فرضیه دوم:** این فرضیه بیان می‌کند که توانایی مدیریت بر ارتباط بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکتهای خودرو تأثیر دارد؛ برای آزمون فرض صفر دوم از روش رگرسیون حداقل مربعات تعمیم یافته (GLS) استفاده شده است که نتایج حاصل از آزمون تخمین مدل دوم در نگاره ۶ آورده شده است.

#### نگاره ۶. تخمین مدل دوم برای آزمون فرضیه دوم. متغیر وابسته: خطای پیش‌بینی سود (PFE)

متغیر	نماد	ضرایب	خطای استاندارد	آماره t	سطح معناداری
اقلام تعهدی غیرعادی	DA	۰/۳۰۵	۰/۱۱۴	۲/۶۷۵	۰/۰۰۱
توانایی مدیریت	MA	۰/۲۷۳	۰/۰۹۸	۲/۷۸۵	۰/۰۰۰
تعامل MA با DA	DA*MA	۰/۳۲۷	۰/۰۹۶	۳/۴۰۶	۰/۰۰۰
اندازه شرکت	Size	۰/۲۳۷	۰/۰۹۹	۲/۳۹۳	۰/۰۰۱۳
اهرم مالی	LEV	-۰/۱۴۲	۰/۱۰۶	-۱/۳۳۹	۰/۱۰۴
بازده دارائی‌ها	ROA	-۰/۰۸۷	۰/۰۹۶	-۰/۹۰۶	۰/۱۱۳
عرض از مبدا	C	۱/۰۸۰	۰/۲۰۱	۵/۳۷۴	۰/۰۰۰

آماره F: ۱۰۸/۳۳۲، سطح معناداری F: ۰/۰۰۰  
مقدار آماره دوربین-واتسون: ۱/۸۱۲  
ضریب تعیین (R<sup>2</sup>): ۰/۶۷۱  
ضریب تعیین تعدیل شده (R<sup>2</sup> adj.): ۰/۶۶۲

نتایج مدل دوم نشان می‌دهد که، مقدار آماره دوربین-واتسون برابر ۱/۸۱۲ بوده و عدم همبستگی بین خطاها را در این مدل تأیید می‌کند. این مدل در آماره F معنادار است، چون سطح معناداری آن برابر ۰/۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ یعنی می‌توانیم اطمینان حاصل کنیم که مدل دارای خوبی برآورد است و رگرسیون کاذب ایجاد نمی‌گردد. در این مدل، ضریب تعیین تعدیل شده مدل برابر با ۰/۶۶۲ است و نشان می‌دهد متغیر مستقل و ترکیب آن با متغیرهای کنترلی و تعدیلگر به اندازه حدود ۶۶ درصد از تغییرات واریانس متغیر وابسته را برآورد می‌کنند. اثر اندازه شرکت با ضریب مثبت ۰/۲۳۷ در مدل معنادار است؛ چون سطح معناداری آنها کمتر از ۰/۰۵ است، ولی تأثیر منفی اهرم مالی و بازده دارائی‌ها در مدل معنادار نیستند؛ چون سطح معناداری آنها بزرگتر از ۰/۰۵ است. در این مدل اقلام تعهدی غیرعادی با ضریب ۰/۳۰۵ در مدل معنادار است. متغیر توانایی مدیریت نیز با ضریب ۰/۲۷۳ و سطح معناداری ۰/۰۰ روی خطای پیش‌بینی سود شرکتهای خودروسازان تأثیر مثبت داشته است. با توجه به اینکه سطح معناداری تعامل بین اقلام تعهدی غیرعادی با توانایی مدیریت (DA\*MA) برابر ۰/۰۰ و کوچکتر از ۰/۰۵ است، بنابراین با اطمینان ۹۵٪ فرضیه صفر رد می‌شود و فرضیه دوم مورد تأیید قرار می‌گیرد. توانایی مدیریت بر ارتباط بین اقلام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکتهای خودرو نقش تعدیلی مثبت ایفا می‌کند.

#### بحث و نتیجه‌گیری

نتیجه‌گیری باوری مبتنی بر استنتاج، استدلال و بر مبنای شواهد حاصل از یافته‌های پژوهش است که در اختیار متخصصان و سایر علاقه‌مندان پژوهش و در نهایت استفاده کنندگان کاربردی قرار می‌گیرد. بر طبق نتایج آمار توصیفی، در شرکتهای خودرو عضو بورس اوراق بهادار در طی هفت سال گذشته، خطای پیش‌بینی سود به‌طور میانگین حدود ۲۱ درصد بوده است. اقلام تعهدی اختیاری این صنعت، حدوداً ۴۴ درصد بوده است و این بدین معنی است که در سیستم حسابداری شرکتهای مدیریت بر روی ۴۴ درصد از اقلام سیستم حسابداری شرکتهای کنترل داشته و و بقیه آن اقلام عادی و غیر اختیاری بوده است. در شرکتهای صنعت خودرو و قطعات خودرو در هفت سال گذشته توانایی مدیریت از لحاظ کارایی مالی نسبتاً ضعیف بوده است. در دوره زمانی ۷ ساله پژوهش، شرکت ایران خودرو و شرکت سایپا از لحاظ اندازه دارائی‌ها از سایر شرکتهای این صنعت، بزرگتر بوده اند. به‌طور میانگین

از مجموع دارایی‌های شرکت‌های صنعت خودرو، حدود ۴۱ درصد آن را بدهی داشته‌اند. همچنین بازده دارایی‌ها در این شرکت‌ها تا حدودی بهتر بوده و نسبت سود خالص بر مجموع دارایی‌ها حدود ۳۹ درصد بوده است.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها نشان می‌دهد که بین ارقام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکت‌های خودرو و قطعات خودرو ارتباط مستقیم و معناداری وجود دارد. این بدین معنی است که هر چقدر ارقام تعهدی اختیاری در سیستم حسابداری شرکت‌های خودرو تقویت گردد، در این راستا خطای پیش‌بینی سود نیز افزایش می‌یابد و بر عکس. بطوری‌که ترکیب متغیرهای ارقام تعهدی اختیاری، اندازه شرکت، اهرم مالی و بازده دارایی‌ها در مدل اول حدود ۵۷ درصد از تغییرات خطای پیش‌بینی سود شرکت‌ها را برآورد می‌کنند. در شرکت‌های خودرویی عضو بورس اوراق بهادار به غیر از ارقامی مثل درآمد، حسابها و اسناد دریافتی و ارزش املاک و ماشین‌آلات و تجهیزات که ارقام عادی و غیر اختیاری هستند، سایر ارقام در اختیار مدیریت و غیر عادی هستند و مدیران می‌توانند برای ارتقای کیفیت سود، این ارقام را افزایش یا کاهش دهند. نتایج پژوهش حاضر با نتایج پژوهش رحیمی، فروغی و آزادی (۱۴۰۱) که نشان دادند بین خطای پیش‌بینی سود و ارقام تعهدی غیرعادی سرمایه در گردش ارتباط مستقیم وجود دارد، همسو است. همینطور آکی هیرو (۲۰۱۶) دریافتند که بین ارقام تعهدی و اشتباهات برآوردهای اولیه سود مدیریت رابطه مستقیم وجود دارد؛ در حالی که ارتباط بین ارقام تعهدی و اصلاحات پیش‌بینی‌های سود معکوس است که با نتیجه مطالعه ما تا حدودی هم‌راستا است.

نتایج دیگر، نشان می‌دهد که توانایی مالی و غیر ذاتی مدیران در شرکت‌های صنعت خودرو رابطه مستقیم بین ارقام تعهدی غیرعادی و خطای پیش‌بینی سود در شرکت‌های خودرو را تقویت می‌کند؛ این نتیجه با یافته‌های رجبی و عبدلی (۱۳۹۹) مشابه است؛ اینها به این نتیجه رسیدند که هر چقدر توانایی مدیران بیشتر باشد ارقام تعهدی اختیاری (غیرعادی) نیز بهتر خواهد بود. همچنین دی جونگ و لینگ (۲۰۱۳) به نتایج نسبتاً مشابهی دست پیدا کردند و دریافتند که مدیران با توانایی خاص اجرایی خود بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات سیاسی شرکت و مدیران مالی بر روی ارقام تعهدی از طریق تصمیمات حسابداری اثر مثبت دارد.

بر اساس نتایج حاصل از پژوهش به مدیران و مسئولین شرکت‌های خودرو و قطعات عضو بورس اوراق بهادار پیشنهاد می‌گردد که ارقام حسابهای مالی مانند هزینه‌ها و بهای تمام شده را کنترل کنند و در جهت بهبود آنها تلاش نمایند. به سرمایه‌گذاران و فعالان بازار سرمایه ایران پیشنهاد می‌گردد که هنگام سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌ها به ارقام درآمد و هزینه فعالیت و حسابها و اسناد دریافتی در صورتهای مالی شرکت‌های خودرو توجه بیشتری نمایند. به هیأت مدیره این شرکت‌ها پیشنهاد می‌گردد که برای کاهش در خطای برآوردی سود شرکت‌ها، به انتخاب مدیران توانمند- مخصوصاً توانایی از لحاظ کارایی مالی- اهتمام ورزند و به این نکته توجه نمایند. به شرکت‌های بزرگ خودروئی مانند ایران خودرو، سایپا و پارس خودرو و ریخته‌گری پیشنهاد می‌شود که برای بهبود هزینه‌ها و درآمدها و ارقام تعهدی غیرعادی و قابل کنترل، از تکنیک‌های مدیریت هزینه مانند هزینه‌یابی بر مبنای فعالیت و هزینه‌یابی هدف برای تعیین بهای تمام شده استفاده نمایند.

## منابع

اسدی فارفار، مریم؛ ولیزاده اوغانی، اکبر (۱۴۰۰). تبیین رابطه بین توانایی مدیریت و گزارشگری مالی به‌موقع با تأکید بر مالکیت نهادی شرکت‌ها؛ پایان نامه کارشناسی ارشد، موسسه غیرانتفاعی سراج تبریز.

برندک، سجاد؛ پاک مرام، عسگر و علیپور، سعید (۱۳۹۸). بررسی تأثیر جریان نقد عملیاتی بر ارقام تعهدی غیرعادی شرکت‌های پذیرفته‌شده در بورس اوراق بهادار تهران با تأکید بر نوع صنعت، مجله مدیریت دارایی و تامین مالی، سال هفتم، شماره سوم (پیاپی ۲۶): ۹۹-۱۲.

بلکویی، احمد، (۱۳۸۱)، تئوری‌های حسابداری، ترجمه علی پارسائیان، چاپ اول، تهران، دفتر پژوهش‌های فرهنگی.

بولو، قاسم و طالبی، میثم (۱۳۸۹). معیارها و مدل‌های اندازه‌گیری کیفیت سود. ماهنامه اقتصادی بورس، شماره ۱۲: ۱۸-۱۰.

جهانبخش، سعید، محفوظی، غلامرضا و وطن‌پرست، محمدرضا (۱۴۰۰). بررسی تأثیر اقدام تعهدی اختیاری بر سیاست تقسیم سود شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۵ (۵۷): ۴۱-۵۳.

سبزعلی‌پور، فرشاد، قیطاسی، روح‌اله و رحمتی، سلمان (۱۳۹۱). بررسی سازوکارهای شرکتی و دقت پیش‌بینی سود. پژوهش‌های حسابداری مالی، سال ۴، شماره ۲، صفحات ۱۴۰-۱۳۳.

سیراب، اسما (۱۳۹۷). تأثیر دانش مالی بر دقت پیش‌بینی سود مدیریت در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد رشته حسابداری. موسسه آموزش عالی تابران.

رحیمی، علیرضا؛ فروغی، عارف و آزادی‌شده، مجید (۱۴۰۱)، رابطه بین پیش‌بینی اجباری سود و تعدیل پیش‌بینی با اقدام تعهدی غیرعادی، مجله پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، شماره ۲ (پیاپی ۵۴): ۷۹-۲۰۶.

رجبی، سعید و عبدلی، محمدرضا (۱۳۹۹). بررسی ارتباط حجم اقدام تعهدی اختیاری و بهره‌وری مدیریتی در شرکت‌ها، فصلنامه رویکردهای پژوهشی نوین در مدیریت و حسابداری، ۴ (۳۸): ۱۹-۳۷.

خیری، مرتضی و فرزانه حیدرپور، (۱۳۹۹)، تأثیر تفکیک اقدام تعهدی در قدرت پیش‌بینی آنها درباره جریان نقد آتی، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲ (۴۵): ۱۶۱-۱۸۹.

فرهی‌بوزنجانی، برزو. (۱۳۸۴). معرفی الگوی توسعه توانایی‌های مدیریتی مورد نیاز مدیران، دانش مدیریت، ش ۶۸، صص ۹۲-۷۳.

قربانی، بهزاد؛ پورطاهرآقدم، فرزانه و رهنمای رودپشتی، فریدون (۱۴۰۱). تأثیر محافظه‌کاری حسابرسی و وجود عدم قطعیت سیاست‌های اقتصادی بر کیفیت سود، قضاوت در تصمیم‌گیری در حسابداری و حسابرسی، دوره ۱ شماره ۲: ۱-۲۵.

مرادی، مهدی و بذرافشان، آمنه (۱۳۹۶). کیفیت حسابرسی و ویژگی‌های سود پیش‌بینی شده مدیریت. شانزدهمین همایش ملی حسابداری. [http://conf.ui.ac.ir/p/Article4\\_299](http://conf.ui.ac.ir/p/Article4_299)

مهرانی، کاوه، حالاج، محمد، و حسنی، عباس. (۱۳۸۸). بررسی محافظه‌کاری در سود حسابداری و رابطه آن با اقدام تعهدی در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱ (۳): ۸۸-۱۰۷.

میرزائی، آمنه؛ ولی‌زاده اوغانی، اکبر و محمدزاده سالطه، حیدر (۱۴۰۰). تبیین تأثیر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی شده واحدهای تجاری با نقش تعدیل‌گری ویژگی‌های مدیرعامل، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، موسسه غیرانتفاعی سراج تبریز. نیکبخت، محمدرضا، علی قاسمی و محمد ایمانی برندق، (۱۳۹۹)، تأثیر خطای پیش‌بینی سود مدیریت بر پایداری اجزای نقدی و تعهدی سود و ارزشیابی بیش از حد سهام، پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۲ (۴۶): ۱-۲۶.

نیکبخت، محمدرضا، قاسمی، علی. (۱۳۹۷). تأثیر توانایی مدیریت بر رقابت در بازار محصول. پژوهش‌های حسابداری مالی و حسابرسی، ۱۰ (۴۰): ۱۳۷-۱۴۶.

ودیدی، محمدحسین، کاردان، بهزاد و هوشمند زعفرانیه، رحمت‌الله (۱۳۹۷). اثر کیفیت حسابرسی بر میزان خطای سود پیش‌بینی واحدهای تجاری: معیار رتبه‌بندی حسابرسی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، سال ۷، شماره ۲۸: ۱۵۱-۱۳۵.

ولی‌زاده اوغانی، اکبر؛ فقهی فرهمند، ناصر و مدرس خیابانی، فرزین. (۱۳۹۶). توانایی مدیریت و پیامدهای آن بر ارزش آفرینی شرکت‌ها با بکارگیری شبکه‌های عصبی (رویکرد مقایسه‌ای در صنایع شیمیایی و مواد غذایی)، آینده پژوهی مدیریت، شماره ۴ (پیاپی ۱۱۱): ۷۹-۹۲.

Almand, Andrew, Cantrell, Brett, Dickinson, Victoria. (2023). Accruals and firm life cycle: improving regulatory earnings management detection, *Advances in Accounting*, Vol 60. <https://doi.org/10.1016/j.adiac.2023.100642>

Andreou, P., Daphna, E., and C. Louca (2013). Managerial ability and firm performance: Evidence from the global financial crisis, Available at: <http://www.efmaefm.org>.

- Baatwah, S. R., Salleh, Z., and Ahmad, N. (2015). CEO characteristics and audit report timeliness: do CEO tenure and financial expertise matter? *Managerial Auditing Journal*, Vol. 30, No. 8/9, pp: 998-1022.
- Behn, B. K., Choi, J. H. and Kang, T. (2008). Audit quality and properties of analyst earnings forecasts. *The Accounting Review*, Vol. 83, No. 2, pp: 327-349.
- DeJong, D., and Ling, Z. (2013). Manager's: their effects on accruals and firm policies, *Journal of Business Finance & Accounting*, Vol. 40, No. 1-2, pp: 82-114.
- Demerjian, P., B. Lev, M. F. Lewis, & S. McVay. (2013). Managerial ability and earnings quality. *The Accounting Review*, Vol. 88(2): 463-498.
- Demerjian, P., B. Lev, and S. MacVay. (2012). Quantifying managerial ability: A new measure and validity test. *Management Science*, 58(7), 1229–1248.
- Du, Bingze, Jing Yu, Liling, Fu., Jing., Ding., (2024). Earnings management and analyst forecast, *Finance Research Letters*, Volume 62, Part B: 105-210.
- Georgakopoulos, George, Kanellos Toudas, Evangelos I. Poutos, Theodoros Kounadeas, and Stefanos Tsavalias. (2022). "Capital Structure, Corporate Governance, Equity Ownership and Their Impact on Firms' Profitability and Effectiveness in the Energy Sector" *Energies* 15, no. 10: 3625. <https://doi.org/10.3390/en15103625>
- Jun Kim, Y., Lee, J., Jeong Lee, S., & Sunwoo, H. Y. (2017). Do mutual funds exploit the accrual anomaly? Korean evidence. *Pacific-Basin Finance Journal*, 46 (B), 227-242.
- Palepu, K.G; Healy, M; Bernard, V.L. (2004), "Business Analysis and Valuation: Using Financial Statements", Thomson, South-Western College Publisher, Boston, MA.
- Liu a, Y., Lingxuan Yang b, Lu Xiong c., (2023), Performance commitments and the properties of analyst earnings forecasts: Evidence from Chinese reverse merger firms, *International Review of Financial Analysis*, Vol. 89: 121-156.
- Han, Li. (2015). Managerial ability and internal control quality: Evidence from China. *International Journal of Financial Research*; Vol. 6 (2): 54-66.
- Ha Thi Thu Le, Ha Giang Tran, Xuan Vinh Vo., (2021). Audit Quality, Accruals Quality and the Cost of Equity in an Emerging Market: Evidence from Vietnam, *International Review of Financial Analysis*. 77. <https://doi.org/10.1016/j.irfa.2021.101798>.
- Xia, Yanchun, Huan Zhang, Shijun Guo, (2024). Mandatory internal control audits and management earnings forecast, *Pacific-Basin Finance Journal*, Volume 85: 102-362.



## Relationship between Corporate Governance Mechanisms and Accounting Conservatism: Moderating Role of Audit Quality

Rahman Doostian<sup>1</sup>, Omid Farhad Touski<sup>2\*</sup>

1. Assistant Professor of Accounting Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran.

2. Assistant Professor of Accounting Department, Khorramabad Branch, Islamic Azad University, Khorramabad, Iran. \* Corresponding Author

Received: 2024/11/28

Accepted: 2024/05/04

### Abstract

Conservatism can lead to reducing agency costs in contracts and limit the opportunistic behavior of the company's manager in financial reporting. A strong corporate governance structure will lead to better supervision of the manager, production of timely accounting information and increasing speed of identifying bad news to inform the board of directors and to take necessary measures and a higher degree of conservatism. The main purpose of this study was to investigate the relationship between corporate governance mechanisms and accounting conservatism in 104 companies listed on the Tehran Stock Exchange during 2016-2020. The independent variable of corporate governance was measured by the size of board of directors, independence of members of board of directors and CEO (chief executive officer) duality, and Khan and Watts model was used to measure the dependent variable of conservatism. The moderating variable of audit quality was measured by the size of the audit firm. The research method was correlational, and multivariable regression was used using panel data with random effects regression model approach. The findings showed that there was a negative and significant relationship between the independence of members of board of directors, the CEO duality, auditor type and the level of accounting conservatism. The number of members of board of directors had no effect on the level of accounting conservatism. Companies that had more non-executive members in the board of directors tended to apply less accounting conservatism. Companies where the CEO was also the chairman of the board of directors were less conservative. Companies that were audited by the audit organization were less conservative.

**Keywords:** Corporate governance mechanisms, Accounting conservatism, CEO duality, Independence of members of board of directors



## ارتباط سازوکارهای راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری: نقش تعدیلگر کیفیت حسابداری

رحمان دوستیان<sup>۱</sup>، امید فرهاد توسکی<sup>۲</sup>

۱. استادیار گروه حسابداری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران.  
۲. استادیار گروه حسابداری، واحد خرم‌آباد، دانشگاه آزاد اسلامی، خرم‌آباد، ایران. (نویسنده مسئول)

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۹/۰۷ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۲/۱۵

### چکیده

محافظه‌کاری می‌تواند منجر به کاهش هزینه‌های نمایندگی در قراردادهای محدود کردن رفتار فرصت طلبانه مدیریت شرکت در گزارشگری مالی گردد. ساختار راهبری شرکتی قوی نیز منجر به نظارت بهتر مدیریت، تولید اطلاعات حسابداری به‌موقع و افزایش سرعت شناسایی اخبار بد برای مطلع ساختن هیأت مدیره و انجام اقدامات لازم و درجه بالاتری از محافظه‌کاری گردد. هدف اصلی این پژوهش، بررسی تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین سازوکارهای راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در ۱۰۴ شرکت از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در طی دوره زمانی ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ است. متغیر مستقل راهبری شرکتی با معیار اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیرعامل اندازه‌گیری شده است و برای اندازه‌گیری متغیر وابسته محافظه‌کاری از مدل خان و واتس استفاده شده است. متغیر تعدیلگر کیفیت حسابداری با معیار اندازه مؤسسه حسابداری اندازه‌گیری شده است. روش پژوهش از نوع همبستگی بوده و از رگرسیون چند متغیره با استفاده از داده‌های ترکیبی با رویکرد مدل رگرسیون اثرات تصادفی استفاده شده است. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که بین متغیرهای استقلال اعضای هیأت مدیره، دوگانگی نقش مدیرعامل، نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. تعداد اعضای هیأت مدیره تأثیری بر میزان محافظه‌کاری حسابداری ندارد. در شرکت‌هایی که تعداد اعضای غیر مؤلف بیشتری در هیأت مدیره دارند کمتر به اعمال محافظه‌کاری حسابداری روی می‌آورند. در شرکت‌هایی که مدیرعامل هم‌زمان رئیس هیأت مدیره نیز است کمتر از محافظه‌کاری حسابداری استفاده می‌کنند. شرکت‌هایی که حسابداری آنان توسط سازمان حسابداری انجام شده است میزان محافظه‌کاری حسابداری کمتر است.

**واژه‌های کلیدی:** مکانیزم‌های راهبری شرکتی، محافظه‌کاری حسابداری، دوگانگی نقش مدیرعامل، استقلال اعضای هیأت مدیره.

## مقدمه

این پژوهش به بررسی رابطه بین ساز و کارهای شرکتی<sup>۱</sup> و محافظه‌کاری حسابداری<sup>۲</sup> با توجه به نقش تعدیل‌کنندگی کیفیت حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌پردازد. تفکیک مالکیت و مدیریت می‌تواند منجر به دسترسی بیشتر مدیران به اطلاعات مربوط به عملیات شرکت و مدیریت آن شود. در ضمن، منبع اصلی اطلاعاتی اکثر فعالان بازار سرمایه (سهامداران)، گزارش‌های مالی منتشرشده از جانب مدیریت شرکت‌هاست که پیامد چنین شرایطی بروز تضاد منافع است. وجود مکانیزم‌های نظارتی و کنترلی جهت حفظ منافع سهامداران ضروری است. در این میان جهت حفظ منافع سهامداران، اصل محافظه‌کاری مطرح است. سهامداران همواره نگران نحوه اجرای اصول محافظه‌کاری حسابداری در برآوردهای مالی توسط مدیریت هستند؛ زیرا محافظه‌کاری اغلب منجر به حفاظت بهتر از سهامداران می‌شود. یکی از دلایل افزایش علاقه به محافظه‌کاری حسابداری این است که همه بخش‌های حسابداری توسط استانداردهای حسابداری تحت پوشش قرار نمی‌گیرد و بسیاری از حوزه‌های حسابداری نیاز به قضاوت‌های مدیران دارد که می‌تواند منجر به رفتار و تصمیم‌های محافظه‌کارانه گردد. بنابراین، سطح محافظه‌کاری حسابداری بستگی به تخمین‌های یک مدیر دارد (نصر و نتیم، ۲۰۱۸).

برای کنترل برآوردهای مدیران و حفظ گزارش‌های محافظه‌کارانه، مدیران باید با ایجاد تعدادی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی کنترل شوند؛ به عنوان مثال، حضور تعداد بیشتری مدیران غیرمؤلف در هیأت مدیره می‌تواند فرایند نظارت را افزایش دهد و مدیران، محافظه‌کاری بیشتری را در گزارشگری مالی اعمال کنند. محافظه‌کاری حسابداری، یکی از خصوصیات کیفی مرتبط با محتوای اطلاعات مالی است که به معنای کاربرد درجه‌ای از مراقبت در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام می‌باشد؛ به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نگردد؛ به عبارت دیگر، محافظه‌کاری حسابداری را می‌توان به عنوان گرایش حسابداری برای به‌کارگیری درجه بالاتری از تأییدپذیری برای شناسایی اخبار خوب در مقایسه با اخبار بد تعریف کرد.

در «مفاهیم نظری گزارشگری مالی» پیوست استانداردهای حسابداری ایران، محافظه‌کاری یا همان احتیاط این‌گونه تعریف شده است: «احتیاط عبارت است از کاربرد درجه‌ای از مراقبت که در اعمال قضاوت برای انجام برآورد در شرایط ابهام مورد نیاز است به گونه‌ای که درآمدها یا دارایی‌ها بیشتر از واقع و هزینه‌ها یا بدهی‌ها کمتر از واقع ارائه نشود». محافظه‌کاری حسابداری که به مشروط و نامشروط تقسیم می‌شود، منجر به نتایجی همچون بهبود کیفیت گزارشگری مالی، بازشناختن اهمیت تأییدپذیری و نقش تأییدپذیری نامتقارن در رفع برخی مشکلات و نیز کاهش احتمال بیش‌نمایی سود و پرداخت سود سهام تصفیه می‌شود. محافظه‌کاری حسابداری توسط راج و تیلور (۲۰۱۵) به عنوان "گرایش به استفاده از سیاست‌ها و روش‌ها برای کاهش ارزش دارایی‌های خالص با توجه به ارزش خالص اقتصادی آنها" تعریف شده است. به اختصار می‌توان بیان کرد که محافظه‌کاری محدودیتی است که توانایی و تمایل رفتار فرصت‌طلبانه در مدیران را کاهش می‌دهد و در جای خود به کاهش هزینه‌های نمایندگی در شرکت‌ها منجر می‌گردد. از طرف دیگر، نظام راهبری شرکت نیز با مکانیزم‌های خود می‌تواند از قدرت مدیران در پیگیری منافع شخصی بکاهد و با این کار، ارزش شرکت بین کلیه ذی‌نفعان شرکت به صورت مناسب توزیع شود. استنباط می‌شود در مواردی که ساختار نظام راهبری شرکت ضعیف است، برای کاهش عدم اطمینان، تقاضا برای محافظه‌کاری افزایش یابد و محافظه‌کاری به عنوان جانشین نظام راهبری شرکت عمل کند (چی، لیو، و وانگ، ۲۰۰۹). و در شرکت‌های با ساختار قوی در راهبری شرکت، به علت نظارت بیشتر بر مدیریت از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده شود (لیم، ۲۰۱۱). بنابراین، کیفیت نظام راهبری شرکت تأثیر بسزایی در میزان محافظه‌کاری به کار رفته در صورت‌های مالی دارد.

برخی پژوهش‌ها مانند احمد و هنری (۲۰۱۲) و الشاندیدی و حسنین (۲۰۱۴) نشان می‌دهند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی می‌توانند سطح محافظه‌کاری حسابداری را افزایش دهند. از سوی دیگر، برخی دیگر از پژوهش‌ها مانند چی، لیو، و

وانگ (۲۰۰۹) و لیم (۲۰۱۱) نشان می‌دهند که مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی از قبیل اندازه هیأت مدیره و استقلال هیأت مدیره می‌تواند محافظه‌کاری حسابداری را کاهش دهند. با این حال، پژوهش‌های قبلی تأکید می‌کند که مکانیزم‌های مؤثر حاکمیت شرکتی می‌تواند رفتار فرصت طلبانه مدیر را محدود کند. بنابراین آن‌ها را در گزارش‌های مالی خود محافظه‌کارتر می‌کند.

هدف اصلی این پژوهش، بررسی رابطه بین مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری است. متغیر مستقل حاکمیت شرکتی با معیار اندازه هیأت مدیره<sup>۱</sup>، استقلال اعضای هیأت مدیره<sup>۲</sup>، دوگانگی نقش مدیرعامل<sup>۳</sup> و متغیر تعدیل‌گر توسط نوع حسابرس<sup>۴</sup> اندازه‌گیری شده است و برای اندازه‌گیری متغیر وابسته محافظه‌کاری از مدل خان و واتس استفاده شده است. بیشتر پژوهش‌های صورت گرفته در مورد رابطه حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در کشورهای توسعه یافته (نه در کشورهای در حال توسعه) صورت گرفته است. نتایج پژوهش‌های قبلی نیز با هم در تناقض است؛ زیرا هر کدام از آنها برای بررسی محافظه‌کاری و حاکمیت شرکتی از معیارهای متفاوت استفاده کرده‌اند. در ایران نیز با توجه به وجود چندین روش قابل قبول حسابداری و آزادی عمل در انتخاب این روش‌ها، محافظه‌کاری توسط مدیریت وجود دارد؛ بنابراین، پژوهش در مورد محافظه‌کاری از این لحاظ که می‌تواند موجب درک بهتر مفهوم محافظه‌کاری شود، ضروری به نظر می‌رسد. سهم مقاله حاضر در دانش‌افزایی ادبیات موجود بدین صورت است که پژوهش حاضر در زمره محدود پژوهش‌های داخلی می‌باشد که به بررسی راهبری شرکتی پرداخته و با بررسی تجربی پیامدهای راهبری شرکتی، ادبیاتی را که ارتباط بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری را بررسی می‌کنند، در کشورهای در حال توسعه از جمله بازار سرمایه نوظهور ایران گسترش می‌دهد. این پژوهش می‌تواند موجب بسط مبانی نظری متون مرتبط با محافظه‌کاری و نظام راهبری و همچنین مشخص نمودن نوع رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران گردد. از این رو، پرسش اصلی این پژوهش آن است که چه رابطه‌ای بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران وجود دارد. رابطه بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری با کیفیت حسابرسی تعدیل می‌شود. در ادامه مقاله، با ارائه مبانی نظری، فرضیه‌های پژوهش تدوین شده و توضیح کاملی از نحوه اندازه‌گیری متغیرها داده شده است. سپس مدل پژوهش توضیح داده شده و نتایج و یافته‌های حاصل از اجرای مدل بیان گردیده است. درخاتمه مقاله نیز به ارائه پیشنهادها و محدودیت‌های پژوهش پرداخته شده است.

## مبانی نظری و پیشینه پژوهش

### تئوری نمایندگی

یکی از فرضیات اصلی تئوری نمایندگی<sup>۵</sup> این است که کارگزار و کارگزاران تضاد منافع دارند و این احتمال وجود دارد که مدیران ترجیح دهند منافع خود، مثل کسب بیشترین پاداش ممکن را دنبال کنند و توجهی به منافع بلندمدت سهامداران نداشته باشند. تئوری نمایندگی به عنوان یکی از قدیمی‌ترین نظریه‌ها در ادبیات مدیریت و اقتصاد در نظر گرفته می‌شود (دیلی، دالتون و راجاگوپالان، ۲۰۰۳؛ واسرمن، ۲۰۰۶). تئوری نمایندگی که اغلب در رابطه با مسائل حاکمیت شرکتی به کار می‌رود، نظریه‌ای است که مسائلی را که به دلیل جدایی مالکان و مدیران در بنگاه‌ها ایجاد می‌شود مورد بحث قرار می‌دهد و بر کاهش این مسئله تأکید می‌کند. این نظریه به پیاده‌سازی مکانیزم‌های مختلف حاکمیتی برای کنترل عملکرد نمایندگان در شرکت کمک می‌کند. در یک شرکت سهامی، مالکیت در اختیار افراد یا گروه‌هایی به شکل سهام است و این سهامداران (مالکان) این اختیار را به مدیران (نمایندگان) واگذار می‌کنند تا واحد تجاری را از طرف خود اداره کنند (جنسن و مک‌لینگ، ۱۹۷۶؛ راس، ۱۹۷۳)؛ اما مسئله اصلی این است که آیا این مدیران در جهت منافع مالکان کار می‌کنند یا در جهت منافع خودشان؟ بر اساس تئوری

1. Board size

2. Board independence

3. Separation of chairman and chief executive officer (CEO) roles or Chief executive officer duality

4. Auditor type

5. Agency theory



نمایندگی، مسئول دانستن مدیران در قبال کارهایی که انجام می‌دهند یکی از مسائل اصلی حاکمیت شرکتی است. نظریه پردازان تئوری نمایندگی معتقدند که مکانیزم‌های حکمرانی خوب می‌تواند به کاهش تعارض نمایندگی کمک کند.

### تئوری مباشرت

نظریه مباشرت<sup>۱</sup> به عنوان یک جایگزین (برخی ممکن است بگویند "مکمل") برای نظریه نمایندگی ارائه می‌شود. برخلاف نظریه نمایندگی که بر کنترل و تعارض تمرکز دارد، نظریه مباشرت بر همکاری و تشریک مساعی تاکید دارد (سانداراموتی و لوئیس، ۲۰۰۳). برخی از پژوهشگران استدلال کرده‌اند که نظریه مباشرت راهی جایگزین برای مفهوم‌سازی رابطه مدیر/نماینده ارائه می‌دهد و برای اعضای هیئت مدیره و مدیران شرکت‌ها به کار گرفته شده است. این نظریه وجود مشکلاتی را که توسط نظریه نمایندگی شناسایی شده و بر آنها متمرکز شده است رد می‌کند؛ نظریه مباشرت مانند تئوری نمایندگی تلاش می‌کند تا نقش و رفتار مدیران را در دستیابی به اهداف شرکت توضیح دهد (کریسمن و همکاران، ۲۰۰۷)؛ در حالی که، مانند نظریه نمایندگی اعتقاد دارد که نوعی از نمایندگی در محیط شرکت وجود دارد؛ تفاوت آن در این است که اساساً معتقد است که نمایندگان/مدیرانی که به عنوان مباشر عمل می‌کنند، نگران تقویت منافع اقتصادی خود نیستند، بلکه می‌خواهند به نفع شرکت خود عمل کنند و به گونه‌ای عمل خواهند کرد که به سودمندی جمعی/سازمانی به جای منافع شخصی منجر شود و در تلاش برای اهداف سازمانی، نیازهای شخصی آنها برآورده شود. بنابراین، بین منافع مدیر و شرکت همسویی وجود دارد. برخلاف نظریه نمایندگی، که همسو کردن منافع مدیران با منافع مالکان را یک نیاز می‌بیند، نظریه مباشرت، منافع مدیران را قبلاً (در زمان انتصاب مدیران) با منافع مدیران همسو می‌داند.

### راهبری شرکتی و محافظه‌کاری

پژوهش‌های مختلفی برای شناخت عوامل موثر بر محافظه‌کاری حسابداری انجام شده است. یکی از آنها مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی خوب است. ارتباط نزدیکی بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری وجود دارد (لیم، ۲۰۱۱). حاکمیت شرکتی به عنوان مجموعه‌ای از مکانیزم‌ها تعریف می‌شود که تضمین می‌کند دارایی‌های یک شرکت به روشی کارآمد مدیریت می‌شود (شلیفر و ویشنی، ۱۹۹۷)، زیرا مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، ابزاری برای حفظ اجرای محافظه‌کاری حسابداری و کاهش تعارض نمایندگی هستند. این نشان می‌دهد که وجود مکانیزم‌های قوی‌تر حاکمیت شرکتی، منجر به نظارت بهتر مدیران و در نتیجه تقاضای بالاتر برای محافظه‌کاری حسابداری می‌شود.

طبق نظر زلمیانتی (۲۰۱۴)، محافظه‌کاری حسابداری برای جلوگیری از رفتارهای مدیریت فرصت طلب مرتبط با قراردادهای که می‌تواند هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برساند استفاده می‌شود. محافظه‌کاری حسابداری و حاکمیت شرکتی به عنوان تلاشی برای ایجاد تعادل بین اقدامات فرصت طلبانه مدیریت با الزام به کاهش در اطلاعات نامتقارن انجام می‌شود. محافظه‌کاری یکی از ویژگی‌های اساسی صورت‌های مالی با کیفیت است؛ زیرا با تسهیل نظارت مؤثر بر مدیران و قراردادهای به عنوان بخشی از مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، قابلیت اطمینان صورت‌های مالی را افزایش می‌دهد (بال و شیواکومار، ۲۰۰۵؛ باسو، ۲۰۰۵). با توجه به این که محافظه‌کاری مستلزم شناسایی به موقع زیان است تا سود و اجتناب از برآورد بیش از حد ارزش شرکت؛ بنابراین ریسک ورشکستگی شرکت‌ها را کاهش می‌دهد (وانگ، ۲۰۰۹). چنین استنباط می‌شود که شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری شرکتی قوی به دلیل نظارت بیشتر بر مدیریت، از روش‌های محافظه‌کارانه بیشتری در گزارشگری استفاده کرده‌اند؛ در حالی که مدیران در شرکت‌ها با ساختار نظام راهبری ضعیف، انگیزه و مشوق‌های لازم برای گزارشگری به طور صحیح را نداشته و بالعکس انگیزه بیشتری برای رفتار فرصت طلبانه و جانبدارانه خواهند داشت. بر اساس این دیدگاه، نظارت بهتر توسط مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی، منجر به محافظه‌کاری بیشتر در صورت‌های مالی برای اطمینان از صحت اطلاعات مندرج در صورت‌های مالی و اطمینان از عدم انجام اقدامات یک‌جانبه مدیریت به نفع خویش می‌گردد.

...

**پیشینه تجربی**

حاجاویا و همکاران (۲۰۲۰) پژوهشی را با هدف تحلیل تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی خوب (مالکیت نهادی، مالکیت مدیریتی و مدیرعامل مستقل) بر محافظه‌کاری حسابداری با تأکید بر اهرم به عنوان متغیر تعدیل‌کننده انجام دادند. این پژوهش نشان می‌دهد که مالکیت نهادی و مدیرعامل مستقل، تأثیر مثبت معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارند؛ در حالی که مالکیت مدیریتی، تأثیر منفی معناداری بر محافظه‌کاری حسابداری دارد. اهرم، تأثیر مالکیت مدیریتی و مدیرعامل مستقل را بر محافظه‌کاری حسابداری تعدیل می‌کند. اما تأثیر مالکیت نهادی را بر محافظه‌کاری حسابداری تعدیل نمی‌کند. این پژوهش نتیجه می‌گیرد که مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی خوب می‌تواند روی عملکرد محافظه‌کاری حسابداری در شرکت تأثیر بگذارد. نصر و تیم (۲۰۱۸) در پژوهشی با عنوان "تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری" به بررسی تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری در کشور مصر پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که استقلال هیأت مدیره با محافظه‌کاری حسابداری رابطه معنادار مثبتی دارد. در مقابل، اندازه هیأت مدیره و نوع حسابرس با محافظه‌کاری حسابداری، رابطه معنادار منفی دارد؛ در حالی که جداسازی نقش رئیس و مدیرعامل در رابطه با حسابداری، محافظه‌کارانه نیست.

الشانیدی و حسنین (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری" به بررسی تأثیر اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیر عامل بر محافظه‌کاری در کشور بریتانیا پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که اندازه هیأت مدیره با محافظه‌کاری رابطه معنادار مثبتی ندارد اما استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش هیأت مدیره با محافظه‌کاری رابطه معنادار و مثبت دارد.

احمد و هنری (۲۰۱۲) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری" به بررسی رابطه بین حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری در کشور استرالیا پرداختند؛ نتایج پژوهش حاکی از آن است که بین اندازه هیأت مدیره، استقلال اعضای هیأت مدیره، کمیته حسابرسی و محافظه‌کاری، رابطه مثبت و معنی‌داری وجود دارد.

هو (۲۰۰۹) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و محافظه‌کاری در حسابداری" به بررسی رابطه بین ویژگی‌های هیأت مدیره و محافظه‌کاری پرداخت؛ نتایج این پژوهش نشانگر رابطه منفی بین نسبت اعضای مؤلف هیأت مدیره با محافظه‌کاری، رابطه منفی اندازه هیأت مدیره با محافظه‌کاری و استفاده هیأت مدیره‌های قوی از محافظه‌کاری در حسابداری بوده است.

هدف پژوهش جلیلی و اسعدی (۱۴۰۱) تأثیر مکانیسم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران می‌باشد؛ یافته‌های به دست آمده حاکی از آن است که متغیرهای اندازه هیأت مدیره، درصد مالکیت نهادی و میزان سهام شناور بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری دارند؛ در حالی که میزان درصد مالکیت هیأت مدیره بر محافظه‌کاری حسابداری اثر معناداری ندارد. درخشانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر سازوکار راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط" به بررسی تأثیر ساز و کارهای حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط طی دوره ۱۳۸۸ تا ۱۳۹۲ با استفاده از داده‌های ۱۲۵ شرکت از کشور ایران پرداخت؛ نتایج پژوهش نشان داد که مکانیسم‌های راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط تأثیر مثبت معنا داری دارد.

ناظمی اردکانی (۱۳۹۵) در پژوهشی با عنوان "تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی" به بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی طی دوره ۱۳۸۹ تا ۱۳۹۴ با استفاده از داده‌های ۹۰ شرکت از کشور ایران پرداخت؛ نتایج پژوهش نشان داد که اضافه نمودن متغیرهای حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری، تأثیری در ارتقای صحت پیش‌بینی عملکرد مالی در مدل‌های مبتنی بر شبکه‌های عصبی ندارند.

رشیدیان، پاک‌مرام، بیک زاده (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان "رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی" به بررسی رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی طی دوره ۱۳۸۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از داده‌های ۸۳ شرکت از کشور ایران پرداختند؛ نتایج پژوهش نشان داد که درصد مالکیت دولتی بر سطح محافظه‌کاری شرطی حسابداری تأثیر دارد و از بین

متغیرهای کنترلی وارد شده در مدل (اندازه شرکت و اهرم مالی)، اندازه شرکت رابطه مثبت با محافظه‌کاری شرطی داشته و اهرم مالی رابطه منفی با محافظه‌کاری شرطی حسابداری دارد. مرادزاده فرد، بنی مهد، دینداریزدی (۱۳۹۰) در پژوهش با عنوان "بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی" به بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی طی دوره ۱۳۸۳ تا ۱۳۸۸ با استفاده از داده‌های ۷۱ شرکت از کشور ایران پرداختند؛ نتایج پژوهش، بیانگر این مطلب است که به دلیل محدودیت پایین بودن حجم نمونه آماری و با توجه به مدل بال و شیوا کومار به تعداد مشاهدات زیاد و در طول دوره زمانی طولانی، مدل یاد شده در ایران از لحاظ آماری معنی دار نبوده و امکان استفاده از این روش در ایران در حال حاضر میسر نمی‌باشد. همچنین یافته‌های این تحقیق در خصوص ارتباط بین محافظه‌کاری و نظام راهبری شرکتی بیانگر وجود رابطه مثبت بین درصد مالکیت نهادی سهام و درصد اعضای غیرموظف هیأت مدیره و رابطه منفی بین تفکیک وظایف رئیس هیأت مدیره از مدیرعامل با محافظه‌کاری در شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران بوده است.

### فرضیه‌های پژوهش

در راستای دستیابی به اهداف پژوهش و پاسخگویی به سوال‌های پژوهش فرضیه‌های زیر تدوین می‌گردد:

فرضیه اول: بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه دوم: بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه سوم: بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

فرضیه چهارم: کیفیت حسابرسی، رابطه بین ساز و کار راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند.

### روش‌شناسی پژوهش

#### روش پژوهش

این پژوهش از لحاظ هدف، کاربردی و از لحاظ ماهیت، یک پژوهش توصیفی با تاکید بر روابط همبستگی است؛ زیرا از یک طرف وضع موجود را بررسی می‌کند و از طرف دیگر، رابطه بین متغیرهای مختلف را با استفاده از تحلیل رگرسیون، تعیین می‌نماید. علاوه بر این، در حوزه مطالعات پس‌رویدادی (استفاده از اطلاعات گذشته) قرار می‌گیرد و مبتنی بر اطلاعات واقعی صورت‌های مالی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران و سایر اطلاعات واقعی است که با روش استقرایی به کل جامعه آماری قابل تعمیم خواهد بود.

داده‌های مورد نیاز جهت محاسبه متغیرهای پژوهش، از بانک‌های اطلاعاتی استخراج شده است. در صورت ناقص بودن داده‌های موجود در بانک‌های اطلاعاتی، به آرشیوهای دستی موجود در کتابخانه سازمان بورس اوراق بهادار و سایت اینترنتی مدیریت پژوهش، توسعه و مطالعات اسلامی سازمان بورس اوراق بهادار مراجعه گردید. پس از جمع‌آوری داده‌هایی که برای انجام تحقیق مورد نیاز است، انتخاب ابزاری مناسب به منظور محاسبه و تجزیه و تحلیل اطلاعات مربوط به متغیرها اهمیت خاصی دارد. به منظور انجام محاسبات و آماده نمودن داده‌ها به اطلاعات مورد نیاز تحقیق و همچنین تجزیه و تحلیل آنها، از نرم‌افزارهای *Excel* و *Eviews9* استفاده شده است.

### جامعه و نمونه آماری

در پژوهش حاضر برای تعیین نمونه آماری، از روش حذف سیستماتیک استفاده شده است؛ بدین منظور آن دسته از شرکت‌های جامعه آماری که شرایط زیر را دارا باشند به عنوان نمونه آماری انتخاب و مابقی حذف می‌شوند. (۱) سال مالی شرکت منتهی به تاریخ پایان اسفند ماه هر سال باشد و شرکت طی دوره مورد بررسی تغییر سال مالی نداده باشد. (۲) شرکت‌های تحت بررسی جزو شرکت‌های سرمایه‌گذاری، هلدینگ، واسطه‌گری مالی و بیمه نباشند. (۳) اطلاعات و داده‌های آنها در دسترس باشد. (۴) معاملات سهام شرکت به طور مداوم در بورس اوراق بهادار تهران صورت گرفته باشد و توقف معاملاتی بیش از سه

...

ماه نداشته باشد. با توجه به شرایط و محدودیت‌های فوق، از بین شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران در مجموع ۱۰۴ شرکت به عنوان نمونه آماری پژوهش انتخاب شده است.

### اندازه‌گیری متغیرهای پژوهش

**متغیر وابسته - محافظه‌کاری (CONS):** محافظه‌کاری مشروط، محافظه‌کاری است که توسط استانداردهای حسابداری الزام شده است. یعنی شناخت به موقع زیان در صورت وجود اخبار بد (بازده منفی سهام) و نامطلوب و عدم شناخت سود در مواقع وجود اخبار خوب (بازده مثبت سهام) و مطلوب؛ مثلاً کاربرد قاعده اقل بهای تمام شده یا خالص ارزش فروش در ارزیابی موجودی کالا، نوعی محافظه‌کاری مشروط است. به این نوع محافظه‌کاری، محافظه‌کاری سود و زیانی و یا محافظه‌کاری گذشته نگر می‌گویند. باسو (۱۹۷۷) محافظه‌کاری را الزام به داشتن درجه بالاتری از تایید برای شناخت اخبار خوب مانند سود، در مقابل شناخت اخبار بد مانند زیان تعریف می‌نماید؛ این تعریف، محافظه‌کاری را از دیدگاه سود و زیانی توصیف می‌نماید که نشان‌دهنده محافظه‌کاری مشروط می‌باشد. این تعریف با توجه به مطالعات انجام شده در بازار سرمایه توسط تحقیق لاوا و ساها مورد تأیید قرار گرفته است. همچنین تفسیر قراردادی و حقوقی از تفاسیر محافظه‌کاری منجر به اعمال محافظه‌کاری مشروط می‌شود (ناظمی اردکانی، ۱۳۹۵).

خان و واتس (۲۰۰۹) برای سنجش محافظه‌کاری شرطی مدل باسو را بسط دادند؛ آنان معتقدند که محافظه‌کاری حسابداری و وقوع اخبار بد به ویژگی‌های داخلی هر شرکت بستگی دارد. در این مدل، اخبار خوب با شاخص  $G-Score$  و اخبار بد با شاخص  $C-Score$  مشخص می‌شوند که هر یک به سه متغیر توضیحی اندازه شرکت، نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن و نسبت اهرم مالی بستگی دارد:

$$E_t/P_t = \beta_0 + \beta_1 RET + \beta_2 D_t + \beta_3 \times D_t \times RET_t + \varepsilon_{it} \quad (۱)$$

$$G - SCORE = \beta_1 = \mu_0 + \mu_1 SIZE + \mu_2 M/B + \mu_3 LEV \quad (۲)$$

$$C - SCORE = \beta_3 = \gamma_0 + \gamma_1 SIZE + \gamma_2 M/B + \gamma_3 LEV \quad (۳)$$

مدل (۱) همان مدل باسو است. در معادله‌های (۲) و (۳) متغیر  $SIZE$  از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام شرکت، متغیر  $M/B$  از طریق نسبت ارزش بازار حقوق صاحبان سهام به ارزش دفتری آن و  $LEV$  از طریق نسبت بدهی‌ها به دارایی‌ها محاسبه می‌شوند. متغیر  $D$  بیانگر متغیر مجازی یا ساختگی مدل می‌باشد. این متغیر، زمانی که بازده سهام منفی باشد ارزش یک و در صورتی که بازده سهام مثبت باشد ارزش صفر را به خود می‌گیرد. در مرحله بعد، برابری‌های (۲) و (۳) به جای ضرایب  $\beta_1$  و  $\beta_2$  در مدل باسو (۱) واقع شده و مدل خان و واتس به صورت زیر شکل می‌گیرد:

$$E_{i,t}/P_{i,t} = \beta_0 + RET_{i,t}(\mu_0 + \mu_1 SIZE_{i,t} + \mu_2 M/B_{i,t} + \mu_3 LEV_{i,t}) \quad (۴)$$

$$+ \beta_2 D_{i,t} + D_{i,t} \times RET_{i,t}(\gamma_0 + \gamma_1 SIZE_{i,t} + \gamma_2 M/B_{i,t} + \gamma_3 LEV_{i,t})$$

$$+ \delta_1 + \delta_2 SIZE_{i,t} + \delta_3 M/B_{i,t} + \delta_4 LEV_{i,t} + \delta_5 D_{i,t} \times SIZE_{i,t}$$

$$+ \delta_6 D_{i,t} \times M/B_{i,t} + \delta_7 D_{i,t} \times LEV_{i,t} + \varepsilon_{i,t}$$

برای سنجش محافظه‌کاری در میان شرکت‌های نمونه، باید ابتدا مدل (۴) را با استفاده از داده‌های مقطعی سالانه برای هر شرکت و به روش رگرسیون دو مرحله‌ای فاما و مکبث برآورد نمود و پارامترهای حاصل از میانگین ضرایب را -در برآوردهای

مختلف- محاسبه کرد. سپس، مقادیر محاسبه شده برای  $\lambda_i$ ها در معادله (۳) قرار داده شود و شاخص محافظه‌کاری برای هر شرکت محاسبه گردد. هرچه شاخص *C-Score* برای شرکت بالاتر باشد، محافظه‌کاری نیز بالاتر خواهد بود.

**متغیر مستقل - حاکمیت شرکتی (CG):** حاکمیت شرکتی مجموعه‌ای از قوانین و روش‌هاست که رابطه بین سهامداران، مدیریت و اعضای هیأت‌مدیره را تعریف می‌کند و بر چگونگی عملکرد شرکت تأثیر می‌گذارد. برای محاسبه حاکمیت شرکتی از معیارهای مختلفی استفاده می‌شود. با این وجود چندین معیار نسبت به سایر معیارها کاربرد بیشتری دارد که در ادامه به آن اشاره می‌شود.

**اندازه هیأت‌مدیره (BSIZE):** تعداد اعضای هیأت‌مدیره بیانگر اندازه هیأت‌مدیره است. تعداد اعضای هیأت‌مدیره از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**استقلال اعضای هیأت‌مدیره (NXD):** برای اندازه‌گیری این متغیر از نسبت تعداد مدیران غیر مؤلف<sup>۱</sup> به تعداد کل اعضای هیأت‌مدیره استفاده شده است. تعداد مدیران غیر مؤلف از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**دوگانگی نقش مدیر عامل (CEOD):** اگر مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره نیز باشد به این وضعیت دوگانگی نقش مدیرعامل گفته می‌شود؛ در صورتی که در شرکتی مدیرعامل، رئیس یا نایب رئیس هیأت‌مدیره نیز باشد، از متغیر مجازی یک و چنانچه مدیرعامل رئیس یا نایب رئیس هیئت‌مدیره نباشد متغیر مجازی صفر می‌پذیرد. عضویت یا عدم عضویت مدیر عامل در هیأت‌مدیره از گزارش‌های هیأت‌مدیره به مجامع عادی سالیانه استخراج شده است.

**متغیر تعدیلگر - کیفیت حسابرسی (AUDIT):** برای تعیین کیفیت حسابرسی از معیار " نوع حسابرس " یا همان " اندازه مؤسسه حسابرسی " به صورت متغیر مجازی استفاده شده است. در این پژوهش، سازمان حسابرسی به عنوان مؤسسه بزرگ و دارای اعتبار و شهرت و در مقابل سایر موسسات حسابرسی (موسسات حسابرسی عضو جامعه حسابداران رسمی)- که اندازه آنها نسبت به سازمان حسابرسی کوچکتر است- به عنوان موسسات دارای اعتبار و شهرت پایین در نظر گرفته شده است. در صورتی که حسابرس شرکت صاحب‌کار طی دوره پژوهش، سازمان حسابرسی بوده است، مقدار متغیر مجازی اندازه مؤسسه حسابرسی برابر با یک و در غیر این صورت مقدار آن برابر صفر در نظر گرفته شده است.

**متغیرهای کنترلی:** براساس پژوهش‌های پیشین، جهت کنترل تأثیر برخی از متغیرها بر متغیر وابسته، از متغیرهای کنترلی زیر استفاده شده است (احمد و دالمن، ۲۰۰۷؛ چی و همکاران، ۲۰۰۹؛ کولینان و همکاران، ۲۰۱۲).

**اندازه شرکت (FSIZE):** معیار اندازه شرکت<sup>۲</sup> در پایان سال است و بر اساس لگاریتم طبیعی کل دارایی‌های شرکت محاسبه می‌شود. شرکت‌های بزرگتر به علت وجود حساسیت‌های سیاسی بیشتر، محافظه‌کاری بیشتری اعمال می‌نمایند (تئوری هزینه سیاسی). از این‌رو، اندازه شرکت می‌تواند تأثیر مستقیمی بر محافظه‌کاری شرکت‌ها داشته باشد. انتظار می‌رود رابطه مثبت وجود داشته باشد.

**رشد شرکت (SALESGR):** معیار فرصت رشد شرکت در پایان سال است و از حاصل تقسیم تغییرات فروش سال جاری نسبت به سال قبل بر فروش سال قبل به دست می‌آید. رشد فروش<sup>۳</sup>، اقلام تعهدی نظیر موجودی و حسابهای دریافتی و به تبع آن جریان‌های نقدی عملیاتی را تحت تأثیر قرار داده و باعث کاهش محافظه‌کاری می‌گردد. انتظار می‌رود رابطه منفی وجود داشته باشد.

1 . Non-executive directors

2 . Firm size

3 . Sales growth

...

- **اهرم مالی (LEV):** از تقسیم ارزش دفتری کل بدهی‌ها بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها، اهرم<sup>۱</sup> مالی به دست می‌آید. افزایش نسبت بدهی که در نتیجه افزایش هزینه بهره به وجود می‌آید می‌تواند منجر به ارائه سود پایین‌تر و در نتیجه ارائه محافظه‌کاری بیشتر گردد. انتظار می‌رود رابطه مثبت وجود داشته باشد.

- **سودآوری شرکت (PROF):** معیار سودآوری<sup>۲</sup> شرکت است و از تقسیم سود خالص بعد از کسر مالیات بر درآمد فروش شرکت به دست می‌آید. افزایش نرخ بازه فروش - که در نتیجه افزایش سود به وجود می‌آید - می‌تواند منجر به ارائه سود بالاتر و در نتیجه ارائه محافظه‌کاری کمتر گردد. انتظار می‌رود رابطه منفی وجود داشته باشد.

### مدل‌های آماری پژوهش

به منظور بررسی رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته پژوهش از مدل رگرسیون چند متغیره به روش داده‌های ترکیبی استفاده شده است. مدل به کار رفته در روش رگرسیونی چند متغیره جهت آزمون فرضیه‌ها به صورت زیر تدوین شده است.

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 NED_{it} + \beta_3 CEOD_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_j Control\ Variables_{it} + \varepsilon_{it} \quad (5)$$

$$CONS_{it} = \beta_0 + \beta_1 BSIZE_{it} + \beta_2 NED_{it} + \beta_3 CEOD_{it} + \beta_4 AUDIT_{it} + \beta_5 BSIZE \times AUDIT_{it} + \beta_6 NED \times AUDIT_{it} + \beta_7 CEOD \times AUDIT_{it} + \sum_{j=1}^4 \beta_j Control\ Variables_{it} + \varepsilon_{it} \quad (6)$$

### یافته‌های پژوهش

#### تحلیل توصیفی

در نگاره (۱) برخی از مفاهیم آمار توصیفی متغیرها، شامل میانگین، میانه، حداکثر مشاهدات، حداقل مشاهدات و انحراف معیار ارائه شده است؛ نتایج نشان می‌دهد که در شرکت‌های مورد بررسی، میانگین متغیر محافظه‌کاری برابر با ۷/۴۰ است و هرچه مقدار شاخص محافظه‌کاری شرکتی بیشتر از میانگین باشد، محافظه‌کاری در صورت‌های مالی شرکت بیشتر خواهد بود و هرچه مقدار شاخص محافظه‌کاری شرکتی کمتر از میانگین باشد، محافظه‌کاری در صورت‌های مالی شرکت کمتر خواهد بود. آمارهای توصیفی برای اندازه هیأت مدیره نشان می‌دهد که حداکثر تعداد اعضای هیأت مدیره ۸ و حداقل تعداد اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها ۳ نفر است. علاوه بر آن، میانگین درصد استقلال اعضای هیأت مدیره ۰/۵۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین ۵۵ درصد اعضای هیأت مدیره شرکت‌ها مستقل هستند. میانگین متغیر دوگانگی نقش مدیر عامل ۰/۵۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین در ۵۵ درصد شرکت‌ها مدیر عامل، سمت رئیس هیأت مدیره را نیز دارد. میانگین متغیر نوع حسابرس ۰/۲۵ است و نشان می‌دهد که به طور میانگین ۲۵ درصد شرکت‌ها توسط سازمان حسابرسی، حسابرسی شده‌اند. میانگین متغیر اندازه شرکت ۶/۱۶ و میانگین متغیر سودآوری ۰/۲۴ و میانگین متغیر اهرم مالی ۰/۶۲ و میانگین متغیر رشد فروش ۳۹/۰۷ است.

1 . Leverage

2 . Profitability

نگاره ۱. آمار توصیفی متغیرهای پژوهش

نام متغیر	نماد	میانگین	میان	حداکثر	حداقل	انحراف معیار	آماره j-b	احتمال	
محافظه‌کاری حسابداری	CONS	۰/۰۹۵	۱/۳۰۱	۴/۰۵۳	-۵/۰۳۵	۰/۹۴۸	۲/۳۲۲	۰/۳۷۱	
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	۵/۶۷۸	۵	۷	۵	۰/۵۹۰	۱/۳۲۳	۰/۴۳۴	
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	۰/۶۵۰	۰/۶۰۰	۱	۰	۰/۳۳۵	۵/۹۸۴	۰/۲۶۷	
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	۰/۵۵۰	۱	۱	۰	۰/۵۰۰	۸/۶۷۵	۰/۱۴۵	
نوع حسابرس	AUDIT	-۰/۲۵۵	۰	۱	۰	۰/۴۳۰	۱/۲۸۰	۰/۴۴۰	
اندازه شرکت	FSIZE	۶/۱۶۶	۶/۱۵۵	۸/۲۸۲	۴/۵۶۵	۰/۵۷۵	۹/۷۸۷	۰/۰۸۷	
سودآوری	PROF	-۰/۱۲۱	۰/۱۱۲	۰/۳۹۸	-۰/۱۰۲	۰/۱۳۲	۲/۱۱۹	۰/۳۸۸	
اهرم مالی	LEV	-۰/۶۲۵	۰/۶۳۴	۲/۲۲۰	-۰/۰۱۲	۰/۲۶۹	۷/۷۴۰	۰/۱۹۱	
رشد فروش	SALESGR	۰/۱۳۹	۰/۱۱۹	۱/۲۵۶	-۰/۱۶۸	۰/۳۷۳	۳/۵۳۲	۰/۳۱۱	
نام متغیر	نماد	نوع طبقه	فراوانی	درصد					
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	مدیرعامل رئیس هیأت مدیره هست	۲۸۵	۵۴/۸۱۰					
		مدیرعامل رئیس هیأت مدیره نیست	۲۳۵	۴۵/۱۹۰					
نوع حسابرس	AUDT	حسابرسی توسط سازمان حسابرسی	۱۲۸	۲۴/۶۲۰					
		حسابرسی توسط سایر موسسات	۳۹۲	۷۵/۳۸۰					

تحلیل همبستگی

با انجام آزمون همبستگی به بررسی ارتباط ابتدایی بین متغیرها (تحلیل تک متغیره) می‌پردازیم و با توجه به نتایج نگاره (۲) می‌توان گفت بین متغیرها ارتباط وجود دارد و می‌توان به بررسی دقیق‌تر این روابط پرداخت. به منظور محاسبه ضریب همبستگی متغیرهای پژوهش از ضریب همبستگی پیرسون استفاده می‌شود. بین اندازه هیأت مدیره و استقلال اعضای هیأت مدیره، همبستگی معادل ۰/۱۶- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین اندازه هیأت مدیره و رشد فروش، همبستگی معادل ۰/۱۰- با معناداری کمتر از ۵ درصد وجود دارد. بین استقلال اعضای هیأت مدیره و دوگانگی نقش مدیر عامل، همبستگی معادل ۰/۱۵- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین استقلال اعضای هیأت مدیره و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۹- با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین دوگانگی نقش مدیر عامل و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۴ با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین نوع حسابرس و اندازه شرکت، همبستگی معادل ۰/۲۵ با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد. بین نوع حسابرس و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۰ با معناداری کمتر از ۵ درصد وجود دارد. بین اندازه شرکت و اهرم مالی، همبستگی معادل ۰/۱۵ با معناداری کمتر از ۱ درصد وجود دارد.

نگاره ۲. ضریب همبستگی بین متغیرهای پژوهش

نماد	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)	(۷)	(۸)	(۹)
(۱) CONS	۱								
(۲) BSIZE	-۰/۰۴۱	۱							
(۳) NXD	۰/۰۰۱	-۰/۱۶۶***	۱						
(۴) CEOD	-۰/۰۱۱	۰/۰۵۴	-۰/۱۵۱***	۱					
(۵) AUDIT	-۰/۰۰۲	-۰/۰۴۵	-۰/۰۴۲	۰/۰۷۱	۱				
(۶) FSIZE	-۰/۰۰۳	-۰/۰۱۱	۰/۰۲۵	۰/۰۳۲	۰/۲۵۱***	۱			
(۷) PROF	-۰/۰۰۴	۰/۰۳۴	-۰/۰۲۵	۰/۰۳۲	۰/۰۰۸	۰/۰۰۷	۱		
(۸) LEV	-۰/۰۵۲	-۰/۰۴۲	-۰/۱۹۱***	۰/۱۴۱***	۰/۱۰۱**	۰/۱۵۱***	-۰/۰۴۴	۱	
(۹) SALESGR	۰/۰۰۵	-۰/۱۰۱**	۰/۰۲۲	۰/۰۳۵	۰/۰۳۵	۰/۰۲۲	۰/۰۰۶	۰/۰۱۱	۱

\*\*\*بیانگر معناداری در سطح ۰،۱۰، ۵، ۱ درصد است

...

### مانایی متغیرهای پژوهش

یک متغیر، وقتی ملناست که میانگین، واریانس و کواریانس آن در طول زمان ثلث باقی‌بماند. نتایج آزمون ملنایی در نگاره (۳) درج گردیده است. براساس آزمون‌ها چون مقدار احتمال همه متغیرها کمتر از ۵ درصد بوده است، همه متغیرهای مستقل، وابسته و کنترلی در دوره پژوهش در سطح پایا بوده‌اند. همان‌گونه که در نگاره (۳) ملاحظه می‌شود همه متغیرها مانا هستند و نیازی به آزمون هم‌جمعی وجود ندارد. بنابراین مشکل رگرسیون کاذب در ضرایب برآوردی وجود نخواهد داشت. در رگرسیون کاذب، معناداری ضرایب به صورت کاذب است.

نگاره ۳. آزمون مانایی متغیرهای پژوهش - آزمون فیلیپس پرون

نام متغیر	نماد	آماره	احتمال	نتایج
محافظه‌کاری حسابداری	CONS	-۲۲/۶۸۱	۰/۰۰۰	مانا
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	-۲۱/۹۰۲	۰/۰۰۰	مانا
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	-۲۰/۷۰۹	۰/۰۰۰	مانا
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	-۳۶/۸۵۸	۰/۰۰۰	مانا
نوع حسابرس	AUDIT	-۲۲/۹۹۷	۰/۰۰۰	مانا
اندازه شرکت	FSIZE	-۲۳/۰۳۶	۰/۰۰۰	مانا
سودآوری	PROF	-۲۲/۵۶۵	۰/۰۰۰	مانا
اهرم مالی	LEV	-۲۱/۸۴۹	۰/۰۰۰	مانا
رشد فروش	SALESGR	-۲۲/۶۴۳	۰/۰۰۰	مانا

### هم‌خطی بین متغیرهای توضیحی پژوهش

هم‌خطی به معنای وجود رابطه شدید بین متغیرهای مستقل و کنترلی موجود در مدل می‌باشد. در صورت وجود هم‌خطی، ضرایب برآوردی الگو دارای خطای معیار بالایی خواهد بود و در نتیجه این مسأله باعث می‌شود که تعداد متغیرهای معنی‌دار در معادله کاهش یابد. در حالت وجود هم‌خطی علی‌رغم عدم معنی‌داری ضرایب، ضریب تعیین مدل بزرگ خواهد شد و این نتایج متناقض دارای تورش و عدم کارایی خواهد بود. معیار عامل تورم واریانس نشان می‌دهد که واریانس ضرایب مدل در حالت وجود هم‌خطی نسبت به حالت نبود هم‌خطی، تا چه میزان متورم شده است. وقتی که شاخص تورم واریانس کمتر از ۱۰ باشد، نشان‌دهنده عدم وجود هم‌خطی می‌باشد. نتایج حاصل از این آزمون نشان می‌دهد که میزان تورم واریانس متغیرهای مستقل و کنترلی در مدل‌های پژوهش در حد مجاز خود قرار داشته و لذا از این بابت مشکلی وجود ندارد.

### تحلیل چند متغیره

به منظور آزمون فرضیه‌ها از نتایج تخمین مدل‌های ارلئه شده در نگاره (۴) با رویکرد داده‌های ترکیبی و از الگوی اثرات تصادفی استفاده شده است. و نتایج آن در نگاره (۴) ارائه گردیده است.

معناداری آماره فیشر در مدل اول و دوم کمتر از ۵ درصد است و نشان می‌دهد که مدل‌ها معنادار هستند. ضریب تعیین تعدیل شده در مدل اول بیان می‌کند که متغیرهای مستقل مدل حدود ۹۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کنند و ضریب تبیین تدی شده مدل دوم ۹۱ درصد است. مقدار آماره دوربین-واتسون در مدل اول و دوم نیز نشان می‌دهد که بین باقیمانده‌های مدل‌ها مشکل خودهمبستگی سریالی وجود ندارد؛ بنابراین، برای آزمون فرضیه‌های پژوهش می‌توان به نتایج برآورد مدل‌ها اتکا نمود. مقادیر عامل تورم واریانس (در مقاله ارائه نشده است) هر دو مدل (کمتر از ۱۰) نیز نشان می‌دهد که بین متغیرهای مستقل مدل هم‌خطی وجود ندارد.



نگاره ۴. نتایج تخمین مدل‌های پژوهش

نام متغیر	نماد	مدل اول	مدل دوم
مقدار ثابت	C	-۰/۴۴۵** (-۲/۵۱۵)	-۰/۴۶۵** (-۲/۶۹۱)
اندازه هیأت مدیره	BSIZE	۰/۰۳۳ (۱/۷۴۲)	۰/۰۵۵ (۱/۷۹۲)
استقلال اعضای هیأت مدیره	NXD	-۰/۱۸۱*** (-۳/۰۳۱)	-۰/۲۱۱** (-۳/۱۵۲)
دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD	-۰/۰۶۵** (-۲/۳۵۲)	-۰/۰۸۴** (-۲/۸۰۱)
نوع حسابرسی	AUDIT	-۰/۰۸۱*** (-۲/۸۹۱)	-۰/۰۹۲*** (-۲/۹۹۲)
نوع حسابرسی*اندازه هیأت مدیره	BSIZE*AUDIT	-	-۰/۰۳۳ (-۱/۷۴۵)
نوع حسابرسی*استقلال هیأت مدیره	NXD*AUDIT	-	-۰/۰۱۱* (-۱/۹۸۱)
نوع حسابرسی*دوگانگی نقش مدیر عامل	CEOD*AUDIT	-	-۰/۰۲۵* (-۱/۹۹۲)
اندازه شرکت	FSIZE	۱/۱۴۱*** (۵۱/۷۸۵)	۱/۱۷۸*** (۵۴/۰۳۵)
سودآوری	PROF	-۰/۰۱۱ (-۱/۵۸۲)	-۰/۰۴۵ (-۱/۶۹۵)
اهرم مالی	LEV	۱/۱۱۴*** (۱۸/۴۱۱)	۰/۴۹۹ (۱/۴۵۵)
رشد فروش	SALESGR	۳/۱۵۱*** (۵/۱۱۲)	۲/۱۰۱*** (۳/۰۱۱)
ضریب تعیین تعدیل شده		۰/۹۰۱	۰/۹۱۲
دوربین- واتسون		۱/۶۵۵	۱/۷۰۱
آماره F		۵۷۷/۶۰۱***	۵۰۷/۵۰۲***

\*\*\* بیانگر معناداری در سطح ۱۰، ۵، ۱ درصد است

**فرضیه اول:** بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر اندازه هیأت مدیره بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۸) بیشتر از سطح خطای ۱۰ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد.

**فرضیه دوم:** بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر استقلال هیأت مدیره بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۰) حسابداری کوچکتر از خطای ۱ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین استقلال هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد با استناد به ضریب تأثیر این متغیر در مدل پژوهش، که در جهت منفی (۰/۱۸-) به‌دست آمده شواهد حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. یعنی افزایش (کاهش) استقلال اعضای هیأت مدیره موجب کاهش (افزایش) میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. از این‌رو فرضیه پژوهش در سطح خطای ۱ درصد پذیرفته می‌شود.

**فرضیه سوم:** بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد.

باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر دوگانگی مدیر عامل بر روی محافظه‌کاری حسابداری (۰/۰۲) کوچکتر از خطای ۵ درصد به‌دست آمده است؛ می‌توان نتیجه گرفت که بین دوگانگی مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد با استناد به ضریب تأثیر این متغیر در مدل پژوهش، که در جهت منفی (۰/۰۶-) به‌دست آمده شواهد حاکی از رابطه معکوس و معنادار بین دوگانگی مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌باشد. یعنی افزایش (کاهش) دوگانگی نقش مدیر عامل موجب کاهش (افزایش) میزان محافظه‌کاری حسابداری می‌شود. از این‌رو فرضیه پژوهش در سطح خطای ۵ درصد پذیرفته می‌شود.

**فرضیه چهارم:** کیفیت حسابرسی رابطه بین ساز و کار راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند؛ باتوجه به سطوح معناداری به‌دست آمده از آزمون معناداری ضرایب رگرسیونی پژوهش مشاهده می‌شود که سطح معناداری اثر تاملی اندازه هیأت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی و اثر تاملی استقلال هیأت مدیره و اندازه مؤسسه حسابرسی و اثر تاملی دوگانگی نقش مدیر عامل و اندازه مؤسسه حسابرسی بر محافظه‌کاری حسابداری (کوچکتر از سطح خطای ۱۰

...

درصد به‌دست آمده است. می‌توان نتیجه گرفت که کیفیت حسابداری رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری حسابداری را تعدیل می‌کند.

### بحث و نتیجه‌گیری

در این پژوهش تأثیر کیفیت حسابداری بر رابطه بین راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۹۵ تا ۱۳۹۹ بررسی شده است. نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌ها (شواهد پژوهش) نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر اندازه هیأت مدیره قرار نگرفته است. در نتیجه بین اندازه هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود ندارد؛ مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵) و موافق با پژوهش الشانیدی و حسنین (۲۰۱۴) است.

نتایج نشان می‌دهد که تعداد اعضای هیأت مدیره در شرکت‌های ایران، عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی نیست. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر استقلال اعضای هیأت مدیره قرار گرفته است؛ در نتیجه بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد؛ شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین استقلال اعضای هیأت مدیره و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵) است.

نتایج نشان می‌دهد که تعداد اعضای مستقل هیأت مدیره در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است و هیأت مدیره با مدیران غیرمؤلف بالاتر تمایل دارند که محافظه‌کاری حسابداری کمتری را در گزارشگری خود بخواهند. از دیدگاه تئوری نمایندگی، حضور مدیران غیرمؤلف و مستقل در هیأت مدیره شرکت‌ها و عملکرد نظارتی آنان به‌عنوان افرادی مستقل به کاهش تضاد منافع میان سهامداران و مدیران شرکت کمک شایانی می‌کند؛ با توجه به نتایج پژوهش، مدیران غیرمؤلف نقش نظارتی فعالی بر عملکرد شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران داشته و در این شرکت‌ها به دلیل کنترل و نظارت مدیران غیر اجرایی، محافظه‌کاری کاهش یافته است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر دوگانگی نقش مدیر عامل قرار گرفته است؛ در نتیجه بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین دوگانگی نقش مدیر عامل و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، مغایر با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و درخشانی (۱۳۹۵)، نتایج نشان می‌دهد که دوگانگی نقش مدیر عامل در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعیین میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. در نتیجه با تفکیک وظیفه مدیرعامل از رئیس هیأت مدیره، محافظه‌کاری در شرکت‌ها کاهش پیدا کرده است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که محافظه‌کاری حسابداری تحت تأثیر نوع حسابرس قرار گرفته است. در نتیجه بین نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری رابطه معناداری وجود دارد. شواهد به‌دست آمده از بررسی فرضیه مزبور بیانگر وجود رابطه معکوس بین نوع حسابرس و میزان محافظه‌کاری حسابداری است، موافق با پژوهش نصر و تتیم (۲۰۱۸) و مغایر با پژوهش درخشانی (۱۳۹۵) است.

نتایج نشان می‌دهد که انتخاب سازمان حسابداری در شرکت‌های ایران عامل مهمی در تعدیل رابطه بین ساز و کارهای راهبری شرکتی و میزان محافظه‌کاری در گزارشگری مالی است. در نتیجه صاحب‌کاران دارای حسابرس از سازمان حسابداری از محافظه‌کاری کمتری استفاده می‌کنند. لازم به ذکر است وجود تفاوت در حجم نمونه پژوهش، تفاوت در ساختار شرکت‌های مورد مطالعه، به‌کارگیری شاخص‌ها و معیارهای متفاوت اندازه‌گیری متغیرها، تفاوت در استانداردها و قواعد تهیه اطلاعات دو کشور و تفاوت در شرایط اقتصادی و سیاسی دو کشور می‌تواند از دلایل تناقض نتایج پژوهش حاضر با نتایج سایر پژوهشگران باشد. از این‌رو تعمیم تئوری‌های پشتوانه نتایج به‌دست آمده به محیط ایران (بازارهای نوظهور) باید با تامل بیشتری انجام گیرد؛ زیرا ممکن است نتایج به‌دست آمده ناشی از عواملی باشند که خاص بازارهای ایران هستند.

نتایج پژوهش حاضر دارای کاربردهایی است؛ این پژوهش با نشان دادن این که محافظه‌کاری حسابداری پیامدهای اقتصادی برای سهامداران از طریق کانال راهبری شرکتی دارد، به ادبیات مدیریت و حسابداری مالی کمک می‌کند. نتایج پژوهش برای سیاست‌گذارانی که نگران پیامدهای عدم اجرای صحیح راهبری شرکتی در شرکت‌ها هستند، می‌تواند جالب باشد. نتایج پژوهش می‌تواند ایده‌های جدیدی برای انجام پژوهش‌های جدید در نظام راهبری شرکتی و محافظه‌کاری حسابداری نیز پیشنهاد نماید. پژوهش حاضر پیامدهای متعددی برای استانداردها، مدیران شرکت‌ها و هیئت مدیره دارد. برای استانداردها، محافظه‌کاری حسابداری باید به‌عنوان یک ابزار نظارتی احتیاطی اضافی برای کاهش اعمال مدیریت و در نتیجه بهبود کیفیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شود. مدیران شرکت‌ها می‌توانند روش‌های حسابداری محافظه‌کارانه را برای جلوگیری از هرگونه شکست مالی آینده و خطرات دادخواهی در نتیجه افشای گزارش‌های مالی تحریف‌شده، اجرا کنند. برای هیئت مدیره، افزایش ویژگی‌های خاص مدیران هیئت مدیره باید هزینه‌های نمایندگی را کاهش دهد و کارایی کلی شرکت را بهبود بخشد.

این پژوهش دارای چندین محدودیت است، دوره مطالعه بسیار کوتاه است و محافظه‌کاری حسابداری فقط بر اساس یک مدل اندازه‌گیری شده است و همچنین از تمام ساز و کارهای راهبری شرکتی استفاده نشده است. به پژوهشگران آتی نیز پیشنهاد می‌شود که از دوره زمانی طولانی‌تری استفاده نمایند و از معیارهای دیگر راهبری شرکتی و یا از روش‌های دیگر محاسبه محافظه‌کاری استفاده نمایند.

### منابع

جلیلی، مونا و اسعدی، عبدالرضا (۱۴۰۱). اثر مکانیزم‌های حاکمیت شرکتی بر محافظه‌کاری حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، ۱۴(۵۶)، ۲۰۷-۲۲۲.

درخشانی، محمود (۱۳۹۵). بررسی تأثیر ساز و کار راهبری شرکتی بر محافظه‌کاری مشروط. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۶(۳)، ۵۱-۷۲.

رشیدیان، مینا، پاک‌مرام، عسگر و بیک‌زاده، جعفر (۱۳۹۳). رابطه بین مالکیت دولتی و محافظه‌کاری شرطی حسابداری در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. فصلنامه پژوهش حسابداری، ۴(۲)، ۶۱-۷۹.

مرادزاده فرد، مهدی، بنی‌مهدی، مهدی و دینداری‌زادی، مهدی (۱۳۹۰). بررسی رابطه بین محافظه‌کاری حسابداری و نظام راهبری شرکتی. مجله حسابداری مدیریت، ۴(۸)، ۸۹-۱۰۲.

ناظمی‌اردکانی، مهدی (۱۳۹۵). بررسی تأثیر حاکمیت شرکتی و محافظه‌کاری بر توان پیش‌بینی مدل‌های ورشکستگی مبتنی بر شبکه‌های عصبی. پژوهش‌های تجربی حسابداری، ۵(۴)، ۱۳۲-۱۱۳.

Ahmed, A. S., & Duellman, S. (2007). Accounting conservatism and board of director characteristics: An empirical analysis. *Journal of accounting and economics*, 43(2), 411-437.

Ahmed, K., & Henry, D. (2012). Accounting conservatism and voluntary corporate governance mechanisms by Australian firms. *Accounting & Finance*, 52(3), 631-662.

Ball, R., & Shivakumar, L. (2006). The role of accruals in asymmetrically timely gain and loss recognition. *Journal of accounting research*, 44(2), 207-242.

Basu, S. (1997). The conservatism principle and the asymmetric timeliness of earnings 1. *Journal of accounting and economics*, 24(1), 3-37.

Basu, S. (2005). Discussion of "Conditional and Unconditional Conservatism: Concepts and modeling". *Review of Accounting Studies*, 10, 311-321.

Chi, W., Liu, C., & Wang, T. (2009). What affects accounting conservatism: A corporate governance perspective. *Journal of contemporary accounting & economics*, 5(1), 47-59.

Chrisman, J. J., Chua, J. H., Kellermanns, F. W., & Chang, E. P. (2007). Are family managers agents or stewards? An exploratory study in privately held family firms. *Journal of Business research*, 60(10), 1030-1038.

Cullinan, C. P., Wang, F., Wang, P., & Zhang, J. (2012). Ownership structure and accounting conservatism in China. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 21(1), 1-16.

- ...  
Daily, C. M., Dalton, D. R., & Rajagopalan, N. (2003). Governance through ownership: Centuries of practice, decades of research. *Academy of Management Journal*, 46(2), 151–158.
- Derakhshani, M. (2016). Investigating the Impact of Corporate Governance Mechanism on Contingent Conservatism. *Journal of Accounting Research*, 6(3), 51-72. (in persian)
- Hajawiyah, A., Wahyudin, A., Kiswanto, Sakinah, & Pahala, I. (2020). The effect of good corporate governance mechanisms on accounting conservatism with leverage as a moderating variable. *Cogent Business & Management*, 7(1), 1779479.
- Ho, J. A. (2009). Association between board characteristics and accounting conservatism: Empirical evidence from Malaysia (Doctoral dissertation, Auckland University of Technology).
- Jalili, M., & Asadi, A. R. (1401). The effect of corporate governance mechanisms on accounting conservatism in companies listed on the Tehran Stock Exchange. *Accounting and auditing research*, 14(56), 207-222. (in persian)
- Jensen, M., & Meckling, W. (1976). Theory of the firm: Managerial behavior, agency costs, and ownership structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360.
- Khan, M., & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48(2-3), 132-150.
- Lim, R. (2011). Are corporate governance attributes associated with accounting conservatism? *Accounting & Finance*, 51(4), 1007-1030.
- Moradzadeh Fard, M., Bani Mahd, M., & Dindar yazdi, M. (2011). Investigating the Relationship between Accounting Conservatism and Corporate Governance. *Journal of Management Accounting*, 4(8), 89-102. (in persian)
- Nasr, M. A., & Ntim, C. G. (2018). Corporate governance mechanisms and accounting conservatism: evidence from Egypt. *Corporate Governance: The International Journal of Business in Society*, 18(3), 386-407.
- Nazemi Ardakani, M. (2016). Investigating the Impact of Corporate Governance and Conservatism on the Predictability of Neural Network-Based Bankruptcy Models. *Journal Empirical Accounting Research*, 5(4), 113-132. (in persian)
- Rashidian, M., Pak Maram, A, & Beikzadeh, J. (2014). The Relationship between State Ownership and Conditional Accounting Conservatism in Companies Listed in Tehran Stock Exchange. *Journal of Accounting Research*, 4(2), 61-79. (in persian)
- Ross, S. (1973). The economic theory of agency: The principal's problem. *American Economic Review*, 63(2), 134–139.
- Shleifer, A., & Vishny, R. W. (1997). A survey of corporate governance. *The journal of finance*, 52(2), 737-783.
- Sundaramurthy, C., & Lewis, M. (2003). Control and collaboration: Paradoxes of governance. *Academy of management review*, 28(3), 397-415.
- Wang, Z. R. (2009). „Accounting Conservatism “, Victoria University of Wellington (Doctoral dissertation, doktorski rad).
- Wasserman, N. (2006). Stewards, agents, and the founder discount: Executive compensation in new ventures. *Academy of Management Journal*, 49(5), 960–976.
- Zelmiyanti, R. (2014). Perkembangan Penerapan Prinsip Konservatisme dalam Akuntansi. *JRAK: Jurnal Riset Akuntansi dan Komputerisasi Akuntansi*, 5(1), 50-55.